بسم الله الرحمن الرحیم

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان

شماره پیاپی ۵۲

شاپای چاپی:۶۱۱۶-۲۶۷۶ شاپای الکترونیکی: ۶۱۲۴ -۲۶۷۶ سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

مدیر مسؤول: ناصر نبی‌زاده **سردبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی**

مدیر داخلی: حامد رضایی **کارشناس اجرایی: مهین زرنگ**

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی	استادیار جامعه شناسی دانشگاه بیرجند
۲. دکتر حبیب‌اله احمدی	استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
۳. دکتر بی‌بی اقدس اصغری	استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
۴. دکتر محمد بهنام‌فر	استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
۵. دکتر محمدعلی بیدختی	استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
۶. دکتر هادی پورشافعی	دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
۷. دکتر محمدتقی راشد محصل	استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۸. دکتر مفید شاطری	استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی	دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک	استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی	دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
۱۲. دکتر جواد میکانیکی	دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار ادبی: دکتر عباس واعظزاده **ویراستار فنی:** سیدنورالله نصراللهی

مترجم و ویراستار انگلیسی: الهه توشه **امور فنی:** انتشارات چهاردرخت

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال **شمارگان:** ۱۰۰۰

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی- هنری افق هزاره سوم کویر

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۳۲۳۲۳۳۹۳-۰۵۶ دورنگار: ۳۲۳۲۳۲۷۷-۰۵۶

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

وبگاه: http://Farhangekhorasan.ir

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- **دکتر بی‌بی اقدس اصغری**	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- **دکتر محمدجواد اصغری ابراهیم آباد**	استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
- **دکترعاطفه آجری آیسک**	استادیار دانشگاه بیرجند
- **دکتر سمیرا پور**	استادیار دانشگاه بیرجند
- **دکتر هادی پورشافعی**	دانشیار دانشگاه بیرجند
- **دکتر محمدعلی رستمی نژاد**	استادیار دانشگاه بیرجند
- **دکتر مفید شاطری**	استادیار دانشگاه بیرجند
- **دکتر محمدعلی طالبی**	استادیار دانشگاه پیام‌نور بیرجند
- **دکتر جواد میکانیکی**	دانشیار دانشگاه بیرجند
- **اکرم ناصری**	مربی دانشگاه بیرجند
- **دکتر محمد ولی‌پور**	استادیار دانشگاه فرهنگیان بیرجند

به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴
کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه **"مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"** حائز درجه علمی – ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی ww.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه‌پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیر فارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح ۳۰۰ dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". فرهنگ خراسان جنوبی، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکـانیکی، واد (۱۳۸۹). *"اثـرات مهـاجرت‌هـای روسـتایی بـر سـاختار جمعیتـی و ناپایـداری سکونتگاه‌های روستایی"*. در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صـفوی". پایـان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده] .

۷- ۶- وب گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). «شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی». [پیوسته] قابل دسترس در:

http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html.[۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسـنده بـر روی صـفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسـنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفـت و در صـورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیـب تـاریخ دریافـت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی در شهر بیرجند
محمدباقر آخوندی، فاطمه لک ۱

عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد
میلاد پوررجبی، علی‌اکبر مجدی ۳۵

بررسی کارکرد وقف علمی و رفاه اجتماعی در دارالایتام شادمهر
فاطمه رضایی مکی ۶۱

بررسی مقایسه‌ای رابطه تولید زعفران، تعاون و یاریگری در روستاهای خراسان جنوبی
غلامعلی مرادی، اصغر محمدی، اسماعیل جهانبخش ۹۱

رابطه مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی، با توجه به میانجی‌گری چابکی سازمانیِ کارکنان آموزش و پرورش
سمیه مزگی‌نژاد، هادی پورشافعی، زهرا بوشادی ۱۱۷

محمد ادیب، بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین
سیدنورالله نصراللهی ۱۴۳

بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی در شهر بیرجند

محمدباقر آخوندی[۱]
فاطمه لک[۲]

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۲ سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳ شماره صفحه: ۱- ۳۴

چکیده

رضایت زناشویی، مقوله‌ای بسیار مهم و اساسی در پایداری خانواده است. افزایش نرخ بی‌سابقه طلاق چندساله اخیر در شهر بیرجند، نشان‌دهنده نقاط ضعف درون خانواده‌ها و تغییرات در سبک زندگی زناشویی است. هدف این مطالعه پیمایشی، بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی زوجین ساکن شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷ است و این سؤال در ذهن محقق به‌وجود می‌آید که سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی و برون گروهی چه رابطه‌ای با رضایت از زندگی زناشویی در شهر بیرجند دارند؟ و متغیرهای زمینه‌ای هرکدام به چه میزان با رضایت از زندگی زناشویی رابطه دارند؟ روش تحقیق، پیمایشی، جامعه آماری، خانوارهای ساکن شهر بیرجند، و نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۶ نفر انتخاب شدند. در راستای پیشبرد تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده‌شده، و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی مناسب، تحلیل رگرسیون چند متغیره و... در نرم‌افزار SPSS 22 استفاده شده‌است. یافته‌ها حاکی از آن است، که در ازای هر واحد تغییر در سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی، رضایت زناشویی، به میزان ۰/۴۷ افزایش می‌یابد و در ازای هر واحد تغییر در سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری، رضایت

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند akhondi@birjand.ac.ir
۲. کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، نویسنده مسؤول fateme.lak1372@gmail.com

زناشویی به میزان ۰/۳۴ افزایش می‌یابد. در مجموع، ۵۹٪ تغییرات رضایت زناشویی توسط متغیرهای اصلی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری، درون‌گروهی شناختی و برون‌گروهی ساختاری تعیین می‌شوند. آزمون‌های برازش مدل نیز، نشان از نیکویی مدل و قابل تعمیم بودن از نمونه آماری به جامعه آماری را دارند. در نهایت مقدار Kmo ۰/۹۵ و مقدار مناسب آزمون بارتلت در سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده برازش مدل تحقیق و قابلیت تعمیم نمونه آماری به جمعیت عاملی تحقیق است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رضایت از زندگی زناشویی، اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی

مقدمه و بیان مسأله

خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است، که از دید ادیان مختلف به‌عنوان نهادی مهم و غیرقابل جایگزین تلقی می‌شود (روحانی، ۱۳۹۰: ۸). قرآن کریم (روم: ۲۱)، هدف خانواده را تأمین آرامش روحی و جسمانی زوجین از طریق روابط دوستانه و ایثارگرانه می‌داند. به‌طور طبیعی، چنانچه خانواده‌ای سالم باشد، سلامت جامعه نیز تا حدود زیادی تأمین خواهد شد. رضایت زوجین که نتیجه آرامش در خانواده است، عامل استحکام و ثبات خانواده بوده و تحکیم خانواده، مستلزم رابطه زناشویی سالم و پایدار است. خانواده مکانی برای مودت و وحدت زن و شوهر است و برای آن‌ها بهترین فرصت را برای این صمیمیت و همدلی و از طرفی، افزایش تعهدات اخلاقی و جسمانی و روانی به وجود می‌آورد (بنی‌فاطمه و طاهری تیمورلویی، ۱۳۸۸: ۸).

وندورف[1] رضایتمندی زناشویی را منطبق بودن رفتار زناشویی زوج و تفاهم و همدلی آنها با هم، رابطه صمیمانه منطقی با تفاهم و ارضای نیاز مادی و معنوی زن و مرد می‌داند (زارع و صفیاری جعفرآباد، ۱۳۹۴: ۱۱۲). عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از منظر برادبری[2]، فینچام[3] و بیچ[4] شامل رفتارهای تعاملی، مهارت ارتباطی، سبک حل مسأله و تعارض، میزان عشق بین زوج، کیفیت روابط

1. Vandurf
2. Bradbery
3. Fincham
4. Beach

جنسی بین زوج، سبک دل‌بستگی زوج، صمیمیت، تعهد، شناخت، عاطفه، الگوهای رفتاری، حمایت اجتماعی، خشونت، استرس‌های زندگی و تغییر منفی رفتار همسر است (اولیاء، فاتحی‌زاده و بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۱).

نظریه پردازان علوم اجتماعی، خانواده را سنگ بنای سرمایه اجتماعی می‌دانند و خانواده، اصلی‌ترین شکل سرمایه اجتماعی است، که در بوجود آمدن و ارتقا سرمایه اجتماعی نقش اساسی دارد. فوکویاما، خانواده را منبع مهم سرمایه اجتماعی به شمار می‌آورد (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۹). سرمایه اجتماعی، مجموعه منابع با ارزشی است که در ذات روابط اجتماعی گروه‌های نخستین و ثانوی وجود دارد. برخی از این ذخایر ارزشمند شامل: اعتماد، احترام، حفظ ارزش‌های اخلاقی، تعاون و همکاری، مسؤولیت‌پذیری، مشارکت و مهارت‌های ارتباطی است. از طرفی سرمایه اجتماعی، افراد خانواده را به آرامش فرا می‌خواند (قلی‌زاده و اسماعیلیان اردستانی، ۱۳۹۳: ۳۸). تحول سرمایه اجتماعی بین زوجین ایرانی که تأثیر گرفته از جریان نوگرایی است، بیشتر از هر چیزی در روابط زن و مرد مشاهده می‌شود. کاهش سرمایه اجتماعی با بی‌اعتمادی میان زن و شوهران همراه بوده و فشارها و بیماری‌های روحی و روانی همچون افسردگی و اضطراب را افزایش داده است (توکل، معیدفر و مقصودی، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱۷۱). عدم مشارکت در تصمیم‌گیری در امور منزل نیز، زمینه اختلاف زناشویی را ایجاد می‌کند (گنجی و سامانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۳). ارتباط بین افراد، لازمه زندگی کردن است و در صورت نبود تعامل، زندگی پایان می‌یابد. افراد با کمک ارتباط داشتن با دیگران، زنده مانده و به رشد و تعالی می‌رسند و سعادتمندی آنها با پیوند با دیگران، معنا می‌یابد (شعاع کاظمی، ۱۳۸۹: ۵۸).

این موضوع به این جهت اهمیت دارد، که اگر زن و مرد در خانواده مورد حمایت عاطفی و روانی همدیگر قرار نگیرند، اعتماد بین آن‌ها کاهش می‌یابد، و فضای استرس‌زا و متشنجی در خانواده حاکم می‌شود که نتیجه بروز بحران‌های عاطفی، خشونت، افسردگی، پریشانی و اضطراب آن‌ها است. در این شرایط افراد به‌راحتی از ادامه زندگی منصرف و طلاق را به‌عنوان راه حلی منطقی برمی‌گزینند. البته کسانی که از ریختن آبروی خویش ترسانند، یا آینده فرزندانشان برایشان مهم‌تر است دچار نوع دیگری از طلاق (عاطفی) می‌شوند، که گرچه به‌صورت رسمی ثبت نمی‌گردد، اما به

اندازه طلاق رسمی تبعات و خساراتی به همراه دارد. در این صورت است که اهمیت وجود سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها درون خانواده، بیش از پیش نمایان می‌شود.

بر اساس گزارش منتشر شده از سوی دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی، ثبت طلاق در استان خراسان جنوبی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ همواره روند صعودی داشته است، در صورتی‌که در بعضی سال‌ها رشد ثبت طلاق در استان با سال‌های مختلف، متفاوت بوده است. با بررسی روند عمومی طلاق نیز، شاهد افزایش این شاخص طی سال‌های اخیر از ۱/۳ در سال ۱۳۹۱ به ۱/۶ در سال ۱۳۹۵ بوده‌ایم (صفری، ۱۳۹۶: ۱۰-۱۱). در ۵۶٪ از طلاق‌های ثبت‌شده، طول زندگی مشترک بین زوجین کمتر از ۵ سال بوده است (همان: ۱۷). طبق گزارش مدیر سازمان ثبت احوال خراسان جنوبی ۶۰٪ طلاق‌ها در خراسان جنوبی، توافقی است. غنی‌فر و دیگران در مقاله‌ای با عنوان "بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی و اضطراب در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان بیرجند" که در سال ۱۳۹۱ انجام شد نشان دادند، بین رضایتمندی زناشویی و اضطراب، رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش در اضطراب زوجین، رضایت زناشویی آنها کاهش می‌یابد، و افراد با تحصیلات بالاتر از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بودند.

کاهش رضایت زناشویی، انتقال فرهنگی و ارزش‌های خانوادگی را به نسل‌های بعدی با مشکل روبه‌رو می‌کند. علت اهمیت بررسی مبحث فوق به این جهت است تا رضایت زناشویی و عوامل اثرگذار آن سنجیده شود، و مشکلات و تعارض زناشویی به بحران تبدیل نشده و خانواده را به قهقهرا نکشاند. عدم بررسی این موضوع در استان خراسان جنوبی باعث می‌گردد، که راهکارهای قابل ملاحظه‌ای در خصوص این موضوع مطرح نشود، و عواقب بحران‌زایی را برای خانواده و خصوصاً زوجین به همراه داشته باشد. از طرفی مطالعات انجام گرفته در حوزه نارضایتی از زندگی زناشویی و ناسازگاری زوجین عادی یا طلاق گرفته از بین خانواده‌هایی انتخاب‌شده‌است، که در اثر نارضایتی از زندگی زناشویی به دادگاه خانواده مراجعه کرده‌اند. درصورتی‌که عده زیادی از زوجین ممکن است از ترس آبرو یا عاقبت خود و فرزندان به دادگاه خانواده جهت گرفتن حق طبیعی خود مراجعه نکنند. هرچند رضایتمندی زناشویی، جزو موضوعاتی شناخته می‌شود که تحقیقات عمده‌ای در خصوص آن صورت گرفته است، اما نکته مهم در بررسی تحقیق حاضر، ارتباط سرمایه اجتماعی با

رضایتمندی زناشویی است، که تا به‌حال به‌عنوان یک موضوع حائز اهمیت با توجه به افزایش طلاق و کاهش رضایتمندی زناشویی در بیرجند، مورد توجه قرار نگرفته است. در پایان این سؤال در ذهن محقق به‌وجود می‌آید که آیا سرمایه اجتماعی رابطه‌ای با رضایت زناشویی دارد؟ و اگر رابطه دارد نوع و میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (ساختاری و شناختی) و برون‌گروهی (ساختاری)، هر کدام چه رابطه‌ای با رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند دارند؟

هدف کلی پژوهش

هدف این تحقیق پیمایشی، بررسی رابطه‌ی سرمایه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷ است.

اهداف جزئی

- شناخت رابطه‌ی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی (اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی و سلامت روانی زوجین) و رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند؛
- شناخت رابطه‌ی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری (صمیمیت با همسر، مشارکت با همسر) و رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند؛
- شناخت رابطه‌ی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری (روابط فرد در شبکه‌های برون‌گروهی و حمایت اجتماعی خانواده پدری) و رضایت از زندگی زناشویی زوجین شهر بیرجند؛
- شناخت رابطه‌ی رضایت از زندگی زناشویی و متغیرهای زمینه‌ای (از جمله: سن، میزان تحصیلات، نوع اشتغال، مدت زمان زندگی مشترک و میزان درآمد ماهیانه).

فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی (اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی و سلامت روانی زوجین) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با

این پیش‌فرض که هر چه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.

- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری (صمیمیت با همسر و مشارکت با همسر) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این پیش‌فرض که هر چه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری (روابط زوجین در شبکه-های برون‌گروهی و حمایت اجتماعی خانواده پدری) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این پیش‌فرض که هر چه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.
- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات، نوع اشتغال، میزان درآمد ماهیانه خانواده و مدت زمان زندگی مشترک زوجین) و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه‌های تحقیق

جدول۱) پیشینه‌های تحقیق

عنوان تحقیق	نام محقق و سال انتشار	روش تحقیق و خلاصه یافته‌ها
نقش واسطه صمیمیت در رابطه بین الگوهای ارتباطی و کیفیت زندگی زناشویی شهرستان مرودشت	برزگر و سامانی (۱۳۹۵)	روش تحقیق: پیمایش، پرسشنامه حجم نمونه :۳۰۲ نفر (۱۶۲ زن و ۱۴۱ مرد) کیفیت زندگی زوجین، تحت تأثیر مستقیم الگوهای ارتباطی زوجین از راه واسطه‌گری صمیمت است و با افزایش صمیمیت در میان زوجین، تأثیر الگوهای مخرب توقع زن و مرد بر کیفیت رابطه زناشویی کمتر شده و تأثیر الگوهای سازنده ارتباط بیشتر می‌شود و بالعکس.

بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی در زوجین شهر کرمان	توکل، معیدفر و مقصودی (۱۳۹۰)	روش تحقیق: پیمایشی، ابزار تحقیق: پرسشنامه حجم نمونه : ۳۸۲ نفر از زوجین شهرکرمان سرمایه اجتماعی با سلامت روانی زوجین همبستگی معناداری دارد و هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر رود، سلامت روانی بیشتر شده و از میزان اضطراب و افسردگی و پرخاشگری زوجین کاسته خواهد شد.
مقایسه رضایت زناشویی هوش اخلاقی و رابطه آن با عدم تعهد اخلاقی در مردان شهر تهران	قزوینی و دیگران (۱۳۹۴)	روش تحقیق: پیمایشی، نمونه‌گیری: هدفمند بین رضایت زناشویی در مردان پیمان‌شکن و پای‌بند به تعهد اخلاقی تفاوت معناداری وجود دارد و رضایت زناشویی و هوش اخلاقی نقش مهمی در عدم پای بندی به تعهد اخلاقی مردان دارد.
مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار	عسگری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰)	نمونه آماری: ۳۰۰ زن (۱۵۰ شاغل و ۱۵۰ خانه‌دار) رضایت از زندگی زنان شاغل از زنان خانه‌دار و رضایت جنسی زنان خانه‌دار از زنان شاغل بیشتر است. درحالی‌که دو گروه ازنظر تعهد زناشویی تفاوتی با یکدیگر ندارند.
تعیین رابطه‌ی تعهد زناشویی و رضایت جنسی در زوجین شهرستان شهرضا	شاه‌سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸)	حجم نمونه مقاله مذکور شامل ۴۲ زوج (۸۴ نفر) است. بین تعهد زناشویی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است.
رابطه سبک‌های عشق (صمیمت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزادشهر اهواز	مشاک (۱۳۸۹)	حجم نمونه: ۱۲۰ نفر دانشجوی زن و مرد دانشگاه آزادشهر بین عشق و سبک‌های آن (صمیمت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ با بالارفتن میزان صمیمیت و تعهد زناشویی، رضایت زناشویی نیز به میزان قابل‌توجهی بالا می‌رود.

سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی ویتنام و رضایتمندی زنان خانه دار در برخورد با آن (ویتنام)	Thi tuong Anh & Quynh (2015)	روش تحقیق: پیمایشی (مشارکت ۳۶۴۸ زن خانه دار روستایی در ۱۲ ایالت). نتایج رگرسیون سرمایه اجتماعی را به‌عنوان عنصر لازم، برای رضایت زناشویی در جامعه تایید کرد. همه متغیرهای ارائه شده سرمایه اجتماعی، به جز اعتماد عمومی، تحت تاثیر مثبت رشد رضایت زناشویی زنان خانه دار هستند. بنابراین سرمایه اجتماعی در طول رشد اقتصادی، مهمترین عاملی است که می تواند در افزایش رضایت زنان خانه دار موثر باشد.
نقش اعتماد در رضایت زناشویی بین زوجین دارای یک شغل و دو شغل در پاکستان	Mohsin, et al. (2013)	(نمونه‌ای از ۱۴۰ زوج:۷۰ زوج دارای یک شغل و ۷۰ زوج دارای ۲ شغل) گروه سنی ۲۵ تا ۶۱ سال. تحلیل رگرسیون چندگانه اعتماد در رضایت زناشویی زوجین دارای یک شغل و دو شغل را به ترتیب اثبات کرد.
فهم رضایتمندی زناشویی و تیپ زوجین در کارکرد انتظارات و روابط آن‌ها در شهر شوت وست	Kelley & Burgoon (1991)	بین رضایت زناشویی با مقدار ارتباط افراد، اختلاف معنی‌دار مثبتی وجود دارد. از طرفی اختلاف روابط افراد، رضایت زناشویی را بهتر از همانندی انتظارات بین زوجین، پیش‌بینی می‌کنند؛ اما تفاوت کمی بین انواع زوجین درباره انتظارات روابط نشان داده‌شده‌است.
افسردگی، رضایت زناشویی و ارتباطات در زوجین: بررسی تفاوتهای جنسیتی زوجین سوئیسی	Gabriel, Beach & Bodenman (2010)	مقاله پژوهشی، اختلافات در مشاهده ارتباطات زناشویی را در یک نمونه از ۶۲ زوج سوئیسی در طرز رفتار را نشان داد. نتایج تحقیق نشان داد، تعاملات زناشویی به جنسیت، افسردگی، رنج زناشویی و زندگی با شریک افسرده بستگی دارد.
تاثیر بخشش، قدردانی و تداوم زناشویی در رضایت زناشویی در زنان جنوب جاکارتا	Yusuf & Latifa (2017)	نمونه تحقیق:۲۴۷ زن جنوب جاکارتا و ۵۰ زن در آستانه درخواست طلاق. نتیجه تحقیق رابطه بخشش و قدردانی را با رضایت زناشویی ثابت کرد. اما رابطه انگیزه خیرخواهی و تداوم زناشویی، در رابطه با رضایت زناشویی ثابت نشد.

نقد و تحلیل پیشینه‌ها

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، با توجه به مرور پیشینه‌های رضایت زناشویی، در تمامی پیشینه‌ها به برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی پرداخته شده‌است. مانند پژوهش قزوینی و دیگران (۱۳۹۴)؛ عسکری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰) و شاه‌سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸) که تنها به بررسی تعهد اخلاقی زوجین پرداخته‌اند. در پیشینه‌های خارجی نیز، مانند پیشینه مربوط به پاکستان که به اعتماد زناشویی، کلی و بورجون که به روابط زناشویی و گابریل و بودنمن که به افسردگی و زناشویی پرداخته‌اند، تنها بخشی از ابعاد وسیع سرمایه اجتماعی را در ارتباط با رضایت زناشویی مد نظر قرار داده‌اند. در حالی‌که در پژوهش حاضر، به ابعاد ساختاری و شناختی درون‌گروهی و برون‌گروهی سرمایه اجتماعی شامل (اعتماد، تعهد، سلامت روانی، مشارکت، صمیمیت، روابط در شبکه‌های برون‌گروهی و حمایت خانواده پدری از زوجین) پرداخته شده‌است.

مبانی نظری

جیمز کلمن[1]: سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که ۲ ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در صورت عدم وجود آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد. کارکردی که به‌وسیله سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود، ارزش جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی[2] برای کنشگرانی است که به‌منزله منابع کنشگران می‌توانند برای تحقق علائقشان از آن‌ها استفاده کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲، ۴۶۵). کاربرد عمده مفهوم سرمایه اجتماعی به این واقعیت بستگی دارد که سرمایه اجتماعی محصول فرعی فعالیت‌هایی است که برای مقاصد دیگری صورت می‌گیرد (همان: ۴۷۸). یکی از مواردی که اهمیت اعتماد را به‌عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی

1. Games kolman
2. Social structure

نشان می‌دهد، نظام اعتماد متقابل است. مثال افراطی چنین نظامی زوجی هستند که هر یک از آن‌ها اعتماد زیادی به دیگری دارد. خواه عاشق یکدیگر باشند، خواه نباشند، برای هر دو در این رابطه ارزش روانی فوق‌العاده‌ای دارد. هر یک می‌تواند به دیگری اطمینان کند، تردیدهای روانی را آشکار سازد، با دیگری رک و راست باشد، مسائل حساس را مطرح کند و همه این‌ها را بدون ترس از سوء استفاده دیگری از اعتماد او انجام دهد (همان: ۴۶۹). با توجه به نظر جیمز کلمن در مورد سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تعهد اجتماعی، بعد شناختی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ابعاد تعلقات اجتماعی و تعاملات اجتماعی، بعد ساختاری را سنجش می‌کنند. منظور از بعد شناختی، وجود میزانی از اعتماد، تعهد اجتماعی و سایر عناصر چون صداقت، همبستگی درون‌گروهی، میزان زمان باهم بودن، انتقادپذیری و ... است که شامل کیفیت روابط اجتماعی بین همسران است. در حالی‌که در بعد ساختاری، کمیت روابط اجتماعی و شبکه اجتماعی فرد سنجیده می‌شود، که عضویت فرد در گروه، میزان همکاری، تنوع فعالیت‌های جمعی، تعداد افرادی که فرد را می‌شناسند، انواع ارتباطات، شعاع ارتباطات، تعداد و اندازه شبکه‌های اجتماعی فرد، مورد سنجش قرار می‌گیرند (شربتیان، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

نان‌لین[1]: نان لین سرمایه اجتماعی را به‌مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند، که با کنش‌های هدفمند قابل‌دسترسی است. وی منابع نهفته و موقعیت‌های شبکه‌ای را دو عنصر مفهومی مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و برای سرمایه‌گذاری افراد در روابط شبکه‌های اجتماعی سه گونه بازدهی سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی را مطرح می‌کند. لین، سپس انواع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، برون گروهی و نهادی را جایگزین قیود پیوندی، آوندی و هم‌آوندی کرد و به نقش این سرمایه‌ها در سلامت روانی اشاره کرد. لین معتقد است که این سه مفهوم در عدم افسردگی و مبتلا شدن به بیماری روانی نقش مهمی دارند. زیرا باعث افزایش احساس کنترل بر زندگی روزمره می‌شوند که پیامد آن احساس خوشبختی و آسودگی خیال است. با توجه به این قیود می‌توان نقش سرمایه اجتماعی (درون‌گروهی، برون‌گروهی و نهادی) را در

1. Lyyn

سلامت روانی افراد مورد ارزیابی قرارداد. وی معتقد است که این سه مفهوم در عدم افسردگی و مبتلا نشدن به بیماری روانی نقش مهمی دارند (علیوردی‌نیا، شارع‌پور و ورمزیار، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

نظریه فوکویاما[1]: سرمایه اجتماعی نمونه ملموسی از هنجار غیررسمی است، که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. هنجارهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی، می‌توانند از هنجار روابط متقابل دو دوست تا آموزه‌های پیچیده‌ای را در برگیرند، که به‌طور مشروح بیان شده‌اند. این هنجارها در روابط بالفعل آدمیان و روابط متقابل بالقوه در روابطی که با همه مردم داریم وجود دارند. ولی فقط در روابط با دوستانمان از قوه به فعل درمی‌آیند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۰). چنین نیست که هر مجموعه‌ای از هنجارهایی با مصداق عینی، به تشکیل سرمایه اجتماعی بینجامد؛ این هنجارها باید به [ایجاد و افزایش] همکاری در گروه بینجامند و لذا با فضایل سنتی چون درستکاری، وفای به عهد، قابل‌اعتماد بودن در انجام وظیفه، روابط متقابل و نظایر این‌ها مرتبط‌اند (همان: ۱۷۰). فرانسیس فوکویاما به ارتباط سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی اشاره مستقیم داشته و یکی از راه‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحرافات اجتماعی از قبیل جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، خشونت‌های خانوادگی مثل (همسر آزاری، کودک‌آزاری، سالمند آزاری، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی، خودکشی و سایر مشکلات اجتماعی) معرفی می‌کند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶).

برادبری، فینچام و بیچ: در خصوص عوامل مؤثر بر رضایتمندی زناشویی برادبری، فینچام و بیچ این عوامل را به دودسته تقسیم کرده‌اند: الف) فرآیندهای میان فردی که بین زوجین اتفاق می‌افتد و شامل رفتارهای تعاملی، مهارت‌های ارتباطی، سبک‌های حل مسأله و تعارض کوشش‌های مقابله‌ای، میزان عشق میان زوجین، کیفیت رابطه جنسی، اهداف مشترک، توافق در مسائل مذهبی و اعتقادی، سبک دل‌بستگی زوجین، آداب خانوادگی، همکاری در مراقبت از نوزاد، صمیمیت، تعهد، شناخت، عاطفه، الگوهای رفتاری، حمایت اجتماعی، خشونت، استرس‌های زندگی و تغییر منفی رفتار همسر است. ب) محیطی که زوجین در آن زندگی می‌کنند، یعنی اوضاع و موقعیتی که

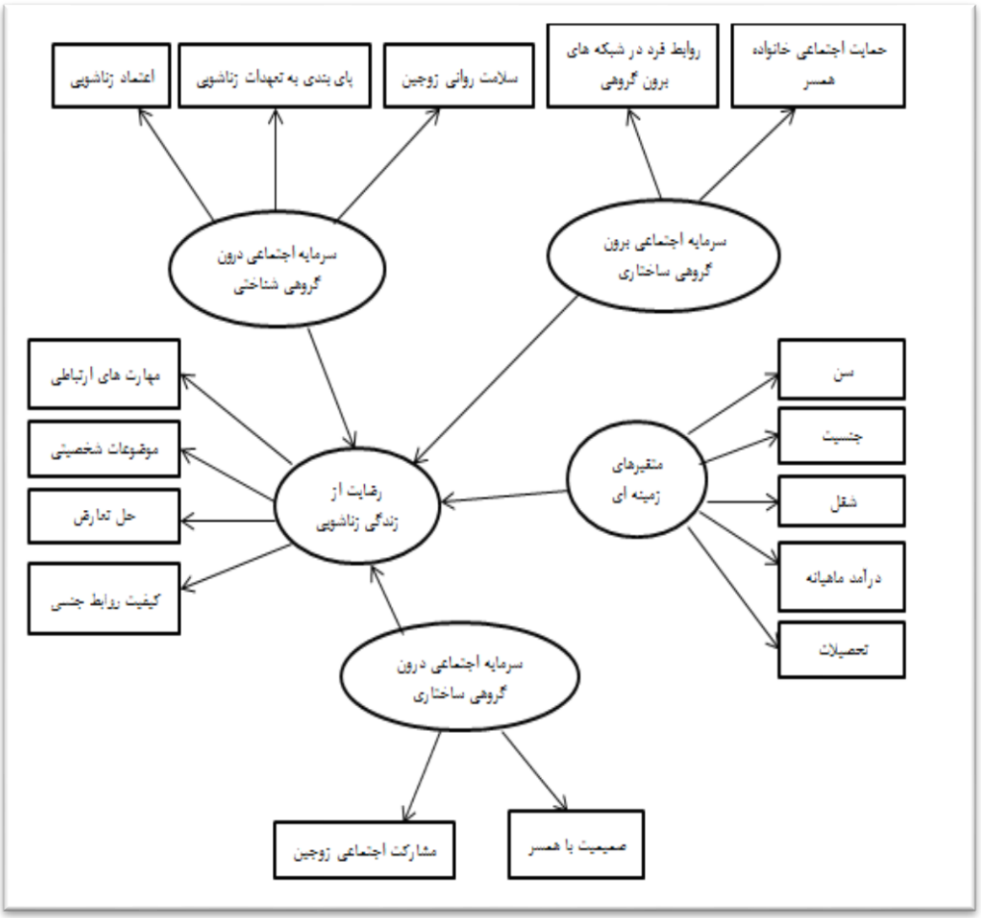
1. Fokoyama

احتمالاً برای زوجین مهم و جالب توجه است. محیط‌های مرتبط با رضایتمندی زناشویی عبارت‌اند از: ۱) فرزندان ۲) تاریخچه زندگی، ویژگی‌های همسر و خانواده اصلی زوجین ۳) فشارهای زندگی انتقال‌ها (مرحله گذر) (اولیا، فاتحی زاده و بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۱). فنل (۱۹۹۳)، عوامل مؤثر در رضایت زناشویی را به این صورت معرفی کرده است: ۱- تعهد مادام‌العمر به ازدواج، ۲- وفاداری به همسر، ۳- ارزش‌های اخلاقی قوی، ۴- احترام به همسر به‌عنوان یک دوست، ۵- تعهد به وفاداری جنسی، ۶- تمایل داشتن به والدی خوب بودن، ۷- اعتقاد به خدا و تعهد مذهبی، ۸-تمایل داشتن به لذت بخشی و حمایت نسبت به همسر و ۹- مصاحبت خوب با همسر و اشتیاق به بخشودن و بخشیده شدن (فتحی، و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴).

چارچوب نظری

مسأله کاهش رضایت زوجین در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی خانواده‌ها در شهرستان بیرجند طبق نظریه سرمایه اجتماعی کلمن به این صورت مطرح می‌شود که تغییر در شیوه زندگی افراد، فقدان مهارت‌های ارتباطی و فشارهای زندگی الگوهای رفتاری بین زوجین شهرستان بیرجند در فاصله گرفتن افراد از یکدیگر نقش مهمی دارد و در کاهش رضایت زناشویی امری مهم تلقی شود. در این حالت است که افراد تنهایی را به گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر ترجیح داده و مشارکت بین آن‌ها نیز به‌شدت کاهش می‌یابد. کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی بین زوجین باعث می‌شود، افراد تعاملات فکری و احساسی کمی داشته باشند و زمینه‌ساز بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و فردی برای زنان و مردان متأهل را به همراه داشته‌باشد. این در صورتی است که وقتی روابط اجتماعی افراد درون خانواده کاهش می‌یابد، وجود برخی تغییرات درون‌گروهی و برون‌گروهی، باعث کاهش رضایتمندی زناشویی می‌گردد. وقتی نیازهای زناشویی از جانب همسر به‌درستی تأمین نشود و زوجین شیوه برقراری ارتباط با یکدیگر را ندانند، بی‌اعتمادی جای اعتماد را می‌گیرد و در این صورت است که تعهد طرف مقابل نیز کمتر می‌شود و همسر احساس امنیت کمتری نسبت به قبل داشته و مسؤولیت‌پذیری، کاهش می‌یابد. از طرفی روابط رسمی جای روابط غیررسمی و صمیمانه در خانواده را گرفته و افراد را هرروزه بیش از قبل از یکدیگر دور می‌کند.

طبق نظریه سرمایه اجتماعی نان لین نیز کاهش رضایت زناشویی درنتیجه کاهش حمایت اجتماعی از سوی خانواده‌ها و کاهش روابط برون گروهی زوجین به وجود می‌آیند. اینکه افراد به چه میزان ارتباط اجتماعی دارند و تعداد تماس‌های روزانه آن‌ها با هم در شیوه بهتر زندگی، دخیل است وگرنه درصورتی‌که افراد مورد حمایت یکدیگر واقع نشوند، سرانجام آن چیزی جز افسردگی و پریشانی نخواهد بود. در واقع اینکه زوجین در طول روز با خانواده همسر چقدر ارتباط دارند، در میزان رضایت زناشویی آن‌ها مؤثر است. تماس روزانه با خانواده خود و خانواده همسر، حمایت عاطفی آن‌ها را به همراه خواهد داشت. اما در صورت نبود این ارتباط اجتماعی، چه از طرف زوجین و چه از طرف خانواده، بر روی روابط زناشویی اثرگذار خواهد بود. اینکه تعداد تماس‌های اجتماعی فرد با دیگران و تماس‌های روزانه چقدر است. اینکه فرد با چند نفر تماس دارد؟ اینکه فرد چگونه می‌تواند روی کمک مالی، عاطفی، اطلاعاتی و ... آن‌ها در زمان سختی حساب کند؟ با توجه به اینکه امروزه روابط اجتماعی خانواده‌ها رو به سردی رفته و دختران و پسران از خانواده خود جدا زندگی می‌کنند و مستقل شده‌اند، بررسی این موضوع امری مهم برای سنجش رضایت زوجین تلقی می‌شود. زوج‌های راضی، همواره روابط همدلانه بیشتری دارند. درصورتی‌که درک نادرست هیجانات جنسی همسر، تنش را به همراه خواهد داشت و باعث افزایش اضطراب و افسردگی خواهدشد. در نتیجه زوجین را منزوی کرده و آن‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را در تنهایی به سر ببرند و سرمایه اجتماعی به شدت کاهش خواهد یافت. توافق اعضا در حل تعارضات زناشویی نیز سبب می‌شود، تا صمیمیت و تعامل زوجین، افزایش یابد. اما در صورت وجود تعارض در رابطه‌ها، ارکان خانواده دچار تزلزل شده و ناخرسندی زناشویی را در اثر کاهش تعاملات و حمایت همسر و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به همراه خواهد داشت. در تحقیق حاضر با بهره‌گیری از نظریات جیمز کلمن، نان لین و فوکویاما در باب سرمایه اجتماعی و نظریات برادبری، فینچام، بیچ و فنل در باب رضایتمندی زناشویی به بررسی تجربی فرضیات تحقیق، پرداخته خواهد شد.



نمودار۱) مدل نظری تحقیق

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی و جامعه آماری تحقیق مورد نظر، شامل همه خانوارهای ساکن شهر بیرجند در سال ۱۳۹۷ است، که حداکثر ۱۰ سال از سابقه ازدواج آن‌ها گذشته باشد. طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ توسط مرکز آمار ایران، تعداد خانوارهای ساکن شهر بیرجند ۵۷۷۴۵ نفر بوده است. حجم نمونه ما در این تحقیق، برحسب خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵٪ (نمونه‌گیری تصادفی نظام مند) و با

استفاده از فرمول کوکران ۳۸۶ نفر، انتخاب شده‌اند. با توجه به تعداد (۳۲۹۲۲) نفر جمعیت ۲ منطقه شهر بیرجند، تعداد نمونه آماری موجود در منطقه دو، ۲۲۰ نفر و با توجه به تعداد (۲۴۸۲۳) نفر جمعیت منطقه یک، در این منطقه، ۱۶۶ نفر به صورت روش تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند. بعد از اخذ نمونه نظام‌مند که توسط بلوک‌بندی‌های موجود در شهرداری از دو منطقه بیرجند انجام شد، به منازل مسکونی و تجاری انتخاب‌شده طبق نمونه‌گیری مورد نظر به آنها رجوع و پرسشنامه‌ها را توزیع و سپس جمع‌آوری کردیم. برای تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های همبستگی مناسب، تحلیل رگرسیون، تحلیل عامل یا آزمون‌های مرتبط با آن استفاده کرده‌ایم.

ابزار پژوهش

در مطالعه پیمایشی حاضر، ما اطلاعاتی را در قالب پرسشنامه محقق ساخته، از گروهی از افراد جمع‌آوری کرده ایم. هدف از تنظیم پرسشنامه، تحقیق به‌وسیله آن طرح سؤالاتی است که به‌وسیله آن‌ها معرف‌هایی سنجیده و سپس به‌وسیله این معرف‌ها، واژه‌های گفتارهای یک تئوری بررسی می‌شوند و هدف، برگردانیدن واژه‌ها به معرف‌های مختلف و بالاخره برگردانیدن معرف‌ها به سؤالات است (رفیع‌پور، ۱۳۹۰: ۲۰۹). در متغیرهای مستقل، پرسشنامه ترکیبی از گویه‌ها به شکل طیف لیکرت خواهد بود و برای متغیرهای وابسته نیز ترکیبی از برش قطبین و طیف لیکرت طراحی شده است. به منظور تعیین اعتبار[1] پرسشنامه، از اعتبار صوری استفاده شده است. بعد از تدوین پرسشنامه و توزیع آن به ۳۰ نفر از افراد نمونه که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، به چند نفر از اساتید پرسشنامه‌ها توزیع و نظر آن‌ها را راجع به اعتبار پرسشنامه جویا شدیم. در pre-test، بارگذاری عامل‌ها و گویه‌های مربوط به متغیرهای تحقیق به مقدار قابل توجهی بالا بود و همه عوامل در سطح بالای ۰/۷ بارگذاری شده بودند. در تحلیل عامل تاییدی نیز، با توجه به تحلیل مسیر و مطابق با چارچوب نظری وارد شده، اثر خالص همه متغیرها قابل اعتماد بود که باعث شد گویه‌ها و سؤالات مربوط به پرسشنامه همان چیزی که

1. Validity

در ابتدای تحقیق مورد نظر محقق بوده است را بسنجند. به‌منظور بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. بعد از توزیع ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸ و بعد از توزیع پرسشنامه نهایی مقدار آلفای کرونباخ ۰/۹ به دست‌آمد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ، برای هر متغیر طبق چارچوب نظری وارد شده همه رقم بالای ۰/۷ را نشان داده و این امر بیانگر آن است که پایایی پرسشنامه به مقدار قابل توجهی بالا است.

جدول۲) پایایی مدل

ردیف	متغیر/ مؤلفه‌ها		تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
۱	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری	رابطه زوجین در شبکه‌های برون‌گروهی	۶	۰/۸۱
		حمایت اجتماعی خانوادگی	۶	
۲	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی	اعتماد زناشویی	۴	۰/۷۷
		تعهد زناشویی	۳	
		سلامت روانی زوجین	۴	
۳	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری	صمیمیت با همسر	۵	۰/۷۷
		مشارکت با همسر	۳	
۴	رضایت از زندگی زناشویی	ویژگی‌های اخلاقی زوجین	۹	۰/۹۴
		مهارت‌های ارتباطی زوجین	۵	
		کیفیت روابط جنسی زوجین	۵	
		شیوه حل اختلافات زوجین	۵	

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی یک متغیره

(جنسیت، سن، شغل، تحصیلات و درآمد) متغیرهای زمینه‌ای هستند که اطلاعات توصیفی آنها گردآوری شده است. از آن جهت که جامعه آماری ما از بین کسانی انتخاب شده، که حداکثر ۱۰ سال از سابقه زندگی مشترک آن‌ها گذشته است، تعداد بیشتر پاسخگویان، جوان بوده و ۹۰٪ افراد پاسخگو، بین ۱۸ تا ۳۸ سال سن داشته‌اند و ۴۵٪ پاسخگویان بین سنین ۳۲ تا۳۹ سال بوده‌اند. پاسخگویان از نظر توزیع شغلی در گروه‌های مختلف شغلی بودند، که بیشترین توزیع مشاغل، بین مشاغل آزاد و کارمند بوده است. همچنین بیشتر پاسخگویان (حدود ۴۵٪) آنها، تحصیلات کارشناسی داشته و ۴۶٪ پاسخگویان اذعان کردند، که کمتر از ۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرند.

جدول۳) توزیع فراوانی شاخص‌های متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری

متغیر/ مؤلفه‌ها/ شاخص‌ها			کم	متوسط	زیاد	جمع
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری	صمیمیت با همسر	گفتگوی محبت‌آمیز با همسر	۶/۵	۱۸/۶	۷۴/۹	۱۰۰
		شناخت همسر	۱/۹	۸/۰	۹۰/۱	۱۰۰
		حس خوشایندی با همسر	۴/۷	۹/۶	۸۵/۷	۱۰۰
		تفریح با همسر	۸/۶	۲۴/۶	۶۶/۸	۱۰۰
		مسافرت با همسر	۱۱/۶	۳۰/۶	۵۷/۸	۱۰۰
	مشارکت با همسر	احساس مسئولیت	۱/۸	۷/۳	۹۰/۹	۱۰۰
		مشارکت یاهمسر	۳/۹	۱۴/۰	۸۲/۱	۱۰۰
		مشورت با همسر	۷/۸	۱۵/۰	۷۷/۲	۱۰۰

ارقام موجود در جدول ۳ نشان می‌دهد، که بیشترین درصد افراد نمونه آماری یعنی ۷۴٪ گفتگوی محبت‌آمیز زیادی با همسرانشان داشته، ۹۰٪ نسبت به همسرشان شناخت زیادی داشته، ۸۵٪

حس خوشایندی نسبت به همسرشان داشتند. در ارتباط با تفریح و مسافرت با همسر نیز بیشتر افراد نمونه آماری به تفریح و مسافرت زیاد با همسر اشاره‌کرده‌اند. بیشترین درصد افراد نمونه آماری یعنی ۹۰٪ احساس مسؤولیت زیادی نسبت به همسرانشان داشته، ۸۲٪ در امور خانه باهم مشارکت زیادی داشته و ۷۷٪ از زوجین باهم مشورت زیادی داشتند.

جدول۴) توزیع فراوانی شاخص‌های متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی

متغیر/ مؤلفه‌ها/ شاخص‌ها			کم	متوسط	زیاد	جمع
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی	اعتماد زناشویی	تفاهم متقابل با همسر	۵/۷	۲۲/۰	۷۲/۳	۱۰۰
		اطمینان متقابل با همسر	۴/۷	۹/۶	۸۵/۷	۱۰۰
		انتقادپذیری متقابل	۹/۸	۳۲/۲	۵۸	۱۰۰
		عمل به قول متقابل	۵/۷	۱۸/۷	۷۵/۶	۱۰۰
	تعهد زناشویی	وظیفه شناسی	۵/۲	۱۵/۵	۷۹/۳	۱۰۰
		وفاداری	۳/۳	۷/۳	۸۹/۴	۱۰۰
		راستگویی	۳/۶	۱۰/۹	۸۵/۵	۱۰۰
	سلامت روانی زوجین	تندی با همسر	۱۶/۸	۳۳/۷	۴۹/۵	۱۰۰
		کنترل رفت و آمد توسط همسر	۱۰/۶	۱۸/۶	۷۰/۸	۱۰۰
		چک کردن موبایل توسط همسر	۱۰/۹	۱۴/۲	۷۴/۹	۱۰۰
		کنترل رفت و آمد همسر	۶/۹	۱۶/۶	۷۶/۵	۱۰۰

ارقام موجود در جدول ۴ نشان می‌دهد، که بیشترین درصد افراد نمونه آماری یعنی ۷۲٪ دارای تفاهم زیاد با همسر، ۸۵٪ اطمینان متقابل زیاد با همسر، ۵۸٪ انتقادپذیری متقابل زیاد با همسر و ۷۵٪ عمل به قول زیادی با همسرشان داشته‌اند. بیشترین درصد افراد نمونه آماری یعنی ۷۹٪ دارای وظیفه‌شناسی زیاد با همسر، ۸۹٪ وفاداری زیاد نسبت به همسر و ۸۵٪ از درجه راست‌گویی زیادی

نسبت به همسرشان برخوردار بودند. نیمی از افراد نمونه آماری، یعنی ۴۹٪ در ارتباط باهمسرشان با تندی برخورد می‌کردند و بقیه افراد نمونه آماری با ملایمت بیشتری با همسرشان رفتار می‌کردند. ۷۰٪ از افراد نمونه آماری توسط همسرشان مورد کنترل زیادی قرارگرفته و ۷۴٪ نیز به‌صورت مداوم توسط همسرشان از طریق تلفن همراه چک می‌شدند. از طرفی ۷۶٪ از زوجین نیز متقابلاً همسرشان را کنترل می‌کردند.

یافته‌های استنباطی

تحلیل‌های دو متغیره

جدول۵) ضرایب همبستگی متغیرها

متغیرهای مستقل و مؤلفه‌های آن		ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضرایب رگرسیون استاندارد شده
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی	اعتماد زناشویی	۰/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۳۵
	پای‌بندی به تعهدات زناشویی	۰/۶۲	۰/۰۰۰	۰/۱۸
	سلامت روانی زوجین	۰/۶۱	۰/۰۰۰	۰/۳۵
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری	صمیمیت با همسر	۰/۶۷	۰/۰۰۰	۰/۵۰
	مشارکت با همسر	۰/۶۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری	روابط فرد در شبکه‌های برون گروهی	۰/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۰۷
	حمایت اجتماعی خانواده پدری	۰/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۶

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی (اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی و سلامت روانی زوجین) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این

پیش‌فرض که هر چه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، اعتماد زناشویی، به میزان ۰/۶۶ و با جهت مثبت و به‌صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. در نتیجه هر چه (تفاهم متقابل بین زوجین، اطمینان متقابل آن‌ها، درجه انتقادپذیری زوجین از یکدیگر و عمل به قول آن‌ها نسبت به همدیگر) بیشتر باشد، رضایت زناشویی بیشتری را با توجه به ضریب همبستگی ۰/۶۶ تجربه می‌کنند. همچنین تعهد زناشویی، به میزان ۰/۶۲ و با جهت مثبت و به‌صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی داردکه نشان‌دهنده رابطه قوی و مثبت بین آن‌ها است. در نتیجه، هر چه تعهد زناشویی بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و هر چه تعهد زناشویی کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی نیز کاهش می‌یابد. از طرفی سلامت روانی زوجین، به میزان ۰/۶۱ و با جهت مثبت و به‌صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی داردکه نشان‌دهنده رابطه قوی بین آن‌ها است. در نتیجه هرچه زوجین از سلامت روانی بیشتری برخوردار باشند و دائماً یکدیگر را کنترل نکنند، رضایت زناشویی بیشتری را با توجه به ضریب همبستگی ۰/۶۱ تجربه می‌کنند. در نتیجه هر چه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی زوجین (اعتماد زناشویی، تعهد زناشویی و سلامت روانی زوجین) افزایش یابد، رضایتمندی زناشویی آنها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه ۱ تأیید می‌شود.

فرضیه۲: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری (صمیمیت با همسر و مشارکت با همسر) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این پیش‌فرض که هر چه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، صمیمیت با همسر، به میزان ۰/۶۷ و با جهت مثبت و به‌صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. درواقع هر چه صمیمیت با همسر بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و هر چه صمیمیت با همسر کاهش یابد میزان رضایت زناشویی نیز، کاهش می‌یابد. میزان بالای ضریب

همبستگی پیرسون که ۰/۶۷ است نشان از رابطه قوی بین آن‌ها دارد. از طرفی هر چه شناخت زوجین نسبت به یکدیگر بیشتر باشد، حس خوشایندتری در کنار هم داشته باشند و بیشتر اوقات فراغت خود را صرف یکدیگر کنند، رضایت زناشویی‌شان بالاتر می‌رود. متقابلاً هر چه گفتگوی محبت‌آمیز کمتری بین زوجین حاکم باشد، شناخت آن‌ها نسبت به یکدیگر کم و اوقات فراغت کمتری را باهم سپری کنند، رضایت از زندگی زناشویی کمتری را با توجه به ضریب همبستگی ۰/۶۷ تجربه می‌کنند. مشارکت با همسر نیز، به میزان ۰/۶۰ و با جهت مثبت و به میزان قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد.به این صورت که هر چه مشارکت با همسر بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و هر چه مشارکت با همسر کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی نیز، کاهش می‌یابد. میزان بالای ضریب همبستگی پیرسون که ۰/۶۰ است نشان از رابطه قوی بین آن‌ها دارد. هر چه زوجین نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند و در تصمیمات خانوادگی مشارکت بیشتری کنند، رضایت از زندگی زناشویی بیشتری را با توجه به ضریب همبستگی ۰/۶۰ تجربه می‌کنند. در نتیجه هر چه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری زوجین (صمیمیت با همسر، مشارکت با همسر) افزایش یابد، رضایتمندی زناشویی آنها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه ۲ تأیید می‌شود.

فرضیه۳: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری (روابط زوجین در شبکه-های برون‌گروهی و حمایت اجتماعی خانواده پدری) و رضایتمندی زناشویی، رابطه معنادار برقرار است. با این پیش‌فرض که هر چه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری بیشتر باشد، رضایتمندی زناشویی افزایش می‌یابد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، رابطه زوجین در شبکه‌های برون‌گروهی، به میزان ۰/۳۵ و با جهت مثبت و به‌صورت نسبتاً خوب در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. یعنی هر چه رابطه فرد در شبکه‌های برون گروهی بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و هر چه رابطه فرد در شبکه‌های برون‌گروهی کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی نیز، کاهش می‌یابد. میزان بالای ضریب همبستگی پیرسون که ۰/۳۵ است نشان از رابطه قوی بین آن‌ها دارد. رفت‌وآمد بالای زوجین با فامیل، دوستان، خانواده پدری و

خانواده همسر و همچنین تفریح و وقت‌گذرانی زیاد با خانواده پدری و خانواده همسر، تأثیر زیادی بر روی افزایش رضایت زناشویی زوجین دارد. حمایت اجتماعی خانوادگی نیز، به میزان ۰/۴۱ و با جهت مثبت و به‌صورت قوی در سطح معناداری ۰/۰۰۱ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. حمایت اجتماعی خانوادگی، که به دو صورت حمایت عاطفی و حمایت مالی خانواده پدری و خانواده همسر عنوان شده است، تأثیر زیادی بر رضایت زناشویی زوجین دارد. هر چه حمایت عاطفی خانواده پدری و خانواده همسر بیشتر باشد و خانواده‌ها در زمان بروز سختی و مشکلات از نظر عاطفی فرزندانشان را پشتیبانی بیشتری کنند، رضایت زناشویی زوجین نیز متقابلاً افزایش می‌یابد. ولی هرچه این حمایت عاطفی از جانب دو خانواده کمتر باشد، تأثیر معکوس بر رضایت زناشویی دارد. بنابراین فرضیه ۳ تایید می‌شود.

جدول۶) ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سن پاسخگو	-۰/۱۵	۰/۰۰۲
سن همسر پاسخگو	-۰/۱۸	۰/۰۰۰
مدت زمان زندگی مشترک	-۰/۱۶	۰/۰۰۱

جدول۷) ضریب همبستگی متغیر شاغل بودن پاسخگو

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شاغل بودن پاسخگو	۰/۲۵	۰/۰۰۳

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات، نوع اشتغال، میزان درآمد ماهیانه خانواده و مدت زمان زندگی مشترک زوجین) و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای فوق، سن به میزان ۰/۱۵- و با جهت منفی و به‌صورت نسبتاً خوب در سطح معناداری ۰/۰۰۲ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. درواقع با افزایش هر واحد تغییر در متغیر سن، میزان رضایت زناشویی به میزان ۰/۱۵

کاهش می‌یابد و هر چه سن کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی نیز، افزایش می‌یابد. سن همسر نیز به میزان ۰/۱۸ و با جهت منفی و به‌صورت نسبتاً خوب در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با متغیر رضایت از زندگی زناشویی، رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی هر چه سن همسر بالاتر رود، میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و هر چه سن همسر کاهش یابد، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. همچنین مدت‌زمان زندگی مشترک به میزان ۰/۱۶ و با جهت منفی و به‌صورت ضعیف در سطح معناداری ۰/۰۰۱ با رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، که تفاوت میانگین بین متغیر شغل و رضایت زناشویی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳ تائید شده و بنابراین تفاوت معنی‌داری بین میانگین اشتغال و رضایت زناشویی شخص پاسخگو وجود دارد. درواقع هرچه افراد دارای شغل باشند، رضایت زناشویی بیشتری داشته و بیکاری افراد باعث می‌شود تا از میزان رضایت زناشویی آن‌ها کاسته شود. اما متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات و درآمد ماهیانه خانواده در سطح معناداری ۰/۰۵ معنادار نبوده و با کاهش و یا افزایش مقدار آنها تاثیری در میزان رضایت زناشویی آنها ندارد. بین متغیرهای زمینه‌ای بررسی‌شده متغیرهای سن، سن همسر، مدت زمان زندگی مشترک و شغل معنادار هستند.

تحلیل چند متغیره

جدول ۸) نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی و متغیر وابسته رضایت زناشویی

مدل	متغیرهای معرفی‌شده به مدل	ضریب تأثیر استاندارد شده	سطح معناداری	سطح معناداری مدل	ضریب تعیین رگرسیون	ضریب تعیین تعدیل یافته
۷	ثابت		۰/۸۷۹	۰,۰۰۰	٪۵۹	٪۵۸
	سرمایه اجتماعی برون-گروهی ساختاری	-۰/۰۰۵	۰/۹۰۷			
	سرمایه اجتماعی درون-گروهی شناختی	۰/۴۷۸	۰,۰۰۱			
	سرمایه اجتماعی درون-گروهی ساختاری	۰/۳۴۴	۰,۰۰۰			

جدول ۸، نتایج ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد، که به ازای هر واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی به میزان ۰/۴۷رضایت زناشویی زوجین افزایش می‌یابد. به ازای هر واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری ۰/۳۴ رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. درمجموع نیز متغیرهای مستقل مربوطه در مدل با رقم سطح معناداری ۰/۰۰۰ معنادار هستند و متغیر رضایت از زندگی زناشویی به میزان ۵۹٪ توسط متغیرهای مستقل مدل تعیین می‌شوند، که رقم بالایی را برای تعیین نمونه به جامعه آماری مورد مطالعه، به نمایش می‌گذارد.

جدول ۹) شاخص‌های نیکویی برازش مدل

مقدار KMO	آزمون بارتلت-مقدار chi-square	سطح معناداری sig
۰/۹۵۶	۴۷۰۸/۶۵۶	۰/۰۰۰

جدول ۹، نشان می‌دهد، که عامل‌های سنجیده شده در تحقیق بسیار مناسب هستند. در آزمون بارتلت نیز، مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان دهنده آن است که نتایج تحلیل عاملی را می‌توانیم به جمعیت عاملی تعمیم دهیم.

جدول ۱۰) جدول اشتراکات (استخراج عوامل اولیه)

متغیرها	بار عاملی اولیه	بار عاملی استخراج شده
سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری	۱/۰۰۰	۰/۵۶۲
سرمایه اجتماعی درون گروهی شناختی	۱/۰۰۰	۰/۸۵۴
سرمایه اجتماعی درون گروهی ساختاری	۱/۰۰۰	۰/۷۰۳

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۱۰، ۰/۵۶ تغییرات متغیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری توسط عامل‌های این پردازش تبیین می‌شوند. ۰/۸۵ تغییرات متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی توسط عامل‌های این پردازش تبیین می‌شوند و در نهایت ۰/۷۰ تغییرات متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری توسط عامل‌های این پردازش تبیین می‌شوند.

جدول ۱۱) کل واریانس‌های تبیین شده

مؤلفه ها	ارزش‌های اولیه			عامل‌های استخراج شده براساس بار عاملی		
	کل واریانس	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل واریانس	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۲/۱۱۸	۷۰/۶۱۶	۷۰/۶۱۶	۲/۱۱۸	۷۰/۶۱۶	۷۰/۶۱۶
۲	۰/۶۴۷	۲۱/۵۶۱	۹۲/۱۷۷			
۳	۰/۲۳۵	۷/۸۲۳	۱۰۰/۰۰۰			

بر اساس نتایج جدول ۱۱ که متناسب با هر سه متغیر سه عامل ایجاد شده‌است، کل واریانس متغیرها روی عامل اول ۲/۱۱۸، روی عامل دوم ۲۱/۵۶۱، و روی عامل سوم ۷/۸۲۳ است. درصد تغییرات متغیرها روی عامل اول و دوم و سوم به ترتیب ۷۰/۶۱۶، ۲۱/۵۶۱ و ۷/۸۲۳ است. در نهایت عامل‌های متغیرهای دوم و سوم حذف شده و متغیری که بار عاملی بالاتری نسبت به سایرین با میزان ۷۰/۶۱۶ داشته، باقی مانده‌است.

جدول ۱۲) استخراج نهایی عامل‌ها بر اساس چرخش واریماکس

متغیرها	مؤلفه ها
	۱
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی	۰/۹۲۴
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری	۰/۸۳۸
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری	۰/۷۵۰

در نهایت هر سه متغیر موجود در تحقیق از بار عاملی بالایی بر اساس چرخش واریماکس برخوردار می‌باشند. البته بار عاملی متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی با رقم ۰/۹۲۴ نسبت به همه عامل‌ها رقم بالاتری را نشان می‌دهد.

- مقدار دوربین واتسون متغیرهای سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی، درون‌گروهی ساختاری و برون گروهی ساختاری به ترتیب ۱/۸۳۲، ۱/۸۶۶ و ۰/۷۳۱که همگی نزدیک به ۲ هستند، بیانگر آن است، که بین باقی‌مانده‌ها همبستگی وجود نداشته و مدل به درستی انتخاب شده‌است.

جدول ۱۳) تحلیل مسیر متغیرهای اصلی تحقیق

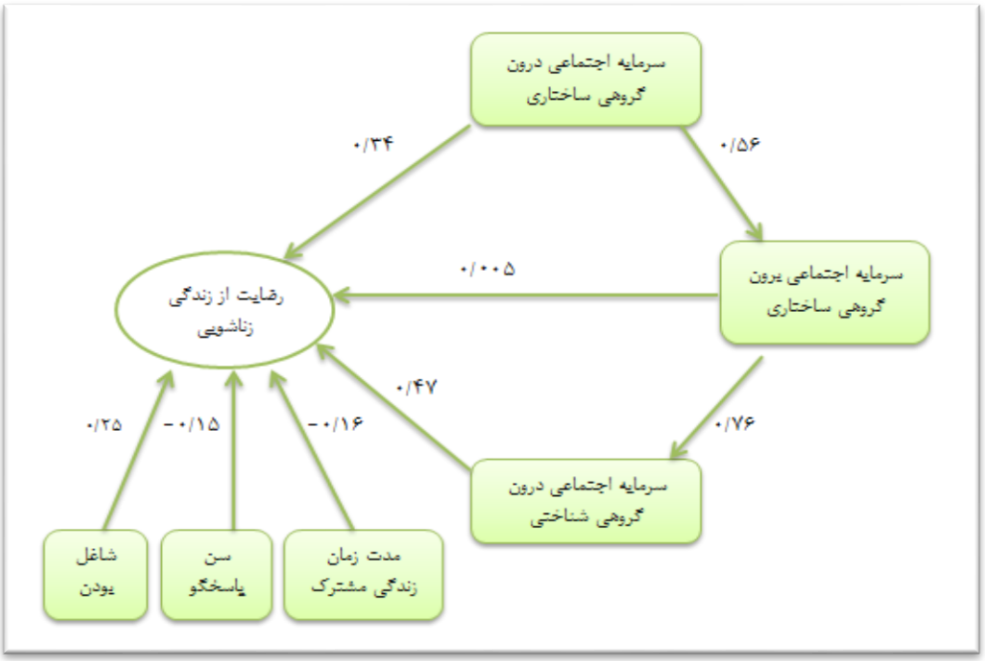
ردیف	مسیر	اثر مستقیم	اثر خالص
۱	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۴۷	۰/۳۷
۲	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۳۴	۰/۲۵
۳	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ساختاری← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۱۳ و تفسیر مجذور اثر خالص، ۱۳٪ تغییرات متغیر رضایتمندی زناشویی از طریق متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی تبیین می‌شوند. همچنین ۶٪ تغییرات متغیر رضایتمندی زناشویی از طریق متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری تبیین می‌شوند. در مجموع ۲۰٪ تغییرات متغیر رضایت زناشویی توسط ۳ متغیر مذکور تبیین می‌شوند.

جدول ۱۴) تحلیل مسیر متغیرهای زمینه‌ای

ردیف	مسیر	اثر مستقیم	اثر خالص
۱	جنسیت← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۰۴	۰/۰۳
۲	سن← رضایت از زندگی زناشویی	-۰/۱۵	۰/۱۰
۳	شغل← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۲۵	۰/۲۰
۴	تحصیلات← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۰۱	۰/۰۱
۵	مدت‌زمان زندگی مشترک← رضایت از زندگی زناشویی	-۰/۱۶	۰/۱۰
۶	درآمد ماهیانه خانواده← رضایت از زندگی زناشویی	۰/۱۷	۰/۱۷

براساس نتایج جدول ۱۴ و تفسیر مجذور اثر خالص، ۱٪ تغییرات متغیر رضایتمندی زناشویی از طریق متغیر سن پاسخگو، ۴٪ از طریق متغیر شغل پاسخگو، ۱٪ از طریق متغیر مدت زمان زندگی مشترک و ۲٪ از طریق متغیر درآمد ماهیانه زوجین تبیین می‌شوند. در مجموع ۸٪ تغییرات متغیر رضایت زناشویی توسط ۳ متغیر مذکور تبیین می‌شوند.



نمودار۲) مدل نهایی تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسأله مورد بررسی در تحقیق حاضر، بررسی جامعه شناختی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی است. این تحقیق با هدف شناخت رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و میزان رضایت از زندگی زناشویی شهر بیرجند صورت گرفته‌است. کلمن در باب سرمایه اجتماعی به اهمیت اعتماد زناشویی بین زوجین تأکید می‌کند و معتقد است که سرمایه اجتماعی به منظور رسیدن به مقاصد خاص صورت می‌گیرد که از جمله این مقاصد، اعتماد زوجین است و به این نکته اشاره می‌کند که کاهش اعتماد زناشویی در اثر تغییرات اجتماعی و با استفاده از روابط اجتماعی خاص که به منظور رسیدن به اهداف خاص صورت می‌گیرد. یافته‌های موجود در تحقیق نیز، نشان از تأثیر بالای ابعاد اعتماد زناشویی و تأثیر آن بر ابعاد مختلف رضایت زناشویی دارد. در ازای هر واحد تغییر در اعتماد زناشویی، رضایت زناشویی به میزان ۰/۳۵ افزایش می‌یابد و رابطه جنسی زوجین با کیفیت بهتری پیش رفته و در شیوه حل اختلافات زناشویی مؤثرتر و عاقلانه‌تر رفتار می‌کنند. این نتیجه‌گیری با

یافته‌های ملکی و نژادسبزی (۱۳۸۹)، قلی‌زاده و اسماعیلیان اردستانی (۱۳۹۳) و عسگری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

در زمینه افزایش تعهد زناشویی نیز، با افزایش وظیفه‌شناسی زوجین، وفاداری‌شان نسبت به یکدیگر و صداقت و راستگویی نسبت به هم، راحت‌تر می‌توانند اختلافات بین خودشان را حل کرده و کیفیت رابطه‌شان را افزایش دهند. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان از آن دارد که متغیر رضایت از زندگی زناشویی با ابعاد مختلف مهارت ارتباطی، کیفیت رابطه جنسی، ویژگی اخلاقی و شیوه حل اختلاف به مقدار ۰/۱۸ توسط متغیر تعهد زناشویی قابل تبیین است که رقم نسبتا خوبی را نشان می‌دهد. درواقع، در ازای هر واحد تغییر در تعهد زناشویی، رضایت از زندگی زناشویی به میزان ۰/۱۸ افزایش می‌یابد که صداقت را نیز افزایش می‌دهد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های فتحی و دیگران (۱۳۹۱)؛ حفاظی طرقبه، فیروزآبادی و حق‌شناس (۱۳۸۵)؛ مشاک (۱۳۸۹)؛ شاه‌سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸)؛ قزوینی و دیگران (۱۳۹۴) و بشارت و رفیع‌زاده (۱۳۹۵) که معتقد بودند با افزایش تعهد زناشویی رضایت زناشویی افزایش می‌یابد، همخوانی دارد. با افزایش در میزان صداقت در رفتار و گفتار با همسر، وفادار بودن به او و عدم خیانت همسر می‌توان این اطمینان را حاصل نمود که رضایت زناشویی به میزان ۰/۱۸ افزایش می‌یابد.

نان‌لین نیز جزو نظریه‌پردازان بحث سرمایه اجتماعی درون کانون خانواده است. در زمینه سلامت روانی زوجین نیز نان لین معتقد است که زوجینی که سلامت روانی داشته و افسرده نباشند و مهربانانه با هم برخورد کنند، رضایت زناشویی‌شان افزایش می‌یابد و حس کنترل بیشتری نسبت به زندگی شخصی خود دارند. نتیجه تحقیق حاضر نیز بیانگر آن است که در ازای هر واحد تغییر در سلامت روانی زوجین، به میزان ۰/۳۵ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. با وجود رفتارهای ملایم و کنترل نکردن همسرو اعتماد به او، حس عشق و همدردی و حرکات دوستانه بین زوجین افزایش یافته و با انصاف بیشتری با یکدیگر برخورد کرده و دلبستگی بیشتری نسبت به هم دارند. از طرفی در زمینه‌های مختلف احساسات خود را بهتر بروز داده و حس خوشبختی و سعادت بیشتری نسبت به زوجینی دارند که از سلامت روانی کامل برخوردار نیستند. این نتیجه‌گیری با یافته‌های توکل، معیدفر و مقصودی (۱۳۹۰)؛ شربتیان (۱۳۹۵)؛ حاجی‌زاده میمندی و دهقان‌چناری (۱۳۹۴) و

شاهی، غفاری و قاسمی (۱۳۹۰) که معتقد بودند با افزایش سلامت روانی زوجین، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد، همخوانی دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد در ازای هر واحد تغییر در صمیمیت با همسر، به میزان ۰/۵۰ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. و در ازای هر واحد تغییر در مشارکت با همسر، به میزان ۰/۲۳ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. که هر دوی این مؤلفه‌ها جزو متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ساختاری می‌باشند. این نتیجه‌گیری با یافته‌های دغاغله، عسگری و حیدری (۱۳۹۱)؛ برزگر و سامانی (۱۳۹۵)؛ مشاک (۱۳۸۹) و بشارت و رفیع‌زاده (۱۳۹۵) در زمینه صمیمیت با همسر، یافته-های گنجی و سامانی‌نژاد (۱۳۹۱)، قلی‌زاده و اسماعیلیان اردستانی (۱۳۹۳) و شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۱۳۹۰) در زمینه مشارکت با همسر همخوانی دارد.

روابط زوجین در شبکه‌های برون‌گروهی و حمایت خانواده پدری نیز که جزو متغیرهای سرمایه اجتماعی برون گروهی ساختاری بودند نشان داد، در ازای هر واحد تغییر در روابط زوجین در شبکه‌های برون‌گروهی، به میزان ۰/۰۷ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. که رقم قابل ملاحظه‌ای نیست و می‌توان گفت این مؤلفه تأثیرگذار نبوده‌است. که با نتایج ملکی و نژادسبزی (۱۳۸۹)، قلی-زاده و اسماعیلیان اردستانی (۱۳۹۳)؛ چراغی و دیگران (۱۳۹۴) و حبیبی و دیگران (۱۳۹۳) که به این نتیجه رسیدند که روابط در شبکه‌های برون‌گروهی بر رضایت زناشویی اثرگذار است، همخوانی نداشته‌است. از طرف دیگر، در ازای هر واحد تغییر در حمایت خانواده پدری، به میزان ۰/۳۶ رضایت زناشویی افزایش یافته‌است. این نتیجه‌گیری با یافته‌های عسگری، پاشا و آذرکیش (۱۳۹۰) و حبیبی و دیگران (۱۳۹۳) همخوانی داشته است.

پیشنهادهای پژوهشی

- با توجه به نتایج تحقیق که حاکی از شدت رابطه‌ی بیشتر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نسبت به برون‌گروهی است، پیشنهاد می‌شود، به منظور تقویت حس همدردی و خوش-خلقی بین زوجین، مسؤولین مربوطه، برنامه‌های آموزشی بیشتری را در رسانه‌ها، اعم از

تلویزیون، رادیو و بیش از همه اینترنت قرار داده، تا حس همبستگی درونی خانواده و بین زوجین تقویت گردد.

- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیر صمیمیت با همسر، از همه متغیرها تأثیر بیشتری بر رضایت زناشویی دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، با توجه به میزان بالای استفاده زوجین از شبکه‌های اجتماعی، تدابیری اندیشیده شود تا مبتنی بر آن در سایت‌ها و شبکه‌هایی که افراد بیشتر با آنها سروکار دارند، برنامه‌ها و محتواهای آموزشی ایجاد صمیمیت با همسر و تشویق همسران به همنشینی با یکدیگر را تقویت کنند.

منابع

- اولیاء، نرگس؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ بهرامی، فاطمه (۱۳۸۷). "تأثیر آموزش برای غنی‌سازی بر افزایش رضایتمندی زناشویی زوج‌ها، اندیشه‌های نوین تربیتی". *فصلنامه دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء*، دوره چهارم، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان): ۹-۳۰.
- برزگر، اسماعیل؛ سامانی، سیامک (۱۳۹۵). " نقش واسطه‌ای صمیمیت در رابطه بین الگوهای ارتباطی و کیفیت زندگی زناشویی". *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، سال هفتم، ش ۲ (تابستان): ۱۱۵-۱۲۸.
- بشارت، محمدعلی؛ رفیع‌زاده، بهار (۱۳۹۵). "پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی". *روانشناسی خانواده*، دوره سوم، ش ۱ (بهار): ۳۱-۴۶.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ طاهری تیمورلویی، طاهره (۱۳۸۸). "تعیین عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متأهل آذرشهر". *جامعه‌شناسی*، سال اول، ش ۲ (بهار): ۷-۲۹.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. تهران: شیرازه.
- توکل، محمد؛ معیدفر، سعید؛ مقصودی، سوده (۱۳۹۰). "بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی زوجین شهر کرمان". *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال دوم، ش ۵ و ۶ (بهار و تابستان): ۱۷۰-۱۹۴.
- چراغی، مونا، و دیگران (۱۳۹۴)."پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی". *راهبرد فرهنگ*، دوره یک، ش ۳۱ (پاییز): ۹۹-۱۲۵.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود؛ دهقان‌چناری، مریم (۱۳۹۴). "سبک زندگی سلامت‌محور و رضایتمندی زناشویی بین زنان متأهل شهر یزد". *زنان در فرهنگ و هنر*، دوره هفتم، ش ۱ (بهار): ۶۱-۷۶.
- حبیبی، مجتبی، و دیگران (۱۳۹۳). "هنجاریابی و ساختار عاملی مقیاس تأملات خانوادگی و رضایت خانوادگی در خانواده‌های ایرانی". *خانواده‌پژوهی*، سال دهم، ش ۳۹ (پاییز): ۳۱۳-۳۲۹.

- حفاظی طرقبه، میترا؛ فیروزآبادی، علی؛ حق‌شناس، حسن (۱۳۸۵). "بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی". *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، دوره شانزدهم، ش ۵۴ (پاییز): ۹۹-۱۰۹.
- دغاغله، فاطمه؛ عسگری، پرویز؛ حیدری، علیرضا (۱۳۹۱). "رابطه بخشودگی، عشق و صمیمیت با رضایت زناشویی". *یافته‌های نو در روانشناسی*، سال هفتم، ش ۲۴ (پاییز): ۵۷-۶۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۰). *کندوکاوها و پنداشته‌ها، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روحانی، حسن (۱۳۹۰). "سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی". *راهبرد*، سال نوزدهم، ش ۵۹ (تابستان): ۷-۴۶.
- زارع، بیژن؛ صفیاری جعفرآباد، هاجر (۱۳۹۴). "مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران". *مطالعات اجتماعی زنان*، سال سیزدهم، ش ۱ (بهار): ۱۱۱-۱۴۰.
- شاکریان، عطاء؛ فاطمی، عادل؛ فرهادیان، مختار (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایتمندی زناشویی". *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، دوره شانزدهم، ش۱ (بهار): ۹۲-۹۹.
- شاه‌سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ محبی، سیامک (۱۳۸۸). "بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا". *اصول بهداشت روانی*، سال سیزدهم، ش ۳، پیاپی ۴۳ (پاییز): ۲۳۳-۲۳۸.
- شاهی، عبدالستار؛ غفاری، ابراهیم؛ قاسمی، خلیل (۱۳۹۰). "رابطه سلامت روان و رضایتمندی زناشویی زوجین". *ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، سال پانزدهم، ش ۲ (بهار): ۱۱۹-۱۲۶.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۵). "مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت روان زوج‌های جوان بیرجند". *زن و مطالعات خانواده*، سال نهم، ش ۳۴ (زمستان): ۱۱۵-۱۴۲.

- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). "سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری". *رفاه اجتماعی*، دوره یک، ش ۲ (زمستان): ۵-۱۸.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۹). "بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خشنودی زناشویی". *مطالعات زنان*، سال هشتم، ش ۱ (بهار): ۵۷-۷۰.
- صفری، راضیه (۱۳۹۶). "طلاق در استان خراسان جنوبی (گزارش تبیینی)". *معاونت فناوری اطلاعات و آمار جمعیتی*، سازمان ثبت احوال کشور، دوره یک، ش ۱: ۱-۲۳.
- عسگری، پرویز؛ پاشا، غلامرضا؛ آذرکیش، مریم (۱۳۹۰). "مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار". *اندیشه و رفتار*، دوره ششم، ش ۲۱ (پاییز): ۵۳-۶۰.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمود؛ ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷). "سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری". *پژوهش زنان*، دوره ششم، ش ۲ (تابستان): ۱۰۷-۱۳۲.
- غنی‌فر، محمدحسین، و دیگران (۱۳۹۱). "بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی و اضطراب در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان بیرجند". دوره هفدهم، ش ۲ (بهار): ۱-۸.
- فتحی، الهام، و دیگران (۱۳۹۱). "رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی". *زن و مطالعات خانواده*، سال پنجم، ش ۱۸ (زمستان): ۶۳-۸۲.
- قزوینی، مریم، و دیگران (۱۳۹۴). "مقایسه رضایت زناشویی و هوش اخلاقی و رابطه آن با عدم تعهد اخلاقی در مردان". *پژوهش دین و سلامت*، دوره یکم، ش ۴ (پاییز): ۴-۱۱.
- قلی‌زاده، آذر؛ اسماعیلیان اردستانی، زهره (۱۳۹۳). "نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل". *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال پانزدهم، ش ۲ (تابستان): ۳۷-۴۶.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گنجی، محمد؛ سامانی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۱). "فرهنگ مشارکت و رضایت زناشویی در بین

زنان". *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال هشتم، ش ۲۶ (بهار): ۱۷۱-۲۰۰.

- مشاک، رویا (۱۳۸۹). "رابطه سبک‌های عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل". *زن و فرهنگ*، دوره یک، ش ۲ (زمستان): ۸۳-۹۷.
- ملکی، امیر؛ نژادسبزی، پروانه (۱۳۸۹). "رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد". *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، ش ۲ (تابستان): ۳۱-۵۴.
- Gabriel, B.; Beach, S.; Bodenman, G. (2010). "Depression, Marital satisfaction and communication in couple: Investigating Gender Differences". *Behavior therapy*, Vol. 41, No. 1: 306-316.
- Thi tuong Anh, N.; Quynh, Anh (2015). "Social capital in Rural Areas of Vietnam and its impact on households life satisfaction". *Journal of economics and development*, Vol. 17, No. 3: 60-88.
- Kelley, D.; Burgoon, J. (1991). "Understanding marital satisfaction and couple type as functions of relational expections". *Human Communication Research*, Vol. 18, No. 1: 40-69.
- Mohsin, A.; et al. (2013). "Role of Trust in Marital Satisfaction among Single and dual-career couples". *International Journal of rsearch studies in Psychology*, Vol. 22 , No. 1: 1-10.
- Yusuf, F.; Latifa, R. (2017). "The Influence of Forgivenss, Gratitude and Duration of Marriage Toward Marital Satisfaction on Wifes in South Jakarta". *Tazkiya Journal Psychology*, Vol. 22, No. 2: 231-240.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان

عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد

میلاد پوررجبی[۱]
علی‌اکبر مجدی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۰ سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳ شماره صفحه: ۳۵- ۶۰

چکیده

حاشیه‌نشینی که ازجمله عوامل به وجود آورنده شرایط قانون‌گریزی و برهم زننده امنیت کلان‌شهرها است، زاییده برنامه‌ریزی‌های نامناسب اقتصادی و اجتماعی است. هدف این مقاله، ارزیابی میزان قانون‌گریزی و تبیین برخی عوامل مؤثر بر آن در نواحی حاشیه نشین و حومه شهرستان مشهد است. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی و جامعه آماری آن کلیه افراد حومه شهر مشهد هستند. از این میان ۵ منطقه و ۳۸۳ سرپرست خانوار حاشیه نشین به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها به روش‌های آماری در نرم‌افزار SPSS پردازش و تحلیل شد. نتایج بیانگر میزان قابل ملاحظه قانون‌گریزی با درجه میانگین ۲/۹ است. همچنین رابطه همبستگی عوامل مذهبی (به‌جز پایبندی به مناسک مذهبی)، احساس برابری (به استثنای رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری)، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی (غیر از احساس بی‌معنایی) با میزان قانون‌گریزی از لحاظ آماری معنادار است. نتایج حاکی از ضعف قابل ملاحظه در بنیان‌های آگاهی و

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد
milad.porrajabi@gmail.com
۲. عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد
majdi@um.ac.ir

دانش، بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز سازوکارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است که روی‌هم‌رفته در چارچوب نظامی غیرسنتی مبتنی بر تجربه و اتفاق‌های روزمره زندگی و گرایش منفعت طلبانه فردی، منجر به گرایش‌های قانون‌گریزانه در این مناطق شده است.

واژگان کلیدی: قانون‌گریزی، بیگانگی، کارآمدی، حاشیه‌نشینی، رفتارهای انحرافی

بیان مسأله

از قرن نوزدهم تا به امروز مسائل و مشکلات شهری- به‌عنوان سکونتگاه اکثر مردم جهان -افزایش چشمگیری یافته است. ساختار ارگانیکی شهر به‌گونه‌ای است که سطح مراودات اجتماعی بسیار پرحجم و نسبتاً رسمی است و بیشتر از آن که هنجارهای سنتی، شکل روابط بین شهرنشینان را تعیین کند این قانون و هنجارهای رسمی است که بر روابط اجتماعی سنگینی می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۱: ۲۱۱)، اصولاً بدون تبعیت از قانون واحد، اداره و سازماندهی جوامع غیرممکن به نظر می‌رسد؛ در عین حال جامعه برای نشان دادن ثبات و پایداری خود در اجرای برنامه و سیاست‌های طراحی شده، نیازمند رعایت نظم و مقررات از سوی مردم جامعه است؛ حتی امروزه چنین تلقی می‌شود که قانون‌گریزی، حالتی غیرعادی برای مردم آن جامعه به شمار می‌رود (Ito, et al., 2019: 68).

مسائل و مشکلاتی مانند مهاجرت، افزایش جمعیت، حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها می‌تواند از جمله عوامل قانون‌گریزی باشد. در واقع شرایط حاکم بر مناطق مسکونی‌ای که افراد در آن جامعه‌پذیر می‌شوند، آنها را وادار می‌کند تا به شیوه‌های خاصی رفتار و نیازهای خویش را برطرف کنند که این رفتارها به‌مرور زمان به صورت نگرش‌هایی به افراد هر منطقه القاء خواهد کرد (Wunder, 2015: 204). محلات فرسوده داخل شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی و غیرقانونی نمونه‌هایی از این شیوه سکونت هستند که نشانگر عدم وجود قوانین و مقررات شفاف در نظام برنامه‌ریزی و نابسامانی شرایط اقتصادی شهرها است (Mohebalian and Aguilar, 2018: 452).

حاشیه‌نشینی ازجمله عوامل به‌وجود آورنده شرایط قانون‌گریزی و برهم زننده امنیت کلان‌شهرها است که زاییده برنامه‌ریزی‌های نامناسب اقتصادی و اجتماعی است (Ezzine, et al, 2016: 121). اگرچه امروزه حاشیه‌ها را جزئی از شهرها می‌دانیم که بافتی مشترک با شهرها پیدا کرده‌اند، ولی

حاشیه‌ها اغلب دارای فرهنگ غیرمولد هستند و همچنان به مناطق جرم‌خیز و مشکل‌زا تبدیل می‌شوند (Colfer, 2011: 2151) مناطقی که به گفته جامعه‌شناسان، فرهنگ فقر و فقر منطقه‌ای، مشخصه اصلی آن است و جرم و جنایت، زاییده این فرهنگ است. در واقع حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که در کنار سایر پدیده‌های تأثیرگذار در شهر، بر مشکلات شهری افزوده است. این معضل، چهره و سیمای شهر را بدقیافه و زشت نموده، باعث تشدید دوگانگی در جامعه شهری، افزایش فاصله طبقاتی و بسیاری از مشکلات دیگر می‌گردد. بر این اساس حاشیه‌نشینی یک مسأله یا عارضه شهری است که می‌تواند منبع اصلی بسیاری از بزهکاری‌ها و جرم‌ها قرار گیرد (میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵: ۹۴؛ فتح‌اللهی و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۱۰).

شهرها امروزه به یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های اساسی تحقیق در مسائل اجتماعی تبدیل‌شده‌اند (گیدنز، ۱۳۹۱: ۱۶۳) و بیش از نیمی از مردم جهان نیز در شهرها زندگی می‌کنند؛ در حاشیه تمامی شهرهای بزرگ دنیا سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینانی وجود دارند که بیشتر معضلات و مشکلات اجتماعی متوجه این مناطق است (Narloch, Drucker & Pascual, 2017: 655). حاشیه‌نشینی، در واقع حاصل و برونداد مشکلات اجتماعی و ساختاری است که عمدتاً بر اثر جریان سریع مهاجرت از روستاها به شهرها اتفاق می‌افتد و غالباً با عوارضی مانند فقر، سوابق قومی و فرهنگی متفاوت مهاجران در حاشیه و عدم وجود حریم خصوصی در ارتباط است که موجب بروز ویژگی‌های منفی شخصیتی مانند پوچی و بی‌ارزشی، احساس بیگانگی، سرخوردگی و عدم توانایی در بروز احساسات مانند خشم، بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و قانون‌گزاری و ضعف باورهای دینی می‌گردد و هر کدام از این عوامل می‌تواند یکی از علل اصلی بروز انواع بزهکاری‌ها و قانون‌گریزی‌ها باشد محبلیان و آقیلار (Mohebalian and Aguilar, 2018: 554).

به عبارت دیگر، افراد از طریق اجتماعی شدن شیوه‌های زندگی در جامعه‌شان را می‌آموزند، شخصیتی کسب کرده، آمادگی عمل به‌عنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کنند و یاد می‌گیرند خودشان را با سیستم جدید انطباق دهند و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه داشته باشند (علی محسنی، ۱۳۹۱: ۸۷). عواملی مثل چندگانگی در ساختار اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمد، فقر، بیکاری، تورم و مشکلات تأمین هزینه‌های رو به رشد زندگی، بر نارضایتی عموم مردم می‌افزاید؛ و حال

اگر مردم با توجه به شرایطشان نتوانند بر این مشکلات فائق آیند و از طریق رعایت قوانین به اهداف و خواست‌های خود نرسند، به دنبال راه‌های گریزی می‌روند که به قانون‌گریزی منجر می‌شود (میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵: ۹۹؛ فتح‌اللهی و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۳۱)؛ بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط نمود که شرایط اجتماعی و منطقه مسکونی که افراد در آن جامعه‌پذیر می‌شوند تا حد زیادی بر گرایش‌های قانون گریزانه آنان در آینده تأثیرگذار است (Ezzine & et al, 2016:129).

مشهد از نظر جمعیت دومین کلان‌شهر کشور و از لحاظ مهاجرپذیری پس از تهران بزرگ‌ترین شهر محسوب می‌شود. از لحاظ شاخص‌های سنی مشهد از جمعیتی جوان برخوردار است و رشد جمعیت سالانه آن ۱/۶۸٪ است که اندکی بالاتر از نرخ رشد جمعیت ایران ۱/۶۴ است. از لحاظ شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی، بویژه شاخص‌های فرهنگی و آموزشی شهر مشهد وضعیت مناسبی دارد، ولی در نواحی حاشیه ای و حومه آن به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش به خاطر گستردگی مهاجرت از دیگر استان‌ها و بعضاً دیگر کشورها (مهاجران افغان) و دسترسی ضعیف به زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از وضعیت اجتماعی و اقتصادی نابسامانی برخوردار بوده، در محرومیت به سر می‌برند؛ دلیل آن هم ناپایداری حاصل از ناکارآمدی ساختار و عناصر سیستم‌های مناطق شهری در کشورهای جهان سوم است که ویژگی‌هایی را در این سکونتگاه‌ها ایجاد کرده است (Terres, 2015: 22؛ روستایی، زادولی و زادولی خواجه، ۱۳۹۳: ۸۷). بخش مهمی از این مسأله به گرایش‌های قانون گریزانه در حومه شهر، بازمی‌گردد. در همه‌ی مناطق حاشیه‌نشین به یک میزان تخلف از قانون به چشم نمی‌خورد بلکه قسمت اعظمی از فساد، تبهکاری و انحرافات اجتماعی در بعضی از مناطق حاشیه‌ای اتفاق می‌افتد که به سبب ایجاد مشکلات فراوان نیازمند توجه و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مناسب است و در صورت بی‌اهمیتی و کم‌کاری در این خصوص، جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دچار بحران خواهد شد، چرا که مشکلات و مسائل تولیدشده در قسمت‌های حاشیه‌ای شهر به مراکز شهر هم رسوخ می‌کند و ناامنی در حاشیه طبیعتاً در متن نیز اثرگذار خواهد بود (Emirbayer, 1996: 121).

پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی میزان قانون‌گریزی حاشیه نشینان شهر مشهد و بررسی و تبیین عوامل تأثیرگذار بر میزان قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین این شهر، به ویژه عوامل فرهنگی و

جامعه‌شناختی (شامل: احساس عدالت، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی اجتماعی) است.

با توجه به مباحث مطرح شده، این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

- میزان قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه در چه سطحی است؟
- آیا عامل احساس برابری و عدالت (دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی، رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری) با میزان قانون‌گریزی رابطه دارد؟
- آیا احساس بیگانگی اجتماعی (احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی، انزوای ارزشی و غریبگی با خود) با میزان قانون‌گریزی رابطه دارد؟

پیشینه تحقیق

جدول ۱) پیشینه پژوهش

پژوهشگران (تاریخ)	عنوان	خلاصه دستاورد
(فیروزجائیان، ۱۳۸۹)	قانون‌گریزی (تحلیلی در منظر نظریه عدالت رویه‌ای)	وقتی افراد رویه‌های اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند، قانون‌گرایی آنان کاهش می‌یابد و این در حالی است که فقدان عدالت در اجرای قانون موجب بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت مجریان قانون نزد مردم شده که این خود باعث قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌شود. تأثیر متقابل متغیرهای عدم عدالت رویه‌ای، بی‌اعتمادی مدنی و عدم مشروعیت موجب قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌شود.
(رضایی، ۱۳۸۴)	میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون گریزی	احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص گرایی، تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به‌نظام سیاسی، بیشترین تأثیر را نسبت به سایر متغیرها بر قانون‌گریزی ابزاری داشته است. سه شاخص قانون‌گریزی اخلاقی، اعتراضی و ابزاری ساخته شده بیشترین رابطه را با احساس آنومی و میزان رواج زور در جامعه داراست.
(حیدری، رضادوست و فروتن‌کیا، ۱۳۹۱)	نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون گریزی، مطالعه موردی: دانشجویان	ازهم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه معنادار و مثبت دارد. تحلیل رگرسیون نشان داده که اثر فردگرایی و بُت‌وارگی پول بر قانون‌گریزی معناداراست و اثر پیشرفت‌گرایی و جهان‌گرایی قابل‌چشم‌پوشی است. دیگر نتایج نشان داده که قانون‌گریزی با

	دانشگاه شهید چمران اهواز	پایگاه اجتماعی اقتصادی رابطه ندارد. همچنین بین پایگاه اجتماعی اقتصادی عینی و ازهم‌گسیختگی نهادی همبستگی مثبت و ضعیفی مشاهده شد.
(زارع شاه-آبادی و ترکان، ۱۳۹۲)	عوامل قانون گرایی شهروندان در شهر یزد	بین سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین جنس، وضعیت شغلی افراد و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. براساس دیگر نتایج بین متغیرهای اساسی، دینداری، سرمایه اجتماعی، نگرش به قانون، نظارت اجتماعی، عدالت توزیعی و قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد، اما بین آنومی و قانون‌گرایی رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد.
(مختاری، قهرمانی و قدرتی، ۱۳۹۱)	عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی (مورد مطالعه افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر شیراز)	مردان بیش از زنان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی داشتند. سطح تحصیلات و نوع شغل افراد در کاهش یا افزایش میزان قانون‌گریزی افراد اثری نداشته است. هرچه احساس تعلق اجتماعی فرد بالاتر باشد، از میزان قانون‌گریزی فرد کاسته می‌شود و در نهایت هر چه فرد با محدودیت منابع بیشتر روبه‌رو باشد، میزان قانون‌گریزی وی در روابط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.
(واحدی، بدری گرگری و مصرآبادی، ۱۳۸۸)	بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)	متغیرهای باورهای مذهبی، عام‌گرایی قانون، خوش‌بینی نسبت به حکومت و ترس از مجازات با میزان قانون‌گرایی افراد رابطه مستقیم و معنی‌داری داشته است.
(WeKesa, 2011)	ارتقای کیفیت زندگی حاشیه نشینان در کشور آفریقای جنوبی	ساکنان محلات ظرفیت و دارایی‌های اجتماعی بالایی دارند که در صورت توجه به آنها و ارائه آموزش‌های لازم می‌توان در توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین گام برداشت.
(Lou Xin-quan, 2008)	درباره دین و گرایش به قانون	دین با محور قرار دادن آموزه‌های دینی به‌عنوان معیار و هنجار مطلوب رفتار، به تنظیم و کنترل رفتار و روابط اجتماعی طیف وسیعی از انسان‌ها پرداخته و با توجه به این قدرت بازدارندگی، از بروز آسیب‌های اجتماعی همچون قانون‌گریزی جلوگیری می‌کند. همچنین عقاید، باورها، احکام و مناسک دینی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قانون‌گرایی و اطاعت از قوانین دارد؛ یعنی هرچه میزان دین‌داری افراد بیشتر شود، میزان عمل به قانون و پایبندی به آن در افراد نیز افزایش می‌یابد.

(Ferrer, 2009)	قانون‌شکنی زمانی که دیگران انجام می‌دهند	محقق در این تحقیق که به روش پیمایشی انجام شده است، به دنبال تأثیر اهمیت مجاورت بر روی جرم بوده است. نتایج تحقیق نشان داده است که مجاورت با افراد بزهکار بر قانون شکنی آنها تأثیر معنی‌داری داشته است. آنها همچنین نشان دادند که مجاورت ممکن است با سودمندی فن‌آوری اجرایی ارتباط داشته باشد و اینکه البته منافع افراد در شکستن قانون با یکدیگر نامتجانس است.
(Wang & Liu, 2010)	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر قانون‌گرایی	بین میزان شناخت منفی از اعمال قانونی و تمایل به قانون-گرایی ارتباط معکوس‌وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه مثبت از اعمال قانونی، میزان دریافت شناختی از مشروعیت قانون، میزان برداشت از تجربه قانون‌گرایی و میزان آگاهی از تنبیه کیفری رفتار غیرقانونی و قانون‌گرایی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به پژوهش‌های مذکور، فردگرایی، از هم‌گسیختگی نهادی و تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به‌نظام سیاسی در مورد قانون‌گریزی، برای جامعه مهم قلمداد شده است. کسانی که اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند، قانون‌گرایی در آنان کاهش می‌یابد. این امر موجب بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت قانون نزد مردم می‌شود. در این پژوهش‌ها پایگاه اجتماعی- اقتصادی در مورد قانون‌گریزی افراد در نظر گرفته نشده است در حالی‌که در پژوهش‌های گسترده خارجی این رابطه نقشی پررنگ و حیاتی دارد. در پژوهش حاضر عوامل اجتماعی- اقتصادی دارای نقش برجسته ای است.

نتایج دیگر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای اساسی، دینداری، سرمایه اجتماعی، نگرش به قانون و نظارت اجتماعی با قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، این در حالی است که دینداری در این تحقیقات به مثابه بن مایه ای دینی و مذهبی (کشور) مدنظر بوده است، حال آنکه در این پژوهش باورهای دینی به‌عنوان یک متغیرمداخله‌گر و متمایز با تحقیقات دیگر مدنظر است. این امر ناشی از برداشت‌های متفاوت افراد از دینداری است؛ به این ترتیب که فرد خود را دیندار می‌داند، درحالی که رفتار اجتماعی او خلاف اظهارات وی در مورد دینداری است. نکته مهمی که در پژوهش‌های مختلف اغلب به آن کم‌توجهی شده است، مشکلات مهاجرت افراد و انطباق آنان با محیط پیرامون است؛ به این ترتیب که افراد به‌محض رسیدن به مقصد دچار تعارض فرهنگی می‌شوند و رفتارهایی خلاف قانون از خود بروز می‌دهند.

چارچوب نظری

جامعه‌شناسان قانون‌شکنی و قانون‌گریزی را در ساختار اجتماعی ناکارآمد، با سازمان‌دهی اجتماعی جامعه موردنظرو شرایط آنومیک آن تبیین می‌کنند و معتقدند که مهاجرت، صنعتی شدن و رشد سریع شهری، موجب زیر پا گذاشتن الگوهای تثبیت‌شده و کاملاً سازمان‌یافته زندگی می‌شود (Ito, et al., 2018: 141). قواعد مذکور در مواقعی که تغییر اجتماعی سریع به وجود می آید از هم پاشیده می‌شوند. از این رو مردم معیارهایی را که به روابط و رفتارهای آنها نظم می‌بخشد، از دست می‌دهند (واحدی، بدری گرگری و مصرآبادی، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۴) ازجمله علت‌های عمده قانون‌گریزی افراد یک جامعه این است که هنجارها قدرت تنظیم‌کنندگی خود را بر رفتار و آرزومندی های انسان‌ها از دست می‌دهند و چنان آرزومندی‌ها، افسارگسیخته می‌شوند که به‌صورت نیازهای سیری‌ناپذیری درمی‌آیند که هیچ‌گاه ارضا نمی‌شوند (حیدری، رضادوست و فروتن‌کیا، ۱۳۹۱: ۴۲). از دیدگاه این نظریه، ضعف کنترل‌های رسمی (نظارت نهادی) در جامعه باعث می‌شود برخی اجتماعات، توانایی خودتنظیمی را از دست بدهند. این موضوع باعث می‌شود پیوندهای اعضای جامعه با همدیگر و با جامعه سست شود و افراد به‌آسانی از هنجارهای مرسوم اجتماع عبور کنند و آن‌ها را زیر پا بگذارند و قانون‌گریزی از این طریق، در جامعه گسترش پیدا می‌کند (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

به‌زعم دورکیم، بی‌هنجاری زمانی رخ می‌دهد که تحولی عظیم که به‌ناچار شامل بی‌نظمی غیرمنتظره است، در جامعه واقع شود. دورکیم، وضعیتی را که در آن، قدرت نظارت اجتماعی جامعه سست می‌شود و کنترل جامعه بر تمایلات فردی کارآیی خود را از دست می‌دهد، بی‌هنجاری می‌خواند (Giddens, 1986: 453; Emirbayer, 1996: 121). او معتقد است نزدیک‌ترین حالت به وضعیت بی‌هنجاری، هم‌زمان با وقوع انقلاب یا جنگ یا بلافاصله پس از رکود اقتصادی شدید غیرمنتظره مشاهده می‌شود. نتیجه چنین وقایعی ممکن است افزایش قانون‌گریزی و رفتارهای تخلف آمیز باشد؛ زیرا در این موقعیت غیرعادی که توافق چندانی درباره رفتار مناسب یا نامناسب

نیست، تعیین دقیق رفتار تخلف آمیز مشکل است و حدود عرفی که درهم می‌شکند، تعریف شدنی و تعیین شدنی نیست (Giddens, 1986: 453). در عین‌حال، مردم به‌طور غیرمعمول تابع عرفی نوخاسته می‌شوند و آنچه بخشی از عرف معمول و پذیرفته شده جامعه بوده است، از دست می‌رود (Longshore, et al., 2004: 191; Lilly, Francis & Richard, 1995: 53). از نظر دورکیم آنومی وضعیتی است که در آن هنجارهای اجتماعی جامعه نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند (گیدنز، ۱۳۹۱: ۵۹۰). به نظر وی در جوامع امروزی، معیارها و هنجارهای سنتی بدون آنکه توسط هنجارهای جدید جایگزین شوند، تضعیف می‌شوند (معیدفر، ۱۳۷۹: ۱۹۴).

نظریه آنومی دورکیم دارای دو بعد است که مشخصه آن بی‌هنجاری و نامتناهی بودن آرزوها است. دورکیم درباره رابطه میان انسان، نیازها، اهداف یا آرزوهایش بحث می‌کند و معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها و از بین رفتن کنترل آرزوها، آنومی در وضعیت آرزوهای بی‌حدوحصر به وجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد، طبعاً نمی‌توانند ارضا و اشباع شوند، سبب ظهور نارضایتی اجتماعی منفی نظیر: خودکشی، اقدامات جنایی، طلاق و ... می‌شوند که از نظر آماری نیز قابل سنجش اند (علیوردی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۷۲).

در دیدگاه رابرت مرتون[1] در یک جامعه پایدار، میان اهداف اجتماعی- فرهنگی و راه‌های پذیرفته‌شده برای دستیابی به آن اهداف در بین عامه مردم، تعادل وجود دارد وآنومی وقتی شروع می شود که این رابطه متعادل، به هم بخورد. وی معتقد است تنها هنگامی فقر و محدودیت‌های ناشی از آن جرم‌زا می‌شود که افراد فقیر شیفته رسیدن به ارزش‌های فرهنگی مورد تأثیر اعضای جامعه باشند و برای رسیدن به آن با کسانی وارد رقابت شوند که فرصت‌های مشروع را به میزان بیشتری در اختیار دارند. در چنین وضعیتی رفتار ضداجتماعی آنان طبیعی خواهد بود (محسنی، ۱۳۸۱: ۵۴).

جرم شناسان بی‌عدالتی و شرایط ناسالم اقتصادی را مؤثر و مرتبط با قانون‌گریزی افراد می‌دانند (نوربهاء، ۱۳۷۷: ۴۶). بر اساس نظریه مبادله، اگر توزیع پاداش‌ها با معیارهای عدالت متناسب نباشد،

1. Robert K. Merton

احساس بی‌عدالتی رواج پیدا کرده و اعضای جامعه در واکنش به آن از تمکین در برابر مقررات و قوانین پرهیز می‌کنند. آدامز[1] و هومنز[2] نیز بر نقش توزیع عادلانه و رضایت اجتماعی و در نهایت، احترام و پذیرش قوانین صحه گذاشته‌اند (Adams,1965: 43; Homans, 1961: 261) بر اساس نظریه انصاف، افراد سعی می‌کنند نوعی تعادل میان داده‌ها و ستانده‌های خویش برقرار سازند (چلبی، ۱۳۹۴: ۴۶). حتی اگر در توزیع پاداش و امکانات، به فرد/ افرادی بیش از استحقاق پاداش یا امکاناتی داده شود، نه تنها عدالت برقرار نشده، بلکه این کار از طریق فرایند مقایسه اجتماعی بر افزایش بی‌عدالتی مؤثر است. بر اساس نظریه ارزش منزلتی برگر و همکارانش، اگر انتظارات مردم از قانون با آنچه اجرا می‌شود متفاوت باشد، قطعاً اعضای جامعه آن را ناعادلانه تلقی می‌کنند و ارزیابی مردم از قانون، منفی بوده و در مقبولیت آن‌ها مؤثر است. بر اساس این نظریه، قوانین و انتظاراتی که از آن قوانین می‌رود، باید تعریف شده و بدون ابهام باشد؛ در غیر این صورت کارآیی خود را از دست داده و بر پذیرش قانون تأثیر منفی می‌گذارد (همان: ۶۹).

بنابراین زمانی که سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای زیاد باشد، افراد کم‌تری مرتکب قانون‌گریزی می‌شوند؛ زیرا با انجام این کار شبکه روابط خود را از دست می‌دهند و از طرف جامعه و اطرافیان طرد می‌شوند. بر اساس تئوری انتخاب عقلانی، در صورت وجود سرمایه اجتماعی مثبت و روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین اعضای جامعه، اکثر افراد قانون مدارند؛ چرا که قانون گریزی با تحمیل هزینه های زیاد، سود کمی برای آن‌ها خواهد داشت؛ درنتیجه، از آن پرهیز می‌کنند (Longshore, et al., 2004: 291; Lilly, Francis & Richard, 1995: 253).

در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی پیش‌فرض آنست که افراد رفتار کجروانه خواهند داشت؛ مگر این که کنترل شوند. بر این اساس، ارتکاب رفتار انحرافی به علت فقدان یا ضعف سازوکارهای کنترل اجتماعی در جامعه است. سازوکارهای کنترل دو نوع اند: کنترل شخصی و کنترل اجتماعی. عوامل کنترل اجتماعی شامل وابستگی و تعلق به نهادهای بنیادین

1. Adams
2. Homans

اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و دین است. به‌زعم هیرشی، وفاقی کلی درباره هنجارها، ارزش‌ها و باورهای (دینی) رایج در جامعه وجود دارد و کنترل اجتماعی برمبنای این وفاق اجتماعی انجام می‌شود. وی معتقد است چهارعنصر اصلی شامل وابستگی به اجتماع، تعهد، مشغولیت (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی) و اعتقاد و باور داشتن به قواعد اجتماعی، موجبات پیوند فرد و جامعه را فراهم می‌نماید (Lilly, Francis & Richard, 1995: 341; Brownfield and Sorenson, 1993: 252). همچنین، وی معتقد است میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی و دینی برای هم‌نوایی با قوانین، برای خود قائل نیست. این نظریه با نظریه کارکردی، ماکس وبر و امیل دورکیم مشترک است؛ زیرا هر دوی این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که دین و باورهای دینی و اعتقاد به آن‌ها مانند نوعی منبع کنترل درونی و اجتماعی عمل می‌کنند و مانعی برای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی هستند. بر اساس این دو نظریه، انحراف تحت تأثیر اعتقادات خلاف اخلاق معمول در جامعه واقع می‌شود.

در نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند[1] تبیین رفتار قانون‌گریزانه با میزان و نوع تماس های فرد با سایر اشخاص تبیین می‌شود؛ به این صورت که افراد مستعد قانون‌گریزی در همنشینی با افراد جامعه یاد می‌گیرند که گاه موافق و گاه مخالف رفتارهای قانون گریزانه است. اگر تعریف‌هایی که کنش‌های قانون گریزانه را قبول می‌کنند، با پشتوانه‌ای قوی‌تر از تعریف‌های قانون‌گرایی به فرد القا شود و فرد نیز در دفعات بیش‌تری با این دسته تعاریف مواجه گردد، احتمال این‌که فرد مرتکب قانون‌گریزی شود، بیش‌تر است (Burkett, 2001: 401; Haynie, et al., 2005: 450).

از بررسی پژوهش‌ها و نظرات مرتبط با این حوزه مشخص می‌شود که قانون‌گریزی افراد از جمله حاشیه‌نشینان تحت تأثیر عوامل مختلفی است از آن جمله می‌توان به احساس بی‌عدالتی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، شغلی و ...، زندگی تحت ظلم و تبعیض، پایین بودن سواد و تحصیلات، ساخت سنتی و مقتدرانه خانواده، باورهای دینی و ... اشاره داشت. تأکید ما در این

1. Edwin Hardin Sutherland

پژوهش بر چهار متغیر مهم احساس بیگانگی اجتماعی، احساس برابری و عدالت، احساس کارآمدی و باورهای دینی است و ارتباط آنها با میزان قانون‌گریزی افراد مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی- تحلیلی مبتنی بر تکمیل پرسشنامه محقق ساخته است. شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق بعد از بررسی پیشینه نظری و مطالعات اولیه محدوده پژوهش استخراج شد (جدول ۱). جامعه آماری تحقیق را کلیه ساکنان مناطق حاشیه‌نشین مشهد (۵۵۱۶۳) و جامعه نمونه را ۵ منطقه و ۳۸۳ نفر از ساکنین حاشیه نشین بالای ۱۸ سال تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری تصادفی بوده و تعداد نمونه متناسب با سهم جمعیتی هر منطقه از طریق فرمول کوکران به صورت زیر به دست آمده است.

$$n = \frac{N \,.\, t^2 \,.\, P \,.\, q}{\mathrm{N} \,.\, \mathrm{d} + \, t^2 \,.\, P . q}$$

N = حجم جمعیت آماری

t = درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول

P = نسبت جمعیت دارای صفت معین

q = نسبت جمعیت فاقد صفت معین

d = درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب

با توجه به پراکندگی نمونه مطالعه پژوهش حاضر، در اکثر تحقیقات علوم اجتماعی معمولاً P و q را ۰/۵ در نظر می‌گیرند. و مقدار t را معمولا ۱/۹۶ تعیین می‌کنند.

$$n = \frac{۵۵۱۶۳ \times (۱/۹۶)^۲ \times (۰/۵) \times (۰/۵)}{۵۵۱۶۳ \times (۰/۰۵)^۲ + (۱/۹۶)^۲ \times (۰/۵) \times (۰/۵)} = \frac{۵۲۹۷۸/۵۴}{۱۳۸/۴۵} \simeq ۳۸۳$$

جدول۲) شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی

نوع متغیر	شاخص‌ها	معرف‌ها
مستقل	باورهای دینی	میزان آگاهی از احکام مذهبی، میزان اعتقاد به اهمیت مذهب در زندگی، میزان پایبندی به اعمال و اخلاق و مناسک مذهبی
	احساس برابری وعدالت	میزان رضایت از دسترسی برابر به درآمد و شغل مناسب، میزان رعایت حقوق قومیت‌ها (عدم نابرابری بین قومیت‌ها)، برتری قانون بر رابطه (قانون‌گریزی) و رضایت از شایسته‌سالاری (توجه به میزان توانایی و تخصص هر فرد و استفاده از آن در مسیر پیشرفت جامعه)
	احساس کارآمدی	انگیزه و میل به پیشرفت (علم‌گرایی، تلاش جهت دستیابی به سطوح بالای رفاه فردی واجتماعی)، سطح توقعات و آرزوها برای زندگی آینده
	احساس بیگانگی اجتماعی	احساس بی‌قدرتی (تصور به بی‌تأثیر بودن عمل خود)، احساس بی‌معنایی (سردرگمی دراعتقادات و تصمیم‌ها)، احساس انزوای ارزشی (پرهیز از صمیمیت و انجام امور برحسب ارزش پاداشی) و احساس غریبگی با خود (بیگانگی با آرمان‌های اجتماعی و بدبینی به آینده)
وابسته	قانون‌گریزی	اطاعت از قانون (قانون هرچه باشد باید اطاعت کرد، این که در هر حالی باید از قانون اطاعت کرد) رعایت قانون (اینکه رعایت قانون باعث پیشرفت یا عقب ماندن آدم می شود، کسانی که قانون را رعایت نمی کنند سریعتر و راحتتر به اهدافشان می رسند، وقتی دیگران قانون را رعایت نمی کنند لازم نیست من از آن اطاعت کنم) عمل به قانون (پرداخت به موقع مالیات یا عوارضی، رعایت قوانین رانندگی) عدم التزام به قوانین (کشیدن چک بی محل یا خرید کالای قاچاق، رانندگی بدون گواهی نامه)

داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (تکمیل پرسشنامه) به دست آمد. روایی پرسشنامه مبتنی بر تعاریف عملیاتی شاخص‌ها و نظر کارشناسان بررسی و تأیید شد و پایایی آن از طریق ۳۰ نمونه اولیه به طور پیش‌آزمون به کمک آلفای کرونباخ محاسبه شد (جدول ۳). روش تجزیه و

تحلیل اطلاعات و داده‌ها بر اساس روش‌های آماری در محیط نرم‌افزار SPSS و از طریق آزمون‌های t تک نمونه‌ای و همبستگی پیرسون بوده است. در این پژوهش میانه نظری بر مبنای مقیاس لیکرت عدد ۳ است.

جدول ۳) بررسی پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه)

شاخص‌ها	تعداد گویه ها	ضریب کرونباخ
دین و مذهب	۴	۰/۷۷۵
احساس عدالت	۷	۰/۸۲۳
احساس کارآمدی	۴	۰/۷۴۹
احساس بیگانگی اجتماعی	۷	۰/۸۶۱
قانون‌گریزی	۹	۰/۸۵۵

یافته‌های پژوهش

از میان کلیه پاسخگویان ۸۷٪ مرد و ۱۳٪ زن بودند. از نظر سن، ۱۳/۳٪ ۱۸ تا ۳۰ سال، ۲۰/۱٪ بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۰/۷٪ بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۷/۸٪ بالای ۵۰ سال سن دارند. پاسخ‌دهندگان از لحاظ تحصیلات، ۲۹/۲٪ بی‌سواد، ۱۵/۹٪ دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۱/۴٪ راهنمایی، ۱۹/۷٪ دیپلم، ۱۰/۵٪ کاردانی، ۴/۹٪ کارشناسی و ۳/۹٪ کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. از لحاظ میزان درآمد ماهیانه، ۵۵/۲٪ پاسخگویان درآمد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان، ۲۷/۶٪ بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزارتومان و ۱۷٪ ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار و فقط ۰/۳٪ بیشتر از ۹۰۰ هزار را اظهار نموده‌اند. از نظر وضعیت شغلی نیز ۲۷/۳٪ گفته‌اند که دارای مشاغل‌کارگری و یدی، ۳۵/۸٪ دارای مشاغل آزاد، ۱۱/۷٪ بازاری، ۳/۴٪ خانه‌داری، ۲/۱٪ بازنشسته و مستمری بگیر، ۹٪ کارمند و ۱۰/۶٪ بیکار هستند.

جهت پاسخگویی به سؤال‌های تحقیق به‌وسیله آمار استنباطی، نخست وضعیت توزیع داده‌ها به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شد. با توجه به رد فرضیه صفر، نتایج حاکی از نرمال بودن داده‌ها است (جدول ۴).

جدول ۴) بررسی وضعیت توزیع نرمال داده‌ها

شاخص‌ها	-	ضرایب
دین و مذهب	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/764
	سطح معناداری	0/498
احساس عدالت	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/793
	سطح معناداری	0/555
احساس کارآمدی	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/702
	سطح معناداری	0/707
احساس بیگانگی اجتماعی	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/651
	سطح معناداری	0/542
قانون‌گریزی	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/544
	سطح معناداری	0/928

بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان قانون‌گریزی در نواحی حاشیه و حومه شهر مورد مطالعه کمتر از میانگین نظری (با درجه میانگین ۲/۹) است. از آنجا که مطابق آزمون t تک نمونه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و کران‌های بالا و پایین هر دو منفی هستند (جدول ۵)، می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گریزی در محدوده مورد مطالعه تا حدود قابل ملاحظه‌ای بر زندگی و فرایند اجتماعی مؤثر بوده است.

جدول ۵) بررسی میزان قانون‌گریزی با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای

متغیر	test value = 3						
	میانگین جامعه	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						کران بالا	کران پایین
قانون‌گریزی	۲/۹	۳/۳۶۹	۳۷۶	۰/۰۰۰	-۰/۱۰۰۲	-۰/۰۴۶۹	-۰/۱۵۳۵

نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان تا حد متوسط (با درجه ۲/۹) پیشرفت در امور زندگی را مبتنی بر عدم رعایت قوانین و عمل به آن را باعث عقب ماندگی می‌دانند. از علل میزان متوسط

قانون‌گریزی در حومه و مناطق حاشیه‌نشین شهرستان مشهد می‌توان بـه عـدم تـوان و تـاب‌آوری حاشیه‌نشینان در برابر مخاطرات و مصیبت‌ها، عدم تجهیـز کـافی آن‌هـا بـه ابزارهـای توانمندسـاز اطلاعاتی و مهارتی، ضعف بنیه اقتصادی، نگرش‌های مذهبی تقریباً متحجرانه و آمیخته به خرافـات (به‌عنوان نمونه بسیاری از حاشیه‌نشین‌ها بر مبنای تعالیم مذهبی معتقدند سرنوشت هر فرد پیش از تولد تعیین‌شده است و در رابطه با کنترل جمعیت معتقدند نباید از افزایش جمعیت جلوگیری کرد، با استناد به این روایت هر آن کس که دندان دهد نان دهد و غیره) و از همه مهمتر، جمـود فکـری (رکود تفکر، بی‌تفاوتی، ترجیح نقل بر عقل، وابستگی فکری، تغییرناپذیر دانستن سنت‌های جامعه و غیره) اشاره کرد.

این میزان قانون گریزی در محدوده مورد مطالعه هرچند وضعیت مطلوبی جهت نیل به بهبود این شاخص‌ها را نشان نمی‌دهد، با توجه به اطلاعات حاصل شده از منـاطق حاشـیه ای مـورد مطالعـه می‌توان با پویایی مذهبی و عرفی از طریق افزایش آگاهی و دانش - که در اثر ارتقای دسترسـی بـه زیرساخت‌های آموزشی و ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی (مانند اینترنت، مطبوعات و کتابخانه رایگان) قابل تحقق اسـت - و توانمندسـازی اقتصـادی و اجتمـاعی مـردم در نـواحی حاشـیه‌ای از طریـق آموزش‌های فنی و توسعه زیرساخت‌های تولیدی، بویژه در بخش کشاورزی و صنایع وابسته بـه آن، میزان قانون‌گریزی را تا حد زیادی تقلیل داد. از آنجایی‌که هنوز میزان استفاده از ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی در محدوده مورد مطالعه ضعیف (۳۹٪) است، در آینده می‌توان با ارتقای زیرسـاخت‌هـای فرهنگی و آموزشی به کاهش چشمگیر قانون‌گریزی در منطقه امیدوار بود.

عوامل زیادی می‌توانند بر میزان قانون‌گریزی مؤثر باشند. از میان ایـن عوامـل، در ایـن پـژوهش نقش برخی عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته اسـت. جهـت بررسـی نقـش دین و مذهب در میزان قانون‌گریزی در حاشـیه شـهر از روش همبسـتگی پیرسـون اسـتفاده شـد. یافته‌ها حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار سایر عوامل مذهبی به‌استثنای پایبندی بـه مناسـک مذهبی (شرکت در مراسم مذهبی) با میزان قانون‌گریزی است. اینکه هر چه میزان دانش مـذهبی، پایبندی به واجبات مذهبی (نماز، روزه، زکات و ...) و اعتقاد به نقش کلیدی مذهب در هدایت امـور زندگی بیشتر بوده، میزان قانون‌گریزی سیر صعودی یافته و عکس قضیه نیز درسـت اسـت. از ایـن

موضوع استنباط می‌شود که دین و مذهب به‌عنوان عاملی مهم و مؤثر درگرایش‌های قانون گریزانه نقش ایفا می‌کند. دلیل این که باورهای دینی بدین شکل در این بررسی استفاده شده است را می‌توان در مواردی همچون: فقدان آگاهی کافی از اهمیتی که دین بر انجام دستورات قانونی در زندگی قائل است، تأکید بر جدایی دین از عرصه عمومی زندگی، رکود و جمود فکری، اعتقاد به این موضوع که افراد وقتی فارغ از قوانین باشند، سریعتر و راحت‌تر به اهدافشان می‌رسند و ... جستجو کرد که جملگی از ایستا فرض کردن مفروضات دینی، ضعف عقلانیت دینی و ناتوانی در برابر موانع و مشکلات زندگی نشأت گرفته است، به عبارتی، بسیاری از مردم حاشیه‌نشین شهر اعمال خود را مبتنی بر باورهای مذهبی - که در عرصه شخصی و خصوصی زندگی خود دارند - می‌دانند و استفاده‌ای از احکام مذهبی در زندگی روزمره اجتماعی خود ندارند و معتقدند بدون رعایت قوانین اجتماعی پیشرفت در زندگی‌شان بیشتر است (جدول ۶).

جدول ۶) بررسی ارتباط باورهای دینی با میزان قانون‌گریزی

شاخص‌ها	-	قانون‌گریزی	نوع همبستگی
دانش مذهبی	ضریب همبستگی	۰/۲۱۶	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
اهمیت مذهب	ضریب همبستگی	۰/۱۱۸	پیرسون
	معناداری	۰/۰۲	
پایبندی به واجبات مذهبی	ضریب همبستگی	۰/۲۰۱	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
پایبندی به مناسک مذهبی	ضریب همبستگی	۰/۰۷۳	پیرسون
	معناداری	۰/۱۵۵	

در بررسی نقش احساس برابری و عدالت اجتماعی در میزان قانون‌گریزی، فقط ارتباط مستقیم و معناداری بین عامل دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی و میزان قانون‌گریزی مشاهده شد. به عبارت دیگر، افزایش رضایتمندی از دسترسی مساوی به انواع فرصت‌های اقتصادی در محل سکونت

و پیرامون آن با کاهش قانون‌گریزی همگام است. اما سایر عوامل احساس برابری، ارتباط منطقی و معناداری با میزان قانون‌گریزی نشان ندادند. علی‌رغم وجود مسائلی همچون پیگیری امور در نهادهای رسمی به صورت غیرقانونی و فقدان شایسته‌سالاری (عدم به‌کارگیری افراد بر اساس صلاحیت و توانایی در بسیاری از موارد بویژه استخدام‌های رسمی)، میزان قانون‌گریزی از این عوامل تأثیر نپذیرفته است (جدول ۷).

جدول ۷) بررسی ارتباط احساس برابری و عدالت با میزان قانون‌گریزی

شاخص‌ها	-	قانون‌گریزی	نوع همبستگی
دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی	ضریب همبستگی	۰/۲۲۳	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
رعایت حقوق قومیت‌ها	ضریب همبستگی	۰/۰۸۴	پیرسون
	معناداری	۰/۱۰۴	
برتری قانون بر رابطه	ضریب همبستگی	۰/۰۹۳	پیرسون
	معناداری	۰/۰۷۳	
شایسته‌سالاری	ضریب همبستگی	۰/۰۳۱	پیرسون
	معناداری	۰/۵۴۵	

در بررسی نقش احساس کارآمدی در میزان قانون‌گریزی، یافته‌ها نشان داد که دو شاخص انگیزه و میل به پیشرفت و سطح آرزوها دارای رابطه معکوس و معناداری با میزان قانون‌گریزی هستند. با کاهش انگیزه پیشرفت (کاهش تمایل به علم‌گرایی و رسیدن به سطوح بالای رفاه فردی و اجتماعی) و کاهش سطح آرزوها و خواسته‌ها، میزان قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان سیر صعودی دارد و عکس این قضیه نیز صادق است. می‌توان گفت حاشیه نشینانی که انگیزه پیشرفت و آرزوها و آرمان‌های پایینی دارند، ترجیح می‌دهند از مسیرهای غیرقانونی برای پیشرفت خود استفاده کنند؛ چون در قالب قوانین موجود راهی برای دستیابی به آرمان‌های خود نمی‌بینند (جدول۸).

جدول ۸) بررسی ارتباط احساس کارآمدی با میزان قانون‌گریزی

شاخص‌ها	–	قانون‌گریزی	نوع همبستگی
انگیزه پیشرفت	ضریب همبستگی	-۰/۲۲۹	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
سطح آرزوها	ضریب همبستگی	-۰/۲۳۱	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	

در مناطق مورد مطالعه، بین احساس بیگانگی اجتماعی (به‌استثنای شاخص بی‌معنایی) و میزان قانون‌گریزی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. به عبارتی، افزایش احساس بی‌قدرتی، احساس انزوای ارزشی و احساس غریبگی با خود تا حدودی با افزایش میزان قانون‌گریزی همراه است. می‌توان گفت: زمانی که مردم فکر می‌کنند اعمالشان در جامعه بی‌تأثیر است و از حضور آنان در اجتماع استقبال و حمایت نمی‌شود، امید چندانی به آینده خوب ندارند؛ از صمیمیت در اجتماع پرهیز کرده، خود را بیگانه از آرمان‌های اجتماعی می‌یابند. این قضیه آنها را به انجام امور اجتماعی فقط در قبال ارزش پاداشی و پولی سوق می‌دهد. در نهایت، آنها که خود را بیگانه با اجتماع می‌یابند، گرایش‌شان به قانون‌گریزی فزونی می‌گیرد؛ اما ارتباط احساس بی‌معنایی با میزان قانون‌گرایی مورد تأیید قرار نگرفت. این امر حاکی از آن است که حاشیه نشینان از نظام اعتقادی و تصمیمات قاعده‌مندی برخوردارند و احساس سردرگمی در این زمینه ندارند (جدول ۹).

جدول ۹) بررسی ارتباط احساس بیگانگی اجتماعی با میزان قانون‌گریزی

شاخص‌ها	–	قانون‌گریزی	نوع همبستگی
احساس بی‌قدرتی	ضریب همبستگی	۰/۱۳۴	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۹	
احساس بی‌معنایی	ضریب همبستگی	۰/۰۶۹	پیرسون
	معناداری	۰/۱۷۹	
احساس انزوای ارزشی	ضریب همبستگی	۰/۱۵۲	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۳	
احساس غریبگی با خود	ضریب همبستگی	۰/۲۴۳	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شناخت و ارزیابی میزان قانون‌گریزی و بررسی عوامل مؤثر بر آن، از مهم‌ترین زمینه های مورد توجه عالمان اجتماعی بویژه جامعه شناسان است. دستیابی به این مهم می‌تواند در جهت‌دهی برنامه‌های توسعه، بویژه برنامه‌ریزی در جهت توسعه فرهنگی به طور قابل ملاحظه‌ای مؤثر باشد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی میزان قانون‌گریزی و بررسی برخی عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی مؤثر بر آن، در حومه و نواحی حاشیه‌نشین کلان‌شهر مشهد انجام گرفت و نتایج به‌دست‌آمده حاکی از میزان متوسط قانون‌گریزی با درجه میانگین ۲/۹ است. این امر نشانگر ضعف زیرساخت‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی از یک سو و فقدان سازوکار مناسب برنامه‌ای و مدیریتی در توزیع سرمایه‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی اجتماعی با رویکرد عدالت محور، از سوی دیگر است. به بیان دقیق‌تر می‌توان گفت: حاشیه‌نشینان، فاقد توان مالی و مهارتی کافی جهت رویایی با مصیبت‌های اجتماعی و مخاطرات طبیعی هستند که خود نشأت گرفته از ناکارآمدی مشاغل آنان است که توانایی گذران معیشت سالم از طریق پیروی قانونی را از آنان سلب می‌کند. این مسأله خارج از چارچوب نظام سنتی عرف و مذهبی که مردم حاشیه‌نشین در گذشته به آن باور داشتند، صورت می‌پذیرد و از این رو شرایط اجتماعی و عوامل مذکور آنان را به گریز از قوانین اجتماعی سوق می‌دهد.

طبق نتایج به دست آمده، ارتباط عوامل مذهبی (به استثنای پایبندی به مناسک مذهبی)، احساس برابری (به جز رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه، شایسته‌سالاری)، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی اجتماعی (به غیر از احساس بی‌معنایی) با میزان قانون‌گریزی در محدوده مورد مطالعه معنادار بود و مورد تأیید قرار گرفت. در این میان عوامل احساس برابری و عدالت با ضریب میانگین ۰/۲۲۳ بیشترین تأثیر و عامل مذهب با ضریب میانگین ۰/۱۷۸ کمترین تأثیر را بر میزان قانون‌گریزی دارند. همچنین، رابطه معکوس و معنادار بین میزان تحصیلات و میزان قانون‌گریزی در این پژوهش مؤید دیدگاه‌های مرتون است. ارتقای درجه باورهای دینی در محدوده مورد مطالعه، افزایش قانون‌گریزی را در پی داشته است که این موضوع مؤید نظریات دورکیم است. وی تعالیم و آموزه‌های خاص مذهبی مبتنی بر جبر و تقدیر و نیز بی‌ارزش بودن دنیا

و نظایر آن را بر افزایش قانون گریزی مؤثر دانسته است (دورکیم، ۱۳۹۱: ۲۲۹). همچنین نتیجه مذکور با نتایج تحقیق (Lou Xin-quan, 2008: 41) و (Hirschi & Gottfredson, 1993: 49) که حاکی از وجود ارتباط مستقیم میزان دینداری با میزان قانون‌گریزی بود، انطباق دارد. علاوه بر این، احساس برابری وعدالت (تنها از نظر دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی) با میزان قانون‌گریزی رابطه معناداری را نشان داد. این موضوع با دیدگاه (Wunder, 2015: 234) و نظریه مسعود چلبی (۱۳۹۴) که تزلزل عدالت اجتماعی را سبب افزایش قانون‌گریزی می‌داند، منطبق است؛ اما این دیدگاه‌ها با شاخص‌های دیگر (احساس برابری در رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری) که ارتباط معناداری با قانون‌گریزی نشان ندادند، مغایرت دارد. همچنین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بین احساس کارآمدی و میزان قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری مشاهده شد، اینکه با افزایش احساس کارآمدی، میزان قانون‌گریزی سیر نزولی و کاهشی پیدا کرده است و برعکس. این نتیجه بر دیدگاه برخی نظریه‌پردازان (ادوین ساترلند[1]، هیرشی[2]) که معتقد به وجود ارتباط معکوس بین سطح آرزوها و خواسته‌ها و انگیزه پیشرفت با میزان قانون‌گریزی بودند، مهر تأیید می‌گذارد. افزون بر این ارتباط مستقیم و معناداری بین احساس بیگانگی اجتماعی (به جز شاخص احساس بی‌معنایی) و قانون‌گریزی مشاهده شد. اینکه افزایش احساس بیگانگی اجتماعی با افزایش میزان قانون‌گریزی در نواحی حاشیه‌نشین و حومه شهر مورد مطالعه همگام است، مورد تأیید قرار گرفت. از این رو نتیجه مذکور با دیدگاه‌های ویکسا، فریر، وانگ و لی (Wang & Liu, 2010: 21; Ferrer, 2009: 19; Wekesa, 2011: 241) همسویی دارد.

در مجموع با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت از آنجایی که مردم ساکن در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته به لحاظ شرایط اقتصادی (اشتغال و درآمد)، اجتماعی (خدمات و زیرساخت‌ها)، فرهنگی (آموزش و تحصیلات) از وضعیت توسعه‌ای مطلوبی برخوردار نیستند، در برابر انواع ناملایمات زندگی احساس ناتوانی کرده، برای این که در زندگی خود تغییر ایجاد کنند به ناچار حتی بر خلاف باورهای دینی‌ای که دارند سراسر زندگی را با عدم التزام به قوانین و چارچوب

1. Edwin Hardin Sutherland
2. Travis Hirschi

قواعد اجتماعی سپری می‌کنند.

بنابراین، نتایج پژوهش حاکی از ضعف قابل ملاحظه‌ای در بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز ساز و کارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است، که روی هم رفته در چارچوب نظام غیرسنتی، منجر به گرایش‌های قانون‌گریزانه در این منطقه شده است. این امر مستلزم زمینه‌سازی فرهنگی و انجام اقداماتی است. این اقدامات عبارتند از:

۱. ایجاد و گسترش زیرساخت‌های ارتباطی - اطلاعاتی و تأکید ویژه بر ارتقای دسترسی به منابع دانش از جمله برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی، مجلات و روزنامه‌های مفید و آگاهی‌بخش که مرتبط با خواسته‌های و نیازهای مردم حاشیه نشین باشند؛

۲. تأکید ویژه بر پویایی دینی مذهبی (توجه اساسی به تفکر و تدبر مورد تأکید در منابع دینی و پرهیز از گرایش‌های قانون گریزانه و جمود فکری) و سوق دادن هدفمند حاشیه‌نشینان به سمت آگاهی صحیح از منابع دینی و به‌طورکلی به سمت تلاش مستمر برای دستیابی رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مطلوب از طریق بهبود دسترسی‌های آموزشی و اطلاعاتی به کمک رسانه‌ها؛

۳. تأکید بر ایجاد و تقویت بنیان‌های اقتصادی و تولیدی نواحی حومه و حاشیه‌ی شهر، بویژه ایجاد مشاغل مستمر در فعالیت روزمره مبتنی بر رویکرد عدالت اجتماعی و مکانی؛ چرا که از دیرباز ناتوانی‌ها و ضعف‌های اقتصادی نقش مهمی در تسلیم مردم در برابر انواع مخاطرات طبیعی و مصیبت‌های اجتماعی و پذیرش‌های گرایش‌های قانون‌گریزانه داشته‌اند؛

۴. تأکید بر نقش مشارکتی و مؤثر حاشیه‌نشینان در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه محلی: لازمه این امر آن است که متولیان توسعه شهری به دانش و تجربیات مردم این نواحی توجه کرده، آنان را در فرایند تصمیم‌گیری تا اجرای پروژه‌ها و نیز منافع حاصل از آن سهیم نمایند. این امر منجر به افزایش میل به پیشرفت و احساس کارآمدی خواهد شد و به کاهش احساس بی‌قدرتی و از خودبیگانگی اجتماعی کمک شایانی خواهد کرد.

منابع

- چلبی، مسعود (۱۳۹۴). *کتاب تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. تهران: نشر نی.
- حیدری، آرش؛ رضادوست، کریم؛ فروتن‌کیا، شهروز (۱۳۹۱). "نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)". *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، دوره بیست و دوم، ش ۱۲ (بهار): ۳۹-۶۰.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۱). *درس‌های جامعه‌شناسی (فیزیک، اخلاقیات و حقوق)*. ترجمه جمال‌الدین موسوی. تهران: نشر نی.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). "میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۳ (تابستان): ۴۷-۶۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آناتومی آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش.
- ------ (۱۳۸۷). *آناتومی جامعه*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روستایی، شهریور؛ زادولی، فاطمه؛ زادولی خواجه، شاهرخ (۱۳۹۳). "تحلیل فضایی پراکنش فقر اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین (نمونه موردی: مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز)". *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، دوره اول، ش ۱ (تابستان): ۷۲-۹۸.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت‌الله (۱۳۹۲). "عوامل قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد". *رفاه اجتماعی*، دوره هفتم، ش ۵۰ (بهار): ۱۵۹-۲۰۶.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۸). "موانع قانون‌گرایی و راه‌های مقابله با آن در ایران". در: مجموعه مقالات قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. گردآورنده احمد زرین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۳۴-۶۱.
- علی‌محسنی، رضا (۱۳۹۱). "تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی". *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، دوره پنجم، ش ۱۷ (پاییز): ۸۳-۱۰۸.
- علیوردی‌نیا، علی اکبر (۱۳۷۸). "مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در

مازندران". در: مجموعه مقالات قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. گردآورنده احمد زرین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۶۹-۲۲۶.

- فتح‌اللهی، جواد، و دیگران (۱۳۷۸). "*ایجاد روحیه قانون‌پذیری*". در: مجموعه مقالات همایش قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. گردآورنده احمد زرین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۳-۸۳.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر (۱۳۸۹). "قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)". *رفاه اجتماعی*، دوره یازدهم، ش ۴ (تابستان):۳۸۱ -۴۱۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۱). "امنیت، تهدید ملی و آسیب‌های اجتماعی". در: مجموعه مقالات امنیت اجتماعی و راهکارهای توسعه. گردآورنده احمد زرین. بابل: دفتر امور اجتماعی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه استان مازندران: ۹۰۱-۹۳۷.
- مختاری، مریم؛ قهرمانی، مریم؛ قدرتی، حسین (۱۳۹۱). "عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی (مورد مطالعه: افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر شیراز)". *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، دوره چهاردهم، ش ۳۲ (تابستان): ۷۷ -۱۰۴.
- معیدفر، سعید (۱۳۷۹). "تبیین جامعه‌شناختی تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی در ایران". در: مجموعه مقالات بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی. گردآورنده احمد زرین. تهران: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران: ۸۳۲-۸۲۶.
- میرفردی، اصغر؛ فرجی، فروغ (۱۳۹۵). "بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج". *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره بیست و هفتم، ش ۶۲ (بهار): ۹۳-۱۱۰.
- نوربهاء، رضا (۱۳۷۷). *زمینه جرم‌شناسی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- واحدی، شهرام؛ بدری گرگری، رحیم؛ مصرآبادی، جواد (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)".

فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره یکم، ش ۴۳ (تابستان): ۳۳-۵۶.

- Adams, J. S. (1965). *Advances in Experimental Social Psychology*. New York: Academic Press.
- Akers, R. L.; Cochran, J. K. (1985). "Adolescent Marijuna Use: A Test of Tree Theories of Deviant Behavior". *Deviant Behavior*, Vol. 6, No. 1: 377-419.
- Brownfield, David; Sorenson, Ann Marie (1993). "Self-control and juvenile delinquency: Theoretical issues and an empirical assessment of selected elements of a general theory of crime". *Deviant Behavior*, Vol. 1, No. 4: 243-264.
- Burkett, Steven R (2001). "Religion and Crime". In: *Encylopedia of Criminology and Deviant Behavior*. Chunrye Kim, Vol. 2: 449-451.
- Colfer, C. J. P. (2011). "Marginalized Forest Peoples' Perceptions of the Legitimacy of Governance: An Exploration". *World Development*, Vol. 39, No. 12: 2147–2164.
- Eldering, L.; Knorth, J. E. (2007). "Marginalization of Immigrant Youth and Risk Factor in Their Everyday Lives: The European Experience". *Journal of Childand Youth Car Forum*, Vol. 27, No. 3: 153-169.
- Emirbayer, Mustafa (1996). "Useful Durkheim. Sociological Theory". *Journal of Childand Youth Car Forum*, Vol. 14, No. 2: 109-130.
- Ezzine- de- Blas, D., et al. (2016). "Global patterns in the implementation of payments for environmental services". *PLOS ONE* , Vol. 11, No. 3: 113-149.
- Ferrer, R. (2009). "Breaking the Law". *Journal of Guangxi Youth Leaders College*, Vol. 17, No. 1: 22-91
- Giddens, Anthony (1986). *Durkheim on Politics and the State*. Cambridge: Polity Press.
- Haynie, D. L., et al. (2005). "Adolescent Romantic Relationships and Delinquency Involvement". *Criminology*, Vol. 43, No. 1: 21-177
- Hirschi, Travis; Gottfredson, Michael (1993). "Commentary: Testing the general theory of crime". *Journal of Research in Crime and Delinquency*. Vol. 30, No. 1: 47-54.
- Hirschi, Travis (1961). Delinquency research. New York: The Free Press.
- ------ (1995). "The influence of Criminal justice Research The Family". In: James Q. Wilson and Joan Petersilia (eds.). Crime. San Francisco: Institute for Contemporary Studies: 121-140
- Homans, G. C. (1961). *Social Behavior: Its Elementary Forms*. New York: Harcourt, Brace & world.

- Ito, J., et al. (2018). "A policy evaluation of the direct payment scheme for collective stewardship of common property resources in Japan Ecol". *Econ*, Vol. 152, No. 5: 141–151
- ------ (2019). "Assessing the effectiveness of Japa community-based direct payment scheme for hilly and mountainous areas". *Ecological Economics*, Vol. 160, No. 2: 62–75.
- Li, S.; Li, X. (2017). "Global understanding of farmland abandonment: A review and prospects". *J. Geogr Sci*, Vol. 27, No. 9: 1123–1150.
- Lilly, J. Robert; Francis, T. Cullen; Richard, A. Ball (1995). *Criminological theory: context and consequences*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Longshore, D., et al. (2004). "Self-Control and Social Bonds: A Combined Control Perspective on Deviance". *Crime and Delinquency*, Vol. 50, No. 4: 181-271.
- Mohebalian, P. M.; Aguilar, F. X. (2018). "Design of tropical forest conservation contracts considering risk of deforestation". *Land Use Policy*, Vol. 70, No. 3: 451–462.
- Murtinho, F.; Hayes, T. M. (2017). "Communal participation in Payment for Environmental Services (PES): unpacking the collective decision to enroll". *Environ Manag*, Vol. 59, No. 1: 939–955.
- Narloch, U.; Drucker, A. G.; Pascual, U. (2017). "What role for cooperation in conservation tenders? Paying farmer groups in the High Andes". *Land Use Policy*, Vol. 63, No. 4: 659–671.
- Terres, J. M., et al. (2015). "Farmland abandonment in Europe: identification of drivers and indicators, and development of a composite indicator of risk". *Land Use Policy*, Vol. 49, No. 2: 20–34.
- Wang, Xiao-shoo; Liu, Qing-shun (2010). "An Analysis of Psychological Factors of Law-abiding Behavior". *Journal of Experimental Criminology*, Vol. 21, No. 1: 14-45.
- Wekesa, B. (2011). "A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlements". *Habitat International*, Vol. 35, No. 2: 238-245.
- Wunder, S. (2015). "Revisiting the concept of payments for environmental services". *Ecol Econ*, Vol. 117, No. 1: 234–243.
- Xin, Quan, Lou (2008). "On Law-abiding and Religion". *Journal of Guangxi Youth Leaders College*, Vol. 17, No. 1: 22-91

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان

بررسی کارکرد وقف علمی و رفاه اجتماعی در دارالایتام شادمهر

فاطمه رضایی مکی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۵ سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۸ شماره صفحه: ۶۱-۸۹

چکیده

وقف به‌عنوان یکی از راه‌های حفظ اصل املاک شخصی و تخصیص عواید آن به مصارف مورد علاقه واقف در تاریخ ایران اهمیت زیادی داشته و در دوره‌های مختلف مورد توجه بوده است. وقف دارالایتام و تعیین شرایطی برای تحصیل در علوم جدید برای افراد تحت سرپرستی آن، پدیده‌ای مدرن به شمار می‌آید. دارالایتام قهرمان شادمهر به‌عنوان تنها نمونه از نوع خود در خراسان آن روزگار و تأکید واقف آن بر کسب مهارت‌های تحصیلی و شغلی توسط کودکان تحت پوشش، موردی خاص جهت مطالعه است و واقف با رویکردی علمی، شرایط استفاده از وقف را مشخص کرده است. این پژوهش بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که چگونه دارالایتام شادمهر شکل گرفت و چه اقداماتی برای تعالی و کسب رفاه اجتماعی ایتام انجام داد؟ و قصد دارد با تکیه بر اسناد خانوادگی و آرشیو شخصی رضاقلی میرزا قهرمان و مصاحبه با افرادی که به نوعی با مؤسسه ذی‌ربط ارتباط داشته‌اند به شیوه توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ گوید و برای این مقصود از مقایسه دارالایتام با برخی موارد مشابه بهره جسته است و به این نتیجه رسیده است که اغلب افرادی که دوره کامل اقامت در مؤسسه مزبور را طی کرده‌اند و عملاً حدود هفت سال را در آنجا آموزش‌های

۱. دکترای تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه خوارزمی f.rezaeim@yahoo.com

علمی، عملی و تربیتی دیده‌اند، هر کدام در جامعه کنونی در حرفه انتخابی خودشان به‌عنوان افـراد مورد وثوق و موفق مطرح هستند.

واژگان کلیدی: دارالایتام، وقف، شادمهر، ایتام، شجاع السلطان

مقدمه

وقف در زمره اعمال خداپسندانه‌ای است که از دیرباز تاکنون در جوامع بشری متناسب با فرهنگ و اعتقادات آن‌ها مورد توجه بوده است. اما آنچه در مورد اکثر واقفـان مـی‌تـوان عمومیـت داد بشـر دوستی، خدمت به خلق و رفع حوائج آنان است. احتیاجات گروه‌های نیازمندی چـون: مسـتمندان، ابناء السبیل، ایتام، زنان بی سرپرست، بیماران و ناتوانان، جوانان بی بضاعت و هزاران نمونه دیگر که گاهی از چشم و اندیشه سایرین دور مانده است مورد توجه آنان قرار گرفته، قسمتی از اموال یا سود حاصل از آن را وقف همین مصارف کرده‌اند.

وقف در لغت معانی متعددی دارد که در مجموع مفهوم ایستادن، به حالت ایستاده مانـدن، آرام و درنگ کردن از آنها مستفاد می‌شود (کریمیان، ۱۳۷۸: ۲۸؛ شهابی، ۱۳۴۳: ۱۳۱؛ خمینی، بی‌تا: ۶۵؛ حائری یزدی، ۱۳۸۹: ۲۹). وقف بر اساس مصرف‌کنندگان آن به دو شاخه وقف عام و خاص تقسیم می‌شود. وقف خاص مختص فرزندان و وابستگان واقف است و درآمد حاصل از موقوفه بنا به نسبت-های تعیین شده از طرف واقف به فرزندان یا وابستگان واقف به صورت نسل اندر نسل اختصاص داده می‌شود و تولیت آن بر عهده فرزند بزرگتر یا اعلـم واقـف اسـت (ازغنـدی، ۱۳۸۲: ۱۵۵؛ کاتوزیـان، ۱۳۷۷: ۱۲۱). اما وقف عام برای مصارف عـام المنفعـه ماننـد: اداره مسـجد یـا تکایـا بـرای مراسـم عزاداری، امور آموزشی (مدارس و حوزه علمیه)، ساخت و تعمیر قنوات و تأمین نیازهـای معیشـتی نیازمندان و امثال آن اختصاص می‌یابد و تولیت آن بر عهده فرزند بزرگتر واقف یا روحانیان اسـت و در صورتی‌که تولیت مزبور به هر دلیلی این مهم را انجام ندهد، اداره اوقاف مسئولیت اداره موقوفه را عهده‌دار می‌شود (ازغندی، ۱۳۸۲: ۱۵۶).

با توجه به تقسیم‌بندی انواع وقف، دارالایتام در ردیف وقف عام قرار می‌گیرد. وقـف دارالایتـام بـه عنوان مکانی جهت نگهداری شبانه‌روزی کودکان و اهتمام در تغذیـه، بهداشـت، تعلـیم و تربیـت و

مهارت آموزی آنان و تلاش برای تامین شغل آینده آنان، جزو وقف‌های مدرن به شمار می‌آید. روایت‌هایی در خصوص تاریخچه اولین دارالایتام در شهر خوی در سال ۱۳۰۲ق. وجود دارد. اما در مورد مؤسس آن نظر قطعی بیان نشده است. برخی آن را مردمی و برخاسته از تلاش متمولان و بزرگان شهر پس از قحطی و بی‌سرپرست ماندن گروهی از اطفال بر اثر مرگ و میر والدین دانسته، برخی آلمان‌ها را در ساخت آن دخیل می‌دانند. گروه اول عکسی را منتشر کرده‌اند که گروهی از کودکان دختر و پسر را با لباس یکسان در کنار سرپرستان‌شان در مؤسسه مزبور نشان می‌دهد (دارالایتام خوی، ۱۳۹۸: ۱) و گروه دوم به خاطرات انتشار یافته دوشیزه هارناک اتکا می‌کنند که به ادعای خودش در سال ۱۹۱۲م./ ۱۳۳۰ق. سرپرستی دارالایتام آلمانی در خوی را به عهده داشته است. او ضمن بیان خاطراتش، مشاهدات خود را از ورود نیروهای روسی به خوی بیان کرده است (مشاهدات یک زن آلمانی در ایران، ۱۳۹۲: ۸). اما دو سال پس از این تاریخ منابع از تأسیس دارالایتامی در کرمان خبر می‌دهند که توسط حاج اکبر صنعتی و با کمک مالی متمولان و بزرگان آن شهر بنا شده‌است. نامبرده در بیان انگیزه راه‌اندازی مکان مزبور، این اقدام را بر پایه توصیه سیدجمال‌الدین اسدآبادی دانسته‌است. حاج اکبر صنعتی کرمانی در جوانی به سفر حج رفت و به خاطر علاقه به سیدجمال الدین به استانبول رفته، در بسیاری از مجالس سید که میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی و میرزا رضا کرمانی در آن حضور داشتند، شرکت می‌کرد. وی پس از مراجعت از استانبول، به دنبال رفع گرفتاری‌های همشهریانش به بهانه همراهی با شورش ارامنه، به توصیه سید مبنی بر ایجاد مکانی برای کودکان فقیر و یتیم در کرمان، به فکر تأسیس دارالایتام افتاد و در اولین فرصت آن را عملی ساخت (باستانی پاریزی، ۱۳۸۸: ۴۸۵).

بلدیه تهران نیز در همین بازه زمانی - یعنی پس از قحطی سال ۱۳۳۵ق./ ۱۲۹۵ش. که روستاییان به شهر هجوم آوردند، - دارالایتام تشکیل داد. البته شروع آن با کمیسیون خودجوش مردمی بود که به جمع‌آوری اعانه و توزیع آن بین مردم می‌پرداخت و کمک‌هایش شامل بینوایان، فقرا و ایتام می‌شد بدین صورت که ماهانه برای نگهداری ۷۵ نفر یتیم و بینوا و فقیر حدود ۵۰۹۹ قران می پرداخت و پس از کودتای ۱۲۹۹ش. اداره آن به بلدیه واگذار شد که سه دایره زیرمجموعه با عناوین دارالایتام، دارالمساکین و کارخانه‌های بلدی را در برمی‌گرفت (ملک زاده، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

اشرف الملوک فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه و سرورالسلطنه و همسر میرزا محسن خان امین الدوله یکی از زنان واقفی بود که در اواخر دوره قاجار و در بحبوحه اقدامات سردار سپه حدود ۷۸ پسر و دختر یتیم را تحت پوشش قرار داد و در مؤسسه‌ای که بعدها "بنگاه خیریه بانوان نیکوکار" نام گذارد به نگهداری و تعلیم و تربیت دختران و پسران یتیم مبادرت ورزید و تلاش کرد آن‌ها مهارت‌های لازم جهت ورود به عرصه اجتماع را بدست آوردند. گروهی که با او همکاری می‌کردند به خدمات بهداشتی، پزشکی و حتی مشاوره خانوادگی در مرحله ازدواج ایتام مزبور، انتخاب همسر، مراسم ازدواج و حتی تهیه سیسمونی بعد از تولد فرزندان آنها اهتمام داشتند و مانند یک خانواده همواره آنان را مورد حمایت قرار می‌دادند. تحصیل کودکان از مهمترین دغدغه‌های فخرالدوله بود و در این مورد بسیار تأکید داشت (همان: ۲۴۱-۲۴۳).

در خراسان این نوع وقف البته نه به صورت دارالایتام بلکه به صورت حمایت مالی جهت آموزش کودکان یتیم، به دوره صفویه برمی‌گردد؛ بدین ترتیب که کتاب‌های ظفرنامه عضدی و فردوس التواریخ حکایت از وقف املاکی برای مکتب‌خانه اطفال ایتام سادات در دوره شاه تهماسب صفوی دارند (زندی شیرازی، بی‌تا؛ بسطامی، ۱۳۱۵ق.). اما اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس از سال ۱۱۲۰ق. حاکی از وجود وقف‌نامه‌هایی در خصوص تغذیه، تأمین لوازم‌التحریر، لباس کودکان سادات یتیمی که در صحن عتیق و جدید حرم رضوی درس می‌خواندند و تأمین مواجب معلمین آن‌ها است (جهانپور، ۱۳۸۳: ۱۴۵، ۱۶۵، ۱۶۶). این موارد همه می‌تواند زمینه فکری اختصاص املاکی جهت تأسیس دارالایتام در ذهن شاهزاده محمد رضا قهرمان، ملقب به شجاع‌السلطان را فراهم آورد اما در اینکه او از کدام یک از این مؤسسات اطلاع داشته و الگوبرداری کرده است اطلاعی در دست نیست. آنچه مسلم است این است که خانواده قهرمان که نوادگان قهرمان میرزا هستند در وقف املاکشان جهت امور عام المنفعه در حوزه خراسان بسیار پررنگ عمل کرده‌اند.

شاهزاده محمدرضا قهرمان واقف دارالایتام شادمهر

شاهزاده محمدرضا قهرمان ملقب به شجاع‌السلطان فرزند حاج محمد میرزا و نوه قهرمان میرزا قاجار است. جد بزرگ او شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السلطنه فرزند فتحعلیشاه است. او علاوه

بر تصدی مسئولیت‌های مختلف حکومتی و اداری در خراسان و بویژه مشهد و تربت حیدریه، به‌عنوان معاون و دست راستی قوام‌السلطنه که زمانی والی خراسان بود، مورد اعتماد تام نامبرده بود و طی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش. به همراه قوام السلطنه دستگیر شد. ضمناً ایشان با مسئول کتابخانه آستان قدس رضوی، شاهزاده عبدالعلی میرزای اوکتائی سراج السلطان که باهم نسبت عمو زادگی داشتند، رابطه خیلی نزدیکی داشت و خواهر سراج السلطان را به همسری گرفت و یکی از رقبات موقوفه دارالایتام به ارث و انتقال رسمی از بانو خدیجه قهرمانی و عبدالعلی اوکتائی به واقف رسیده که در متن وقف نامه ذکر شده است (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه رضاقلی میرزا قهرمان).

خواهر او رابعه قهرمان ملقب به احترام السلطنه، همسر منتصرالملک واقف بیمارستان منتصریه و از زنان نیکوکار عصر خود بود. وقف بیمارستان منتصریه و موقوفات پشتوانه آن که به بیمارستان تخصصی زنان اختصاص داده شد، نشان از تلاش او جهت شناسایی نیازهای ضروری روز جامعه دارد. جدا از موقوفات بیمارستان مزبور، موارد دیگری از وقف توسط شاهزاده خانم قجری صورت گرفته است؛ یکی از مهمترین آن‌ها که به کودکان یتیم و بی بضاعت مربوط می‌شود موقوفه روستای سرغایه است. او در وقف‌نامه‌ای به تاریخ ۱۳۲۳/۱۰/۷ «*تمامت هفت سهم مشاع از مداردوازده سهم کل مجری المیاه و محل زراعت مزرعه سرغایه پلاک ۳۸۵ اصلی واقع در بخش ۵ مشهد... با کافه ملحقات وقف اطفال یتیم بی بضاعت سرغایه و هزینه مصارف لازمه بر مزار مرحوم حاج منتصرالملک ... و مزار بانوی مرقومه بعد فوتها ...کردند*» (دفتر اسناد مشهد، شماره ۴۵، وقف نامه شماره ۲۶۶۶۰: ۱). متولی موقوفه مزبور در حال حاضر رضاقلی میرزا قهرمان است که سالانه طبق وقف‌نامه بخشی از درآمد آن را به مصرف اطفال ایتام می‌رساند که طبق متن وقف‌نامه اولویت با اطفال واجد شرایط سرغایه است (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه رضاقلی میرزا قهرمان).

خانم فروغ آذرخشی دختر قهرمان میرزا قاجار و خواهرش بانو قهرمان نیز از زنان نیکوکار و فرهنگ دوست زمان خود بودند که عمه‌های واقف دارالایتام و خواهران محمد میرزا، فرزند قهرمان میرزا هستند. شاهزاده فروغ اولین مدرسه دخترانه مشهد را با استفاده از دارایی شخصی خود و

کمک متمولان شهر بنا نهاد و همزمان از تحصیل دانش‌آموزان بی‌بضاعت حمایت می‌کرد و شرایطی را ترتیب داد که با کمک مالی شیر و خورشید سرخ و آستان قدس، گروهی دانش‌آموز به صورت شبانه روزی و رایگان در مدارس فروغ و بانوان تحصیل کنند (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. سند شماره ۴۵۲۸۷/۷۶۶، ۴۵۲۸۷/۷۶، ۷۳۳۶۰/۷۰؛ رضایی مکی، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۱۰).

وقف دارالایتام

وقف دارالایتام به معنی اختصاص مکانی برای نگهداری کودکان یتیم به صورت شبانه-روزی یکی از موارد وقف عام است که بسته به جزئیات مورد توجه واقف می‌تواند علاوه بر تأمین نیازهای اولیه سرپناه و خوراک، سوادآموزی، حرفه‌آموزی و تأمین آینده شغلی را مدنظر قرار دهد. دارالایتام شادمهر که در متن سند به آن پرورشگاه نیز اطلاق شده است، مکانی آموزشی- رفاهی برای نگهداری و تربیت پسران یتیم، با اولویت ساکنان حوزه تربت حیدریه بود که در سال ۱۳۲۳ش. تأسیس شد. به نظر می‌رسد تأثیرات اقتصادی و احتمالاً اجتماعی متأثر از حضور متفقین و رفت و آمد انگلیسی‌ها در شهرستان مزبور (از جاده معروف به انگلیس که زاهدان و هند را به عشق‌آباد روسیه ارتباط می‌داد)، در انتخاب سوژه کودکان یتیم برای انتخاب مورد وقف بی‌تأثیر نبوده باشد. هر چند دلایل محکمی برای اثبات این مدعا وجود ندارد و آمار مرگ و میر والدین و تعداد اطفال یتیم به جای مانده بر اثر قحطی حاصل از جنگ جهانی دوم ثبت نشده است اما، خاطرات سالمندان و معمرین تربت حیدریه حاکی از فشار زیاد گرسنگی و مرگ و میر فراوان در منطقه تحت نفوذ انگلیس است. دراین میان شهرهای جنوبی خراسان چون قاین، طبس و فردوس وضعیت نابسامان‌تری داشته‌اند. آنان از مرگ و میر روزانه افراد در کوی و برزن و گذرگاه‌های عمومی شهر خاطرات تلخی در ذهن خود دارند که هراسی دهشتناک از دوران بچگی‌شان و بدبینی نسبت به نام انگلیس آثار به جای مانده در ذهن کودکان آن روزهاست. یکی از اقوالی که در خاطرات بسیاری از آنان تکرار شده، صحبت‌هایی است که

نمونه‌ای از آن را در مصاحبه با محمود الهی شاهد هستیم او در خاطراتش بیان می‌کند:

«خانه پدری ما در مسیری بود که به بازار قدیمی تربت منتهی می‌شد و من صبح که برای بازی از خانه بیرون می‌آمدم با جسدهایی مواجه می‌شدم که در کنار کوچه مرده‌اند. آنان شکم‌هایشان سبز بود و آب سبزی از دهانشان می‌آمد. از مادربزرگم علت را جویا شدم و ایشان گفتند آنها از گرسنگی علف‌های زیادی خورده‌اند» (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه محمود الهی).

در این بین تربت حیدریه ملجا و پناهگاه مسافرانی بود که از شدت قحطی به امید دستیابی به شرایط بهتر به دل جاده‌ها زده و در این شهر اتراق می‌کردند. رونق کشاورزی و تجارت در تربت-حیدریه انگیزه این گروه بود که به امید سیر کردن خود و خانواده در قسمت‌های مختلف شهر تجمع می‌کردند. یکی از این مسافران که در آن زمان کودکی خردسال بود می‌گوید:

«من علی سیدی از روستاهای فردوس به همراه پدر و مادرم به تربت حیدریه مهاجرت کردیم. پدرم قبل از سفر یک شبانه روز آب را به یک جوال گندم فروخت و آن جوال گندم را هم مجبور بود به صورت شبانه از روستای دیگری بخرد و بیاورد چون انگلیس‌ها مانع خرید و فروش گندم بودند. ما به تربت رسیدیم ولی پدرم فوت کرد و من با نوکری در خانه ثروتمندان هزینه خود و مادر پیرم را تامین می‌کردم. سال‌های سختی بود.» (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه علی سیدی).

ترکمن زاده، یکی دیگر از معمرین این شهر، خاطرات یکی از نزدیکانش را از قحطی حاصل از جنگ جهانی دوم نقل کرده، از قول او می‌گوید بر اثر گرسنگی و مریضی در مسیر مهاجرت از طبس، پدر و مادر خود را از دست داده، در بدو ورود به تربت حیدریه بی‌پناه می‌ماند. نهایتاً در روستای کاریزک در منزل بستگان شیخ عباس راشد کاریزکی به کلفتی گمارده می‌شود (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه علی اکبر ترکمن زاده). به هر ترتیب، شرایط آن روزگار جامعه، تأمین سرپناه مناسبی را ایجاب می‌کرد که جدا از تأمین تغذیه ایتام، به تعلیم و تربیت آنان در مدارس نوین و هم‌زمان کارگاه‌های مشاغل سنتی پرداخته شود. شاهزاده قهرمانی در دو مرحله به ترتیب در سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۳۱ش.

رقباتی در عباس‌آباد و فیض‌آباد تربت حیدریه را به این کار اختصاص داد (دفتر اسناد مشهد، شماره ۱۱۶، وقف‌نامه شماره ۲۳۳۷۳: ۱-۲).

رقبات وقف‌نامه و اداره آن

آنچه در سال ۱۳۲۲ش. توسط محمدرضا قهرمان وقف دارالایتام شد و طبق متن سند «وقف مؤید شرعی و حبس مخلد» گشت، شامل موارد ذیل می‌شد:

۱- تمامت املاک مفصله ذیل را از چهارده سهم مشاع از مدار شانزده سهم کل مزرعه عباس‌آباد پلاک شماره ۵۹ اصلی واقع در بخش ۳ تربت حیدریه دهستان سنگان و رشتخوار که ده سهم آن طبق سند مالکیت شماره ۱۳۶۶ که در صفحه ۵۸۱ دفتر املاک بخش مزبور ثبت گردیده ملکی متصرفی واقف و چهار سهم دیگر آن متعلق به بانو خدیجه قهرمانی (بدرالسلطنه) بوده و پس از فوتها به موجب گواهی‌نامه انحصار وراث ...بالمنافصه به واقف و آقای عبدالعلی اوکتائی رسیده که مشارالیهم به موجب انتقال‌نامه رسمی شماره ۲۱۵۱۱ تنظیمیه در این دفتر سهمیه خود را به واقف انتقال قطعی نمودند. ۲- چهار سهم مشاع از مدار چهارده سهم کل مزرعه جغراتی پلاک شماره ۷۷ اصلی واقع در بخش یک دهستان مزبور تربت حیدریه ... که به موجب سند ثبتی سه سهم آن ملکی و متصرفی واقف و یک سهم دیگر آن بنا به نوشته بالا از مرحومه خدیجه خانم قهرمانی و آقای عبدالعلی اوکتائی به ارث و انتقال رسمی رسیده است به واقف معظم له۳- شش دانگ مزرعه و قنات برج مقدس دارای پلاک شماره ۵۷ اصلی واقع در بخش ۳ دهستان سنگان و رشتخوار بخش ۳ تربت حیدریه .... ۴- سیزده سهم مشاع از شانزده سهم بائره تک تیلگرد پلاک شماره ۵۸ اصلی بخش ۲ تربت حیدریه ... ۵- تمام یه حجر طاحونه دایر از آب عباس‌آباد مرقوم به انضمام پانزده سهم از شانزده سهم یک حجر طاحونه دیگر که دائر است با کافه ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه هر یک از اراضی و صحاری و آبی زار و دیمه زار و قلعه و حصار و تلال و جبال و خانه و آب‌انبار برج مقدس و خانهای معروف به چاه سید و غیروذلک کلما یتعلق بهم (دفتر اسناد مشهد، شماره ۱۱۶، وقف‌نامه شماره ۲۳۳۷۳: ۱).

او پس از راه‌اندازی دارالایتام و جذب ۴۰ کودک یتیم به آن مرکز، درصدد برآمد ایتام بیشتری را

تحت پوشش قرار دهد بدین منظور طی وقف‌نامه‌ای که در تاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۳۰ش. به ثبت رساند املاک جدیدی را به اوقاف دارالایتام افزود که « *شامل پانصد سهم از مدار سی و پنجهزار سهم قنوات فیض‌آباد با اراضی مشاء آن از اراضی آبی زار و دیمه زار و تلال و جبال و قلعه و حصار و غیرو کلما یتعلق بها واقع در بخش ۲ محولات تربت حیدریه با شماره پلاک ۴۲ اصلی ۲- یک قطعه زمین محصور دارای پلاک شماره ۱۹۶ فرعی و یک قطعه محوطه پلاک شماره ۸۴۴ فرعی و شش دانگ هر یک از باغ و اصطبل و منزل و متعلقات بهم پلاک شماره ۹۱۵ فرعی و محوطه پسته پلاک شماره ۹۵۲ و دو قطعه باغ متصل به هم پلاک شماره ۸۶۷ فرعی و منزل و متعلقات آن پلاک ۹۱۳ فرعی و دوازده قطعه محوطه بخش مزبور به ارزش دویست هزار ریال که باید بعد از کسر هزینه عمران و نگهداری رقبات موقوفه و عشر حق‌التولیه و حق‌النظاره به مصرف دارالایتام برسد*» (دفتر اسناد مشهد، شماره ۶۶، وقف‌نامه شماره۴۲۷۰۱: ۱).

تولیت موقوفه تا زمان حیات بر عهده شخص واقف، محمدرضا قهرمان (شجاع السلطان) و بعد از وی، بر عهده ارشد اولاد ذکور، غلامرضا قهرمان بود و هر یک از متولیان بعدی مکلف شدند که در زمان حیات خود متولی بعد از خود را از بین اولاد ذکور واقف تعیین کنند و در صورت نبودن اولاد ذکور از ذکور مرحوم شاهزاده حاج محمد میرزا، پدر واقف و در صورت انقراض آنان از بین اولاد ذکور جد واقف معظم، مرحوم شاهزاده قهرمان میرزا و در صورت انقراض کلیه این طبقات تولیت موقوفات مذکور در دو وقف نامه به تولیت شرعی آستان قدس رضوی واگذار شود (دفتر اسناد مشهد، شماره ۱۱۶، وقف‌نامه شماره ۲۳۳۷۳: ۱و دفتر اسناد مشهد، شماره ۶۶، وقف‌نامه شماره۴۲۷۰۱: ۲).

امکانات دارالایتام

الف) آموزش های علمی و عملی

طبق متن وقف‌نامه پذیرش کودکان در دارالایتام شرایطی داشت و این مورد در وقف‌نامه اول قید شده بود که تعداد ۴۰ نفر طفل ذکور یتیم در مکانی که توسط خود واقف ساخته می‌شود، نگهداری شوند. این تعداد در وقف‌نامه دوم به ۶۰ نفر افزایش یافت. این افراد باید «از بین اطفال بی‌پدر

مسلمان ایرانی که سالم و قابل تربیت باشند انتخاب شوند»، اطفالی که انتخاب می‌شدند نباید کمتر از شش سال و بیشتر از هفت سال سن داشته، تا پایان چهارده سالگی می‌توانند در دارالایتام بمانند (همان: ۱). یکی از مهمترین اهداف تأسیس دارالایتام، مسئله آموزش و تأمین آتیه کودکان بود و شاید اغراق نباشد که تمام خدمات دیگر چون: تغذیه و مسکن، به منظور تحقق این هدف ارائه می‌شدند و مقدمه‌ای برای آن به شمار می‌رفتند. واقف توجه ویژه‌ای به آموزش کودکان و مهارت‌آموزی آنان داشت و در چندین بند از وقف‌نامه به طور مشخص به آن پرداخته است. او پس از آن‌که کلیه مخارج خوراک و لباس و جای خواب را برعهده دارالایتام دانسته است قید می‌کند:

«به اطفال باید سواد خواندن و نوشتن فارسی و قرآن و شرعیات و مختصری حساب در مدت هفت سال تعلیم داده شود. علاوه بر این باید به هر یک حرفه‌ئی از قبیل کفش دوزی، نجاری، خیاطی، کشاورزی و دامپروری تعلیم گردد که پس از خارج شدن از دارالایتام بتوانند به کاری مشغول شوند» (دفتر اسناد مشهد، شماره ۱۱۶، وقف‌نامه شماره ۲۳۳۷۳: ۱).

مشابه این مورد دارالایتام صنعتی کرمان است که در مقام مقایسه اقداماتش در مورد مهارت-آموزی به کودکان مطرح می‌شود. آنها ضمن اینکه شش سال در دارالایتام درس می‌خواندند، باید هنر دستی نیز می‌آموختند. باستانی پاریزی در شرح این هنرها، رنگرزی برای شال و قالی و بافندگی و نقاشی برای طرح‌های جدید قالی را نام برده‌است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۸: ۴۹۳).

به منظور تحصیل دانش‌آموزان دارالایتام، مدرسه قهرمان شادمهر تأسیس شده بود و آن‌ها در کنار سایر دانش‌آموزان در دبستان مزبور تحصیل می‌کردند. خاطرات دانش‌آموزان عادی در مورد آن‌ها حاکی از آراستگی ظاهری و شخصیتی ایشان است و حتی اتفاق نظر داشتند که آن‌ها از نظر تغذیه و امکانات آموزشی نسبت به سایرین سطح بالاتری داشتند (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه سیدمحمود بدیعی). هم‌چنین نتایج بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که بسیاری از آنان هم‌اکنون به عنوان افراد موفق و با تحصیلات عالیه در جامعه زندگی می‌کنند. چندین نفر از آن‌ها پزشکان حاذقی هستند و گروهی در مشاغل میانی ادارات و موسسات دولتی فعالیت‌های مفید دارند. در مشاغل نجاری، کابینت سازی و خیاطی حرفه‌ای نیز نمونه‌هایی از این افراد مورد وثوق مردم هستند (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه-

ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه رضاقلی میرزا قهرمان و غلامحسین عارفان). عارفان، بازنشسته بانک در مصاحبه‌اش از کیفیت بالای آموزش استادکاران و مدیریت باکفایت آقای صائب، مدیر دارالایتام و جدیت او در اداره مؤسسه و پیگیری امر تحصیل کودکان، خاطرات مهمی بیان می‌کند (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه غلامحسین عارفان). آنان هر روز بعدازظهر پس از فراغت از مدرسه و ناهار و استراحت، زیر نظر استادکاران محلی که بدین منظور استخدام شده بودند، آموزش‌های عملی می‌دیدند؛ علاوه بر نجاری، کفاشی، خیاطی، آموزش قالی‌بافی نیز پیش‌بینی شده بود که بعدها با خرید چند کارگاه قالی بافی محقق شد و کودکان با توجه به علاقه شخصی یکی از رشته‌ها را آموزش می‌دیدند (همانجا).

با توجه به اسنادی که صورت اجناس متفرقه در دارالایتام را از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ش. نشان می‌دهد و در پایان مدیریت هر کدام از مدیران دارالایتام به مدیر بعدی تحویل داده می‌شد، می‌توان نتیجه گرفت که دارالایتام از نظر تأمین ابزار و دستگاه‌های مربوط به هر شغل جدیت داشته و حتی این جدیت را در انتقال آموزش‌های حرفه‌ای انجام می‌داده است. طبق این اسناد مشاغلی که عملاً آموزش داده می‌شد کفاشی، آهنگری، خیاطی، نجاری، زیلوبافی، شعربافی، فرت بافی، قالی بافی و نخریسی بوده است (دارالایتام شادمهر. صورت اجناس متفرقه. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان: ۵، ۱۲ و ۲۰).

بر اساس اسناد فهرست اسامی کودکان دارالایتام، در مجموع از بدو تأسیس تا ۱۳۶۰ش. بیست و چهار دوره از آن‌ها ترخیص شده‌اند که مجموع آن‌ها ۱۴۳ نفر بوده است. این آمار متعلق به افرادی است که دوره کامل سکونت در دارالایتام را سپری کرده و به طور رسمی مرخص شده‌اند. اما در این میان افرادی نیز بودند که وارد دارالایتام شده، ولی به دلایل متعددی تا پایان ۱۴ سالگی در آنجا نمانده‌اند. این افراد یا کسانی بوده‌اند که بیماری صعب العلاجی داشتند که قابلیت آموزش حرفه و سواد را از آنها سلب می‌کرد، یا با سنی بیشتر از سن قانونی وارد شده بودند، یا به دلیل مسائل انضباطی اخراج شده بودند و یا افرادی که به دلایل مختلف فرار کرده بودند (دارالایتام شادمهر. صورت

اسامی. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان).[۱] با این حال، روایت معمرین در خصوص این تعداد متفاوت است و ارقام بالاتری را نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه یکی از ساکنان شادمهر که به دارالایتام رفت و آمد داشته، از وجود صد و سی نفر در یک دوره آموزشی یاد می‌کند (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه ابراهیم بخشی). در صورت پذیرفتن این نقل قول که تا اندازه زیادی معتبر می‌نماید، این احتمال مطرح می‌شود که اسناد به جای مانده از تعداد ساکنین دارالایتام به هر دلیلی از بین رفته است.

گفتنی است که اعانه ماهانه‌ای نیز، برای کودکان یتیمی که تحت سرپرستی یکی از خویشاوندان خود قرار داشتند و به دارالایتام نیامده‌بودند، در نظر گرفته شده بود و توسط عاملان مربوطه به آنان تحویل داده می‌شد (همان‌جا).

در یکی از بندهای وقف نامه نوشته شده بود که پس از پایان مدت قانونی سکونت در دارالایتام که طبق متن وقف نامه چهارده سالگی بود *«مبلغی در حدود هزینه یک ماهه یک محصل برای مخارج که سرمایه کسب خود قرار دهند داده شود»* (دفتر اسناد مشهد، شماره ۱۱۶، وقف‌نامه شماره ۲۲۳۷۳: ۲).

همچنین جهت تشویق اطفال دارالایتام واقف قید کرده بود *«اطفالی که در دارالایتام مشغول تحصیل حرفه و صنعتی هستند از هر موقع دارای لیاقت و استعداد کاری شدند مبلغی درحدود نصف کارمزد روزانه کارآموزان مشابه به آن به عنوان تشویق در بانک ملی به نام آن طفل به طور ماهیانه تا پایان مدت توقف گذارده خواهد شد در موقع خروج به مشارالیه داده می شود»* (دفتر اسناد مشهد، شماره ۱۱۶، وقف‌نامه شماره ۲۳۳۷۳: ۲ و دفتر اسناد مشهد، شماره ۶۶، وقف‌نامه شماره۴۲۷۰۱: ۲).

بدین ترتیب شرایطی فراهم شد که کودکان تا ورود به بازار کار توسط اولیای دارالایتام حمایت شوند. این قسمت از بندهای وقف‌نامه با اقدامات و حمایت‌های دارالایتام شاهزاده فخرالدوله که پیش از این به اختصار در مورد آن سخن گفتیم، مطابقت زیادی دارد. ملک‌زاده در تدوین مقاله‌اش

۱. مراجعه شود به پیوست شماره ۲-۳.

نقل قولی از سکینه ابراهیمی، یکی از دختران دارالایتام فخرالدوله آورده است که لازم است عینا در این جا ذکر شود. سکینه ابراهیمی چنین می‌گوید:

در موسسه‌ای که خانم فخرالسلطنه اداره آن را بر عهده داشت ضمن برقراری احساس محبت و آرامش، انضباط خاصی حکمفرما بود. ما ملزم بودیم علاوه بر یادگیری فنون خانه‌داری، خیاطی، موسیقی ادامه تحصیل را از یاد نبریم. چنانکه من خودم تا پیش از ازدواج تا کلاس ششم درس خواندم. اهالی دارالایتام مانند والدین ما را حمایت می‌کردند و در داستان ازدواج من یک ماه شخصا خانم فخرالسلطنه تحقیق کرد و چندین بار با جوان مورد نظر حرف زد و بعد از موافقت با ازدواج در منزل خانم هما پیرنیا به من آداب همسرداری آموختند و هنگام مراسم ازدواج که با هزینه دارالایتام برگزار شده بود خانم فخرالسلطنه منزلی را به عنوان کادوی ازدواج به ما هدیه کردند و حتی این حمایت‌ها بعد از تولد فرزندم ادامه یافت (ملک زاده، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

ب) کتابخانه

دارالایتام شادمهر به منظور تأمین هدف واقف در تعلیم و تربیت اطفال، کتابخانه ای نیز داشت که قفسه‌ای از کتاب ها در دفتر مدرسه و تعدادی از کتاب‌ها در قفسه‌های تعبیه شده در نمازخانه نگهداری می شد. اتاق مطالعه هم در ساختمان نمازخانه قرار داشت (دارالایتام شادمهر. صورت اجناس متفرقه. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان: ۱). در صورت اثاثیه اجناس دارالایتام، غیر از کتب درسی موجود در کتابخانه عناوین چندین کتاب، مجله و سالنامه آمده است که کتب قرآن، توضیح المسائل، خاندان مسیح، شرق تاریک، از صلح تا جنگ، اصول عقاید و اخلاق، تاریخ مشروطیت، بهداشت مدارس، سبزی‌کاری، ابن سینا، مولوی، گلستان سعدی، بازیگران عصر طلایی، دفع آفات، صرف عربی، امامت و مجلات: دانشکده پزشکی، یادگار، ایمان، فرهنگ، تمدن و سالنامه-های گلستان جاوید و شیر و خورشید از این دست هستند (دارالایتام شادمهر. صورت اجناس متفرقه. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان: ۱۸).

ج) آموزگاران

یکی از شرایط وقف نامه، انتخاب آموزگاران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان آموزش بود. پیش از تأسیس دارالایتام شادمهر، مکتب‌خانه اطفال ایتام سادات - که نوعی قرابت موضوعی

با دارالایتام دارد - به تعلیم کودکان یتیم در مشهد می‌پرداخت. چند مورد از وقف‌نامه‌هایی که به مکتب‌خانه مزبور اختصاص داده شده بود، حقوقی جهت معلمان آن‌جا در نظر گرفته بودند به‌عنوان نمونه حاجی میرزا هدایت الله حسینی در ذیحجه ۱۳۸۲ق. در شرایط وقف-نامه‌اش تعیین کرده بود که به معلم مزبور که شخصی با خط و سواد و متدین باشد، هر سال مقدار دو خروار گندم به وزن تبریز و شش تومان پول رایج خزانه عامره پرداخت شود. مهدی قلی خان قرایی نیز در سال ۱۲۸۹ق. در مصارف موقوفه‌اش سالانه دو تومان و یک دست لباس برای معلم مکتب‌خانه مزبور در نظر گرفته بود (جهانپور، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۶) اما آنچه در مورد وقف‌نامه دارالایتام شادمهر متفاوت است ایجاد شرایطی برای تأمین آینده و امنیت روانی معلمان است. واقف علاوه بر اینکه ناظران و متولی را به مشورت و دقت در انتخاب معلمان «لایق و خدمتگزاران پاکیزه و درستکار» توصیه کرده، تشویق‌هایی نیز برای دلگرم ساختن معلمان پیش‌بینی کرده بود. در وقف نامه مورخ ۱۳۳۱ش. آمده است: *«مادامی که از آموزگاران و خدمتگزاران دارالایتام خیانتی سرنزده و با علاقه مندی انجام وظیفه نمایند نباید آنها را عوض کنند و اگر کسی از آموزگاران یا خدمتگزاران دارالایتام پس از مدتی خدمت و صداقت و علاقه مندی ناتوان شود باید مخارج ضروری او را تا آخر عمر از درآمد موقوفه تأمین نمایند»* (دفتر اسناد مشهد، شماره ۶۶، وقف‌نامه شماره۴۲۷۰۱: ۲). از آنجایی که آموزش تحصیلی کودکان دارالایتام در مدرسه قهرمان شادمهر که با پیگیری و همت احمد صائب و شخص محمد رضا قهرمان تأسیس شده بود و ظاهرا معلمان آن از طرف اداره آموزش و پرورش انتخاب می‌شدند و از آنجا حقوق می‌گرفتند، تامین آتیه آن‌ها در بر عهده اداره مربوطه بود و در اسناد و مصاحبه‌های انجام شده، اطلاعاتی مبنی بر اجرای این بند از وقف-نامه به دست نیامد. بنابراین به نظر می‌رسد، منظور از این بند باید استادکارانی که مشاغل مختلف را آموزش می‌دادند و سایر خدمتکاران دارالایتام باشند؛ با این همه، اطلاعات بیشتری در خصوص اجرایی شدن این بند و جزئیات آن موجود نیست. اما، گزارش‌های معمرین منطقه حاکی از حمایت‌های جنسی و نقدی تمام دست‌اندرکاران دارالایتام و مدرسه توسط واقف است. ابراهیم بخشی در این مورد نقل می‌کند:

« برادرم مسئول جذب کودکان و سالمندان برای دارالایتـام و پیرسـتان بود و در واقع سه نفر بودند که فرمانبر شازده بودند. فصل میوه‌ها که مـی-شد هر روز برای دارالایتام، معلمان مدرسه ، ساکنان پیرستان و حتی افراد نیازمند روستا میوه می‌آوردند ودر مناسبت‌ها مثل اعیاد گندم و پـول نقـد توزیع می‌کردند و یکی از معلمان کـه غیـر بـومی بـود، سـالها در یکـی از قسـمت‌هـای سـاختمان پیرسـتان بـه همـراه خـانواده‌اش زنـدگی می‌کرد»(آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌هـا و مرکـز اسـناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه ابراهیم بخشی).

د) خوراک و بهداشت کودکان

یکی از مسائل مورد توجه در وقف‌نامه دارالایتـام مزبـور، توجـه بـه جزئیـات در مسـأله تغذیـه و بهداشت کودکان بود. در این خصوص بندهایی از وقف نامه‌های دوگانه چارچوب‌هایی را تعیین کرده بودند. در بند یازدهم آورده است که: «*خوراک آنان در شبانه‌روز یک بار غذای گرم از قبیل آبگوشت و آش و برنج و سبزی پخته با ماست باشد و بار دیگر خوراک سرد از قبیل ماست و پنیـر و شـیر و شیره انگور و امثال آن خواهد بود*» (دفتر اسناد مشهد، شماره ۶۶، وقف‌نامه شماره ۴۲۷۰۱: ۲). این مسأله همواره مورد توجه مسئولان دارالایتام بود بویژه در دوران مدیریت صائب که همگان کفایت او را در مسئولیت محول شده، ستوده‌اند. اسنادی که گزارش‌هایی از هزینه‌های دارالایتام ارائه می‌دهد مواردی از خرید گوشت، تخم‌مرغ، ماسـت و سـایراقلام خـوراکی را مسـتند مـی‌سـازند (دارالایتـام شادمهر. اسناد حسابداری و نامه‌های اداری. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان).

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، خاطرات معاصران دارالایتام، گـواهی بـر تغذیـه مناسـب کودکـان مزبورند (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌هـا و مرکـز اسـناد. آرشـیو تـاریخ شـفاهی، مصاحبه سیدمحمود بدیعی). البته باید خاطر نشان کرد، طبق گـزارش‌هـایی کـه در خـلال اسـناد حسابداری موجود است (مجموعه شخصـی رضـاقلی میـرزا قهرمـان، اسـناد حسـابداری دارالایتـام شادمهر)، در دورانی که دارالایتام به دلایلی چون خشکسالی‌های مکرر، اصلاحات ارضـی، اجـاره‌ای شدن زمین‌های کشاورزی موقوفه مزبور و فقدان مدیران کاردان جهت اداره دارالایتام، بـا مشـکلات

مالی مواجه شده بود، مواردی از کم توجهی به کیفیت تغذیه توسط دارالایتام گزارش شده است. یکی از این موارد که اتفاقاً توسط اداره بهداری شهرستان پیگیری شده، طغار ماستی است که ظاهراً با وجود انقضای تاریخ مصرف و تشخیص آن پس از آزمایشات اداره مربوط همچنان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این گزارش که مربوط به ۱۳۵۰ش. است، به بازدید چندباره مدیریت کل اوقاف خراسان از دارالایتام منجر و مراتب به شخص متولی اعلام شد و برنامه غذایی «مهدکودک جمعیت خیریه فرح پهلوی» شعبه تربت‌حیدریه به‌عنوان نمونه در اختیار آنان قرار گرفت تا براساس آن برنامه تغذیه کودکان را ساماندهی کنند. با این حال در بازدید مجدد فرد مزبور از دارالایتام تغییری در شرایط به وجود نیامده بود (همانجا). اما تعمق در زندگی اکثریت افراد جامعه بویژه در روستاهای محدوده تربت حیدریه که مورد مطالعه این پژوهش هستند و طبق متن وقف‌نامه کودکان یتیم باید از آنجا انتخاب می‌شدند، نشان می‌دهد که از یک طرف سطح تغذیه در حد بالایی نبوده و تنوع مواد غذایی بسیار کم بوده است و خانواده‌ها متکی به داشته‌های تولیدی خود بوده‌اند و از طرف دیگر کودکان دارالایتام از نظر کیفیت تغذیه نسبت به جامعه اطراف خود پایین‌تر نبوده‌اند. مصاحبه با اهالی شهرستان مزبور، که از وعده‌ها و موادغذایی مورد استفاده در کودکی‌شان سخن گفته‌اند و نیز صحبت‌های کسانی که از نزدیک با دارالایتام و کودکان آن در تماس بوده‌اند، مؤید این ادعاست (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه فاطمه زهرا توسلی).

بهداشت فردی از نکات مهم و مورد توجه اهالی دارالایتام بود و در وقف‌نامه به طور مشخص بندهایی به آن اختصاص یافته بود. در بند ۱۲ آمده بود که *«ماهی سه بار حداقل باید اطفال را حمام ببرند و در صورت امکان اگر ماهی شش بار به حمام برده شوند بهتر خواهد بود و در اصلاح و کوتاه نگهداشتن موی آنان غفلت نشود»* این مسئله در تعداد لباس ها نیز بدین صورت لحاظ شده بود *«پیراهن و شلوار زیر اطفال نباید در مدت سال کمتر از پنج دست باشد که قابلیت تعویض و شستشو داشته باشد»* (دفتر اسناد مشهد، شماره ۱۱۶، وقف‌نامه شماره ۲۳۳۷۳: ۱ و دفتر اسناد مشهد، شماره ۶۶، وقف‌نامه شماره ۴۲۷۰۱: ۲).

پایان کار دارالایتام

دارالایتام شادمهر، در دوران فعالیتش مجموعاً بیست و چهار دوره ترخیصی داشت که در پایان ۱۴ سالگی کودکان انجام می‌شد و در کل طبق آمار موجود ۱۴۳ نفر از این مرکز وارد بازار کار و زندگی مستقل شدند. شواهد حاکی از آن است که دارالایتام مزبور تا ابتدای دهه پنجاه شمسی رونق داشته و به طور همزمان ۶۰ نفر یا بیشتر در آنجا سرپرستی می‌شده‌اند (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه غلامحسین عارفان). از نظر کیفیت آموزش‌های عملی هم اسنادی که صورت اجناس موجود در دارالایتام را نشان می‌دهند در دوران مدیریت صائب یعنی از ابتدای تأسیس تا سال ۱۳۴۴ش. بسیار مفصل و با دسته‌بندی شغلی ارائه و تحویل استادکاران هر رشته شده است. اما از اوایل دهه پنجاه به گواهی اسناد موجود، شاهد رکود وضعیت اقتصادی و گزارش‌هایی از کیفیت پایین لباس و تغذیه کودکان هستیم که تأثیرش بر میزان تجهیز کارگاه‌ها و بی‌نظمی در ارائه صورت اجناس مربوط و ذکر اسقاطی و خراب در مقابل برخی از ابزار کار به چشم می‌آید. سند شماره ۶ در پیوست نمونه‌ای یک صفحه‌ای از هجده برگ صورت اجناسی است که مربوط به سال ۴۳-۶۳ ش است. کاهش تعداد کودکان مستقر در دارالایتام از ۶۰ نفر به ۲۰ نفر در سال ۱۳۵۱ می‌تواند دلیلی دیگر بر این رکود باشد (دارالایتام شادمهر. اسناد حسابداری و نامه‌های اداری. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان).

از سال ۱۳۶۷ش. نامه‌هایی از اداره اوقاف تربت حیدریه در دست است که جهت یافتن راهی برای احیاء مجدد موقوفات مزبور و راه‌اندازی دوباره دارالایتام از متولی و ناظران موقوفه دعوت به عمل آورده است (همان). حاصل این جلسات موافقت با تغییر کاربری در برخی املاک موقوفه مزبور برای درآمدزایی بیشتر است تا بتوانند با اتکا به درآمد حاصل، اقدامی درخور نیت واقف انجام دهند (آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه رضاقلی میرزا قهرمان).

نتیجه‌گیری

وقف به‌عنوان یکی از راههای حفظ اصل املاک شخصی و تخصیص عواید آن بـه مصـارف مـورد علاقه واقف در تاریخ ایران اهمیت زیادی داشته و در دوره‌های مختلف مورد توجه بوده است. وقـف دارالایتام به عنوان مکانی جهت نگهداری شبانه‌روزی کودکان و اهتمام در تغذیه، بهداشت، تعلـیم و تربیت و مهارت آموزی آن‌ها و تلاش برای تأمین شغل آینده آنان جزو وقف‌های مدرن به شمار می-آید و از نظر تقسیم بندی انواع وقف، در ردیف وقف عام قرار می‌گیرد. دارالایتام شادمهر که در متن سند به آن پرورشگاه نیز اطلاق شده است، مکانی آموزشی- رفاهی برای نگهداری و تربیـت پسـران یتیم با اولویت پذیرش از ساکنان حوزه تربت حیدریه بود که در سال ۱۳۲۳ش. توسط محمد رضـا قهرمان تاسیس شد. طبق متن وقف‌نامه پذیرش کودکان در دارالایتام شرایطی داشت و این مورد در وقف‌نامه اول قید شده بود که تعداد ۴۰ نفر طفل ذکور یتیم در مکانی که توسط خود واقف ساخته می‌شود نگهداری شوند و این تعداد در وقف‌نامه دوم به ۶۰ نفر افزایش یافت. این افراد بایـد از بـین اطفال بی‌پدر مسلمان ایرانی که سالم و قابل تربیت باشند انتخاب می‌شدند اطفالی که انتخاب می-شدند نباید از کمتر شش سال و بیشتر از هفت سال سن داشته باشند و تا پایـان چهـارده سـالگی می‌توانستند در دارالایتام بمانند.

یکی از اهداف اصلی تأسیس دارالایتام مسأله آموزش و تأمین آتیه کودکان بود و شاید اغراق نباشد که تمام خدمات دیگر چون: تغذیه و مسکن، به منظور تحقق ایـن هـدف ارائـه مـی‌شـدند و مقدمه‌ای برای آن به شمار می‌رفتند. واقف توجه ویژه‌ای به آموزش کودکان و مهـارت‌آمـوزی آنـان داشت و در چندین بند از وقف‌نامه به طور مشخص به آن پرداخته بـود. بـا توجـه بـه اسـنادی کـه صورت اجناس متقرقه در دارالایتام را از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ش. نشان می‌دهد و در پایان مدیریت هر کدام از مدیران دارالایتام به مدیر بعدی تحویل داده می‌شدند، می‌توان نتیجه گرفت که دارالایتام از نظر تأمین ابراز و دستگاه‌های مربوط به هر شغل جدیت داشته و حتی ایـن جـدیت را در انتقـال آموزش‌های حرفه‌ای انجام می‌داده است.

دارالایتام در راستای تحقق هدف تعلیم کودکان به کتابخوانی و انتخاب معلم خوب اهمیت می‌داد. از یک طرف کتابخانه‌ای داشت که با کتابهای متعددی تجهیز شده بود و از طرف دیگر در متن وقف

نامه بر انتخاب آموزگاران و خدمتگزاران باکفایت و مسئولیت‌پذیر تأکید شده بود و نوعی تأمین آتیه و حقوق بازنشستگی برای آنان در نظر گرفته بود تا دلگرمی لازم جهت خدمت به کودکان در آن‌ها ایجاد شود.

در مجموع از بدو تأسیس تا ۱۳۶۰ش. بیست و چهار دوره از کودکان تحت پوشش دارالایتام ترخیص شدند که آمار عددی آنان ۱۴۳ نفر بود که بسیاری از آنان امروزه دارای مسئولیت‌های مهم دولتی و خصوصی هستند و به‌عنوان نتیجه مثبت اقدامات دارالایتام در بین مردم مطرح هستند. دارالایتام شادمهر به علت مشکلات مالی حاصل از سوء مدیریت و خشکسالی در سال ۱۳۶۳ش. به تعطیلی کشیده شد. از سال ۱۳۶۷ش. نامه‌نگاری‌هایی توسط اداره اوقاف تربت‌حیدریه به متولی و ناظران موقوفه در دست است که ضمن دعوت آن‌ها جهت حضور در جلسه، در جستجوی یافتن راهی برای احیاء مجدد موقوفات مزبور و راه‌اندازی دوباره دارالایتام است.

منابع

- اخبار دارالایتام خوی (۱۳۸۶). سایت انجمن خویی‌های مقیم تهران، [پیوسته] قابل دسترسی در: http://khoysociety.com/fa.[۱۳۹۸/۶/۲۰]

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲). *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از ۱۳۲۰-۱۳۵۷ش*. تهران: سمت.

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۸). "تا جایی که بیل‌خور دارد پابیل کن". *بخارا*، سال یازدهم، ش ۷۲-۷۳ (مهر و دی): ۴۷۵-۵۰۲.

- بسطامی، نوروزعلی (۱۳۱۵ق.). *فردوس‌التواریخ*. تهران: چاپ سنگی.

- جهانپور، فاطمه (۱۳۸۳). "مکتب‌خانه اطفال ایتام". *مشکوه*، سال بیست و سوم، ش ۸۴-۸۵ (پاییز و زمستان): ۱۴۳-۱۷۰.

- حائری یزدی، محمدحسن (۱۳۸۹). *وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- خمینی، روح‌الله (بی تا). *تحریرالوسیله*، ج ۲. ترجمه علی اسلامی. قم: حوزه مدرسین حوزه علمیه.

- رضایی مکی، فاطمه (۱۳۹۲). "گونه‌شناسی و کارکردشناسی مؤسسات آموزشی دختران مشهد در عصر رضاشاه". *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال چهارم، ش ۷ (پاییز و زمستان): ۱۰۱-۱۲۴.

- زندی شیرازی، غلامحسین بن مهدی‌خان (بی تا). *ظفرنامه عضدی*. نسخه خطی شماره ۶۲۲ (موجود در مخزن کتب خطی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

- شهابی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). *تاریخچه وقف در اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *حقوق مدنی (عقود معین)*، ج۳. تهران: کتابخانه گنج دانش.

- کریمیان، علی(۱۳۷۸). *اسناد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

- مشاهدات یک زن آلمانی در ایران (۱۳۹۲). روزنامه دنیای اقتصاد (۱۱ اردیبهشت): ۸ .

- ملک‌زاده، الهام (۱۳۸۵). "وضعیت امور خیریه تهران در دوره مشروطیت". *گنجینه اسناد (ویژه‌نامه مشروطیت)*، سال شانزدهم، ش ۶۲ (تابستان): ۲۳۰-۲۴۵.

اسناد

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۴۵۲۸۷/۷۶۶، ۴۵۲۸۷/۷۶، ۷۳۳۶۰/۷۰.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه رضاقلی میرزا قهرمان مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۳.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه سیدمحمود بدیعی مورخ ۱۳۹۸ /۶/۲۸.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه محمود الهی، مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹، ش. بایگانی ۱۱۷۴۹.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه علی سیدی، مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲، ش. بایگانی ۲۲۶۴۰.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه علی‌اکبر ترکمن‌زاده، مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۳، ش. بایگانی ۲۲۶۴۳.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه ابراهیم بخشی، مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه فاطمه‌زهرا توسلی، مورخ ۱۳۹۷/۱/۸، ش. بایگانی ۲۲۷۵۰.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه غلامحسین عارفان، مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۳، ش. بایگانی ۱۰۴۳۷.

- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد. آرشیو تاریخ شفاهی، هدایت‌الله جلالی بارزاری، مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۰، ش. بایگانی ۲۲۵۷۳.

- دارالایتام شادمهر. اسناد حسابداری و نامه‌های اداری. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان.

- دارالایتام شادمهر. صورت اجناس متفرقه. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان: ۱-۲۰.

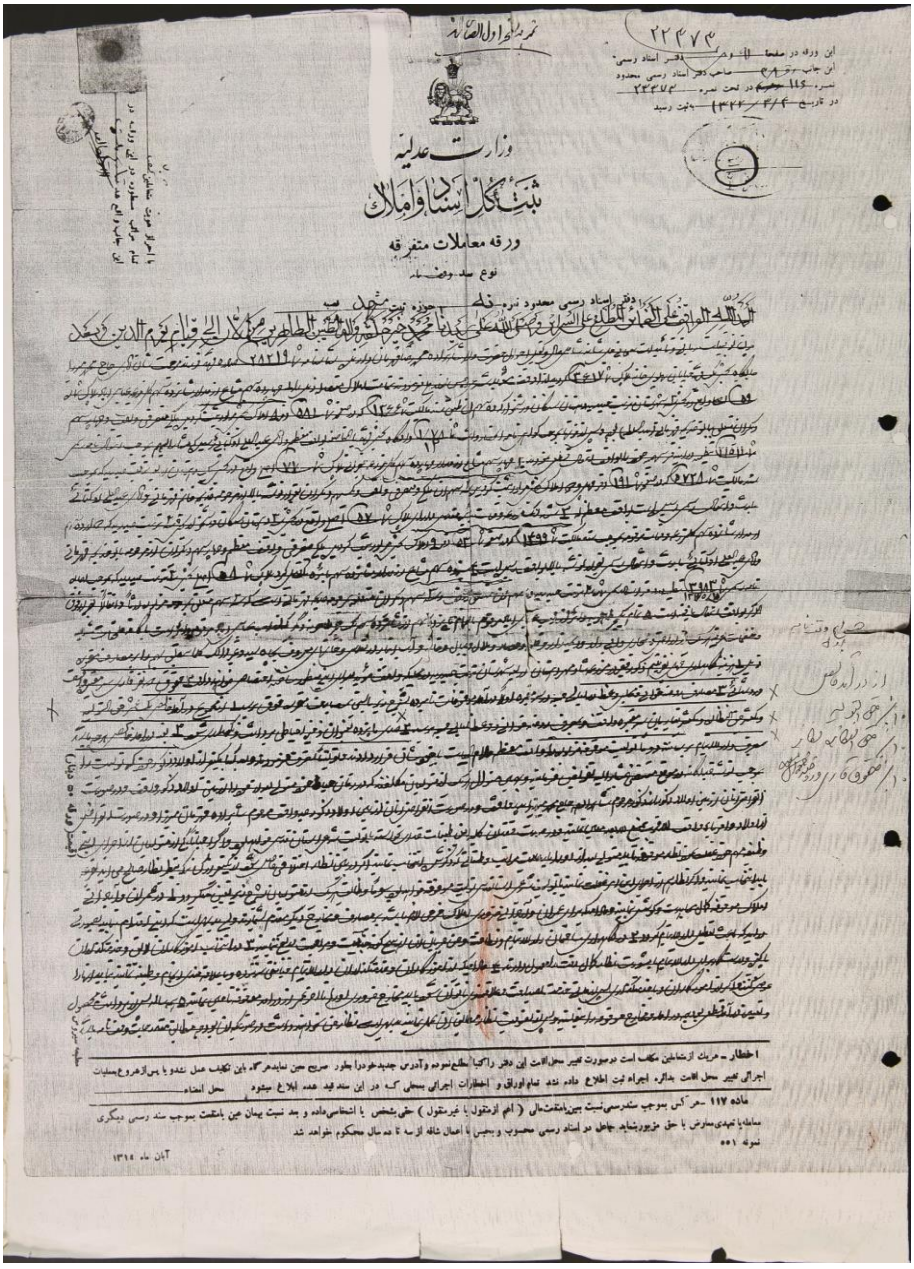
- دارالایتام شادمهر. صورت اسامی. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان.

- دفتر اسناد رسمی مشهد، شماره ۴۵. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان، وقف‌نامه خانم احترام‌السلطنه قهرمان مربوط به سرغایه، شماره ثبت ۲۶۶۶۰.

- دفتر اسناد رسمی مشهد، شماره ۶۶. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان، وقف‌نامه شماره ثبت ۴۲۷۰۱.

- دفتر اسناد رسمی مشهد، شماره ۱۱۶. مجموعه شخصی رضاقلی میرزا قهرمان، وقف‌نامه شماره ثبت ۲۳۳۷۳ .

پیوست‌ها

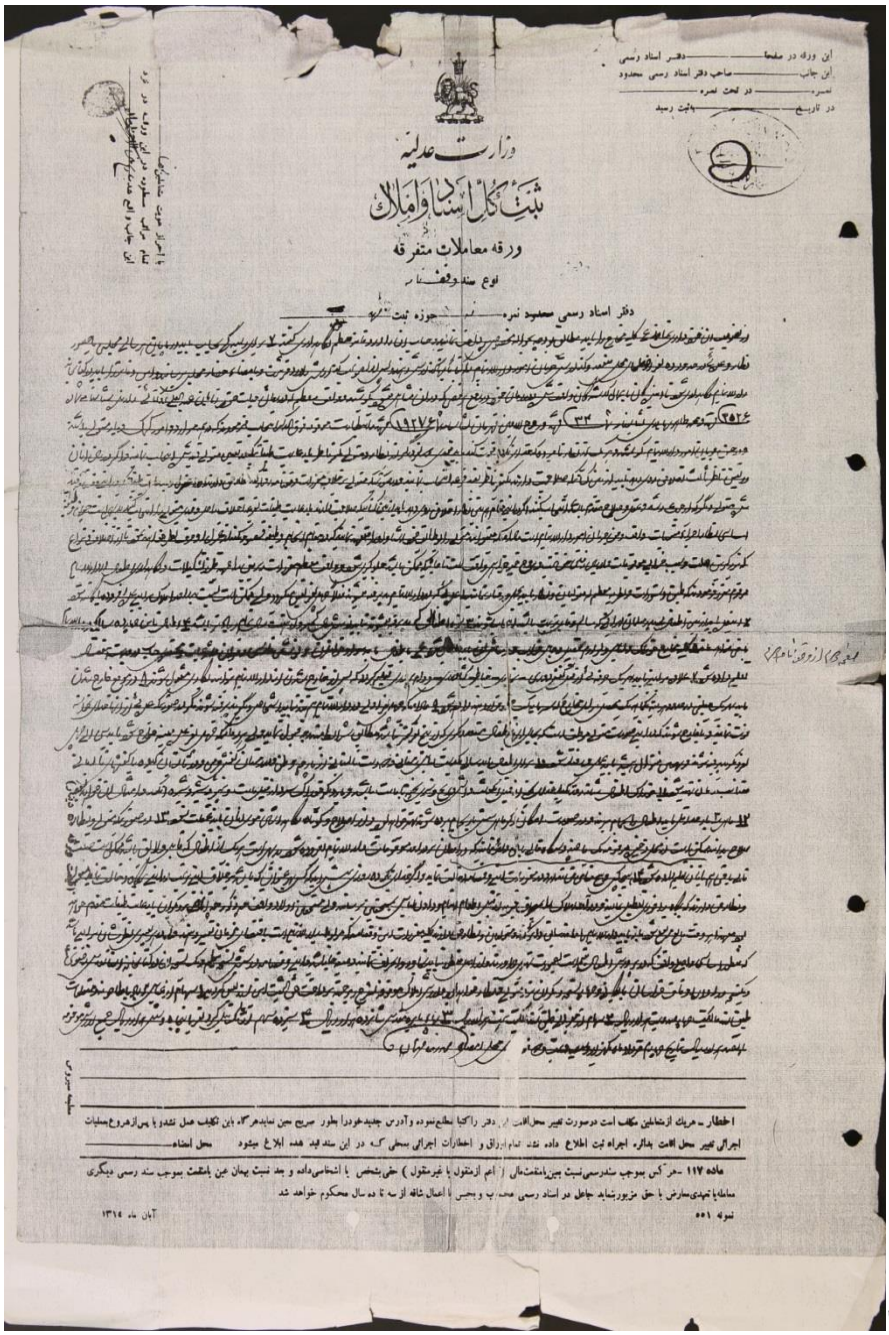

وزارت عدلیه

ثبت کل اسناد و املاک

ورقه معاملات متفرقه

نوع سند وضع سند

سند شماره ۱- الف


این ورقه در صفحه ـــــــ دفتر اسناد رسمی
این جانب ـــــــ صاحب دفتر اسناد رسمی محدود
نمره ـــــــ در تحت نمره
در تاریخ ـــــــ ثبت رسید

وزارت عدلیه

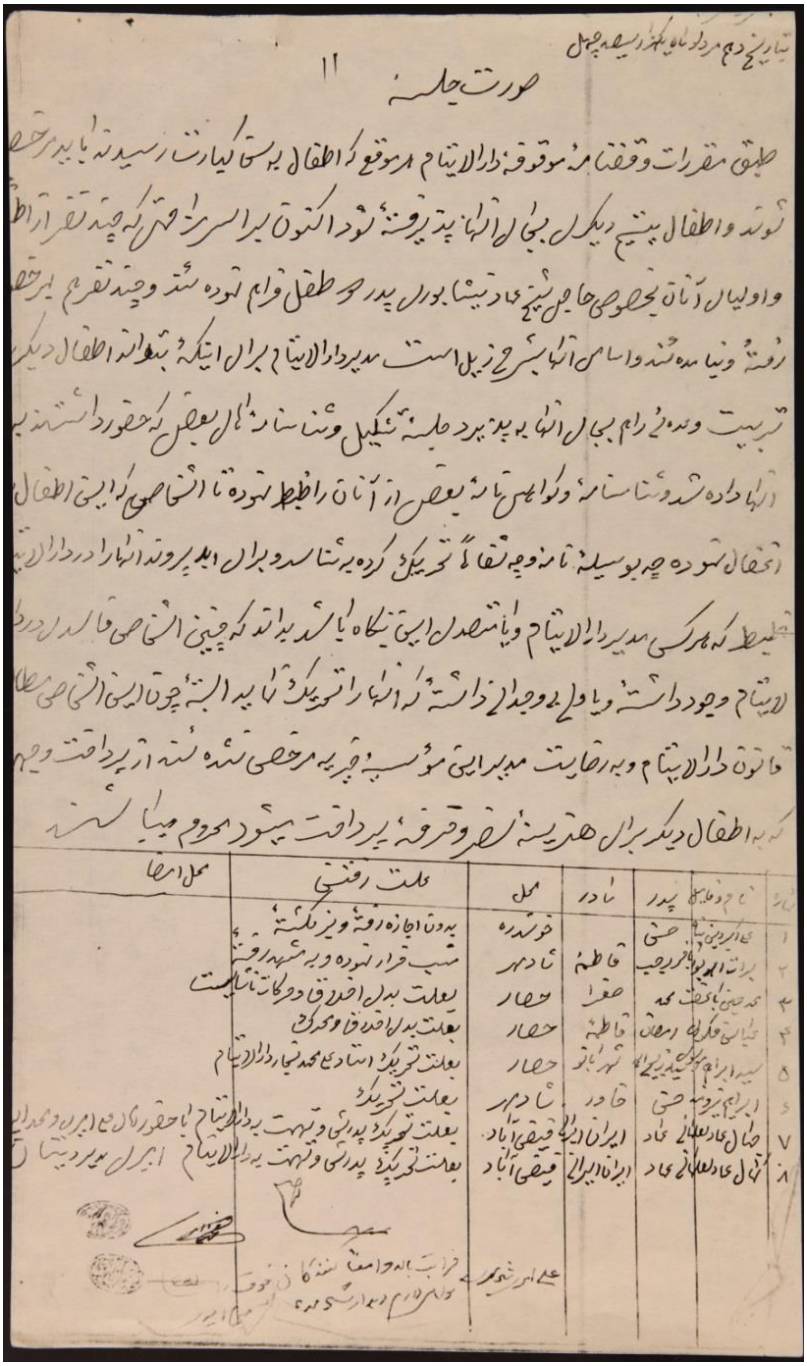
ثبت کل اسناد و املاک

ورقه معاملات متفرقه

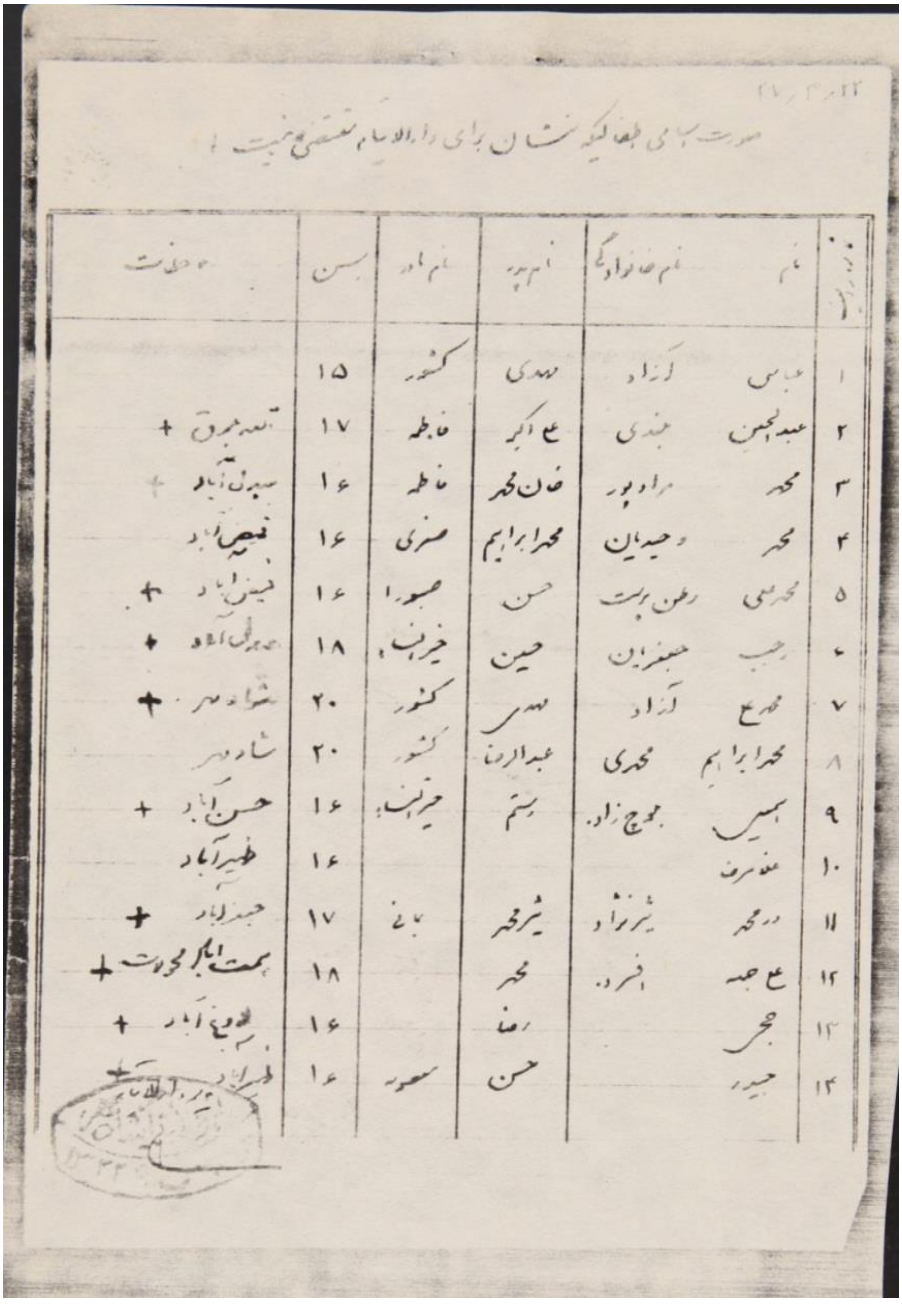
نوع سند و شماره

دفتر اسناد رسمی محدود نمره ـــــ حوزه ثبت شهر

سند شماره ۱- ب

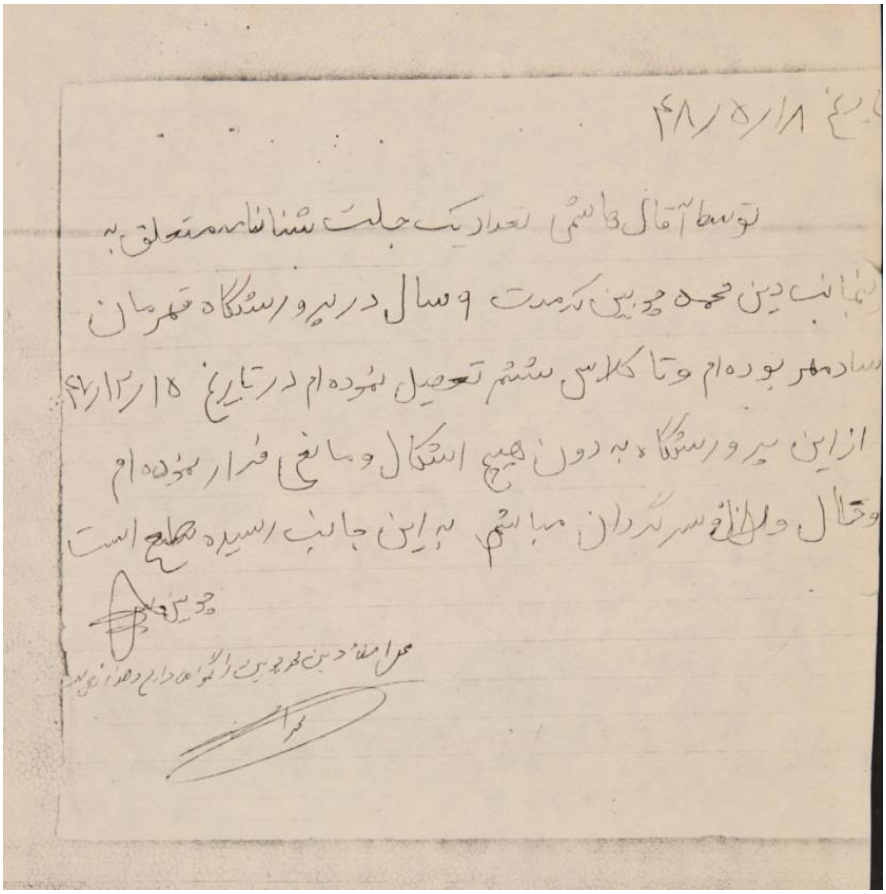


سند شماره ۲



ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	نام مادر	سن	ملاحظات
۱	عباس	آزاد	مهدی	کشور	۱۵	
۲	عبدالحسین	جندی	ع اکبر	فاطمه	۱۷	تلمبه برق +
۳	محمد	مرادپور	خان محمد	فاطمه	۱۶	سیدان آباد +
۴	محمد	وحیدیان	محمدابراهیم	صغری	۱۶	فیض آباد
۵	محمدعلی	رطن پرست	حسن	صغری	۱۶	فیض آباد +
۶	رجب	جعفریان	حسین	خیرالنساء	۱۸	سیدان آباد +
۷	مهدی	آزاد	مهدی	کشور	۲۰	شاه دشت +
۸	محمدابراهیم	محمدی	عبدالرضا	کشور	۲۰	شاه دشت
۹	یحیی	جوجه زاد	رستم	خیرالنساء	۱۶	حسن آباد +
۱۰	عبدالرف				۱۶	ظهیرآباد
۱۱	درمحمد	شیرنژاد	شیرمحمد	بانو	۱۷	جعفرآباد +
۱۲	ع جعفر	افسرد	محمد		۱۸	بیمت آباد محولات +
۱۳	حجر		رضا		۱۶	[illegible] +
۱۴	حیدر		حسن	صغری	۱۶	[illegible] +

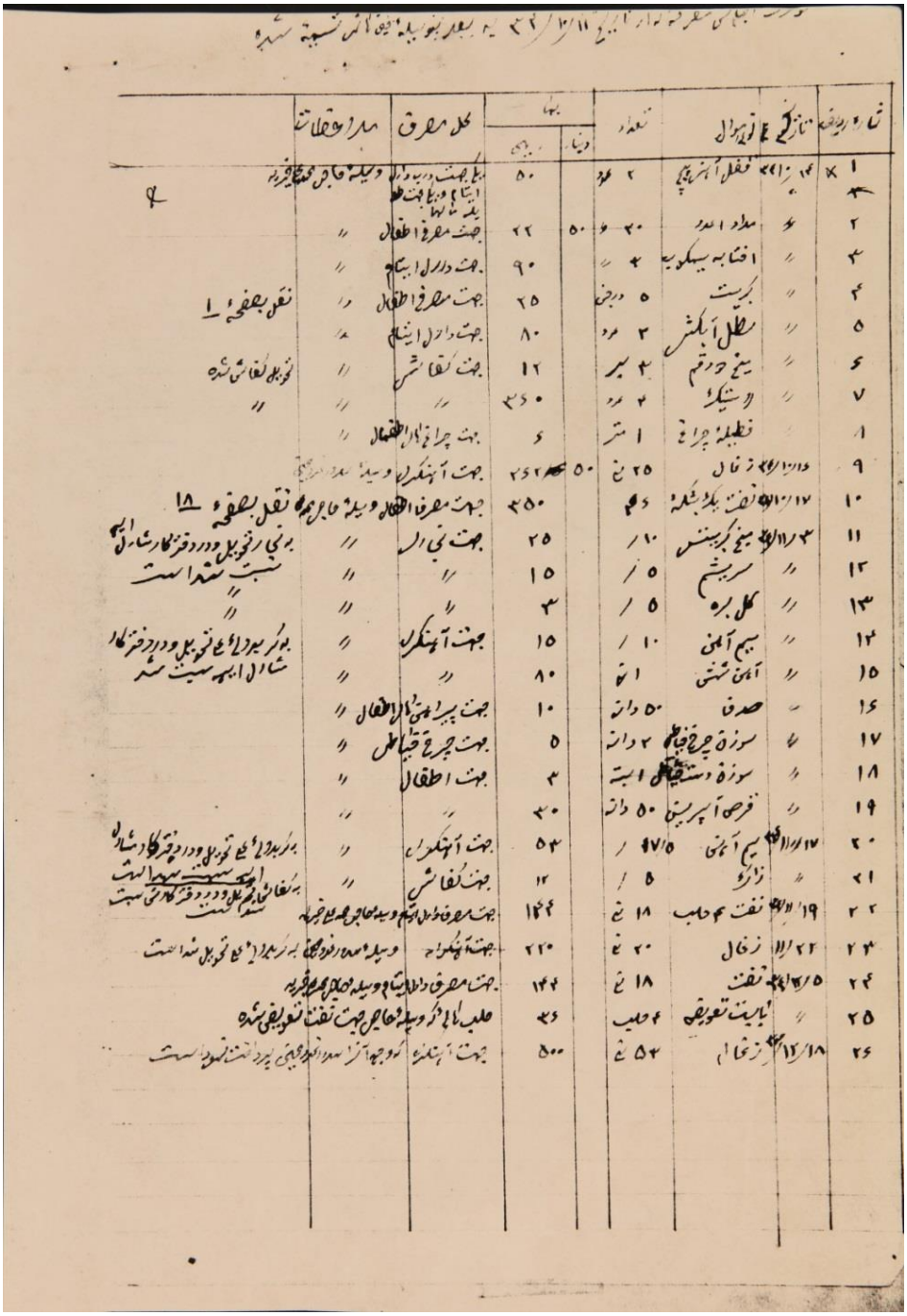
سند شماره ۳



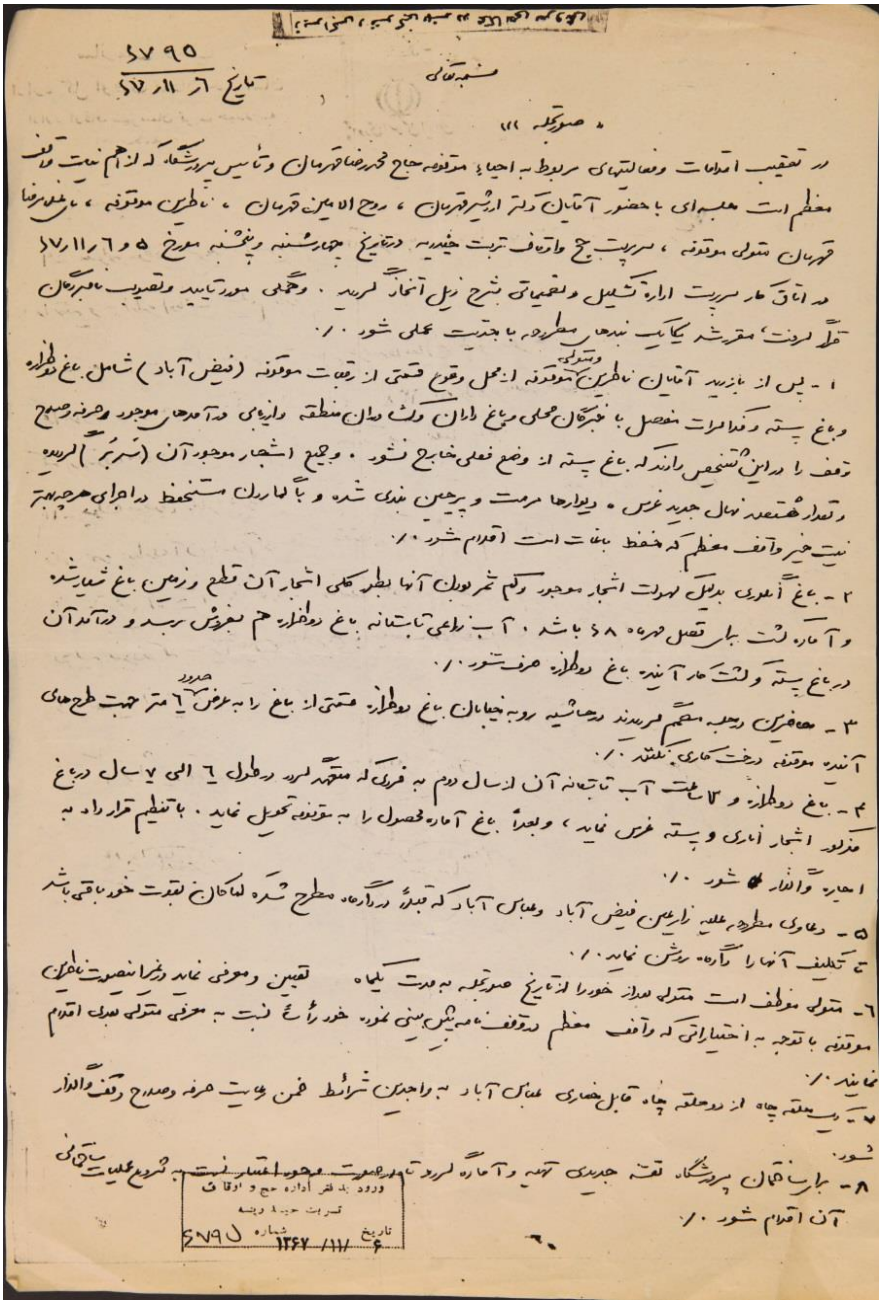
تاریخ ۴۸/۵/۱۸

توسط آقای هاشمی تعدادی جلت شناسنامه متعلق به
نایب دین محمد حسین کرمت ۹ سال در پرورشگاه قهرمان
شادمهر بوده ام و تا کلاس ششم تحصیل نموده ام در تاریخ ۴۷/۱۲/۱۵
از این پرورشگاه به دون هیچ اشکال و مانع فرار نموده ام
و حال والدین سرگردان میباشم به این جانب رسیده صحیح است
حسین
مرا مفاد دین محمد حسین را گواهی دارم و تصدیق می نمایم

سند شماره ۴



سند شماره ۵



سند شماره ۶

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان

بررسی مقایسه‌ای رابطه تولید زعفران، تعاون و یاریگری در روستاهای خراسان جنوبی

غلامعلی مرادی[۱]
اصغر محمدی[۲]
اسماعیل جهانبخش[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۵ سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ شماره صفحه: ۹۱-۱۱۶

چکیده

زعفران یکی از مهمترین رستنی‌های ایران است که به دلیل کار دسته جمعی و ابعاد مشارکتی آن نقشی مهمی در افزایش تعاون و یاریگری داشته است، بر این اساس هدف این مقاله بررسی رابطه میان تولید زعفران و ایجاد و استمرار تعاونی‌های سنتی در روستاهای خراسان جنوبی است. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری ۸۲۰۰۰ بهره‌بردار کشاورز خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۸ بوده است. با استفاده از فرمول کوکران نمونه مورد مطالعه ۵۵۰ نفر کشاورز (زعفران کار و غیر زعفران کار) تعیین گردید. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری خوشه ای چند مرحله ای است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های محقق ساخته‌است که اعتبار آن

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان moradi.gholamali@yahoo.com
۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان، نویسنده مسؤول asghar.mo.de@gmail.com
۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان esjahan@yahoo.com

به وسیله تعدادی از اعضای هیئت علمی دانشگاه سنجیده شده است. پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات از طریق آلفای کرنباخ مورد سنجش قرار گرفت که مقدار آلفای محاسبه شده برابر با ۰/۸۲ حاصل شد. یافته‌ها نشان داد که ارتباط تعاون با تولید زعفران با مقدار t به‌دست آمده ۱۷/۳۲ تا (۰/۰۰۱) معنادار است. به عبارت دیگر، تولید زعفران نقش مهمی در حفظ و استمرار تعاونی های سنتی در روستاهای زعفران کار دارد. همچنین تفاوت بین روستاهای زعفران کار و غیر زعفران کار در پنج مؤلفه تعاون (امور غیر کشاورزی، در کاشت، داشت و برداشت محصول و تعاون در تأسیس شرکت‌های تعاونی) تا سطح (۰/۰۰۱) معنادار بود. با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌گردد که سازمان‌ها و نهادهای متولی تولید محصولات زراعی افزایش تولید زعفران را در سرلوحه برنامه های خود قرار دهند.

واژگان کلیدی: تولید زعفران، تعاون، روستاهای زعفران‌کار، روستاهای غیر زعفران‌کار

مقدمه

بخش تعاون، به عنوان یکی از مهمترین بخش‌ها در ساختار یک کشور، ریشه در فرهنگ‌های جامعه بشری داشته و از دیرباز مورد توجه بوده است. از نظر مورخان استفاده از تعاونی‌ها به دوران باستان برمی‌گردد (Noruzi, & Westover, 2010: 95) و شواهد تاریخی حاکی از آن است که انسان‌ها به طور فطری به تعاون و همکاری با یکدیگر برای رفع نیازهای اساسی خود، گرایش دارند (اطهری و علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۵۶۵).

تعاونی‌های سنتی از گذشته‌های دور در مجرای دینی، مذهبی، انسان دوستی و خیراندیشی به‌طور غیر رسمی (سازمان یافته - سازمان نیافته) فعالیت داشته‌اند. دین اسلام تأکید فراوانی به همدلی، همیاری و تعاون دارد؛ در قرآن مجید شواهد متعدد و توصیه‌های مکرری درباره تربیت، تقویت نظر، همکاری و تعاون میان مسلمین وجود دارد (آراسته‌خو، ۱۳۸۵: ۱۶۸). «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (قرآن، مائده: ۲). صاحب نظران معتقدند، تعاونی‌های کشاورزی ظرفیت های ارزشمندی برای رونق بخشیدن به بخش کشاورزی دارند. این تعاونی‌ها

فرصت‌های مناسبی برای مشارکت کشاورزان، همکاری آنان در زمینه‌های مختلف، انتقال تجربیات و آموزش شیئه‌های و رویکردهای علمی در امر کشاورزی و بازاریابی به وجود آورند (انصاری، و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۵).

تعاون به معنی یکدیگر را یاری کردن، همدستی، یاری و دستگیری است که مفهوم مشارکت در یک امر و اقدام جمعی در جهت هدف مشخص و معین را نیز می‌رساند که در این معنی همکاری یا تعاون مترادف همیاری قرار می‌گیرد (انصاری، ۱۳۸۵: ۱). از نظر انصاری، تعاون را می‌توان نوعی خودیاری دانست که نقطه مقابل رقابت بوده، رقابت عامل اصلی مشکلات و بحران‌های جامعه است (همان: ۲۰۰).

ساروخانی، هر کنش متقابل اجتماعی را که در آن افراد یا گروه‌ها کار و فعالیت خود را به صورت سازمان‌یافته و با کمک متقابل به هم می‌آمیزند تا هدف مشترک تحقق پذیرد، تعاون می‌نامد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۴۴). پس در محتوای همکاری و تعاون، کنش و واکنش متقابل در جهت کمک و حمایت متقابل به روشنی دیده می‌شود؛ لذا تعاون می‌تواند موجب ارتباط افراد یک جامعه و پیدایش روحیه برادری و نوعدوستی در بین آن‌ها گردد و از تفرق و تقابل و همچنین خودخواهی، خودپرستی و بی‌توجهی به مسائل و منافع دیگران بکاهد (انصاری، ۱۳۸۵: ۲). همیاری و همکاری در جهات و جنبه‌های متنوع زندگی نه تنها مایه دلگرمی و ارضای نیازهای عاطفی و عقلی است، بلکه موفقیت‌های مادی و تکنولوژیک بسیار به همراه دارد (آراسته‌خو، ۱۳۸۵: ۱۰). همچنین، تعاونی‌ها فرصت مناسبی برای مشارکت کشاورزان، انتقال تجربیات و آموزش شیوه‌ها و رویکردهای علمی در امر کشاورزی و همکاری آنان در زمینه‌های مختلف به وجود می‌آورند (گرجی‌کرسامی و بابایی‌کارنامی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). تعاون یا همکاری جمعی، یکی از ویژگی‌های کار کشاورزی است که زندگی در روستا باعث رشد روحیه تعاون در بین مردم شده، آن‌ها آمادگی بیشتری برای همکاری و کار جمعی دارند (مظلومی، ۱۳۸۳: ۳۵) علاوه بر این، تعاون و همکاری در مناطق روستایی تعادل و توازن در رابطه با زمین و نیروی کار موجود در روستاها را ایجاد می‌کند و تا هنگامی که این تعادل و توازن پدید نیاید، توسعه تحقق پیدا نمی‌کند (آراسته‌خو، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

بیان مسأله

زعفران[۱] محصولی با کارکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و در ایران به عنوان یک محصول استراتژیک شناخته می شود. به نحوی که سهم ایران از تولید و صادرات جهانی این محصول حدود ۹۰٪ است (Ghorbani, 2008: 523). گذشته از کارکردهای اقتصادی این محصول، اثرات اجتماعی آن چون تعاون، همکاری و انسجام اجتماعی - در شرایطی که تک‌روی و فردگرایی مشکلی جدی برای بسیاری از جوامع در عصر حاضر به حساب می آید - حائز اهمیت است.

با اینکه در زمینه‌ی تولید بیشتر محصولات کشاورزی فناوری‌های جدید به کمک کشاورزان آمده است، اما متأسفانه در تولید زعفران (حداقل در استان خراسان جنوبی) چنین فناوری‌هایی وجود ندارد؛ لذا لازم است، افراد زیادی در مراحل مختلف تولید (کاشت، داشت و برداشت) این محصول مهم مشارکت فعال داشته باشند که این مسأله سبب ایجاد اَشکال مختلف تعاونی‌های سنتی در بهره‌برداری این محصول شده است.

از آنجا که تولید زعفران نیاز به کار دسته جمعی دارد، بدون شک می‌تواند بستری مناسب برای گسترش تعاون و همکاری ایجاد کند به دلیل آن که پیشه تعداد زیادی از کشاورزان استان خراسان جنوبی کاشت و تولید زعفران است، تعاون می‌توان به خوبی در مناطق زعفران کار این استان مشاهده نمود.

کشاورزان این استان به تولید محصولات مختلفی مشغول هستند که مهمترین این محصولات، زعفران، زرشک، عناب، پنبه، گندم و جو است. این استان رتبه‌ی اول تولید محصولات باغی زرشک و عناب و رتبه دوم تولید زعفران و پنبه را در سطح ایران داراست. سطح زیر کشت زعفران ۱۰۵۵۴ هکتار است که از این سطح سالانه ۵۰ تن زعفران خشک تولید می‌شود (اسمعیل‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

در سال ۱۳۹۰ سطح زیر کشت زعفران در ایران را بالغبر ۷۲۱۶۲ هکتار ذکر می‌کنند که بیش

۱. زعفران گیاهی است علفی، چندساله، بدون ساقه که از طریق غیرجنسی تکثیر می‌شود. این گیاه از نظر رده‌بندی گیاه‌شناسی از خانواده زنبقیان و یک گیاه تریپلوئید عقیم می‌باشد که هر سال پیازهای جدیدی تولید کرده و تکثیر آن صرفاً از طریق همین پیازها می‌باشد (نخعی و هاشمی، ۱۳۹۷: ۱).

از ۷۰۰۰۰ هکتار آن در دو استان خراسان رضوی و جنوبی (۵۷۰۰۰ هکتار خراسان رضوی و ۱۳۰۰۰ هکتار خراسان جنوبی) است (کوچکی، ۱۳۹۲: ۴).

بر اساس جدیدترین آمارهای وزارت جهاد کشاورزی، میزان تولید زعفران در سال ۱۳۹۵ از سطح زیر کشت ۱۵۷۵۴ هکتار زمین کشاورزی استان خراسان جنوبی ۵۱ تن زعفران خشک بوده است که هرچند نسبت به خراسان رضوی بسیار کم به نظر می‌رسد، اما به چند دلیل از ارزش بالایی برخوردار است: اولاً، زعفران خراسان جنوبی مرغوبیت بسیار بالایی دارد. ثانیاً، استان خراسان جنوبی از توان بالقوه بالایی در تولید مقادیر بسیار بالاتری از این مقدار زعفران برخوردار است (احمدیان، بهرامی و موسوی، ۱۳۹۵: ۳).

به نظر بهنیا (۱۳۹۱: ک) پژوهشگر محصول زعفران، هیچ گیاهی مانند زعفران در افراد روستا، ایجاد تعاون و همکاری نمی‌کند، زیرا در امر کاشت و بویژه برداشت و فرآوری زعفران روستاییان به کمک یکدیگر نیازمندند. زعفران اصولاً گیاهی کاربر است و نیاز به نیروی کار زیادی دارد، به این صورت که کاشت کورم (پیاز) زعفران در کرت هایی که قبلاً آماده شده به‌صورت ردیفی انجام می‌گیرد. فاصله کورم‌ها روی ردیف حدود ۱۵-۱۰ سانتیمتر و فاصله ردیف‌های کاشت از یکدیگر ۲۵-۲۰ سانتی‌متر است. برای کاشت کورم زعفران در روش سنتی ابتدا در هر ردیف با بیل چاله‌هایی ایجاد می‌کنند و داخل هر چاله ۵-۳ کورم قرار می‌دهند. سپس خاک ردیف بعدی را روی این کورم‌ها می‌ریزند، پس از اتمام کاشت کورم‌ها، سطح مزرعه را که ناصاف شده با بیل یا ماله که با گاو کشیده می‌شود، مسطح و فشرده می‌سازند تا کورم ها به خاک بچسبند (احمدیان، بهرامی و موسوی، ۱۳۹۵: ۵).

آبان ماه هرسال، فصل برداشت گل زعفران است (رجبی و دادخواه، ۱۳۸۳: ۳۴). بهترین موقع برداشت گل به‌منظور حفظ عطر و رنگ زعفران صبح زود و قبل از باز شدن گل‌ها است. با توجه به اینکه برداشت زعفران به حوصله و دقت زیادی احتیاج دارد معمولاً زن‌ها و کودکان کار گل‌چینی را انجام می‌دهند (احمدیان، بهرامی و موسوی، ۱۳۹۵: ۷-۸). پس از چیدن گل زعفران از مزرعه، نوبت جدا کردن کلاله (سه پر قرمزرنگ آن‌که همان زعفران اصلی است) فرامی‌رسد. زعفران کاران به این عمل "پر کردن زعفران" می‌گویند (رجبی و دادخواه، ۱۳۸۳: ۳۴).

از نظر بهنیا (۱۳۹۱: ۱۰) عملیات کاشت و برداشت زعفران یک کار دسته‌جمعی است و سبب همبستگی گروهی و تعاون در روستا می‌شود به‌گونه‌ای که روستائیان معمولاً تا پاسی از شب در امر باز کردن گل و استخراج مادگی از کلاله زعفران به یکدیگر کمک می‌کنند و بدون چشم‌داشت مالی، انتظار همکاری متقابل دارند. گل‌های زعفران در شب شکفته می‌شود و باید پس از طلوع آفتاب به صورت دسته جمعی و همیاری به چیدن آن اقدام شود. برداشت زعفران نیز به دلیل آسیب‌پذیری این محصول باید به موقع صورت گرفته و گل ها از کلاله جدا شوند و بی‌درنگ برای خشک کردن قسمت های پرچم و مادگی اقدام شود، لذا در همه‌ی مراحل تولید زعفران می‌توان این همکاری‌ها را به‌نحو مطلوبی مشاهده نمود (فرهادی، ۱۳۸۱: ۲۳۵-۲۳۶).

بدون شک یکی از دلایل ماندگاری تعاون در امر تولید زعفران به کارکردهای تعاون برمی‌گردد. تعاونی‌ها در جامعه روستایی، با کوتاه کردن دست دلالان و واسطه‌ها از محصولات کشاورزی، برای کشاورزان قدرت لازم را جهت مقابله با شرکای تجاری ایجاد کرده، زمینه‌ساز ارتقای شرایط و کمک به خانواده‌های آن‌ها برای غلبه بر محدودیت‌ها و کشاورزی سرمایه بر هستند (رهبری، شفیعی ثابت و طاهری، ۱۳۹۵: ۱۴۲) که می تواند نقش مهمی در ایجاد اشتغال و ماندگاری روستائیان در روستاها داشته باشد.

با این که تعاونی‌های سنتی در جامعه مدرن کمتر مشاهد می‌شوند، اما در عصری که هم سرمایه و هم نیروی کار نسبت به قرن نوزده و نیمه اول قرن بیست تغییر شکل بسیار یافته است، ضرورت وجود تعاونی‌ها و کارکردهای متنوع آن‌ها و تغییر و تحول در امور مشارکتی بیش از هر زمانی احساس می شود (آراسته‌خو، ۱۳۸۵: ۱۷۲). در جامعه کنونی تکروی و فردگرایی یکی از نتایج نظام تولید غیرمشارکتی است که سرمایه اجتماعی را در معرض آسیب قرار داده است، لذا جهت تحقق اهداف بزرگی چون توسعه، توجه به فعالیت‌های تولیدی جمعی و مشارکتی ضروری است و تعاونی‌ها به دلیل مشارکت مستقیم مردم در روند آن، می‌توانند برای توسعه اقتصادی بهتر عمل کند و با ایجاد شغل و انجام سایر فعالیت‌ها موجب توسعه اقتصادی کشور شوند (DanaeeFard & Noruzi, 2010: 66).

بنابراین، در این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالات زیر می باشیم.

۱. آیا بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون تفاوت معنی دار وجود دارد؟
۲. آیا بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون در کاشت محصول تفاوت معنی دار وجود دارد؟
۳. آیا بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون در داشت محصول تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
۴. آیا بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون در برداشت محصول تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
۵. آیا بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون در فروش و تأسیس شرکت تعاونی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
۶. آیا بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون در امور غیرکشاورزی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

در حوزه تعاون و یاریگری تاکنون پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است اما به جرأت می‌توان گفت که پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه تولید زعفران و یاریگری در استان خراسان جنوبی انگشت شمار است. که در ادامه به تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع اشاره می‌گردد.

فرهادی (۱۳۸۱: ۲۳۵-۲۳۶) در کتاب فرهنگ یاریگری در ایران، اشتراک مساعی، خودیاری و تعاون اجتماعی را از مظاهر بارز هر روستای ایرانی می داند. برداشت محصول زعفران در استان خراسان جنوبی که همراه با جشن‌هایی است، یکی از نمونه های بارز تعاون در روستاهای ایران است. او همچنین معتقد است ما اکنون شاهد ظهور و بازآفرینی تعاونی های سنتی در زمینه کشاورزی و همچنین زایشِ واره‌های جدید یعنی واره‌های پول صندوق‌های قرض الحسنه هستیم (همان: ۵۰).

اطهری و علی‌بیگی (۱۳۸۹: ۵۷۴) در تحقیقی با موضوع «تحلیل ادراک کشاورزان شهرستان

کرمانشاه از تعاون» نشان داده‌اند کـه تأثیر درآمد کشاورزان بر ادراک آنان از تعاون معنادار و مثبت است؛ به طوری که با افزایش درآمد، ادراک کشاورزان از تعاون بهبود می‌یابد. از این نتیجه می‌تـوان چنین برداشت کرد که کشاورزانی که از درآمد بیشتری برخوردارند، ادراک بهتری از سرمایه‌گذاری جمعی دارند و حاضرند ریسک سرمایه‌گذاری مشترک را در تشکل‌های تعاونی بپذیرند.

نتایج تحقیـق فراهـانی، جـوانی و کرمـی دهکـردی (۱۳۹۱: ۱۰۸) بـا عنـوان «تحلیـل پایـداری اجتماعی-اقتصادی تولید زعفران و تأثیر آن بر توسعه روستایی» نشان می دهد کـه در روسـتاهای زعفران کار، مشارکت و همیاری مردم در امور روستا و تولید زعفران به صورت خودجوش و محلـی وجود دارد.

مطالعه بهنیا (۱۳۹۱: ۱۰) با عنوان «زعفران (تاریخچه، مصـرف، شـیمی، گیـاه شناسـی، تولیـد، فرآوری، صادرات، استاندارد، تقلبات و ...)» نشان می‌دهد کـه عملیـات کاشـت، داشـت و برداشـت زعفران یک کار دسته جمعی و گروهی است و از این جهـت زعفـران عامـل همبسـتگی گروهـی و تعاون در روستا می‌شود به‌گونه‌ای که روستائیان معمولاً تا پاسی از شـب در امـر بـاز کـردن گـل و استخراج مادگی از کلاله زعفران به یکدیگر کمـک مـی‌کننـد و بـدون چشـم‌داشـت مـالی، انتظـار همکاری متقابل دارند.

هاشمی (۱۳۹۲: ۱۲۹) در مقاله‌ای با موضوع «تعاون، همیاری سنتی در فرهنگ مـردم» کـه بـه روش اسنادی انجام شده است نشان می‌دهد که یـاریگری و تعـاون سـنتی و غیررسـمی در حـوزه کشاورزی بسیار وسیع و همگانی و از ویژگی‌های مهم جامعه سنتی ما بوده است.

وفایی (۱۳۹۲: ۱۳۱) در پژوهشی با موضوع «بررسی راهکارهای فرهنگی توسعهٔ بخش تعاون» نشان می‌دهد که فرهنگ تعاون هنگامی با اســتقبال روبه رو می‌شــود که در عرصه فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی، برای کشاورزان مزایایی داشــته باشــد.

بر اساس نتایج پژوهش برآبادی و برآبـادی (۱۳۹۳: ۷) بـا موضـوع «بررسی نظام‌های بهره‌برداری زعفران در خراسان جنوبی»، نظام‌های بهره‌برداری سنتی و جدید که مبتنی بـر همکـاری و تعـاون است در روستاهای خراسان جنوبی مشاهده می‌شود. از نظام‌هـای بهـره‌بـرداری سنتی می‌توان به نظام‌هـــــای خانوادگی و مزارعه اشاره کرد که هنوز هم مشاهده می‌شود. در این شیوه‌ها، افراد در

مناسب مختلف و با همکاری همدیگر اقدام به کاشت و برداشت محصول می‌کنند. از نظام‌های نسبتاً جدیدتر هم می‌توان به نظام اجاره داری اشاره نمود. چیزی که در همه این نظام‌ها به صورت چشمگیر مشاهده می‌گردد. خودیاری، تعاون و همیاری مردم در مراحل کاشت، داشت و برداشت زعفران است.

مقاله شاهرودی، احمدی فیروزجائی و چیذری (Shahroudi, Ahmadi-Firouzjaie & Chizari, 2006: 53) در منطقه تربت‌حیدریه نشان داد که بین دو گروه از اعضای تعاونی‌ها و غیرتعاونی‌ها از نظر وضعیت بازاریابی، دسترسی به نهاده‌های کشاورزی، مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های مربوط به توسعه کشاورزی، دانش فنی، مهارت های عملی و تسهیلات اعتباری کشاورزی تفاوت وجود دارد و اعضای تعاونی‌ها دسترسی بیشتری به موارد فوق دارند.

معتمد (Motamed, 2010: 1598) در پژوهشی با عنوان «نقش شرکت های تعاونی در تولید پایدار برنج و کاهش فقر در گیلان» نشان داده است که تعاونی‌های تولید کشاورزی نقش مهمی در کاهش مدت بیکاری کشاورزان دارد.

مراه، بندو و آچابا (Merouah, Bendou & Achaba, 2013: 685) با پژوهشی در منطقه تالیون مراکش نشان داده‌اند که تعاونی‌های زعفران نقش مهمی در بازاریابی، میزان عرضه محصول به بازار، تعیین قیمت و فروش آن دارند؛ آن‌ها از اعضای خود می‌خواهند که از طریق تثبیت میزان زعفران عرضه شده به بازار و تعیین قیمت آن، شرایط بازاریابی بهتر این محصول را فراهم کنند؛ از این طریق تعاونی‌ها می‌توانند زعفران تولید شده توسط کشاورزان را، با قیمت بیشتری برای آن‌ها بفروشند.

با این که مقالات فوق مؤید این مطلب است که تعاونی‌ها نقش مهمی در فرایند تولید کشاورزی دارند و کشاورزان از آن استقبال می کنند، اما هیچ کدام از بررسی‌های انجام شده تعاون در جامعه روستایی را در ابعاد مختلف (کاشت، داشت و برداشت) مورد مطالعه قرار نداده است، از سوی دیگر این پژوهش روستاهای زعفران کار و غیر زعفران کار را در ابعاد مختلف تولید مورد مقایسه قرار می‌دهد.

چارچوب نظری پژوهش

در اغلب تمدن‌ها و جوامع قدیمی و سنتی می‌توان اشکالی از همکاری‌های تعاونی و گروه‌های یاریگر را پیدا کرد که تا حدودی به تعاونی‌های امروز شبیه هستند. در جامعه ایران نیز اشکال سازمان یافته‌ای از همکاری‌های تعاونی، بویژه در روستاها مشاهده می‌شود (انصاری، و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۶).

در کشورهایی نظیر ایران باید روحیه جمعی و تجمع‌گرایی مثبت، متناوب، عقیدتی و سنتی را، به کمک نظریه‌های علمی متناسب و مقتضی تقویت کرد (آراسته‌خو، ۱۳۸۵: ۱۵۶). لذا می‌توان با کمک دیدگاه‌ها و نظریات مختلف، انواع تعاونی‌ها را بررسی کرده، به تبیین تعاون و همکاری و استمرار آن در جامعه روستایی پرداخت؛ به خصوص تعاونی‌های سنتی‌ای که از پیشینه و تاریخ کهنی برخوردارند. هر کدام از مکاتب و نظریه‌پردازان، از زاویه‌ای خاص به موضوع تعاون نگریسته‌اند پس باید در تبیین تعاون از دیدگاه‌ها و نظریات متعددی استفاده نمود. از نظر والکو[1] تعاون یک ساخت اجتماعی پیچیده است که مرکب از عوامل مؤلفه متعددی است که ادراک آن بسیار دشوار است (طالب، ۱۳۸۶: ۵). طرفداران نهضت تعاونی چون کاگنا[2]، تعاون را اقتصاد برادری می‌دانند و معتقدند شرکت‌های تعاونی می‌بایست مبتنی برتجانس و همگنی اعضاء و گذشت و فداکاری باشند، کالورت[3] به لزوم همکاری سازمان یافته بین اعضاء، برابری و تساوی آن‌ها در سازمان تعاونی و همچنین داوطلبانه بودن عضویت افراد اعتقاد و اصرار دارد و وب[4] تعاون را به اقتصاد دموکراسی تعبیر نموده است (انصاری، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

از دیدگاه اسلام، ریشه‌های تعاونی‌ها را می‌بایست در باورهای دینی و مذهبی جستجو کرد (آراسته‌خو، ۱۳۸۵: ۱۶۸). بنا بر استدلال جامعه‌شناسان، تعاون و همکاری ریشه در جامعه و ساختار آن دارد. به اعتقاد فرم[5] راه‌هایی که انسان برای تأمین نیازها برمی‌گزیند بسیار پیچیده

1. Valko
2. Cogna
3. Calvert
4. Web
5. Fromm

بوده، به عوامل متعددی وابسته است که یکی از آنها چگونگی ساخت اجتماعی و کیفیت روابط انسان‌ها در محدوه این ساخت است (تنهایی، ۱۳۷۹: ۶۳۷).

ریشه‌های نظری تعاون را هم می‌توان در نظریات مارکس[1]، مید[2]، هومنز[3] و دورکیم[4] یافت. مارکس معتقد است آدمیان در رفع نیازهای زیستی خویش به تنهایی از عهده بر نمی‌آیند زیرا از یک سو جسم توانایی ندارد و از طرفی محیط، منابع ساخته و پرداخته‌ای را برای رفع نیازهایشان فراهم نمی‌آورد (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۵۸).

کولی در نظریه‌ی کنش متقابل نمادین، جامعه را چون کلی یکپارچه می‌بیند که هر یک از اجزاء در مجموعه اندام وار جامعه بر اثر عمل متقابل با دیگر افراد، امکان حیات پیدا می‌کنند (تنهایی، ۱۳۷۹: ۴۰۹) و نتیجه‌ی بستگی نزدیک از نظر روانشناختی، نوعی در آمیختگی فردیت‌ها در یک کل مشترک است. چندان که زندگی مشترک و منظورهای گروهی دست کم از بسیاری جهات بسان زندگی و مقصود هر فرد گروه درمی‌آید (کوزر، ۱۳۷۲: ۴۱۲-۴۱۳) از نظر مید نیز هنگامی که افراد برای یک کار جمعی با هدف مشترک درگیر می‌شوند، ذهن آنها در تشخیص "خود" از "دیگری" دچار عدم صراحت می‌شود و کوشش جمعی موجب همسانی بسیار نزدیک شخص با گروه می‌گردد (توسلی، ۱۳۷۱: ۲۸۸).

اگر نظریه‌پردازان کنش بر کنش‌های جمعی و درک متقابل حاصل از این کنش‌ها به‌عنوان مبنایی برای کار جمعی و تعاون تأکید می ورزند، دیدگاه مبادله بر اساس اصول روانشناسی مبتنی بر سود و پاداش به تبیین و تفسیر این همکاری‌ها در جامعه انسانی توجه دارد.

از نظر هومنز، در مورد همه اعمالی که اشخاص انجام می دهند، غالباً این گونه است که هر عملی که مورد پاداش قرار گیرد، به احتمال زیاد به وسیله همان شخص تکرار خواهد شد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۲۷).

1. Marx
2. Mead
3. Homans
4. Durkeim

معاشرت افراد با یکدیگر به این خاطر است که از یکدیگر سود می برند... از این رو، بلومر[1] این نوع معاشرت را مبادله پاداش های اجتماعی نامیده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۵۹).

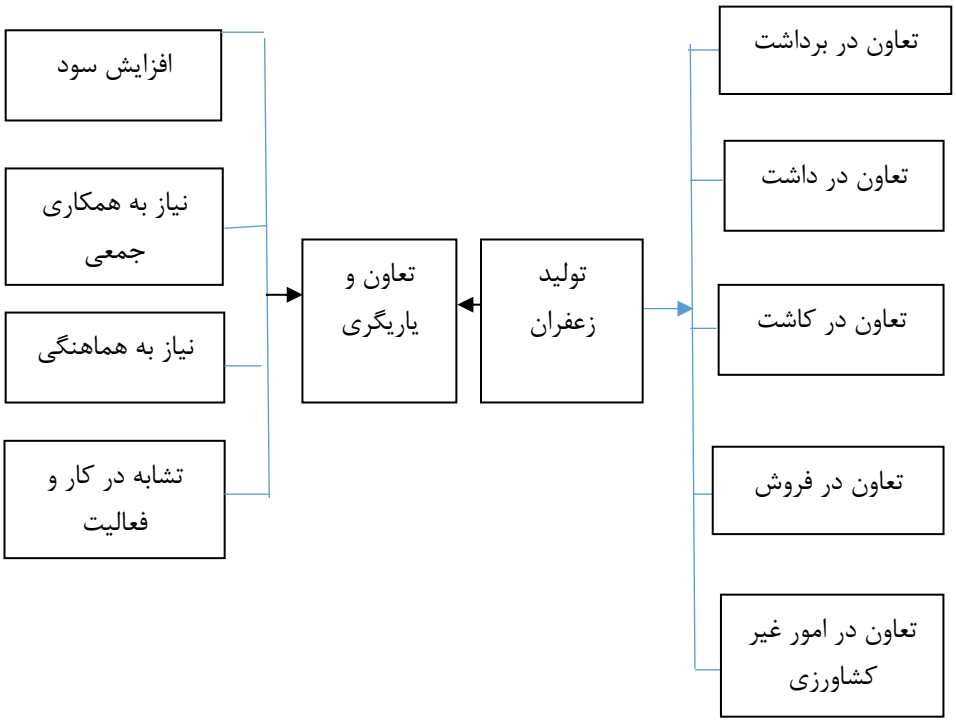
با توجه به نظریه هومنز، کنشگران موجوداتی عقلانی‌اند که با توجه به هزینه و سود به کنش اقدام می‌کنند. هر چند این نظریه بیشتر به ساختارهای خرد توجه دارد، اما می‌توان گفت درک روابط شخصی عاملی مهم برای تبیین رفتارها در سطح کلان است.

در دیدگاه دورکیم نیز به خوبی می‌توان دلایل تعاون و همکاری را در جامعه انسانی مشاهده کرد. او در نظریه خود از دو نوع همبستگی (مکانیکی و ارگانیکی) یاد می‌کند که هر کدام با ساختار خاصی از جامعه سازگاری دارد و همبستگی مکانیکی یا ساختگی و همبستگی ارگانیکی از تفاوت‌های موجود بین ساختار اقتصادی و ساختار اجتماعی ناشی می‌شود (دیلینی، ۱۳۸۷: ۱۶۱). وی معتقد است همبستگی مکانیکی، همبستگی از راه همانندسازی است. هنگامی‌که این شکل از همبستگی بر جامعه مسلط باشد، افراد جامعه تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند؛ آنان که اعضای یک اجتماع واحد هستند، به هم همانندند و احساسات واحدی دارند، زیرا به ارزش‌های واحدی وابسته‌اند (آرون، ۱۳۷۰: ۴۵). از نظر دورکیم بازنمایی‌های جمعی نتیجه همیاری گسترده‌ای هستند که در آنجا انبوهی از ذهن‌ها متحد می‌شود و ایده‌ها و احساسات آن‌ها را در هم می‌آمیزد (لهمان، ۱۳۸۵: ۳۷). دورکیم بر این باور است که جوامع ابتدایی‌تر در اصل با واقعیت‌های اجتماعی غیرمادی و بویژه با یک اخلاق مشترک (وجدان جمعی) پیوند می‌خورند (ریتزر، ۱۳۸۶: ۲۲). براین اساس تعاونی‌های سنتی در روستاها ریشه در ارزش‌های مشترک (وجدان جمعی) دارند (دیلینی، ۱۳۸۷: ۱۴۶) که عامل مهمی در همبستگی اجتماعی است. صورت متضاد همبستگی مکانیکی، همبستگی موسوم به ارگانیکی یا اندامی است که وحدت انسجام یافته اجتماع، در آن نتیجه تمایز اجتماعی افراد با هم است و از راه تمایز بیان می‌شود، افراد دیگر همانند نیستند، بلکه متفاوتند (آرون، ۱۳۷۰: ۴۵). وی همچنین معتقداست به خاطر

1. Blumer

پیچیدگی‌های جامعه نوین قدرت وجدان جمعی در این گونه جوامع کاهش یافته است و عامل اصلی پیوند در جامعه نوین تقسیم کار پیچیده بین انسان‌ها با یک وابستگی متقابل است (ریتزر، ۱۳۸۶: ۲۲). از این جهت او مشکل عمده جوامع جدید را حفظ حداقل وجدان جمعی می‌داند که اگر به کلی از بین برود همبستگی اندامی به تجزیه و تلاشی اجتماعی خواهد انجامید (آرون، ۱۳۷۰: ۳۵۶).

در یک نگاه کلی با توجه به نظریات فوق می‌توان گفت در جامعه روستایی ایران، منافع اقتصادی و غیراقتصادی حاصل از کارجمعی، سنت ها و باورداشت‌های مشترک در حفظ و استمرار تعاونی‌های سنتی مؤثر بوده‌اند.



نمودار۱) مدل نظری پژوهش (نگارندگان)

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون تفاوت معنی دار وجود دارد.
۲. بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون و یاریگری در کاشت محصول تفاوت معنی دار وجود دارد.
۳. بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون و یاریگری در داشت محصول تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
۴. بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون و یاریگری در برداشت محصول تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
۵. بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون و یاریگری در فروش و تأسیس شرکت تعاونی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
۶. بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیرزعفران‌کار از نظر تعاون و یاریگری در امور غیرکشاورزی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ میزان نظارت، درجه‌ی کنترل و نحوه‌ی گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی است. متغیر مستقل تولید زعفران و متغیر وابسته‌ی تحقیق تعاون و یاریگری می‌باشد.

جامعه آماری این تحقیق کلیه روستاهای استان خراسان جنوبی را در بر می‌گیرد. براساس آمار اخذ شده از کارشناس زراعت اداره کل جهاد کشاورزی خراسان جنوبی، همه کشاورزان (زعفران کار و غیرزعفران کار) در سال زراعی ۱۳۹۷، ۸۲۰۰۰ نفر بوده‌اند که از این تعداد ۱۹۰۵۳ نفر زعفران کار بوده است. جهت مقایسه میزان تعاون در روستاهای زعفران‌کار و غیرزعفران‌کار، روستاهای شهرستان‌های قائنات، سرایان، فردوس، بشرویه و زیرکوه که بر اساس آمار و اطلاعات به‌دست آمده از کارشناس باغداری اداره کل جهاد کشاورزی استان خراسان

جنوبی بیشترین میزان تولید زعفران (بیش از ۵ تـن) را در سـال ۱۳۹۷ داشـته‌انـد، بـه‌عنـوان جامعه آماری انتخاب گردیدند.

جدول۱) نمونه مورد مطالعه روستاهای زعفران کار ۱۳۹۷

شهرستان	دهستان	روستا (زعفران‌کار)	روستا (غیر زعفران‌کار)
قاین	پیشکوه	بیهود	سرساران
	کرغند	کرغند	خشکان
	مهیار	حاتم‌آباد	آچونی
	آفریز	نیک	کمیران
	پسکوه	تیغاب	قومنجان
سرایان	آیسک	چرمه	دوحصاران
	مصعبی	کریمو	بغداده
	دوکوهه	عمرویی	چاه طالب
		دوکوهه	چاه ترخی
فردوس	باغستان	باغستان علیا	خور
	برون	برون	آیدکی
	حومه	کجه	خانکوک
بشرویه	کرند	کرند	اصفاک
	علی‌جمال	نیگنان	حسین‌آباد
	ارسک	ارسک	خیرآباد
	رقه	رقه	حسین‌آباد
	رقه	مجد	باغ‌دهک
قاین	استند	فندخت	کریزان
		بهمن آباد	نیار
		اسفاد	چاپایاب

مأخذ: ادره جهاد کشاورزی شهرستان‌های قاین، سرایان، فردوس، بشرویه و زیرکوه، تاریخ اخذ ۹۸ /۳/۳

به منظور تعیین تعداد دقیق پاسخگویان از فرمول کوکران استفاده شـده اسـت کـه نمونـه مـورد بررسی ۵۵۰ نفر تعیین گشت، (۲۷۵ نفر زعفران‌کار، ۲۷۵ نفر غیر زعفران‌کار). با توجه به پراکندگی و وسعت زیاد جامعه مورد بررسی، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردیـد. بـه

این منظور از هر شهرستان دو دهستان و هر دهستان دو روستا که (بیشترین میزان تولید و کمترین میزان تولید زعفران یا فاقد زعفران) بودند، انتخاب گردیدند، بر این اساس جمعاً جمعیت کشاورز ۴۰ روستا، افراد نمونه مورد بررسی را تشکیل دادند که در مرحله نهایی افراد نمونه، به صورت تصادفی از بین هر کدام از روستاهای مورد مطالعه انتخاب شدند.

داده ها با استفاده از پرسشنامه‌ای شامل سه قسمت: ۱- اطلاعات عمومی (سن، میزان تحصیلات، سابقه فعالیت در کشاورزی) ۲- اطلاعات مربوط به تولید محصول (میزان زمین زیر کشت، میزان درآمد، نوع فروش محصول) ۳- سؤالات مربوط به متغیر وابسته (تعاون) جمع‌آوری شدند. این پرسشنامه، با مقیاس پنج گویه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) طراحی گردیده است. نقش تعاون در چهار مؤلفه بررسی شد که از این قرارند: ۱- تعاون در امور غیرکشاورزی؛ ۲- تعاون در کاشت، داشت و برداشت؛ ۳- تأسیس شرکت تعاونی برای خرید و فروش محصول؛ ۴- تأسیس صندوق قرض‌الحسنه.

تعاون در کاشت، همکاری در راستای آماده نمودن زمین و تهیه بذر (پیاز زعفران و بذر سایر محصولات)؛ تعاون در داشت همکاری در آبیاری و چیدن علف‌های هرز؛ تعاون در برداشت همکاری در جمع‌آوری محصول (گل چینی زعفران، گل پرکردن، همکاری در خشک کردن محصول و بسته بندی برای زعفران) است.

پس از تدوین ابزار جمع‌آوری اطلاعات، اعتبار آن با توجه به نظر دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد دهاقان (دکتری جامعه‌شناسی) و یکی از کارشناسان حوزه کشاورزی (دکتری زراعت و مدرس دانشگاه آزاد بیرجند) مورد سنجش قرار گرفت و برای تعیین پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرنباخ استفاده شد که مقدار آلفای به دست آمده برابر با ۰/۸۲ حاصل گردید.

برای سنجش میزان تعاون و یاریگری در بین روستائیان، سؤالات هر کدام از مؤلفه‌های تعاون با یکدیگر جمع شدند که حاصل جمع تمام مؤلفه‌ها، میزان تعاون در هر کدام از دو نوع روستا (زعفران-کار و غیرزعفران‌کار) را تشکیل داد. سپس دو گروه روستا از نظر میزان تعاون در هر کدام از مؤلفه‌ها مورد سنجش قرار گرفتند. در آمار توصیفی از میانگین، فراوانی و درصد استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون t مستقل به منظور مقایسه دو نوع روستا (از نظر میزان تعاون) استفاده گردید.

یافته‌ها و تحلیل

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که میانگین میزان زمین زیر کشت زعفران‌کاران ۱/۲۶ و غیرزعفران‌کاران ۱/۸۵ هکتار بوده است. میانگین میزان درآمد سالانه زعفران‌کاران به ترتیب ۲۲/۸ و غیرزعفران‌کاران ۸/۶۴ میلیون تومان بوده است. نحوه فروش محصول ۴۵/۱٪ زعفران کاران و ۱۹/۳٪ غیرزعفران‌کاران به عمده فروش‌ها، فروش ۳۳/۵٪ زعفران‌کاران و ۳۴/۹٪ غیر زعفران‌کاران به مغازه‌داران، فروش ۱۶/۴٪ زعفران‌کاران و ۳۵/۶ غیرزعفران‌کاران به‌صورت خانگی در محل بوده است. سایر افراد پاسخ نداده اند. از نظر تحصیلات ۴۷/۶٪ زعفران‌کاران و ۴۵/۸٪ غیر زعفران‌کاران بیسواد، ۳۳/۸٪ زعفران‌کاران و ۳۶٪ غیر زعفران‌کاران زیر دیپلم، حدود ۱۸٪ زعفران‌کاران و ۱۹٪ غیر زعفران‌کاران، سواد بالای دیپلم داشته‌اند.

جدول۲) نتایج تطبیقی میانگین و انحراف معیار میان تولید زعفران و ابعاد تعاون و یاریگری در دو گروه زعفران‌کار و غیر زعفران‌کار

متغیر	زعفران‌کاران		غیر زعفران‌کاران	
ابعاد تعاون	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تعاون در امور غیر کشاورزی	۴/۲۸	۰/۶۲	۳/۸۰	۰/۷۳
تعاون درکاشت	۳/۷۲	۰/۷۷	۳/۲۳	۰/۸۸
تعاون در داشت	۴/۲۸	۰/۵۹	۳/۷۶	۰/۷۰
تعاون در برداشت	۴/۳۷	۰/۸۱	۳/۳۲	۰/۸۶
تعاون در تأسیس شرکت تعاونی	۳/۶۸	۰/۹۵	۳/۰۷	۰/۸۷
تعاون کل	۴/۰۹	۰/۴۳	۳/۳۶	۰/۵۴

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، بین کشاورزان زعفران‌کار و غیر زعفران‌کار از نظر میانگین نمره بدست آمده در تعاون و ابعاد آن تفاوت وجود دارد و روستاهای زعفران کار نسبت به غیر زعفران-کاران از نمره تعاون بالاتری در ابعاد مختلف برخوردارند. به این معنا که در روستاهای زعفران‌کار این همکاری‌ها در مراحل مختلف تولید شامل کاشت محصول (همکاری در مسطح نمودن زمین

کشاورزی جهت کاشت و ارائه پیاز زعفران بـه منظـور کاشـت آن)، داشـت محصـول (همکـاری در آبیاری، چیدن علف‌های هرز) و برداشت زعفران (همکاری در گلچینی و گل پر کردن) وجود دارد.

نتایج فرضیه ۱

بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیر زعفران‌کار از نظر تعـاون و یـاریگری تفـاوت وجود دارد.

جدول۳) تعاون و یاریگری (کلیه ابعاد)

متغیر	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها		
	(لون) f	سطح معناداری (لون)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
تعاون و یاریگری (کلیه ابعاد)	۱۰/۲	۰/۰۰۱	۱۷/۳۲	۵۲۳/۶۴	۰/۰۰۰

چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، بین روستاهای زعفران‌کار و غیرزعفران‌کـار از نظـر ابعـاد مختلف تعاون تفاوت وجود دارد و روستاهای زعفران‌کار سطح بالاتری از تعاون و همکاری دارند.

نتایج فرضیه ۲

بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیر زعفران کار از نظر تعاون و یاریگری در کاشت محصول تفاوت وجود دارد.

جدول۴) تعاون در کاشت محصول زعفران

متغیر	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها		
	(لون) f	سطح معناداری (لون)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
تعاون در کاشت محصول	۳/۹	۰/۰۴	۶/۹۸	۵۳۹/۶۴	۰/۰۰۰

جدول ۴ نشان می‌دهد که روستاهای زعفـران‌کـار در کاشـت محصـول (مسـطح نمـودن زمـین کشاورزی، دادن بذر یا پیاز زعفران به یکدیگر) همکاری و تعاون بیشتری نسبت به روسـتاهای غیـر زعفران‌کار دارند.

نتایج فرضیه ۳

بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیر زعفران کار از نظر تعاون و یاریگری در داشت محصول تفاوت وجود دارد.

جدول۵) تعاون در داشت محصول زعفران

متغیر	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها		
	f (لون)	سطح معناداری (لون)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
تعاون در داشت محصول	۲/۷	۰/۱۳	۹/۲۶	۵۳۴/۳۰	۰/۰۰۰

طبق جدول ۵، ملاحظه می‌گردد که روستاهای زعفران کار در داشت محصول (آبیاری و چیدن علف های هرز) همکاری و تعاون بیشتری نسبت به روستاهای غیر زعفران کار دارند.

نتایج فرضیه ۴

بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیر زعفران‌کار از نظر تعاون و یاریگری در برداشت محصول تفاوت وجود دارد.

جدول۶) تعاون در برداشت محصول زعفران

متغیر	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها		
	f (لون)	سطح معناداری (لون)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
تعاون در برداشت محصول	۴/۱	۰/۰۴	۱۴/۷۳	۵۴۵/۹۸	۰/۰۰۰

نتایج در جدول ۶ نشان می‌دهد که روستاهای زعفران‌کار در برداشت محصول (جمع‌آوری محصول شامل گل‌چینی و پر نمودن گل‌ها) نیز نسبت به روستاهای غیر زعفران‌کار تعاون و همکاری بیشتری داشته‌اند.

نتایج فرضیه ۵

بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیر زعفران‌کار از نظر تعاون و یاریگری در فروش و تأسیس شرکت تعاونی تفاوت وجود دارد.

جدول۷) تعاون در فروش محصول زعفران

متغیر	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها		
	f (لون)	سطح معناداری (لون)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
تعاون در فروش محصول	۶/۱	۰/۰۱	۷/۷۵	۵۴۳/۲۷	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۷، روستاهای زعفران کار در زمینه تأسیس شرکت تعاونی برای فروش محصول نیز دارای سطح بالاتری از تعاون و یاریگری نسبت به روستاهای غیر زعفران‌کار بوده‌اند.

نتایج فرضیه ۶

بین روستاهای تولیدکننده زعفران و روستاهای غیر زعفران‌کار از نظر تعاون و یاریگری در امور غیر کشاورزی تفاوت وجود دارد.

جدول۸) تعاون در امور غیر کشاورزی

متغیر	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها		
	f (لون)	سطح معناداری (لون)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
تعاون در امور غیر کشاورزی	۲	۰/۱۵	۸/۴۳	۵۳۳/۸۰	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۸، ملاحظه می‌گردد که حتی میزان تعاون در امور غیرکشاورزی در روستاهای زعفران‌کار بیش از روستاهای غیر زعفران‌کار بوده است و این جنبه از زندگی به سایر جنبه‌های زندگی سرایت یافته است.

به طورکلی، نتایج میانگین‌ها و آزمون فرضیه‌ها نشان داد که تولید زعفران نقش مهمی در تعاون و یاریگری دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

زعفران جایگاه ویژه‌ای در افزایش تعاون، یاریگری و همبستگی کشاورزان استان خراسان جنوبی دارد. طی سال‌های اخیر افزایش روند شهرگرایی و صنعتی شدن، مشکلاتی چون فردگرایی و منفعت طلبی شخصی را به همراه داشته است، از این رو اهمیت توجه به تعاون و یاریگری را بیش‌ازپیش ضروری نموده است.

در این پژوهش مشخص شد که تولید زعفران نقش مهمی بر افزایش تعاون و همکاری در سطح روستاهای زعفران کار استان خراسانی جنوبی دارد و روستاهای زعفران کار از نظر همکاری و حفظ تعاونی سنتی وضعیت مطلوب تری دارند. از سوی دیگر در این روستاها اشکال جدید تعاونی ها برای خرید و فروش محصول زعفران به منظور کاهش نقش دلالان و جلوگیری از سوء استفاده آنان در ایجاد نوسان قیمت زعفران در هنگام برداشت و فروش محصول و رفع مشکلات اقتصادی زعفران کاران تأسیس گردیده است. لذا کشاورزان مجبور نخواهند بود محصول خود را در هنگام برداشت با قیمت نازلی به دلالان بفروشند. همچنین در این روستاها صندوق های قرض الحسنه به منظور کمک به کشاورزان نیازمند نیز بیش از روستاهای غیر زعفران کار وجود داشته است و همکاری تعاون نه تنها در امور مربوط به کشاورزی بلکه در امور غیر از کشاورزی چون همکاری در برگزاری مراسم مختلف و عمران و آبادی روستا بیش از روستاهای غیر زعفران کار بوده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش با نتایج مقاله فرهادی (۱۳۸۱) و برآبادی و برآبادی (۱۳۹۳)، همسو است.

در این پژوهش مشخص شد که کشاورزان در تمام مراحل تولید زعفران (کاشت، داشت و برداشت) چون مسطح نمودن زمین، دادن بذر (پیاز زعفران) به یکدیگر، آبیاری زمین کشاورزی، دفع علف های هرز، گل‌چینی و "پرنمودن" گل ها با یکدیگر همکاری دارند، مصادیقی که حد بالایی از تعاون و همکاری را در این روستاها نشان می‌دهد.

در روستاهایی که به کاشت سایر اقلام کشاورزی مشغول بودند نیز مصادیقی از تعاون در امر کشاورزی چون مسطح نمودن زمین، آبیاری و همکاری در جمع آوری محصول مشاهده گردید، اما به طرز معناداری در روستاهای زعفران کار این همکاری ها و تعاون بیش از روستاهای غیر زعفران کار بود. مطالعه‌ی بهنیا (۱۳۹۱) نیز در این راستا مؤید نقش مهم زعفران در ایجاد تعاون و همکاری

در روستاهای زعفران کار می باشد.

بر اساس آمار و اطلاعات (اداره کل جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی، حوزه زراعت) از ۸۲۰۰۰ کشاورز ۱۹۰۵۳ نفر یعنی تقریباً یک چهارم جمعیت کشاورزان استان خراسان جنوبی زعفران کارند که این رقم با احتساب شهرستان‌هایی که در نمونه آماری پژوهش حاضر نیامده‌اند، حتی به کمتر از یک سوم می‌رسد و خانواده‌های زیادی از این طریق گذران زندگی می‌نمایند و از جهت دیگر در شرایطی که همه‌ی جوامع در اثر مدرنسیم به سمت روحیه فردگرایی، تفرد و تکروی حرکت می‌کنند که خود می تواند موجب ظهور آسیب‌ها و مشکلات زیادی در جوامع روستایی گردد و سلامت اجتماعی این روستاها را با خطر جدی مواجه کند، توجه به تولید زعفران و گسترش آن می‌تواند سبب افزایش همکاری و تعاون در بین روستائیان در مراحل مختلف تولید زعفران (کاشت، داشت و برداشت) و حتی امور غیرکشاورزی گردد.

همچنین با توجه به نقش مهم تعاونی‌های سنتی و جدید در تهیه و ارائه خدمات و نهاده‌ها (کود، بذر و..) به کشاورزان که گاه بیش از حمایت‌های نهادهای رسمی است و باعث کاهش هزینه‌های تولید این محصول می گردد لازم است که با توسعه کاشت زعفران در روستاهای غیر زعفران‌کار و افزایش تولید آن در روستاهای زعفران‌کار در جهت تقویت و تحکیم این تعاونی‌ها اقدام گردد. از این رو توجه به این مسأله نیازمند حمایت مسئولین جهاد کشاورزی و سایر نهادها و سازمان های مرتبط است که خود می‌تواند در پایداری روستاها و کاهش مهاجرت، همبستگی اجتماعی روستائیان و افزایش سلامت اجتماعی نقش مهمی داشته باشد.

منابع

- قرآن کریم
- آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۵). *انواع و کارکرد تعاونی‌ها*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- آرون، ریمون (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سروش.
- احمدیان، احمد؛ بهرامی، امید؛ موسوی، سیده‌زکیه (۱۳۹۵). "بررسی زعفران از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و تأثیر مکانیزاسیون کردن فرایند آن در تربت‌حیدریه". در: مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش ملی چشم‌انداز توسعه‌ی منطقه‌ی تربت‌حیدریه در افق ۱۴۰۴. تربت‌حیدریه: دانشگاه تربت‌حیدریه: ۱-۹.
- اسمعیل‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین اقلیم و اگروتوریسم زعفران در منطقه قاینات". *زراعت و فناوری زعفران*، ش ۲ (تابستان): ۱۴۵-۱۵۵.
- اطهری، زهرا؛ علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۸۹). "تحلیل ادراک کشاورزان شهرستان کرمانشاه از تعاون". *تحقیقات اقتصاد در توسعه کشاورزی ایران*، دوره چهل و یکم، ش ۴ (زمستان): ۵۶۵-۵۷۶.
- انصاری، حمید (۱۳۸۵). *مبانی تعاون*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- انصاری، حمید، و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اعضای تعاونی-های تولیدی کشاورزی و مقایسه آن با تعاونی‌های تولیدی صنعتی در استان تهران". *تعاون و کشاورزی*، سال چهارم، ش ۱۳ (بهار): ۷۳-۹۸.
- برآبادی، سیدابوالقاسم؛ برآبادی، سیداحمد (۱۳۹۳). "بررسی نظام‌های بهره‌برداری زعفران در خراسان جنوبی". در: مجموعه مقالات برگزیده دومین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار. تهران: مؤسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه ترویجی دوستداران محیط‌زیست؛ و انجمن حمایت از طبیعت ایران: ۱-۸.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۹۱). *زعفران (تاریخچه، مصرف، شیمی، گیاه‌شناسی، تولید، فرآوری،*

صادرات، استاندارد، تقلبات و ...). تهران: دانشگاه تهران.

- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۹). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. مشهد: مرندیز.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۷). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشر نی.
- رجبی، نجیب‌الله؛ دادخواه، محمدرضا (۱۳۸۳). *رهاورد نخستین جشنواره ملی طلای سرخ ایران (زعفران)*. تهران: شهرآشوب.
- رهبری، مهناز؛ شفیعی‌ثابت، ناصر؛ طاهری، نیره (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد تعاونی-های تولید و توزیع محصولات کشاورزی در سکونتگاه‌های کشاورزی روستایی شهر گناباد". *تعاون و کشاورزی*، سال پنجم، ش ۲۰ (زمستان): ۱۴۱-۱۷۰.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ------ (۱۳۸۶). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- طالب، مهدی (۱۳۸۶). *اصول و اندیشه‌های تعاونی*. تهران: دانشگاه تهران.
- فراهانی، حسین؛ جوانی، خدیجه؛ کرمی دهکردی، اسماعیل (۱۳۹۱). "تحلیل پایداری اجتماعی اقتصادی تولید زعفران و تأثیر آن بر توسعه روستایی (دهستان بالاولایت شهرستان تربت-حیدریه)". *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال یکم، ش ۲ (زمستان): ۹۵-۱۱۲.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۱). *فرهنگ یاریگری در ایران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کوچکی، علیرضا (۱۳۹۲). "پژوهش‌های زراعی زعفران در ایران، روند گذشته و نگاهی به آینده". *زراعت و فناوری زعفران*، دوره ۱، ش ۱ (پاییز): ۳-۲۱.

- گرجی کرسامی، علی؛ بابایی کارنامی، علی (۱۳۹۶). "بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی چهاردانگه ساری". *تعاون و کشاورزی*، سال ششم، ش ۲۴ (زمستان): ۱۳۰-۱۴۹.
- لەمان، جنیفر (۱۳۸۵). *ساخت‌شکنی دورکیم*. تهران: نشر نی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- مظلومی، سعید (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی و بهداشت عمومی*. تهران: چراغ دانش؛ با همکاری شبنم دانش.
- نخعی، فاطمه؛ هاشمی، راضیه (۱۳۹۷). "مقایسه گیاه زعفران از نظر جنبه‌های عملکرد زراعی و اقتصادی در شهرهای بیرجند، قاین، نهبندان، تربت‌حیدریه و گناباد". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم کشاورزی و منابع طبیعی با محوریت فرهنگ زیست محیطی. تهران: مرکز بین‌المللی همایش‌ها و سمینارهای توسعه پایدار علوم جهان اسلام: ۱-۹.
- هاشمی، سیدعلیرضا (۱۳۹۲). "تعاون، همیاری سنتی در فرهنگ مردم". *فرهنگ مردم ایران*، ش ۳۵ (زمستان): ۱۱۳-۱۳۳.
- وفایی یگانه، رضا (۱۳۹۲). "بررسی راهکارهای فرهنگی توسعهٔ بخش تعاون". *مهندسی فرهنگی*، سال هشتم، ش ۷۸ (زمستان): ۱۲۵-۱۳۶.

- Danaeefard, H. D.; Noruzi, M. R. (2010). "A Short Study on Cooperative Sector in Iran". *Acta Universitatis Danubius* O*. Economica*, Vol. 3, No. 3: 66-70.

-Merouah, Z.; Bendou, A.; Achaba, A. (2013). "Cooperative Governance: What Impact on the Marketing of Saffron? Case of Saffron's Cooperatives in the Area of Taliouine in Morocco". *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Vol. 4, No. 10: 681-688.

- Motamed, M. K. (2010). "Role of cooperative companies in sustainable rice production and poverty alleviation in Guilan state of Iran". *African Journal of Biotechnology*, Vol. 9, No. 11: 1592-1599.

- Noruzi, M. R.; Westover, J. H. (2010). "Opportunities, challenges and employment relative advantages in the cooperative sector in Iran*". Management Science and Engineering*, Vol. 4, No. 3: 95-99.

- Ghorbani, M. (2008). "The efficiency of saffron's marketing channel in Iran". *World Applied Sciences Journal*, Vol. 4, No. 4: 523-527.
- Shahroudi, A. A.; Ahmadi-Firouzjaie, A.; Chizari, M. (2006). "Factors influencing yield and quality of saffron production: A comparative study on the members and non-members of rural production cooperatives in Iran ". II International Symposium on Saffron Biology and Technology : 53-60.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان

رابطه مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی، با توجه به میانجی‌گری چابکی سازمانیِ کارکنان آموزش و پرورش

سمیه مزگی‌نژاد[۱]
هادی پورشافعی[۲]
زهرا بوشادی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۳ سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۳ شماره صفحه: ۱۱۷-۱۴۲

چکیده

یکی از الزامات سازمان‌های نوین، بهره‌وری نیروی انسانی است که این مهم می‌تواند در پرتو مدیریت استعداد و چابکی سازمانی توسعه یابد. با درک این موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی، با توجه به میانجی‌گری چابکی سازمانی کارکنان آموزش و پرورش خراسان جنوبی انجام شده است. پژوهش حاضر که به روش پیمایشی انجام شده، از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری کلیه کارکنان اداره کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی شامل ۲۶۰ نفر بود که بر اساس جدول مورگان، ۱۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌های بهره‌وری نیروی انسانی هرسی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه شیراز، نویسنده مسؤول s.mezginejad@gmail.com
۲. دانشیار مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند hpourshafei@birjand.ac.ir
۳. کارشناس ارشد مدیریت دولتی گرایش طراحی سازمان‌های دولتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند boshadi.z@gmail.com

و گلداسمیت، چابکی سازمانی شریفی و ژانگ و مدیریت استعداد احمدی و همکاران بود. روایی این پرسشنامه‌ها با استفاده از نظر اساتید تأیید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از پرسشنامه‌ها به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۶ و ۰/۹۷ به‌دست آمد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS24 و Lisrel8.8 و آزمون‌های آماری رگرسیون چندمتغیره همزمان و مدل‌یابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که متغیر مدیریت استعداد هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق متغیر چابکی سازمانی پیش‌بینی کننده بهره‌وری نیروی انسانی می‌باشد. آزمون z سوبل، یعنی آزمون اندازه نسبی مسیر غیرمستقیم در مقابل مستقیم الگوی مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی z= ۲/۰۵ و p=۰/۰۴ معنادار شد که حاکی از میانجی‌گری چابکی سازمانی است.

واژگان کلیدی: چابکی سازمانی، مدیریت استعداد، بهره‌وری نیروی انسانی

مقدمه

بهره‌وری، استفاده مؤثر و بهینه از منابع و نهادهای مختلف چون نیروی کار، سرمایه، مواد، انرژی و اطلاعات است. اهمیت توجه به بهره‌وری به حدی است که در بسیاری از کشورها، بهره‌وری و استفاده صحیح و هر چه بهتر و مناسب‌تر از مجموع عوامل تولید اعم از کالا و خدمات به اولویتی ملی تبدیل شده است. در میان عوامل تولید، عامل نیروی انسانی بر خلاف سایر منابع از سطح درک و شعور برخوردار بوده و بر استفاده بهتر از سایر عوامل تولید نیز اثرگذار است و مهم‌ترین اهرم در افزایش و کاهش بهره‌وری سازمان‌ها می‌باشد (برادران و ولیجانی، ۱۳۹۵: ۱۶۶). به همین دلیل حساسیت‌ها در خصوص بهره‌وری نیروی انسانی[1] افزایش یافته است.

بهره‌وری نیروی انسانی، استفاده بهینه از منابع انسانی برای رسیدن به اهداف سازمان (محمودجانلو، ۱۳۹۶: ۳۷) و حداکثر استفاده از نیروی انسانی به منظور حرکت در جهت اهداف سازمان با کمترین زمان و حداقل هزینه است. به عبارت دیگر بهره‌وری نیروی انسانی، نسبت برون‌داد منابع انسانی به درون‌داد منابع انسانی است (میرسپاسی، ۱۳۹۲:

1. Human Resources' Productivity

۲۲). بر اساس مدل هرسی و گلداسمیت (Hersey & GoldSmith, 1980) بهره‌وری نیروی انسانی دارای هفت بعد توانایی (دوره‌های آموزشی و احساس موفقیت شغلی)، شناخت (درک صحیح و درست از کار، اهداف کاری و اشتباهات و انجام صحیح کار)، حمایت سازمانی (امکانات مالی و مادی مورد نیاز شغلی، حمایت سایر واحدها و مسؤولین در تحقق اهداف و انجام کارهای دشوار)، انگیزه (فرصت‌های ارتقاء، پاداش‌های نقدی، قدردانی و استقبال از ابتکار عمل و دلجویی مافوق در زمان مشکلات)، بازخورد (اطلاع و آگاهی از عملکرد و روش‌های بهبود عملکرد و کیفیت کار و نتایج مثبت و منفی کار)، روایی (اتخاذ تصمیمات منصفانه و مطابق با اصول اخلاقی، انتصاب بر اساس شایستگی و ضوابط و اعتماد به مافوق) و محیط (میزان تأثیر شرایط بازار و شرایط اقتصادی و رقابت بر عملکرد) است (تقی‌زاده، ابراهیمی و شکری، ۱۳۹۳: ۸۰).

وضعیت شاخص‌های بهره‌وری نیروی انسانی ارائه شده توسط سازمان ملی بهره‌وری، بیانگر شرایط نامطلوب حاکم بر سازمان‌ها است و تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی دارد (وحدتی، موسوی‌نژاد و حسنی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). آموزش و پرورش نیز از جمله سازمان‌هایی است که بهره‌وری نیروی انسانی در آن به دلیل گستردگی حوزه فعالیت، ضرورت تربیت نیروی انسانی برای بر عهده گرفتن نقش‌های مختلف در جامعه و پاسخگویی به نیازهای متنوع و پیچیده آن، اهمیتی مضاعف و روزافزون یافته است که ضرورت بهبود و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی را برای این سازمان توجیه می‌کند (صالحی‌امین و پوررضا، ۱۳۹۴: ۲).

بهبود و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی می‌تواند اصلاح و بهبود فرآیندها، بهبود روابط کاری، اصلاح رفتارهای فردی و گروهی، افزایش انگیزه کاری، افزایش کیفیت زندگی، افزایش سطح رفاه، افزایش اشتغال، افزایش سطح حقوق و دستمزد به دلیل بهبود تولید و سود در سازمان را در پی داشته باشد (انصاری رنانی و سبزی علی‌آبادی، ۱۳۸۸: ۵۰). عرب‌پور و نیک‌پور (۱۳۹۴: ۱۶۰) در پژوهش خود بر این باورند که اگر نیروی انسانی بهره

ور باشد می‌تواند سایر منابع را به نحو احسن به کار گیرد و انواع بهره‌وری را محقق سازد و در نتیجه سازمان را بهره‌ور نماید. در همین راستا، ناظم و صادقی (۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۴۹) اظهار داشته‌اند اگر بهره‌وری کارکنان آموزش و پرورش افزایش یابد، سبب پویایی در تمامی ابعاد جامعه شده، در درازمدت در تمامی عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و ورزشی رشد فزاینده‌ای ایجاد خواهد شد.

اما برای ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی قبل از هر چیز باید عوامل مرتبط با آن را به خوبی شناخت. در تعیین عوامل مرتبط با بهره‌وری نیروی انسانی نظرات متفاوتی وجود دارد و هر یک از صاحب‌نظران عواملی را در این مسأله دخیل دانسته‌اند. عواملی مانند شیوه‌های مدیریت (Alemu, et al., 2014)، جبران خدمات (محمودزاده و ملااسمعیل، ۱۳۹۵)، هوش فرهنگی (رحیمی و مؤمنیان، ۱۳۹۶)، فرهنگ سازمانی (جلالی فراهانی، فریدونی و ظفری، ۱۳۹۶)، ویژگی‌های شغلی و فرهنگی (رشیدی و رحیمیان، ۱۳۹۴)، انگیزش شغلی و کیفیت زندگی کاری (قادری و مزگی‌نژاد، ۱۳۹۵)، حمایت سازمانی (Abbass, et al., 2012)، رضایت شغلی (Bhatti & Qureshi, 2007)، سرمایه فکری (Firer & Stainbank, 2003) را در بهره‌وری مؤثر دانسته‌اند، اما صاحب‌نظران تقریباً در این باب اتفاق نظر دارند که برای افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، تنها یک علت خاص را نمی‌توان ارائه نمود بلکه ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی را باید معلول ترکیبی از عوامل گوناگون دانست (ایران‌زاده، فخیمی‌آذر و جداری‌سفیدگری، ۱۳۹۴: ۲۸).

از جمله راهکارهایی که امروزه بیش از هر زمان دیگر به منظور افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان‌ها مورد توجه صاحب‌نظران و متخصصین علم مدیریت قرار گرفته است، مدیریت استعدادهای سازمانی است. مدیریت استعداد[1] فرآیندی است که از طریق آن سازمان به شناسایی، مدیریت و توسعه افراد خود در حال و آینده می‌پردازد (Cannon & Mcgee, 2011: 22) و یک استراتژی وحدت‌بخش است که از طریق استقرار سیستم‌ها و فرآیندهای بهبود برای جذب، توسعه، حفظ و استفاده از مهارت‌های مورد نیاز و

1. Talent Management

توانایی‌های افراد و نیز تناسب استعدادها با نیازهای فعلی و آتی کسب و کار، خروجی محل کار را افزایش می‌دهد (Sahai & Srivastava, 2012: 242). مدیریت استعداد در سازمانی مانند آموزش و پرورش به شناسایی و به کارگیری کارکنان اثربخش برای سازمان، مدارس و کلاس‌های درس و تجهیز آن‌ها به مهارت‌های آموزشی و رهبری مورد نیاز به منظور بهبود چشمگیر موفقیت افراد تحت تعلیم اشاره دارد (درفش، فرهادی‌راد و ابهرک‌پور، ۱۳۹۶: ۴۱).

مدیریت استعداد بر اساس الگوی احمدی و دیگران (Ahmadi, et al., 2012، نقل در نورعلیان، محمدپناه و شمخانی، ۱۳۹۳: ۱۰) دارای چهار بُعد است:

۱- جذب استعدادها، شامل: برنامه‌ریزی نیروی انسانی، کارمندیابی، تأمین نیروی انسانی متخصص، استخدام از طریق مرکز ارزیابی و آزمون‌ها و مصاحبه‌ها؛

۲- حفظ استعدادها، شامل: ارزیابی عملکرد، بازخورد ۳۶۰ درجه، توجه به شایستگی‌های کارکنان، تلاش برای شناسایی استعدادها، پرداخت بر اساس دستیابی به هدف و شایستگی؛

۳- توسعه استعدادها، شامل: برگزاری انواع دوره‌های آموزشی، یادگیری مستمر در کار، تنظیم مسیر شغلی و ارتقای افراد مستعد با توجه به ملاحظات آموزشی؛

۴- کشف استعدادها.

مدیریت استعداد محرکی اصلی برای موفقیت سازمان است و به دلیل اینکه به عملکرد بالای سازمان و همچنین بهبود کیفیت، نوآوری، رضایت شغلی و بهره‌وری کارکنان منجر می‌شود، از اهمیت زیادی برخوردار است (Grobler & Diedericks, 2009: 3). مدیریت استعداد تضمین می‌کند که افراد با مهارت‌های مناسب در محل مناسب قرار گرفته‌اند و بر فعالیت‌های مناسب متمرکز شده‌اند (Areiqat, et al., 2010: 330). نتایج مطالعه هاگز و راگ (Hughes & Rog, 2008: 744) حاکی از آن است که مدیریت استعداد به عنوان یک ابزار مدیریتی، سبب توانمندی مدیران شده، نوعی انعطاف‌پذیری مطابق با شرایط در حال تغییر بازار، ایجاد می نماید و می‌تواند باعث جذب و حفظ موفقیت‌آمیز استعدادها شده،

کارکنان با استعداد را برای پست‌های کلیدی آینده انتخاب کند. بر این اساس، جذب و مدیریت استعدادهای برتر تأثیر مثبتی در افزایش توان نوآوری در سازمان دارد و این نوآوری می‌تواند زمینه چابکی در سازمان را فراهم آورد.

چابکی به معنای توانایی هر سازمان جهت ادراک و پیش‌بینی تغییرات در محیط کاری است. چنین سازمانی باید بتواند تغییرات محیطی را تشخیص دهد و به آن‌ها به عنوان عوامل رشد و شکوفایی بنگرد. به عبارتی چابکی توانایی فائق آمدن بر مسائل غیرمنتظره جهت مقابله با تهدیدات بی‌سابقه محیط کاری و کسب مزیت و سود ناشی از تحولات به عنوان عوامل رشد و شکوفایی است (Sharifi & Zhang, 1999: 8). چابکی سازمانی[1] توانایی سازمان برای بقاء و پیشرفت در محیطی با تغییرات مداوم و غیرقابل پیش‌بینی است در واقع، چابکی به چالش‌های محیطی و بهره‌برداری از تغییر مداوم و سریع آن برای کیفیت و عملکرد عالی و خدمات یا محصولات مشتری‌پسند گفته می‌شود و اساس آن، همسو کردن فناوری اطلاعات، کارکنان و فرآیندهای کاری در یک نظام همگن و انعطاف پذیر است (Worley & Lawler, 2010: 195). چابکی سازمانی بر اساس الگوی شریفی و ژانگ (Sharifi & Zhang, 2001: 773) دارای چهار بُعد است:

۱. پاسخگویی: توانایی تشخیص تغییرات و واکنش سریع به منظور بهبود آن‌ها؛

۲. شایستگی: توان دستیابی مؤثر و کارا با اهداف و راهبردهای سازمانی؛

۳. سرعت: توانایی انجام دادن عملیات و فعالیت‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن؛

۴. انعطاف‌پذیری: توانایی پردازش فرآیندهای گوناگون و دستیابی به اهداف گوناگون با امکانات یکسان.

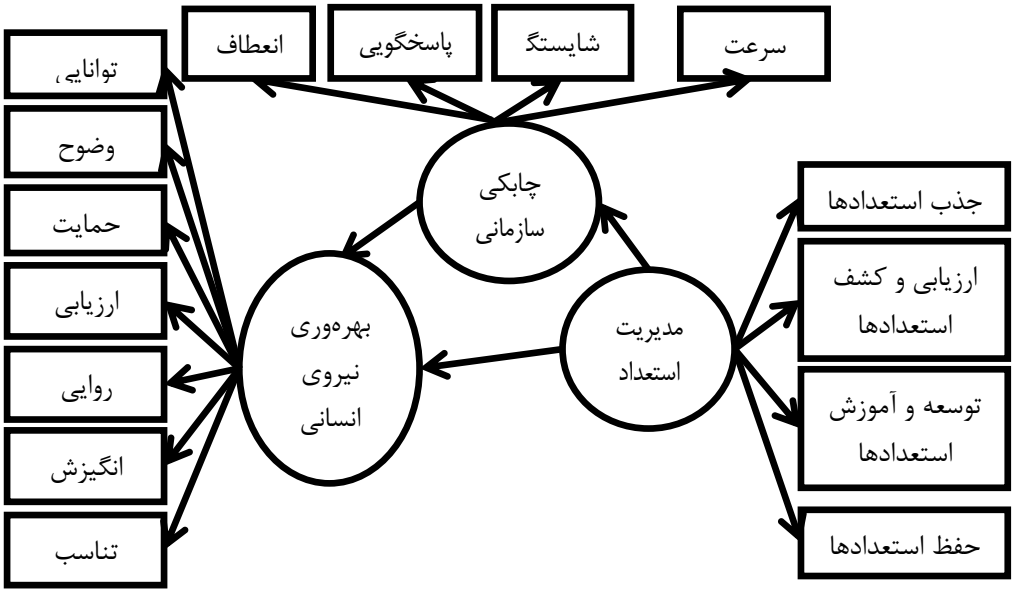
چابکی موضوعی نیست که بتوان آن را فقط برای سازمان‌های تولیدی در نظر گرفت. به کارگیری چابکی در نظام آموزش و پرورش نیز می‌تواند عرصه مناسبی برای رشد و بالندگی این مفهوم باشد. البته برخی معتقدند با توجه به نبود رقابت و سرعت در نظام آموزش و پرورش و در یک کلمه نبود پویایی در محیط کاری و عملیاتی آن، عملاً بیان

1. Organizational Agility

چابکی در این بخش بی معنا و بی‌ربط است، در حالی‌که نظام آموزش و پرورش به دلیل کثرت ارباب رجوع و نیاز بیشتر به رفع خواسته‌های آن‌ها و در راستای بالندگی و تعالی خود در زمینه‌های سرعت، خلاقیت و کیفیت ارائه خدمات و مهم‌تر از همه، هزینه، بیشتر از سازمان‌های تولیدی به چابکی نیازمند است. بر این اساس آموزش و پرورش باید خود به دنبال تغییر و عامل به آن باشد (خلخالی و جهانگیری، ۱۳۹۶: ۱۱). این نهاد روز به روز با تغییرات گسترده‌ای از سوی محیط مثل تغییر و تحول در دانش و علوم، ایجاد رشته‌های جدید و حوزه‌های جدید علمی، ارائه روش‌های نوین آموزشی و ... روبه‌رو است که برای حفظ بقا و کسب مزیت رقابتی باید با این تغییرات محیطی تطابق یابد. آموزش و پرورش برای تطابق و رویارویی با این تغییرات و ارائه خدماتی ارتقاءیافته برای جامعه هدف خود، نیازمند ساختاری منعطف و به روز و کارکنانی دارای دانش و تجربه کافی برای ارائه بهتر خدمات است که این امر در سایه چابکی سازمانی محقق می‌گردد (عزیزپورلیندی، طهماسبی و پیران‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۹۲). مفهوم چابکی برای سازمان آموزش و پرورش بیانگر این مطلب است که دوران استفاده از شیوه‌های سنتی و غیرقابل انعطاف و اداره سازمان به شیوه بروکراتیک و نگاه از بالا به پایین به پایان راه خود رسیده است (مرادی و شفیعی، ۱۳۹۵: ۹۳).

سازمان چابک فرآیندها و افراد سازمان را با فناوری پیشرفته همگام می‌سازد و نیازهای مشتریان را بر اساس محصولات و خدمات با کیفیت خود و در یک قالب زمانی نسبتاً کوتاه رفع می‌کند. سازمان‌های چابک فراتر از انطباق با تغییرات می‌اندیشند و به استفاده از فرصت‌های بالقوه در یک محیط متلاطم و کسب یک موقعیت ثابت به دلیل نوآوری‌ها و شایستگی‌های خود متمایل هستند (Yang & Liu, 2012: 1023). نصیری ولیک‌بنی و نویدی (۱۳۹۵) در مطالعه خود نشان داده اند که چابکی توانایی سازمان را برای عرضه محصولات و خدمات با کیفیت بالا ارتقاء می دهد و در نتیجه عامل مهمی برای بهره‌وری سازمان است. همچنین نیک‌پور و سلاجقه (۱۳۸۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که چابکی سازمانی می‌تواند بهره‌وری سازمانی را در پی داشته باشد.

با توجه به آنچه بیان شد، بهره‌وری نیروی انسانی یکی از عوامل اساسی دستیابی کشورها به پیشرفت‌های علمی و صنعتی و در نهایت توسعه اقتصادی است. از آنجا که پایه اصلی توسعه، انسان است، بهبود کیفیت منابع انسانی در امر توسعه بسیار ضروری بوده و هرگونه برنامه‌ریزی به منظور توسعه منابع انسانی، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارد. لذا این پژوهش با هدف بررسی رابطه مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی، با توجه به متغیر میانجی چابکی سازمانی در کارکنان آموزش و پرورش خراسان جنوبی انجام شده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، برای طراحی متغیر مدیریت استعداد (متغیر پیش‌بین) از مدل احمدی و دیگران (Ahmadi, et al., 2012)، برای طراحی متغیر بهره‌وری نیروی انسانی (متغیر ملاک) از مدل هرسی و گلداسمیت (Hersey & GoldSmith, 1980) و برای طراحی متغیر چابکی سازمانی (متغیر میانجی) از مدل شریفی و ژانگ (Sharifi & Zhang, 1999) استفاده شده است. دلیل استفاده از مدل‌های یاد شده، مقبولیت این مدل‌ها و استناد بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته در این خصوص به آن‌ها است.



شکل۱) چارچوب مفهومی رابطه مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی با نقش میانجی چابکی سازمانی

فرضیه‌های پژوهش

۱. مدیریت استعداد، می‌تواند چابکی سازمانی را پیش‌بینی کند.

۲. مدیریت استعداد، می‌تواند بهره‌وری نیروی انسانی را پیش‌بینی کند.

۳. چابکی سازمانی، می‌تواند بهره‌وری نیروی انسانی را پیش‌بینی کند.

۴. چابکی سازمانی، در رابطه بین مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی نقش میانجی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه توصیفی همبستگی، از بین کارکنان اداره کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی (شامل ۲۶۰ نفر)، بر اساس جدول گرجسی و مورگان ۱۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. پس از اخذ مجوز و مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش و توضیح اهداف مطالعه، پرسشنامه توسط افراد تکمیل گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های استاندارد بهره‌وری نیروی انسانی هرسی و گلداسمیت (Hersey & GoldSmith, 1980)، چابکی سازمانی شریفی و ژانگ (Sharifi & Zhang., 1999) و مدیریت استعداد احمدی، و دیگران (Ahmadi, et al., 2012) بود:

الف) بهره‌وری نیروی انسانی: این پرسشنامه توسط هرسی و گلداسمیت (۱۹۹۴) تهیه شده است که مشتمل بر ۲۱ سؤال در ۷ بعد توانایی (سؤال ۱ تا ۳)، وضوح (سؤال ۴ تا ۶)، حمایت سازمانی (سؤال ۷ تا ۹)، ارزیابی (سؤال ۱۰ تا ۱۲)، اعتبار (سؤال ۱۳ تا ۱۵)، انگیزش (سؤال ۱۶ تا ۱۸) و تناسب محیطی (سؤال ۱۹ تا ۲۱) است. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از خیلی کم (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) است. حداقل نمره در این پرسشنامه ۲۱ و حداکثر نمره ۱۰۵ می‌باشد که نمره بالا نشان‌دهنده بهره‌وری بالاتر است. روایی محتوایی این پرسشنامه در مطالعه شریفی اصل و دیگران (Sharifi Asl, et al., 2012) و روایی سازه آن در مطالعه ضیاپور و دیگران (Ziapour, et al., 2015) تأیید شده است.

پایایی این پرسشنامه در مطالعه مزگی‌نژاد، آیتی و پورشافعی (۱۳۹۷) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۴ گزارش شده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۶ به‌دست آمد.

ب) چابکی سازمانی: پرسشنامه چابکی سازمانی توسط شریفی و ژانگ در سال ۱۹۹۹ تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۲۹ عبارت و ۴ مؤلفه سرعت (عبارات ۱ تا ۶)، شایستگی (عبارات ۷ تا ۱۳)، پاسخگویی (عبارات ۱۴ تا ۲۰) و انعطاف‌پذیری (عبارات ۲۱ تا ۲۹) است. پاسخ‌ها بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از بسیار کم (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌گردد. حداقل نمره در این پرسشنامه ۲۹ و حداکثر نمره ۱۴۵ می‌باشد که نمره بالا نشان‌دهنده چابکی سازمانی بالاتر است. در مطالعه چرم و امیرنژاد (۱۳۹۵) روایی محتوایی این پرسشنامه تأیید و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی بررسی شد که مؤلفه‌های چابکی سازمانی از بار عاملی قابل قبولی برخوردار بودند. پایایی این پرسشنامه در مطالعه حیدری و دیگران (۱۳۹۳) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش گردیده است. پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۶ به‌دست آمد.

ج) مدیریت استعداد: پرسشنامه مدیریت استعداد توسط احمدی و دیگران در سال ۲۰۱۲ تهیه شده است که دارای ۲۸ عبارت و ۴ مؤلفه جذب استعداد (عبارات ۱ تا ۹)، ارزیابی و کشف استعدادها (عبارات ۱۰ تا ۱۴)، توسعه و آموزش استعدادها (عبارات ۱۵ تا ۲۲) و حفظ استعدادها (عبارات ۲۳ تا ۲۸) می‌باشد. پاسخ‌ها بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافق (نمره ۵) تا کاملاً مخالف (نمره ۱) نمره‌گذاری می‌گردد. در این پرسشنامه حداقل نمره ۲۸ و حداکثر نمره ۱۴۰ می‌باشد که نمره بالا نشان‌دهنده مدیریت استعداد بیشتر است. در مطالعه حسین‌پور، منطقی و ملک‌محمدی (۱۳۹۴) روایی محتوایی این پرسشنامه تأیید و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی بررسی شد که مؤلفه‌های مدیریت استعداد از بار عاملی قابل قبولی برخوردار بودند (مقدار t بیشتر از ۱/۹۶ و بار عاملی بیشتر از ۰/۳). پایایی این پرسشنامه در مطالعه عموزاده و دیگران (۱۳۹۴) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شد و در مطالعه حاضر نیز پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۷ به‌دست آمد.

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری $SPSS_{24}$ و $Lisrel_{8.8}$ و آزمون‌های آماری رگرسیون چندمتغیره همزمان و مدل‌یابی معادلات ساختاری در سطح معناداری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

از بین ۱۵۰ نفر مورد مطالعه، ۱۱۷ نفر (۷۸٪) مرد و ۳۳ نفر (۲۲٪) زن بودند. بیشتر کارکنان دارای تحصیلات لیسانس (۵۰٪) و دارای سن ۴۱-۴۵ سال (۳۸/۷٪) بودند (جدول ۱).

جدول۱) توزیع فراوانی مشخصات جمعیت شناختی در کارکنان مورد مطالعه

متغیر		فراوانی	درصد
جنس	مرد	۱۱۷	۷۸
	زن	۳۳	۲۲
سطح تحصیلات	دیپلم و فوق دیپلم	۱۰	۶/۷
	لیسانس	۷۵	۵۰
	فوق لیسانس	۶۵	۴۳/۳
سن	۳۵ سال و کمتر	۳۹	۲۶
	۳۶-۴۰ سال	۳۲	۲۱/۳
	۴۱-۴۵ سال	۵۸	۳۸/۷
	بیشتر از ۴۵ سال	۲۱	۱۴

بررسی پیش‌فرض‌های آزمون رگرسیون

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، ابتدا پیش‌فرض‌های آزمون رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت.

– **نرمال بودن باقیمانده‌ها:** برای بررسی این پیش‌فرض چنانچه کجی و کشیدگی در محدوده قابل قبول (بین ۱- تا ۱) قرار داشته باشد، نتیجه گرفته می‌شود که خطاهای مدل رگرسیون دارای توزیع نرمال است. با توجه به نتایج به دست آمده مقدار کجی (۰/۵۹-) و کشیدگی (۰/۷۳-)، هر دو

در محدوده قابل قبول قرار داشتند، این نتیجه حاصل می‌شود کـه خطاهـای مـدل رگرسـیون دارای توزیع نرمال هستند.

- **استقلال مقادیر خطاها:** بررسی این پیش‌فرض با استفاده از آزمون دوربین واتسون انجام می‌گیرد که چنانچه مقادیر آن در بازه یک تا سه قرار داشته باشد بـه معنـای عـدم همبسـتگی بین خطاها است.

آزمون دوربین واتسون برای مدل‌های رگرسیون که در ادامـه مـی‌آیـد بـه ترتیـب ۲/۱۲، ۱/۷۸ و ۱/۸۱ به‌دست آمد و با توجه به این‌که همبستگی بین باقی مانده‌ها در تحلیل رگرسیون بین یـک و سه قرار دارد، لذا پیش‌فرض فوق برقرار است.

- **عدم هم‌خطی چندگانه یا عـدم همبسـتگی بـین متغیرهـای مسـتقل:** بررسـی ایـن پیش‌فرض از طریق شاخص‌های ضریب تحمـل (تـولرنس) و عامـل تـورم واریـانس (VIF) صـورت می‌گیرد. شاخص تولرنس درصد تغییر یک متغیر پیش‌بین است که توسط سایر متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین نیست و بنابراین هر چه بیشتر و نزدیک به یک باشد نشـان از هـم‌خطـی (همبسـتگی) کمتر بین آن متغیر با سایر متغیرهای پیش‌بین است. عامل تورم واریانس معکوس شاخص تولرنس است و هر چه کمتر و نزدیک به یک باشد بهتر است. چنانچه برای متغیرهای پـیش‌بـین، شـاخص تحمل بیشتر از ۰/۱ و عامل تورم واریانس که نمایانگر خطای استاندارد ضرایب رگرسیون است کمتر از ۵ به‌دست آید، این نتیجه حاصل می‌شود که پیش فرض عدم هم خطی چندگانه برقرار است که برای مدل‌های رگرسیون که در ادامه می‌آید این پیش‌فرض‌ها برقرار است.

فرضیه اول: مدیریت استعداد، می‌تواند چابکی سازمانی را پیش‌بینی کند.

نتیجه آزمون رگرسیون چندمتغیره همزمان نشان داد که مؤلفه‌هـای مـدیریت اسـتعداد بـا هـم می‌توانند حدود ۴۶٪ چابکی سازمانی را در کارکنان تبیین کنند ($p<۰/۰۰۱$ و $F=۳۲/۵۸$). همانطور که نتایج ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد بین مؤلفه جذب استعداد با چابکی سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و ضریب بتا ۰/۶۷ نشان‌دهنده آن است که به ازای افزایش یک نمره مـدیریت استعداد در مؤلفه جذب استعداد، چابکی سازمانی در کارکنان مورد مطالعه به میزان ۰/۶۷ افـزایش می‌یابد (جدول ۲).

جدول۲) ضرایب رگرسیون مربوط به مؤلفه‌های مدیریت استعداد با چابکی سازمانی در کارکنان

متغیر	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	مقدار T	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	دوبین واتسون	ضریب تحمل	VIF
	مقدار B	خطا استاندارد	مقدار β							
ثابت	/۹۲ ۳۴	۶/۰۱		۵/۸۲	<۰/۰۰۱					
جذب استعداد	۲/۰۳	۰/۳۶	۰/۶۷	۵/۷۱	<۰/۰۰۱				۰/۴۲	۲/۲۵
ارزیابی و کشف استعدادها	۰/۳۲ -	۰/۶۱	-۰/۰۸	۰/۵۳	۰/۶۰	۰/۶۹	۰/۴۶	۲/۱۲	۰/۵۸	۱/۷۴
توسعه و آموزش استعدادها	۰/۷۲	۰/۴۰	۰/۲۶	۱/۸۱	۰/۰۷				۰/۲۹	۳/۱۲
حفظ استعدادها	۰/۶۷ -	۰/۴۴	-۰/۱۹	۱/۵۳	۰/۱۳				۰/۳۲	۲/۷۳

فرضیه دوم: مدیریت استعداد می‌تواند بهره‌وری نیروی انسانی را پیش‌بینی کند.

نتیجه آزمون رگرسیون چندمتغیره همزمان نشان داد که مؤلفه‌های مدیریت استعداد با هم می‌توانند حدود ۷۳٪ بهره‌وری نیروی انسانی را در کارکنان تبیین کنند (F=۱۰۲/۷۷ و p<۰/۰۰۱). همان‌طور که نتایج ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های جذب استعداد، ارزیابی و کشف استعدادها و حفظ استعدادها با بهره‌وری نیروی انسانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که مؤلفه حفظ استعدادها سهم بیشتری در تبیین بهره‌وری نیروی انسانی در کارکنان بر عهده دارد (جدول ۳).

جدول ۳) ضرایب رگرسیون مربوط به مؤلفه‌های مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی در کارکنان

متغیر	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	مقدار T	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	دوربین واتسون	ضریب تحمل	VIF
	مقدار B	خطا استاندارد	مقدار β							
ثابت	۹/۸۱	۳/۴۶		۲/۸۴	۰/۰۰۵					
جذب استعداد	۰/۵۳	۰/۲۱	۰/۲۱	۲/۵۶	۰/۰۱				۰/۳۹	۲/۸۴
ارزیابی و کشف استعدادها	۱/۰۱	۰/۳۵	۰/۲۹	۲/۸۹	۰/۰۰۴	۰/۸۶	۰/۷۳	۱/۷۸	۰/۶۳	۲/۲۳
توسعه و آموزش استعدادها	۰/۱۲	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۵۴	۰/۵۹				۰/۷۱	۱/۸۱
حفظ استعدادها	۱/۱۳	۰/۲۵	۰/۳۹	۴/۴۸	<۰/۰۰۱				۰/۴۸	۲/۵۶

فرضیه سوم: چابکی سازمانی می‌تواند بهره‌وری نیروی انسانی را پیش‌بینی کند.

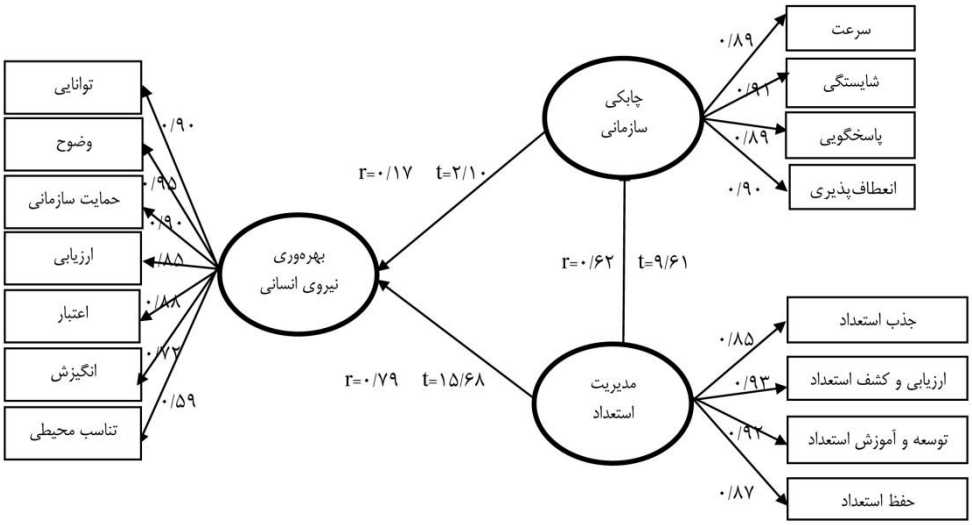
نتیجه آزمون رگرسیون چندمتغیره همزمان نشان داد که مؤلفه‌های چابکی سازمانی با هم می‌توانند حدود ۵۲٪ بهره‌وری‌نیروی انسانی در کارکنان را تبیین کنند (p<۰/۰۰۱ و F=۴۰/۹۶). همان‌طور که نتایج ضرایب‌رگرسیون نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های سرعت، شایستگی و انعطاف‌پذیری با بهره‌وری نیروی انسانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که مؤلفه شایستگی سهم بیشتری در تبیین بهره‌وری نیروی انسانی در کارکنان بر عهده دارد (جدول ۴).

جدول۴) ضرایب رگرسیون مربوط به مؤلفه‌های چابکی سازمانی با بهره‌وری نیروی انسانی در کارکنان

متغیر	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	مقدار T	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	دوربین واتسون	ضریب تحمل	VIF
	مقدار B	خطا استاندارد	مقدار β							
ثابت	۲۱/۸۲	۵/۰۱		۴/۳۶	<۰/۰۰۱					
سرعت	۱/۶۶	۰/۴۴	۰/۴۴	۳/۷۷	<۰/۰۰۱				۰/۲۴	۴/۱۴
شایستگی	۱/۷۰	۰/۳۲	۰/۶۱	۵/۳۳	<۰/۰۰۱	۰/۷۳	۰/۵۲	۱/۸۱	۰/۲۵	۴/۰۵
پاسخگویی	۰/۱۱	۰/۳۷	۰/۰۳	۰/۳۰	۰/۷۶				۰/۲۶	۳/۹۱
انعطاف‌پذیری	۱/۲۲	۰/۲۹	۰/۴۹	۴/۲۱	<۰/۰۰۱				۰/۲۴	۴/۱۰

فرضیه چهارم پژوهش: چابکی سازمانی، در رابطه بین مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی نقش میانجی دارد.

برای بررسی فرضیه فوق و تعیین نقش میانجی چابکی سازمانی در رابطه بین مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد (شکل ۲).



شکل۲) مدل نقش میانجی چابکی سازمانی در رابطه بین مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی

نتایج نشان داد که متغیر مدیریت استعداد هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق متغیر چابکی سازمانی پیش‌بینی‌کننده بهره‌وری نیروی انسانی می‌باشد.

برای بررسی فرضیه فوق، شاخص‌های نیکویی برازش مدل بررسی می‌گردد:

چون شاخص‌های برازندگی تطبیقی[1] و شاخص برازندگی نرمال[2] بـه ترتیـب برابـر ۰/۹۱ و ۰/۹۰ است و شاخص روایی متقاطع[3] نیز ۴/۰۶ در فاصله اطمینان (۴/۴۴-۳/۷۱) قرار گرفت و کوچک‌تر از مدل اشباع شده به دست آمد، حاکی از تقریب معقولی مدل در جامعه است. با توجه به اینکه ریشه دوم واریانس خطای تقریب[4]، ۰/۰۹ (کمتر از ۰/۱) به‌دست آمد، برازش مدل قابل قبول ارزیابی مـی گردد. نسبت مجذور کای (۲۴۸/۵۰) به درجه آزادی (۸۷) برابر ۲/۸۶ شـد. مطـابق بـا مـلاک‌هـای پیشنهادی بایرن عدد کمتر از ۳ را نشان داد که می‌توان استنباط نمود مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد (جدول ۵).

1. Compar ative Fit Inden
2. Normed Fit Inded
3. Expected Croos Validation Index
4. Root Mean Square Error of Approximation

جدول ۵) شاخص‌های نیکویی برازش مربوط به مدل نقش میانجی چابکی سازمانی در رابطه بین مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی

نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
سطح تحت پوشش کای دو	Chi-square	۲۴۸/۵۰	بزرگتر از ۵ درصد
شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۰	>۰/۹
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۸۷	>۰/۹
شاخص برازش هنجار نشده	NNFI	۰/۸۹	>۰/۹
شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۰	>۰/۹
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۱	>۰/۹
شاخص برازش نسبی	RFI	۰/۸۷	>۰/۹
شاخص برازش فزاینده	IFI	۰/۹۱	۰-۱
شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	۰/۷۵	>۰/۵
ریشه میانگین مربعات خطای براورد	RMSEA	۰/۰۹۳	<۰/۱
کای مربع بهنجار شده	CMIN	۲/۸۶	مقداری بین ۱ تا ۳

آزمون z سوبل، یعنی آزمون اندازه نسبی مسیر غیرمستقیم در مقابل مستقیم الگوی مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی z=۲/۰۵ و p=۰/۰۴ معنادار شد که حاکی از میانجی‌گری چابکی سازمانی است. به عبارتی چابکی سازمانی در رابطه بین مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی نقش میانجی‌گری دارد (جدول ۶).

جدول۶) اثرات مستقیم و غیرمستقیم مدیریت استعداد بر بهره‌وری نیروی انسانی (از طریق متغیر چابکی سازمانی)

مسیر	اثر مستقیم بر بهره‌وری نیروی انسانی	اثر مستقیم بر چابکی سازمانی	اثر غیرمستقیم بر بهره‌وری نیروی انسانی از طریق چابکی سازمانی	اثر کل
مدیریت استعداد	۰/۷۹	۰/۶۲	۰/۱۰	۰/۸۹

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که متغیر مدیریت استعداد هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق متغیر چابکی سازمانی بر بهره‌وری نیروی انسانی تأثیر معناداری دارد. به عبارتی چابکی سازمانی در رابطه بین مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی نقش میانجی‌گری دارد.

طالب رجبی (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی وجود دارد. عرب‌پور و نیک‌پور (۱۳۹۴) در بررسی رابطه بین مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان‌های دولتی شهر کرمان، به این نتیجه دست یافتند که بین مدیریت استعداد و بهره‌وری نیروی انسانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و ابعاد نگهداشت استعدادها و توسعه استعدادها می‌توانند بهره‌وری نیروی انسانی را در سازمان‌های دولتی شهر کرمان پیش‌بینی کنند. در همین راستا نتایج مطالعه حاجی‌نبی، رئیسی و اجاق (۱۳۹۲) حاکی از آن است که مدیریت استعداد می‌تواند تحولی در مدیریت سرمایه انسانی ایجاد نموده، نقاط ضعف و اشکالات وارد بر رویکردهای سنتی را مرتفع نماید و به عنوان یک ابزار مناسب در کنار مدیریت منابع انسانی سنتی در سازمان‌ها استفاده گردد.

علاوه بر این نتایج پژوهش هیوز و راگ (Hughes & Rog, 2008) حاکی از آن است که جذب و مدیریت استعدادهای برتر به سازمان، تأثیر مثبتی در افزایش توان نوآوری در سازمان دارد و این نوآوری می‌تواند زمینه چابکی در سازمان را فراهم نماید. بنابراین مدیریت استعداد می‌تواند چابکی سازمانی را به دنبال داشته باشد. از دیگر سو نتایج مطالعات مختلف حاکی از ارتباط مثبت و معنادار بین چابکی سازمانی با بهره‌وری نیروی انسانی است. در این زمینه ایران‌زاده و دیگران (۱۳۹۵) در بررسی رابطه ابعاد چابکی سازمانی و بهره‌وری کارکنان شرکت بیمه دانا در استان آذربایجان شرقی، ۹۲ نفر از کارکنان را به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب نمودند. نتایج حاکی از آن است که بین چابکی سازمانی و ابعاد آن (انعطاف‌پذیری، پاسخگویی، تغییر در فرهنگ، سرعت در کار، یکپارچگی، کیفیت بالا و تولید سفارشی، شایستگی‌های اصلی با بهره‌وری نیروی انسانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتیجه

پژوهش صدیقی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین چابکی سازمان با بهره وری کارکنان وجود دارد. همچنین یاورزاده و پورمختاری اردکانی (۱۳۹۳) نشان دادند که بین چابکی سازمانی و بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. نتایج پژوهش یوسفی حاجیور (۱۳۹۴) حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری بین چابکی سازمانی و بهره‌وری نیروی انسانی وجود دارد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه می‌توان گفت که مدیریت استعداد محرکی اصلی برای موفقیت سازمان است و به عملکرد بالای سازمان، بهبود کیفیت، نوآوری و بهره‌وری کارکنان منجر می‌شود (Grobler & Diedericks, 2009: 3). بر این اساس جذب و مدیریت استعدادهای برتر به سازمان تأثیر مثبتی در افزایش توان نوآوری در سازمان دارد و این نوآوری می‌تواند زمینه چابکی در سازمان را فراهم نماید. سازمان‌های چابک فراتر از انطباق با تغییرات می‌اندیشند و به استفاده از فرصت‌های بالقوه در یک محیط متلاطم و کسب یک موقعیت ثابت به دلیل نوآوری‌ها و شایستگی‌های خود متمایل هستند (Yang & Liu, 2012: 1023). از دیگر سو، چابکی توانایی سازمان را برای عرضه محصولات و خدمات با کیفیت بالا ارتقا داده و در نتیجه عامل مهمی برای بهره‌وری سازمان است. در نهایت می‌توان بیان نمود که سازمان با سرمایه‌گذاری در مدیریت استعداد، از یک سو از یک نرخ بازگشت سرمایه بالا برخوردار می‌شود و از سوی دیگر مجموعه استعدادهای گوناگون را در سازمان خواهد داشت. در چنین شرایطی، سازمان از مزایای نیروی کار چابک و با انگیزه و بهره‌ور بهره می‌برد (حسین‌پور، منطقی و ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۹۸). بنابراین مدیریت استعداد می‌تواند چابکی سازمانی و بهره‌وری نیروی انسانی را به دنبال داشته باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده مبنی بر نقش میانجی چابکی سازمانی در رابطه بین مدیریت استعداد با بهره‌وری نیروی انسانی می‌توان گفت سرمایه گذاری صحیح در حوزه مدیریت استعداد منجر به افزایش چابکی سازمانی و در نتیجه ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی خواهد شد؛ لذا پیشنهاد می‌شود سیستمی حمایتی- تشویقی برای کارکنان برتر آموزش و پرورش، به

منظور به کارگیری به موقع آن‌ها در فرآیندهای عملیاتی سازمان طراحی گردد و مسئولان سازمان در رویکردهای راهبردی خود و همچنین در اهداف و برنامه‌های عملیاتی به موضوع مدیریت استعداد و زمانبندی دقیق نسبت به پیاده سازی مدیریت استعداد توجه ویژه‌ای داشته باشند.

منابع

- انصاری رنانی، قاسم؛ سبزی علی‌آبادی، سارا (۱۳۸۸). "اولویت‌بندی عوامل سازمانی مؤثر در ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی در صنایع کوچک". *بررسی‌های بازرگانی*، سال هفتم، ش ۳۹ (زمستان): ۴۹-۶۴.
- ایران‌زاده، سلیمان؛ فخیمی آذر، سیروس؛ جداری سفیدگری، ایوب (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر مؤلفه‌های مدیریت دانش بر بهره‌وری نیروی انسانی با استفاده از روش تحلیل عاملی در مؤسسات مالی و اعتباری شهرستان تبریز". *فصلنامه مدیریت بهره‌وری*، سال نهم، ش ۳۳ (تابستان): ۲۷-۴۵.
- ایران‌زاده، سلیمان، و دیگران (۱۳۹۵). "بررسی رابطه ابعاد چابکی سازمانی و بهره‌وری کارکنان شرکت بیمه دانا در استان آذربایجان شرقی". *فصلنامه مدیریت بهره‌وری*، سال دهم، ش ۳۸ (پاییز): ۱۱۷-۱۴۵.
- برادران، وحید؛ ولیجانی، مریم (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان امور مالیاتی کشور (مطالعه موردی: اداره کل امور مالیاتی شرق تهران)". *پژوهشنامه مالیات*، سال بیست و چهارم، ش ۲۹ (تابستان): ۱۶۵-۱۸۴.
- تقی‌زاده، هوشنگ؛ ابراهیمی، رحیم؛ شکری، عبدالحسین (۱۳۹۳). "مقایسه و اولویت‌بندی بهره‌وری نیروی انسانی حوزه‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با استفاده از تکنیک ویکور". *فصلنامه مدیریت بهره‌وری*، سال هشتم، ش ۳۱ (زمستان): ۷۵-۱۰۰.
- جلالی فراهانی، مجید؛ فریدونی، مسعود؛ ظفری، رؤیا (۱۳۹۶). "ارائه مدل تبیین تأثیر فرهنگ سازمانی بر یادگیری سازمانی و بهره‌وری نیروی انسانی". *فصلنامه مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، سال چهارم، ش ۱۳ (بهار): ۴۱-۴۸.
- چرم، امیر؛ امیرنژاد، قنبر (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر استراتژی‌های کسب و کار بر چابکی سازمانی در ادارات اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان". *فصلنامه مدیریت شهری*، سال پانزدهم، ش ۴۳ (تابستان): ۱۴۹-۱۶۲.

- حاجی‌نبی، کامران، رئیسی، پوران؛ اجاق، نرگس السادات (۱۳۹۲). "رابطه مدیریت استعداد با عملکرد کارکنان پرستاری بیمارستان‌های شهر کرج". *مدیریت اطلاعات سلامت (ویژه نامه‌ی چالش‌های سیاسی اقتصادی در مدیریت سلامت)*، سال دهم، ش ۷: ۹۶۴-۹۷۱.
- حسین‌پور، داود؛ منطقی، منوچهر؛ ملک‌محمدی، سحر (۱۳۹۴). "بررسی نقش مدیریت استعداد در توسعه سرمایه فکری سازمان (مورد مطالعه: سازمان پشتیبانی و نوسازی بالگردهای ایران-پنها)". *مدیریت نوآوری*، سال چهارم، ش ۳ (پاییز): ۹۷-۱۱۸.
- حیدری، مرضیه، و دیگران (۱۳۹۳). "رابطه توانمندسازهای تعالی سازمانی و قابلیت‌های چابکی سازمانی در دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان". *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال پنجم، ش ۱ (بهار): ۲۱-۳۷.
- خلخالی، علی؛ جهانگیری، فائزه (۱۳۹۶). "آموزش و پرورش چابک". *رشد مدیریت مدرسه*، دوره شانزدهم، ش ۱۱۶ (پاییز): ۱۰-۱۵.
- درفش، حجت‌الله؛ فرهادی‌راد، حمید؛ ابهرک‌پور، آزیتا (۱۳۹۶). "نقش مدیریت استعداد در سلامت سازمانی مدارس متوسطه آموزش و پرورش اهواز". *مدیریت مدرسه*، سال پنجم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۴۰-۵۵.
- رحیمی، حمید؛ مؤمنیان، مریم (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و بهره‌وری نیروی انسانی در مجموعه سایپا کاشان". *مدیریت فرهنگی*، سال یازدهم، ش ۳۸ (زمستان): ۱-۱۰.
- رشیدی، علی؛ رحیمیان، حمید (۱۳۹۴). "بررسی رابطه ویژگی‌های شغلی و فرهنگی با بهره‌وری نیروی انسانی در کارمندان آموزش و پرورش". *فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، سال اول، ش ۴ (تابستان): ۸۵-۱۰۵.
- صالحی‌امین، علیرضا؛ پوررضا، عسکر (۱۳۹۴). *"نقش ساماندهی در بهره‌وری نیروی انسانی آموزش و پرورش"*. در: مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار. گیلان: مؤسسه پویندگان اندیشه‌های نو و شهرداری صومعه‌سرا؛ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان، مجتمع فرهنگی و هنری فارابی: ۱-۹.

- صدیقی، شورملا (۱۳۹۳). "بررسی نقش میانجی‌گری چابکی سازمانی در رابطه با ویژگی‌های شخصیتی و بهره‌وری در بین کارکنان کارخانه همگام خودرو آسیا اصفهان در سال ۱۳۹۳". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم‌تربیتی، دانشکده علوم‌تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد-اسلامی واحد مرودشت.
- طالب‌رجبی، احمد (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر مدیریت استعداد بر بهره‌وری نیروی انسانی با اثر میانجی شایستگی مدیریت (مورد مطالعه: کارکنان بخش ستادی و مدیریت‌های شعب بانک مسکن شهر تهران)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد MBA گرایش استراتژی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سمنان.
- عرب‌پور، علیرضا؛ نیک‌پور، امین (۱۳۹۴). "تأثیر ابعاد مدیریت استعداد بر بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان‌های دولتی شهر کرمان". *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، سال هفتم، ش ۱ (بهار): ۱۵۹-۱۸۶.
- عزیزپورلیندی، عبدالصمد؛ طهماسبی، رضا؛ پیران‌نژاد، علی (۱۳۹۴). "بررسی نقش تعدیل‌گری سرمایه فکری بر رابطه چابکی و عملکرد سازمان (مورد مطالعه: اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران)". *فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی*، سال دوم، ش ۲ (تابستان): ۲۹۱-۳۱۶.
- عموزاده، هوشنگ، و دیگران (۱۳۹۴). *"بررسی تأثیر مدیریت استعداد بر عملکرد سازمانی کارکنان (مطالعه موردی: کارکنان آموزش و پرورش شهرستان آبدانان)"*. در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی مس رایان پیشرو: ۱-۱۰.
- قادری، نعیم؛ مزگی‌نژاد، سمیه (۱۳۹۵). *"رابطه انگیزش شغلی و کیفیت زندگی کاری با بهره وری نیروی انسانی کارکنان بانک کشاورزی استان خراسان جنوبی"*. در: کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری. تهران: مؤسسه آموزشی عالی نیکان: ۱-۱۰.
- محمودجانلو، رضا (۱۳۹۶). "تدوین استراتژی منابع انسانی با استفاده از تئوری نقاط مرجع

استراتژیک (مطالعه موردی: بندر امیرآباد)". *فصلنامه تخصصی بندری دریایی و کشتیرانی صنعت حمل و نقل دریایی*، سال سوم، ش ۱ (بهار): ۳۶-۴۴.

- محمودزاده، محمود؛ ملااسمعیل، مسعود (۱۳۹۵). "بررسی رابطه بین جبران خدمات مالی (مستقیم و غیرمستقیم) با بهره‌وری نیروی انسانی در شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران". *فرایند نو*، سال یازدهم، ش ۵۵ (پاییز): ۹۹-۱۰۸.
- مرادی، کیوان؛ شفیعی، سارا (۱۳۹۵). "بازپژوهشی نقش سرمایه‌های انسانی معلمان و مدیران در چابک‌سازی مدارس". *مجله پژوهش‌های تربیتی*، سال سوم، ش ۳۳ (پاییز و زمستان): ۹۲-۱۱۲.
- مزگی‌نژاد، سمیه؛ آیتی، محسن؛ پورشافعی، هادی (۱۳۹۷). "نقش مدیریت کوانتومی در بهره‌وری نیروی انسانی با توجه به میانجی آوای سازمانی در کارکنان آموزش و پرورش شهر بیرجند". *دوفصلنامه مدیریت بر آموزش سازمان‌ها*، دوره هفتم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۴۱-۷۷.
- میرسپاسی، ناصر (۱۳۹۲). *مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار*. تهران: میر.
- ناظم، فتاح؛ صادقی، ام‌البنین (۱۳۹۴). "ارائه الگوی ساختاری بهره‌وری بر اساس سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری در آموزش و پرورش". *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال ششم، ش ۲ (تابستان): ۱۴۷-۱۶۴.
- نصیری ولیک‌بنی، فخرالسادات؛ نویدی، پرویز (۱۳۹۵). "رابطه بین اخلاق حرفه‌ای و چابکی سازمانی: نقش میانجی توانمندسازی شناختی". *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال یازدهم، ش ۲ (تابستان): ۶۱-۶۹.
- نورعلیان، یاور؛ محمدپناه، امیرحسین؛ شمخانی، اژدر (۱۳۹۳). "بررسی رابطه مدیریت استعداد با مؤلفه‌های عدالت سازمانی (مورد مطالعه: فرماندهی انتظامی استان همدان)". *فصلنامه منابع انسانی ناجا*، سال پنجم، ش ۳۶ (تابستان): ۹-۲۸.
- نیک‌پور، امین؛ سلاجقه، سنجر (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین چابکی سازمانی و رضایت شغلی کارکنان سازمان‌های دولتی شهر کرمان". *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت*، سال سوم، ش ۷

(بهار): ۱۶۹-۱۸۴.

- وحدتی، حجت؛ موسوی‌نژاد، هادی؛ حسنی، علی‌اکبر (۱۳۹۶). "بررسی نقش سرمایه اجتماعی در جهت ارتقای بهره‌وری منابع انسانی: با تأکید بر نقش واسطه فرهنگ سازمانی و مدیریت". *فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت*، سال نهم، ش ۳۳ (زمستان): ۱۵۷-۱۸۳.
- یاورزاده، محمدرضا؛ پورمختاری اردکانی، عباس (۱۳۹۳). *"بررسی ارتباط بین عوامل مؤثر در بهره‌وری منابع انسانی با چابکی سازمانی (مطالعه موردی: سازمان امور مالیاتی شهرستان اردکان)"*. در: مجموعه مقالات دومین همایش داخلی حسابداری مدیریت اقتصاد. نطنز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نطنز، معاونت پژوهشی: ۱-۸.
- یوسفی‌حاجیور، سلمان (۱۳۹۴). "*تحلیل تأثیر چابکی سازمانی و سرمایه فکری بر بهره‌وری منابع انسانی از طریق رهبری معنوی (مورد مطالعه: سازمان تأمین اجتماعی استان چهارمحال بختیاری)*". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.

- Abbass, I., et al. (2012). "Impact of Electronic Health Records on Nurses' Productivity". *Computers Informatics Nursing*, Vol. 30, No. 5: 237-241.
- Ahmadi, S. A., et al. (2012). "The role of social capital on improving the talent management at the southern khorasan electric energy distribution company". *International business management Journal*, Vol. 6, No. 2: 233-241.
- Alemu, M. B., et al. (2014). "Adoption of quality management practices: An investigation of its relationship with labor productivity for labor-intensive manufacturing companies". *Benchmarking: An International Journal*, Vol. 21, No. 1: 77-100.
- Areiqat, A. Y., et al. (2010). "Talent Management as a Strategic Practice of Human Resources Management to Improve Human Performance". *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, Vol. 2, No. 2: 329-341.
- Bhatti, K.; Qureshi, T. (2007). "Impact of Employee Participation on Job Satisfaction, Employee Commitment and Employee Productivity". *International Review of Business Research Papers*, Vol. 3, No. 2: 54-68.
- Cannon, J. A.; Mcgee, R. (2011). *Talent Management and Succession Planning*.

Second edition, Chartered Institute of Personnel and Development, London: Chartered Institute of Personnel and Development.

- Firer, S.; Stainbank, L. (2003). "Testing the relationship between intellectual capital and a company's performance: evidence from South Africa". *Meditari Accountancy Research*, Vol. 11, No. 1: 25-44.
- Grobler, P. A.; Diedericks, J. C. (2009). "Talent Management: An Empirical Study of Selected South African Hotel Groups". *Southern African Business Review*, Vol. 13, No. 3: 1-27.
- Hersey, P.; Goldsmith, M. (1980). "A situational approach to performance planning". *Training & Development Journal*, Vol. 34, No. 11: 38–44.
- Hughes J. C.; Rog, E. (2008). "Talent management: A strategy for improving employee recruitment, retention and engagement with in hospitality organizations". *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, Vol. 20, No. 7: 743-757.
- Sahai, S.; Srivastava, A. K. (2012). "Goal/target Setting and Performance Assessment as Tool for Talent Management". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 37, No. 3: 241-246.
- Sharifi, H.; Zhang, Z. (1999). "A methodology for achieving agility in manufacturing organizations: An introduction". *International Journal of Production Economics*, Vol. 62, No. 1-2: 7-22.
- ——— (2001). "Agile manufacturing in practice: application of a methodology". *International journal of operations & production Management*, Vol. 21, No. 5-6: 772-794.
- Sharifi Asl Z., et al. (2012). "Relationship between organizational commitment and productivity of psycho-rehabilitation team members: Razi Medical and Educational Psychiatry Center ". *Mod Care* J; Vol. 9, No. 2 :129-136.
- Worley, C. G.; Lawler, E. E. (2010). "Agility and Organization Design: A Diagnostic Framework Organizational Dynamics". *International Journal of Agile Management Systems*, Vol. 39, No. 2: 194-204.
- Yang, C.; Liu, H. M. (2012). "Boosting firm performance via enterprise agility and network structure". *Management Decision*, Vol. 50, No. 6: 1022-1044.
- Ziapour, A., et al. (2015). "Identification and Analysis of Labor Productivity Components Based on ACHIEVE Model (Case Study: Staff of Kermanshah University of Medical Sciences)". *Glob J Health Sci*, Vol. 7, No. 1: 315–321.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان

محمد ادیب، بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین

سیدنورالله نصراللهی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲ سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۷ شماره صفحه: ۱۴۳-۱۷۳

چکیده

آموزش در هر جامعه‌ای چندین نقش کلیدی ایفا می‌کند از یک سو میراث فرهنگی را زنده نگه می‌دارد و سبب انتقال آن می‌شود از سوی دیگر می‌تواند عمل تغییر و تحول باشد. آموزش می‌تواند با گزینش و جهت دهی استعدادها برای آینده زمینه‌سازی کند. با توجه به نقش محوری آموزش، کسانی که در عرصه‌ی آموزشی و تحقق کارکردهای نظام آموزشی فعالیت می‌کنند، از جایگاه ویژه‌ای در انتقال و حفظ میراث فرهنگی و تغییرپذیری اجتماعی برخوردارند. مقاله پیش رو به بررسی نقش یکی از فعالان عرصه‌ی آموزش به نام محمدادیب اختصاص دارد. او در نوجوانی در مدرسه علمیه جعفریه قاین به مطالعه علوم ادبی فارسی و عربی معمول زمان خود پرداخت و با تیزهوشی خاصی که داشت، خوشه‌چینی از خرمن دانش علمای این منطقه را سرلوحه کار خود قرار داد. وی با قریحه و استعدادی که داشت با همکاری دیگر معلمان، زمانی هدایت نسل جوان منطقه را آغاز کرد که تا آن زمان کسب علم و دانش فراگیر نشده بود. ادیب که از او به عنوان بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین یاد می‌شود، در زمان تصدی مسئولیت این اداره، با چالش بزرگی چون تخریب مدرسه طلاب روبه‌رو شد. وی از معدود کسانی بود که از طرف وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه به دریافت نشان درجه دو علمی نایل گردید. ثمره سال‌ها خدمات آموزشی

۱. عضو هیأت علمی و مربی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند nnasrollahi@birjand.ac.ir

ادیب، اندیشمندانی فرهیخته بودند که هر کدام از آنها در جایگاه خود، نـامی از خـویش بـر جـای گذاشتند. این پژوهش می کوشد تا جایگاه محمد ادیب را در نظام آموزش و پرورش قاین را مـورد واکاوی قرار دهد.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش قاین، اداره فرهنگ قاین، محمد ادیب.

مقدمه

با توجه به نقش محوری آموزش در روند توسعه، فعالان عرصه‌ی فرهنگ و آموزش بالطبع در فرآیند توسعه‌ی جوامع از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. بررسی زندگی این افراد افـزون بـر فوایـد متعدد آن از جنبه‌ی مطالعات تاریخ فرهنگی می‌تواند در آشـنایی آحـاد جامعـه بـویژه مـدیران فرهنگی با سبک مدیریت آنها حائز اهمیت باشد. محمد ادیب از جمله فعالان عرصه فرهنـگ و آموزش است که بررسی حیات فرهنگـی وی و ارزیـابی نقـش او در تـرویج فرهنـگ و آمـوزش فرزندان زادگاهش موضـوع بحـث نوشـتار حاضـر اسـت. از آنجـا کـه تـاکنون تحقیـق جـامعی درخصوص معرفی محمد ادیب که بتواند مورد استناد محققان حوزه تعلیم و تربیت قرار بگیـرد، انجام نشده است؛ لذا نگارنده بر آن شد که اولین گام را در این زمینه بردارد. باشـد کـه مقبـول جامعه‌ی علمی و فرهنگی قرار گیرد. در واقع، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسـش اسـت که نقش و جایگاه خدمات آموزشی ادیب با تکیه بر زوایای زندگی علمـی ایشـان، در آمـوزش و پرورش قاین چگونه است؟

پیشینه خانوادگی

طبق مدارک و مستندات پرونده کارگزینی ادیب، موجود در اداره کل آموزش و پرورش خراسـان جنوبی، وی در سال ۱۲۷۵ شمسی متولد شده است، لیکن در این خصوص اختلافاتی وجـود دارد. برخی از منابع سال تولد وی را همین سال ۱۲۷۵ شمسی دانسته‌اند (رجبی، ۱۳۹۵؛ ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۷۵، ناصح، ۱۳۹۵: ۲۲۲، ۳۵۶-۳۵۷؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵، ۲۵۰)، اما برخـی منـابع دیگر، به اشتباه تولد او را سال ۱۲۸۲ شمسی ذکر کرده‌انـد (اسـتاد محمـد ادیـب، ۱۳۸۲؛ رجبـی،

۱۳۸۴، ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۴؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳).

محمد ادیب فرزند اسماعیل بن علیرضا بن ابوطالب قاینی است. وی سومین فرزند از یک خانواده‌ی چهار نفری بود، ادیب یک خواهر و یک برادر[۱] بزرگتر از خود و یک خواهر کوچکتر از خود داشت. وی پدر خود را که نزد اهالی قاین به اسمعیل پادشاه[۲] مشهور بود، در سال ۱۳۱۴ شمسی از دست داد. تا جایی که نگارنده به یاد دارد، در خیابان امام خمینی و در ابتدای سمت راست کوچه آهنگران (کوچه مدرسه علمیه جعفریه کنونی)، درخت توت قطوری وجود داشت که به درخت توت اسمعیل پادشاه مشهور بود. ادیب در سال ۱۳۰۳ شمسی با دختر عمه‌اش به‌نام فضّه که دختر یکی از متدیّنین شهر قاین، مشهور به کربلایی علی‌اکبر پیش‌نماز بود، ازدواج کرد و حاصل این ازدواج دو فرزند، به نام‌های شیخ علی‌اکبر و شیخ علی‌رضا شد. شیخ علی‌اکبر (۱۳۰۵-۱۳۹۴ش.) در داروخانه پسرخاله‌اش، موسوم به داروخانه بقراط[۳] به داروفروشی مشغول شد و شیخ علیرضا (۱۳۱۱-۱۳۶۷ش.) دنباله کار پدر را گرفت و شغل شریف معلمی را برگزید. نگارنده در کلاس سوم دبستان پهلوی قاین، افتخار شاگردی ایشان را داشته است.

در رابطه با چگونگی انتخاب نام خانوادگی ادیب، نکته‌ای که شایان توجه است، آن است که با توجه به اظهارات شاگردان وی، او هیچ وقت اهل خودستایی نبوده و هرگز خود را ادیب و متخصص در علوم ادبی قلمداد نمی‌کرده است و از این رو نبوده که این نام خانوادگی (ادیب) را، برای خود برگزیده است. بحث انتخاب نام خانوادگی ادیب که خود او بارها بدان اشاره کرده، از زبان یکی از شاگردانش چنین است: «زمانی که مأمور اداره سجل برای اولین بار در سال ۱۳۰۸ شمسی به قاین می‌آید، ادیب به جهت شهرت میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری[۴] (۱۲۸۱-

۱. کربلایی علی که بعدها نام خانوادگی دادخواه را برای خود برگزید.

۲. نامبرده چون با یک تحکّم خاصی صحبت می‌کرده، از این‌رو، به لقب پادشاه مشهور گردیده است.

۳. اولین داروخانه به سبک جدید در قاین است که در سال ۱۳۱۵ شمسی، توسط مرحوم حاج محمدحسن بقراط (۱۲۹۴-۱۳۷۲ش.) تأسیس شد.

۴. لازم به ذکر است که ادیب نیشابوری لقب وی بوده نه نام خانوادگی او، زیرا اولین سال اجباری شدن نام خانوادگی، ۱۳۰۴ شمسی است که یک سال قبل از فوت نامبرده است.

۱۳۴۴ق.) در محافل علمی آن روزگار خراسان و ارادتی که به وی داشت، تصمیم گرفت که این نام خانوادگی را برای خود برگزیند».[۱]

تحصیلات

ادیب تحصیلات مقدماتی تا عالیه را در زادگاه خود گذراند و حتی برای کسب دانش، حتی از موطن خود بیرون نرفت. او در نوجوانی در مدرسه علمیه جعفریه قاین به تحصیل علوم ادبی فارسی و عربی معمول زمان خود پرداخت و با تیزهوشی خاصی که داشت، خوشه‌چینی از خرمن دانش علمای منطقه را سرلوحه کار خود قرار داد؛ چنان‌که دیگران در این باره گفته‌اند ادیب «با توجه به علاقه و استعدادی که داشت، از هوش و درک و فهم بسیار بالایی هم برخوردار بود» (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۵؛ رجبی، ۱۳۹۵). علی‌اصغر فاضلی (۱۲۸۵-۱۳۷۰ش.) یکی از معلمان هم‌دوره ادیب، فضل و کمال او را واقعاً قابل ستایش می‌داند (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۱۴۶) و میرزا ذبیح‌الله ناصح از وی به عنوان «یکی از طلاب فاضل قاین» یاد می‌کند (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴). در برخی منابع دیگر هم به این نکته اشاره شده که «از فضلا و علمای عصر خویش شد و درجه اجتهاد گرفت» (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵). نویسنده به این مطلب نپرداخته که ادیب از چه کسانی اجازه اجتهاد گرفته است.

ادیب با هوش و ذکاوتی که داشت، تحصیل در مدرسه علمیه جعفریه قاین را شروع کرد. از آنجا که در مدارس علمیه، بیشترین تأکید بر آموزش زبان عربی بود، وی «علاوه بر علوم فارسی، بر زبان عربی [نیز] تسلط کامل داشت» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۵؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۳۶). یکی از معمرین[۲] از همسر ادیب نقل

۱. مصاحبه با سیدجواد مصطفوی (بازنشسته‌ی اداره دامپزشکی قاین)، متولد ۱۳۰۹ شمسی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۱۸. برخی منابع عکس نامبرده را در تصویر ۴ (اولین نفر ایستاده از چپ، ردیف آخر) آورده‌اند (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۳۵۵، نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

۲. مصاحبه با بی‌بی عصمت مظلوم‌زاده، متولد ۱۳۱۴ شمسی که خانه پدری‌اش جنب خانه ادیب بوده است، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۳/۲۳

می‌کند، زمانی که باجناق بزرگ ادیب[۱] به کار طب سنتی اشتغال داشته، وی تنها یاریگر او در ترجمه کتب عربی طب سنتی-اسلامی به فارسی بوده است.

یکی از مهمترین ابعاد شخصیتی هر فرد، داشتن خطی زیباست که به عنوان یک شاخص مهم، برای افراد تأثیرات بسیار مثبتی از نظر جایگاه و شخصیت به‌دنبال دارد. در همین رابطه، برخی منابع نیز از مهارت ادیب در خط و خوشنویسی (تصویر ۱) یاد کرده‌اند: «در نوشتن انواع خط از مهارت به‌سزایی برخوردار بود» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۵؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۳۶). نکته قابل توجه در این‌باره آن است که وی در مدرسه علمیه جعفریه قاین، از محضر درس استاد خطی بهره نجسته، بلکه خطاطی را به‌صورت خودآموز یاد گرفته است. در لابلای مطالب برخی منابع نیز به خط خوش ادیب اشاره شده است: «از ادیب دو جلد کتاب نفیس و بسیار خوش‌خط به یادگار مانده که متأسفانه به چاپ نرسیده است[۲]» (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۵؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۶).

در رابطه با چگونگی آموزش زبان فارسی و خط در مدرسه معصومیه بیرجند و در پی آن اشاره به مدرسه جعفریه قاین، نکته‌ای از زبان میرزا ذبیح‌الله ناصح قابل توجه است، وی می‌گوید: «در این مدرسه هیچ کتاب فارسی تدریس نمی‌شد و خط به کسی نمی‌آموختند. به این جهت اکثر آخوندها که فارغ‌التحصیل می‌شدند کم و بیش عربی می‌دانستند، اما فارسی نمی‌دانستند و خط نوشتن بلد نبودند، مگر کسانی که از خانواده علم بیرون آمده بودند و خط را از پدر به ارث برده بودند ... غیر از مدرسه معصومیه بیرجند، در مدرسه جعفریه قاین ... هر یک تعدادی طلبه با همان وضع بیرجند نگاهداری می‌شدند و علوم شرعی می‌آموختند» (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۶).

---

۱. حاج شیخ غلامحسین حکیم (۱۲۶۱-۱۳۴۳ش.) طبیبی حاذق و ماهر که بعدها نام خانوادگی طبی که مرتبط با زمینه شغلی‌اش بود، برگزید. ضمناً فرزند بزرگ وی، در همین راستا، نام خانوادگی بقراط را انتخاب کرده است.

۲. متأسفانه بر اثر بی توجهی بازماندگان، اثری از دو کتاب فوق باقی نمانده است.

استادان و هم‌درسان

۱. استادان

در یادداشت‌های پراکنده‌ای که از ادیب برجای مانده - که برخی از آنها هم بسیار مخدوش است - ادیب از استادانی که در نزد آنها علوم ادبی و عربی را فراگرفته است، یاد می‌کند. دو نفر از استادان برجسته در مدرسه علمیه جعفریه قاین که بیشترین تأثیر را بر وی داشته‌اند عبارتند از:

۱-۱. آیتا... سیدحسین امام[۱] (فقیه): سیدحسین امام فرزند شیخ‌العلماء سیدزکی‌الدین الحسینی در سال ۱۲۹۳ قمری در شهر قاین دیده به جهان گشود. وی از اوان جوانی نزد ابوی و اخوی خویش به فراگیری علوم دینی پرداخته و سپس در مدرسه علمیه جعفریه قاین تحصیلات خویش را ادامه داد و بعداً عازم نجف شد. وی پس از ده سال تحصیل در نجف، در سال ۱۳۳۲ [قمری] به قاین مراجعت نموده و در همین مدرسه به تدریس مشغول گردید و سرانجام در سال ۱۳۷۴ قمری در مشهد مقدس دار فانی را وداع نمود (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۲؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۸۵؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۱-۲۴۲؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۶) و در حرم رضوی مدفون گشت.

۱-۲. آیتا... سیدذبیح‌الله حائری: وی در سال ۱۳۰۳ قمری در قاین متولد شد. او فرزند سیدحسین و نوه دختری مجتهد برجسته، سیدابوطالب قاینی بود. وی پس از طی مقدمات در حوزه علمیه قاین، به مشهد مقدس رفت و سطوح را در آنجا به انجام رسانید و سپس عازم نجف اشرف گردید و از محضر علمای آنجا تلمذ نمود و پس از آن به قاین مراجعت کرد. او از مدرسین مدرسه علمیه جعفریه قاین بود و شاگردانی تربیت نمود. ایشان در سال ۱۳۷۲ قمری در قاین درگذشت (فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۹۴؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۳) و در قبرستان شاهیک به خاک سپرده شد.

۲. هم‌درسان

زمانی که هم‌درسان ادیب، پس از طی کردن تحصیلات مقدماتی، برای تحصیل، راهی قم و نجف اشرف شدند، ادیب بیشتر اوقاتش را به مطالعه و دانش‌افزایی سپری می‌نمود. لذا بیشترین تأثیرپذیری ادیب از هم‌درسانش زمانی اتفاق افتاد که نامبردگان پس از اتمام تحصیلات عالیه، با

۱. در اکثر محافل علمی به کرّات ادیب عنوان می‌کرده که بیشترین تأثیرپذیری را از این استادش داشته است.

کوله‌باری از تجربه و دانش‌اندوزی، راهی زادگاه خود شدند و در مدرسه طلاب، کرسی‌های علمی به راه انداختند. در این میان هم‌درسان قبلی ادیب، به‌عنوان یک هم‌بحث ظاهر گشته و وی نهایت بهره را از آموخته‌ها و اندوخته‌های علمی آنان می‌برد. از این‌رو، برخی از هم‌درسان ادیب در مدرسه علمیه جعفریه قاین، که وی در پاره‌ای از یادداشت‌های خود، از آنان نام می‌برد، بدین قرار است:

۲-۱. آیتا... سیدعلی آیتی: او در سال ۱۳۰۸ قمری در خانواده‌ای روحانی در شهر قاین متولد شد. پدرش سیدمحمدحسین مجتهد، صدرالواعظین قاینات بود. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه جعفریه قاین به اتمام رساند و سپس عازم نجف اشرف گردید و مدت هفت سال در آنجا به فراگیری علوم دینی مشغول شد. پس از بازگشت به قاین به احیای حوزه علمیه پرداخت و هیئت علمی حوزه را راه‌اندازی کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۶۳ شمسی در قاین رحلت نمود (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۸؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۱۴۲؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۰-۲۴۱) و در قبرستان شاهیک به خاک سپرده شد.

۲-۲. آیتا... شیخ‌محمد فاضل قاینی نجفی: او در سال ۱۳۱۰ قمری در روستای خَرمِنج (فضل‌آباد) از توابع روستای کُرغُند قاینات دیده به جهان گشود. پدرش شیخ عبدالکریم بنی‌اسدی است. وی تحصیلات مقدماتی را در نوغاب پسکوه نزد مرحوم آخوند ملاعبدالجواد گذراند و سپس در مدرسه علمیه جعفریه قاین مشغول به تحصیل شد و دروس سطح را فراگرفت. وی پس از آن به سبزوار و تهران عزیمت نمود و سرانجام در نجف اشرف در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی به تحصیل ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. از ایشان بیش از ده اثر ارزشمند باقی مانده است. وی سرانجام در سال ۱۴۰۵ قمری در قم درگذشت (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۰-۳۰۱؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۲۱۵؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۰-۲۳۱؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۹) و در قبرستان باغ‌بهشت مدفون گشت.

۲-۳. آیتا... سیدمحمدرضا صامتی[۱] (مشهور به آقای سادات): وی در سال ۱۳۱۲ قمری در خانواده‌ای

۱. ایشان یکی از هم‌درسانی است که ادیب، بیشترین ارتباط تنگاتنگ درسی را با او داشته است. باید گفت جدای از هم-محله‌ای بودن‌شان (محله بالا)، وی نیز قرابت خانوادگی با ادیب دارد. خواهر کوچک ادیب به‌نام معصومه، همسر برادر بزرگ آیتا... صامتی (حاج سیدعبدالله شفیعی) بوده است.

مذهبی و متدین در شهر قاین چشم به جهان گشود. در هفت سالگی جهت فراگیری علوم دینی ابتدا به مکتب‌خانه رفت و سپس عازم مدرسه علمیه جعفریه قاین گردید و سطوح عالیه را در شهر قاین به پایان رساند. بعد از آن برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف گشته و از آنجا به قم و سپس به قاین بازگشته و سرانجام در همین مدرسه به ترویج و تدریس احکام دینی پرداخت. وی در سال ۱۳۹۵ قمری رحلت کرد (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۳؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۲۹۵؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۰) و در قبرستان شاهیک قاین به خاک سپرده شد.

۲-۴. آیتا... سیدعلی مهدوی الحسینی: او در سال ۱۳۱۴ قمری در شهر قاین متولد شد. پدرش سیدحسین از علمای برجسته قاین بود. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح در مدرسه علمیه جعفریه قاین، به قم مهاجرت کرد. سپس از آنجا به نجف اشرف رفت و پس از اتمام سطوح عالیه، به زادگاهش بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن در مدرسه علمیه جعفریه قاین پرداخت. وی در سال ۱۳۸۴ قمری مطابق با سال ۱۳۴۳ شمسی درگذشت و در قم [قبرستان نو] به خاک سپرده شد (فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۱۴۸؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

۲-۵. آیتا... سیدمعصوم قهستانی: وی در سال ۱۳۱۵ قمری در قاین چشم به جهان گشود. دوران تحصیل خود را ابتدا در محضر اساتید مدرسه علمیه جعفریه قاین گذراند و پس از آن در حوزه‌های علمیه مشهد، تهران و نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. پس از مراجعت به قاین، در همین مدرسه به تدریس علوم دینی پرداخت. از او ۲۵ نسخه خطی به یادگار مانده است. وی در سال ۱۳۵۳ شمسی در قاین رحلت نمود (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۹؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۳۳۵؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۲۳۴؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۸) و در قبرستان فرخ‌آباد مدفون گشت.

مناصب معلمی

از آنجایی‌که روی آوردن ادیب به‌کار معلمی، ارتباط تنگاتنگی با دایر شدن مدرسه قاین دارد، لذا قبل از هر چیز به اقداماتی که در مسیر راه‌اندازی این مدرسه شد، اشاره کوتاهی می‌گردد. «گام‌های برداشته شده در سال ۱۲۹۶ خورشیدی با تأسیس دبستان [قاین]، در سال ۱۲۹۸ خورشیدی به

ثمر رسید. دبستان قاین با چند سال فراز و نشیب در منزل مرحوم جان‌میرزا پا گرفت. این مدرسه به لحاظ روحیه مردم به نام "معرفت" نام‌گذاری و به مدیریت نظام‌العلماء دشت‌بیاضی به حیات خود ادامه داد. این دبستان از بدو تأسیس چهار کلاسه بود» (تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳). برخی منابع هر چند به همین سال تأسیس دبستان اشاره کرده‌اند، اما متذکر شده‌اند که «تا سال ۱۳۱۵ [شمسی] زیر نظر معارف شوکتیه اداره می‌شد» (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۶۲).

مدرسه قاین هر از گاهی بر اثر کوته‌فکری‌های آن زمان به تعطیلی کشیده می‌شد، تا این‌که میرزا ذبیح‌الله ناصح[1] مأمور راه‌اندازی دوباره مدرسه شد و تا جایی که توانست سعی کرد که امر آموزش و تحصیل دانش‌آموزان در این منطقه، دچار رکود نشود. «ناصح پس از اقامت چند ماهه در قاین و رایزنی با علماء و اطمینان‌بخشی که مدرسه تعارضی با مسائل شرعی نخواهد داشت، موفق به افتتاح دوباره مدرسه شد. استاد ذبیح‌الله ناصح متولد روستای چهکند[2] شهرستان بیرجند و فارغ‌التحصیل مدرسه شوکتیه بود (رجبی، ۱۳۹۵). ناصح در خاطراتش این‌گونه به قضیه اشاره می‌کند: «درخواست مردم قاین و بویژه محمدولی میرزا نوربخش رئیس تلگراف[خانه]، که ازجمله سادات قاین بود، امیر و اطرافیان او را برآن داشت تا مأموری توانا و باسواد را برای پیش‌بردن و به دَوَران انداختن دبستان قاین اعزام دارد. بعد از مشورت‌های طولانی قرعه مأموریت قاین به‌نام من بیرون آمد و گفتند سه ماهه به قاین برو و دبستان را دایر کن و یک نفر از اهالی را برای آموزگاری آماده کن، هر وقت مدرسه به‌خوبی دایر شد، به بیرجند برخواهی گشت. یک نفر از طلاب فاضل قاین را به آموزگاری ترغیب نمودم. معلومات عربی و ادبی آن شخص که شیخ محمد [ادیب] نام داشت از من زیادتر بود، در مدت چهار ماه، یک دوره حساب و

۱. میرزا ذبیح‌الله ناصح متولد ۱۲۷۴ شمسی و در زمره ده نفر دانش‌آموخته دوره نخست مدرسه شوکتیه بیرجند بود. مدیریت دبیرستان شوکتیه و سپس تصدی امور دانشسرای مقدماتی پسران بیرجند و سایر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را در کارنامه خود دارد. وی در سال ۱۳۴۵ شمسی در مشهد به دیار حق شتافت و در باغ رضوان مدفون گشت (ناصح، ۱۳۹۵: ۱۲،۱۰).

۲. روستای چهکندوک است، نه چهکند که در حال حاضر، جزو دهستان نهارجان بخش مود شهرستان سربیشه است.

مقدمات جغرافیا و تاریخ را به او آموختم» (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴؛ نقل در رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۳؛ نقل در تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ نقل در رجبی، ۱۳۹۵؛ نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۴).

باید به این نکته اشاره شود که خاطرات میرزا ذبیح‌الله ناصح برای اولین بار در کتاب *جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند* به کوشش محمدرضا راشد محصل منتشر شده است و بقیه منابعی که پیرامون این موضوع، مطلبی نوشته‌اند، همگی به کتاب مزبور استناد کرده‌اند. در این اثر، از زبان میرزا ذبیح‌الله ناصح به این موضوع اشاره شده است که «معلومات عربی و ادبی آن شخص که شیخ محمد [ادیب] نام داشت از من زیادتر بود» (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴)، اما در یک منبع به این مطلب در اثر فوق، به گونه‌ای دیگر نقل قول کرده است و آن این‌که «معلومات عربی و ادبی وی از بنده کمتر نبود». لذا عین نقل قول مزبور ارائه می‌گردد: «میرزا ذبیح‌الله ناصح در خاطراتش اشاره می‌کند که یکی از طلاب فاضل قاین موسوم به شیخ محمد (متولد سال ۱۲۷۵ شمسی) که بعدها نام خانوادگی ادیب را برگزید و "معلومات عربی و ادبی وی از بنده کمتر نبود"، به آموزگاری ترغیب نمودم» (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۲۲، نقل از راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴). متأسفانه همین نقل قول نادرست به منبع رجبی (۱۳۹۸: ۲۳۴)، راه یافته است.

در مورد دیگری که به کتاب *جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند* به کوشش محمدرضا راشد محصل استناد شده، منبع استناد کننده از لفظ «جوان» برای محمد ادیب استفاده کرده است. باید به این نکته اشاره شود که منبع اصلی به هیچ عنوان لفظ «جوان» را به‌کار نبرده است؛ لذا به‌کار بردن لفظ جوان در این مقوله درست نیست؛ زیرا ناقل که میرزا ذبیح‌الله ناصح است، متولد سال ۱۲۷۴ شمسی است، در حالی‌که «محمد ادیب متولد ۱۲۷۵ شمسی» (ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۷۵) است و تنها یک سال شمسی با هم تفاوت سنی دارند. منبعی که به اثر فوق استناد کرده، بدین‌گونه اشاره می‌کند که «میرزا ذبیح‌الله ناصح یکی از طلاب جوان قاین موسوم به شیخ محمد که بعدها نام خانوادگی ادیب گرفت و در پیشبرد فرهنگ آنجا مؤثر افتاد را برای تدریس مقدمات دروس

ابتـدایی آمـوزش داد و پـس از چنـد مـاه مراقبـت، ادامـه کـار را بـه ایـن جـوان سـپرد» (ناصـح و میـری، ۱۳۹۲: ۲۷۳، نقـل از راشـد محصـل، ۱۳۸۲: ۱۶۴). سـرانجام بایـد گفـت بـا ایـن فـراز و نشیب‌های شغلی که ادیب را طی سـال‌هـای متمـادی درگیـر کـار تـدریس داشـت، بـالاخره اولـین دوره مسئولیت وی در سال ۱۳۱۵ شمسی شروع می‌شود (تصویر۲).

ادیب هم‌زمان با اشتغال به کار معلمی در مدرسه معرفت، با مدرسه علمیه جعفریه قـاین نیـز در تدریس زبان عربی و فارسی همکاری تنگاتنگی داشت و این همکاری را تا زمان بازنشسـتگی ادامـه داد. از این‌رو، باید گفت ایشان تنها معلمی بود که در آن زمان بدون کسـوت روحانیـت، در مدرسـه طلاب قاین، به تدریس اشتغال داشت. «زمانی که یکی از همکارانش (نظام‌العلماء دشت‌بیاضی) از او پرسیده بود در مدرسه طلاب که آن‌چنان شهریه‌ای به شما پرداخت نمـی‌شـود، ادیـب در جـوابش گفته بود، مهم نیست، من از این طریق، زکات علم خود را پرداخت می‌کنم».[۱]

حامی و مشوّق در تحصیل

ادیب علاوه بر حمایت همه‌جانبه از معلمان مرد، از معلمان زن نیز حمایت می‌نمود. چنان‌که اگـر کسی به ادیب معرفی می‌شد، وی نهایت همکاری را با فرد به عمل می‌آورد. در این زمینـه، یکـی از معلمان قدیم قاین به نام فاطمه‌رباب مؤمنی در خاطراتش می‌گوید: «برادرم آقای "امیدوار" [ناتنی] که آموزگار بودند، منتقل قاین شدند و به توصیه‌ی مرحوم فرزان[۲]، من و مادرم به‌همـراه بـرادرم بـه قاین آمدیم. به‌واسطه آقای فرزان، به مرحوم شیخ محمد ادیب معرفی شـدم و در طـول یـک سـال اقامت در قاین، به‌عنوان معلم سرخانه، به درس‌دادن مشـغول شـدم. پـس از آن، مـن و مـادرم بـه

۱. مصاحبه با سیدجواد مصطفوی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۱۸

۲. علامه سیدمحمد فرزان (۱۲۷۳-۱۳۴۹ش.) فرزند سیدعلی‌اکبر و برادر بزرگ آیتا... سیدحسن تهامی (۱۲۷۵-۱۳۴۴ش.) در روستای سنداداان (سیدان) بیرجند متولد گردید. وی علاوه بر استادی مسلّم و چیره‌دست، ریاست فرهنگ و اوقاف بوشهر، شاهرود، مکران (سیستان و بلوچستان) و «از اوایل سال ۱۳۲۱ تا سال ۱۳۳۲ شمسی، یعنی قریب یازده سال متوالی، عهده‌دار ریاست فرهنگ بیرجند بود» (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۶۵،۲۶۷).

بیرجند برگشتیم. از برگشتن‌مان به بیرجند مدتی نگذشته بود که مرحوم سرّی[۱] شاعر قاینی، قاصد شده بود و من را برای مرحوم افشاری[۲] خواستگاری کرد. از طرفی، مرحوم ادیب که ریاست اداره فرهنگ و معارف [قاین] را عهده‌دار بودند، پسرخاله[۳] مرحوم شوهرم می‌شدند. در آن زمان، قاین دو مدرسه داشت: نوربخش دخترانه (در آن مدت ۳۵ سال خدمت کردم) و پهلوی پسرانه و یک نمایندگی فرهنگ و معارف و اوقاف که مرحوم ادیب رئیس‌اش بود و مرحوم افشاری معاون» (گفت‌وگو با خانم فاطمه‌رباب مومنی، ۱۳۹۴).

باید گفت تمام همّ و غم ادیب این بود که والدین را به هر شکلی شده ترغیب کند که فرزندان خود را به مدرسه بفرستند و در این راه، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. در آموزش و تحصیل دختران سعی‌ای وافر داشت، چنانچه از زبان ادیب نقل می‌کنند که به معلمان گفته بود، من دختر ندارم و الا همان کاری می‌کردم که آقای برهانی[۴] انجام داده است. «مرحوم برهانی مدرس مدرسه معرفت و به‌عنوان یکی از روحانیون پیشگام در ترویج و توسعه آموزش و پرورش نوین، هر سه دختر خویش را با حفظ حجاب و رعایت شؤونات اسلامی به مدرسه فرستاد و باعث تشویق امر آموزش دختران در قاین شد» (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۶۰۸؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۱؛ ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۴).

اشتغال در دبستان و دبیرستان

ادیب سال‌های متمادی از عمرش را برای تعلیم و تربیت فرزندان این خطه سپری نمود و از امر آموزش و ارتباط با نسل جوان لذت می‌برد. از این‌رو است که برخی از همکاران وی، از او

۱. بدیع‌الزمان سرّی قاینی شاعر روشندل که در سال ۱۲۷۹ شمسی در قاین متولد و در سال ۱۳۳۵ شمسی درگذشت و در مقبره ظهیرالدوله تهران مدفون گشت.

۲. یوسف افشاری (۱۲۹۹-۱۳۷۲ش.) معلمی که در سال ۱۳۳۷ شمسی مسؤولیت اداره فرهنگ قاین را برعهده داشت.

۳. محمد ادیب پسرخاله‌ی نامبرده نبوده، بلکه شوهرخاله وی است.

۴. حجه‌الاسلام شیخ حسین برهانی (۱۲۷۷-۱۳۶۱ش.) فرزند ملایحیی قاینی که سال‌ها مقام معلمی مدارس قاینات را عهده‌دار بود (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

به‌عنوان یار و یاور و همدم دانش‌آموزان مستعد و غیرمستعد یاد می‌کنند. «کارکنان دبستان در آغاز، شیخ محمد ادیب به‌عنوان مدیر و معلم، میرزا محمدحسن ارجمند[۱] به‌عنوان ناظم و معلم و میرزا سعیدخان[۲] و جمال‌الدین عقیلی بیناباج[۳] به‌عنوان معلم از اولین پرسنل این مدرسه بودند» (رجبی، ۱۳۹۵). سایر معلمانی که با ادیب در دبستان شش کلاسه پسرانه قاین در پایان سال تحصیلی ۱۳۲۰-۱۳۲۱ شمسی همکاری می‌نمودند، عبارت بودند از: حسین برهانی، عباس جواهری، محمدرضا معماری، عبدالحسین سلیمانی، یوسف افشاری، محمدرضا رخشانی-مقدم، محمدحسین فوائدی، ابوالفضل یغمایی، محمدحسن پناهنده، علی‌اکبر فخر، اسدالله حقیقی و علی کمیلی (ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۷۵؛ ناصح، ۱۳۹۵: ۳۵۶، نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۵۰). شایان ذکر است که فرزند کوچک ادیب به‌نام علیرضا ادیب، ازجمله دانش‌آموزان این دبستان در همین سال تحصیلی بوده است (ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۴۱۶؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۵۱، نقل از راشد محصل، ۱۳۸۸: ۴۱). باید اشاره کرد که در ابتدا کربلایی حسن قاسمی و سپس رمضان فتحی، از فراشان این دبستان بوده‌اند.[۴] تصویر ۳ محمد ادیب را به همراه سایر معلمان دبستان پهلوی نشان می‌دهد.

نخستین دبیرستان قاین موسوم به پهلوی در سال ۱۳۱۹ شمسی به مدیریت شیخ محمد ادیب تأسیس شد. در سال‌های نخست، این دبیرستان فقط در سه پایه اول (سیکل اول) دانش‌آموز می‌پذیرفت و پس از چندین سال، سیکل دوم نیز در آن ایجاد شد. در این دبیرستان، محمد ادیب دبیر فارسی و عربی بود و معلمانی چون عباس جواهری، محمدرضا معماری،

۱. نام او میرزا محمدحسین ارجمند است (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۲۹،۳۱۰).

۲. میرزا سعیدخان نوربخش فرزند محمدولی میرزای نوربخش (رئیس تلگراف‌خانه قاین)

۳. مشهور به نظام‌العلمای دشت‌بیاضی متولد روستای بیناباج، فرزند محمدباقر عقیلی از مجتهدین نیمبلوک که به‌دلیل دانش و آراستگی علمی، به نظام‌العلماء اشتهار داشت. وی در سن ۶۵ سالگی در مهرماه ۱۳۳۰ شمسی درگذشت و در امامزاده عبدالله کارشک مدفون گشت (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۲-۲۳۳).

۴. مصاحبه با سیدجواد مصطفوی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۱۸

محمدرضا رخشانی‌مقدم، ابوالفضل یغمایی، محمد ملیح[۱] و علی کمیلی نیز در این دبیرستان به تدریس اشتغال داشتند (ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۵؛ ناصح، ۱۳۹۵: ۳۵۷-۳۵۸، نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۵۴). شایان ذکر است که فرزند بزرگ ادیب به‌نام علی‌اکبر ادیب، ازجمله دانش‌آموزان این دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۲۰-۱۳۲۱ شمسی بوده است (ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۴۱۷، نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۵۵). تصویر ۴ محمد ادیب را به همراه سایر معلمان دبیرستان پهلوی نشان می‌دهد.

در منبع اولیه‌ای که این تصویر را - که مربوط به سال ۱۳۲۶ شمسی است - با ذکر اسامی منتشر کرده است، علاوه بر ذکر نام ادیب و سایر معلمانی که در ردیف جلو نشسته‌اند، اسامی تک‌تک دانش‌آموزان ردیف دوم و سوم نیز آمده است. نکته قابل توجه این‌که نام فرد ردیف آخر، به اشتباه سیدعلی‌نقی نقوی[۲] ذکر گردیده که در منبع اولیه از وی به‌عنوان «رئیس معارف و معلمان دبستان پهلوی قاین» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۳۵۵) یاد شده، اما این مطلب با تغییراتی تحت عنوان «رئیس معارف دبستان پهلوی» در اثری از رجبی (۱۳۹۸: ۲۴۱)، که بعداً انتشار یافته، راه پیدا کرده است. لذا باید اشاره کرد که سیدعلی‌نقی نقوی در آن زمان جزو سایر دانش‌آموزان دبیرستان بوده و در آن زمان، سن شناسنامه‌ای وی ۱۳ سال بوده و به علت جثه درشت و قد بلند او، به اشتباه از وی به‌عنوان یک مقام مسئول یاد گردیده است. ناگفته نماند که هیچ تشابه اسمی دیگری در آن زمان با این نام (سیدعلی‌نقی نقوی)، در قاین وجود نداشته است.

سمت‌ها و مسؤولیت‌های محمد ادیب، علاوه بر اشتغال به کار معلمی، به تفکیک سال‌های خدمت در جدول ذیل آمده است.

---

۱. سیدمحمد ملیح از تحصیل کرده‌های مدرسه متوسطه شوکتی، که در سال ۱۳۲۰ شمسی به سمت دبیری دبیرستان انتخاب و مشغول خدمت شد (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۹۳).

۲. سیدعلی‌نقی نقوی فرزند حاج سیدباقر نقوی، در سال ۱۳۱۳ [شمسی] در شهر قاین متولد شد. وی در دوره اول، نماینده مردم قاینات در مجلس شورای اسلامی شد و در سال ۱۳۷۸ [شمسی] در یک تصادف رانندگی، به دیار حق شتافت (رجبی، ۱۳۹۸: ۵۰۳-۵۰۴).

سمت‌های محمد ادیب در طول دوران خدمت

نوع مسئولیت	سال
مدیر دبستان و نماینده اداره فرهنگ قاین	۱۳۱۵-۱۳۱۷
مدیر دبستان، دبیرستان و نماینده اداره فرهنگ قاین	۱۳۲۰-۱۳۲۴
نماینده اداره فرهنگ قاین	۱۳۲۷-۱۳۲۸
نماینده اداره فرهنگ قاین	۱۳۳۵-۱۳۳۶

منبع: (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۴؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۶۲)

در یکی از منابع منتشر شده، اسامی و سال‌های مسؤولیت رؤسای آموزش و پرورش قاینات در جدولی تدوین شده که در آن یکی از دوره‌های مسؤولیت محمد ادیب را سهواً سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۱ آورده است (تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳)، در حالی‌که برخی آثار که طبق جدول فوق به مسؤولیت‌های ادیب اشاره کرده‌اند، دومین دوره مسؤولیت وی را طی سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۰ دانسته‌اند. از این‌رو، باید متذکر شد که در ابتدای سال ۱۳۲۰ چندماهی محمدرضا رخشانی-مقدم، مسؤولیت نمایندگی اداره فرهنگ قاین را عهده‌دار بوده است (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۴؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۶۲).

ادیب و چالش تخریب مدرسه طلاب

برخی از بزرگان و سفرنامه‌نویسانی که در گذشته از این منطقه دیدن کرده‌اند، به نحوی از انحاء به مدارس دینی این دیار که در حکم دانشگاه‌های امروزی بوده، اشاره‌ای هر چند اندک داشته‌اند. ازجمله میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک (۱۲۴۳-۱۳۱۵ق.) که در سال ۱۲۹۴ قمری سفری به قاین داشته، در یادداشت‌هایی تحت عنوان روزنامه سفر قاین، وضع مدارس دینی این خطه را این‌گونه توصیف می‌کند: «در ولایت قاین سه مدرسه است. یکی در شهر قاین، یکی در بیرجند که این دو را رفته و از طلاب آنها احوالات پرسیده‌ام. دیگری در بلوک دُرُخش است» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۲۴۰). مدرسه قاین، تحت عنوان مدرسه علمیه جعفریه، در ضلع جنوب غربی مسجد جامع قاین قرار داشت و همانند بسیاری از مدارس اولیه اسلامی که در کنار مساجد بنا می‌شدند، این مدرسه هم کارکرد آموزشی-دینی خود را در کنار مسجد حفظ کرده بود.

مدیریت مدارس آن زمان به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه[۱] واگذار شده بود و در قانون تشکیل آن وزارتخانه آمده بود که علاوه بر نظارت تامّه بر مدارس دولتی، تولیت مدارس اوقافی و دینی نیز به آن وزارتخانه سپرده شده است؛ لذا مدیران این نهاد در راستای قانون کشف حجاب رضاخانی که در سال ۱۳۱۴ شمسی اجرا شد، به بهانه مستهلک بودن بنای مدارس قدیمی، به تخریب مدارس دینی - که یکی از کانون‌های مبارزه با کشف حجاب بود - پرداختند. ساختار فیزیکی این مدارس به گونه‌ای بود که حجره‌های متعددی آن را احاطه کرده بود و علاوه بر فضای درسی طلاب، دارای کارکرد اقامتی نیز بود.

اولین دوره مسئولیت ادیب که در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ شمسی بود، وی را با چالش بزرگی روبه‌رو ساخت و آن تخریب تنها مدرسه قدیم قاین بود. در ابتدای این دوره (۱۳۱۵ش.)، تلگرافی مبنی بر تخریب مدرسه علمیه جعفریه قاین به‌دست او رسید و وی را بسیار متأثر کرد، زیرا این مدرسه حق بزرگی بر گردن او داشت و وی خود را پرورش یافته‌ی آن مدرسه می‌دانست. از این‌رو در پاسخ تلگراف، رسماً انصراف خود را از تخریب مدرسه اعلام کرد. شایان ذکر است که برخی منابع به اشتباه سال تخریب مدرسه را، سال ۱۳۱۴ شمسی ذکر کرده‌اند (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). سرانجام تخریب مدرسه در نیمه اول فروردین سال ۱۳۱۶ شمسی به دستور مدیریت وقت اداره فرهنگ بیرجند (عطاءالله ناطقی[۲]) صورت گرفت و چون کارگران قاینی، تمایلی برای تخریب تنها مدرسه علوم دینی قاین از خود نشان نمی‌دادند، به‌ناچار کارگرانی از منطقه شاخنات و عربخانه بیرجند (هشت نفر) به قاین اعزام شدند و کار تخریب را ده‌روزه به پایان رساندند.[۳]

چون تخریب مدرسه در زمان مدیریت فرد خاصی به‌نام عطاءالله ناطقی صورت گرفت، هر کدام از

---

۱. این وزارتخانه در سال ۱۳۱۷ شمسی، به وزارت فرهنگ تغییر نام داد.

۲. از وی هیچ گونه سوابقی در اداره کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی یافت نشد، اما میرزا ذبیح‌الله ناصح در خاطراتش می‌نویسد: عطاءالله ناطقی از سال ۱۳۱۴ تا سال ۱۳۱۶ شمسی به ریاست فرهنگ و اوقاف مکران به مرکزیت بیرجند منصوب شد. وی به گمانم اصالتاً اهل اراک یا کاشان بود (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۴۹،۲۶۱).

۳. مصاحبه با محمدرضا ادیب (کارمند اداره ثبت اسناد و املاک قاین)، نوه محمد ادیب، متولد ۱۳۴۲ شمسی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۷

معلمان آن زمان که دست به قلم بودند و به خاطره‌نویسی روی آوردند، به نوعی از شخصیت ناطقی سخن رانده‌اند. علی‌اصغر فاضلی در خاطراتش، از عطاءالله ناطقی این‌گونه یاد می‌کند: «با این‌که معلمین مدارس شوکتی نظر خوبی به آقای ناطقی نداشتند، کارشان را به‌خوبی انجام نمی‌دادند» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۱۲۲). وی هم‌چنین در لابلای برخی از خاطراتش، ناطقی را از نظر طلاب این‌گونه توصیف می‌کند: «آقای ناطقی در بین طلاب و روحانیون وجهه ندارند» (همان: ۱۲۱).

پس از تخریب مدرسه، به‌صورت موقت کلاس‌های درسی طلاب به مسجد جامع قاین منتقل شد و چون ساخت مدرسه جدید، متکی به تأمین منابع مالی موقوفی بود، لذا فاصله زمان تخریب مدرسه تا ساخت کامل آن در مکان جدید، به درازا کشید. چنان‌که برخی منابع بدین‌گونه به موضوع پرداخته‌اند: «پس از تخریب مدرسه، محل بحث و تدریس را مسجد جامع قاین قرار دادند، تا سرانجام در سال ۱۳۳۰ [شمسی] اقدام به ساخت مدرسه‌ای در اراضی موقوفه واقع در کوچه آهنگران نمودند» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). بدین جهت برخی طلاب بومی در موطن خود نماندند و برای تحصیلات مقدماتی، رنج سفر را بر خود هموار نموده و راهی مشهد و قم شدند.

پس از تخریب تنها مدرسه دینی قاین، طولی نکشید که در همان سال تخریب، اعتراضات از گوشه و کنار منطقه قاینات به گوش مقامات مسئول رسید. سرانجام مقامات بالادست، ریاست اداره فرهنگ و اوقاف مکران[۱] را جابه‌جا کردند، تا از بار اعتراضات مردمی را بکاهند. از این‌رو، میرزا ذبیح‌الله ناصح در این رابطه چنین اظهار می‌دارد: «آقای حکمت[۲] پس از بازدید از مدارس سیستان و بلوچستان [۱۳۱۶ش.]، در مراجعت به تهران، مرحوم سیدعلی تمدن[۳] معاون اداره فرهنگ و شهرستان‌ها و رئیس دفتر مخصوص وزیر فرهنگ را، به ریاست فرهنگ و اوقاف استان مکران اعزام کرد و آقای ناطقی را نیز به ریاست فرهنگ سبزوار که به تازگی با شهرستان اسفراین از فرهنگ

۱. در مهرماه ۱۳۱۴ [شمسی] از مجموع نمایندگی‌های فرهنگی بیرجند، قاینات، زابل، زاهدان و بلوچستان که تابع اداره معارف خراسان بودند، سازمان فرهنگی جدیدی به‌نام فرهنگ مکران به مرکزیت بیرجند تأسیس شد (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۴۱).

۲. علی‌اصغر حکمت (۱۲۷۲-۱۳۵۹ش.) از اسفند ۱۳۱۳ تا تیر ۱۳۱۷ شمسی، وزیر معارف بود.

۳. وی از سال ۱۳۱۶-۱۳۱۸ شمسی رئیس فرهنگ و اوقاف مکران بوده است (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۶۳،۲۶۱). نامبرده اهل تربت [حیدریه] و مردی بود اداری و فاقد معلومات (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۲۱۹،۱۹۳).

خراسان مستقل شده بود، منصوب کرد» (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

بدون شک یکی از دلایل سفر علی‌اصغر حکمت شیرازی وزیر فرهنگ و اوقاف و صنایع مستظرفه به قاین، در بیست‌ویکم فروردین سال ۱۳۱۵ شمسی، یعنی یک سال قبل از تخریب مدرسه، جهت موجه جلوه دادن این اقدام بوده است؛ چنان‌که حکمت در شرح مسافرت‌های خود به این موضوع اشاره نموده است. وی پس از توصیف شهر قاین و مسجد جامع آن، درباره مدرسه قدیمه (مدرسه علمیه جعفریه قاین) می‌گوید: «مدرسه قدیمی را نیز دیدم که به‌کلی منطمس (محو و نابود) و ویران شده بود ... قرار گذاردم که در محل مدرسه قدیمه و روی همان پی و شالوده، بنای دبستان جدیدی گذارده شود و از اعتبارات دولت ساختمان شود» (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۴۷، نقل از راشد محصل، ۱۳۸۸: ۲۹۷).

پس از گذشت یک سال از سفر قبلی، حکمت دوباره عازم بیرجند می‌شود که نتایج سفر قبلی خود را به ببیند. میرزا ذبیح‌الله ناصح در ضمن خاطراتش، از سفر دوم علی‌اصغر حکمت به بیرجند یاد کرده، این‌گونه می‌گوید: «آقای علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ در اوایل سال ۱۳۱۶ شمسی برای بار دوم به همراه جمعی برای سرکشی از اوضاع فرهنگی خراسان، مکران و کرمان به بیرجند وارد شد ... و در قاین هم از ساختمان [در دست احداث] دبستان پهلوی و مدرسه نوربخش بازدیدی داشت» (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

ادیب که در این خصوص هیچ حامی و پشتیبانی نداشت، در مقابل فشارهای مقامات دولتی، تاب مقابله نیاورد و سرانجام مدرسه به‌طور غم‌انگیزی تخریب شد؛ چنان‌که اگر متولیان و علمای مدرسه علمیه جعفریه قاین، هم‌چون علمای مدرسه علمیه معصومیه بیرجند، در صحنه حضوری پر رنگ می‌داشتند و ادیب را تنها نمی‌گذاشتند، شاید هم اکنون، وضع مدرسه به گونه‌ای دیگر بود. نقل است که ادیب، تا پایان عمر در برخی محافل و مجالس، داستان تخریب مدرسه ورد زبانش بود، اما به جهت ترس از اذیت و آزار حکومت، نتوانست داستان تخریب مدرسه را به رشته تحریر درآورد.

درخصوص تخریب مدرسه علمیه معصومیه بیرجند، گفتنی است که با درایت و زیرکی متولی وقت این مدرسه، وزیر فرهنگ وقت نتوانست این مدرسه را تخریب کند. علی‌اصغر فاضلی در خاطراتش ضمن اشاره به سفر علی‌اصغر حکمت، وزیر فرهنگ و اوقاف در سال ۱۳۱۵ شمسی به

بیرجند و انتقاد از رئیس وقت فرهنگ و اوقاف بیرجند (عطاءالله ناطقی) می‌گوید: «اطلاع پیدا کردم جناب وزیر قصد دارند پس از بازدید از آیت‌الله حاج شیخ محمدهادی هادوی[۱]، به مدرسه طلاب – مدرسه معصومیه – تشریف ببرند ... من استنباط کردم چون به آقای وزیر اطلاع داده‌اند آقای ناطقی در بین طلاب و روحانیون وجهه ندارند، این برنامه تنظیم شده است. در خدمت وزیر به مدرسه طلاب رفتیم ... بعد از چند دقیقه مرحوم حاج شیخ هادی هم تشریف آوردند ... در ضمن از آقای ناطقی رئیس فرهنگ تلویحاً تنقید [انتقاد] شد. آقای وزیر بلند شدند و با آقایان خداحافظی کردند و فرمودند میل دارم وضع اتاق‌ها را ببینم، به‌خصوص از قسمتی که تازه ساخته شده بازدید کنم که با توضیحات آقای آقاشیخ مهدی هادوی (آقازاده)، فرزند مرحوم آیت‌الله آقای هادوی که سرپرستی و اداره مدرسه را عهده‌دار بودند، این کار نیز انجام شد» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۲۱). باید به این نکته قابل توجه اشاره کرد که به هر روشی شده، بهانه قدیمی و مستهلک بودن بنای مدرسه از وزیر گرفته شد و جای بسی شکر دارد مدرسه علمیه بیرجند، به سرنوشت مدرسه علمیه قاین دچار نشد.

در سال ۱۳۱۷ [شمسی] آقایان محمد صاحب‌جمع (نایب‌الحکومه قاین)، مدرسی[۲] (رئیس مالیه)، محمدولی میرزا [نوربخش] (رئیس تلگراف[خانه])، سیدمصطفی شریعتی[۳] و نظام‌العلمای دشت-بیاضی اولین ساختمان مدرسه را در زمین مدرسه علمیه سابق، احداث کردند. این مدرسه بعد از دولتی‌شدن مدارس، دبستان پهلوی نامیده شد (رجبی، ۱۳۹۵).

---

۱. محمدهادی هادوی فرزند حاج ملاحسین بیرجندی در سال ۱۲۷۷ قمری در بیرجند متولد گردید. وی ازجمله شاگردان زبده میرزای شیرازی اول بوده و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۶ قمری در بیرجند به رحمت ایزدی پیوست (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۴۳-۳۴۴).

۲. مرتضی مدرسی [قبل از انتقال به فرهنگ، رئیس مالیه بود] فرزند آیتا... حاج شیخ علی مدرسی که لیسانسیه فیزیک داشت. وی پس از رئیس فرهنگ شاهرود، در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۰ [شمسی] به ریاست فرهنگ بیرجند نیز منصوب شد (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۹۲).

۳. پدر آیتا... سیدمحمد سعادت مصطفوی (۱۲۸۶-۱۳۷۳ش.) و جدّ پدری آیتا... سیدحسن سعادت مصطفوی و جدّ مادری آیتا... سیدمحمدتقی نقوی که در سال ۱۳۱۶ شمسی درگذشت و در قبرستان ابوالخیری قاین مدفون گشت.

معرفی برخی شاگردان برجسته

سبک شاگردپروری ادیب، زبانزد عام و خاص است. وی با منش و سیره معلمی خود، چنان در ذهن و روح شاگردانش تأثیر گذاشت که همین شاگردان بارها در خاطرات خود، از وی به شایستگی یاد کرده‌اند؛ شاگردانی که الگوپذیری از این سیره را، وجهه همت خود قرار داده و خود بعداً در جایگاه معلمانی شایسته ظاهر شدند. این در حالی است که ادیب در مدرسه طلاب قاین، کلاس‌های فنون تدریسی وجود نداشته که پشت سر بگذراند، بلکه به‌صورت ذاتی، خوی و منش معلمی در فطرت او نهادینه شده بود. از این‌رو، ثمره سال‌ها خدمات ادیب، وجود برخی اندیشمندانی فرهیخته شد که هر کدام از آنها در جایگاه خود، سرآمد و نامدار شدند. برخی از دانش‌آموزان دبستان یا دبیرستان پهلوی قاین و طلاب دروس ادبی و عربی مدرسه علمیه جعفریه قاین که افتخار شاگردی ادیب را داشته‌اند، بدین قرارند:

۱. آیتا... سیدمحمدعلی فقیه: ایشان در سال ۱۳۴۷ قمری در شهر قاین دیده به جهان گشود. وی فرزند آیتا... سیدحسین امام بود و از محضر اساتید مدرسه علمیه جعفریه قاین بویژه ابوی گرامی‌اش بهره فراوان برد، چنانچه در ۲۳ سالگی به درجه اجتهاد رسید. سپس جهت ادامه تحصیل عازم قم گردید. او آثار قلمی متعددی دارد که برخی از آنها به چاپ نرسیده است. وی سرانجام در سال ۱۳۷۴ شمسی در قاین دار فانی را وداع نمود (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۹-۳۱۰؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۳۱۰-۳۱۱؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۲-۲۴۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۷) و در قبرستان فرخ‌آباد مدفون گشت.

۲. آیت‌الله سیدمحمدتقی نقوی: ایشان تحصیلات ابتدایی خود را در قاین گذرانده و از محضر ادیب کسب فیض نموده است. وی شرح حال خود را این‌گونه بیان می‌کند: «در تاریخ ۱۳۰۸ شمسی مطابق ۱۳۴۸ هجری [قمری] در شهر قاین در خانواده مذهبی به‌دنیا آمدم. مرحوم پدرم تاجر بازار و از مالکین مشهور شهر بود و مرحوم مادرم صبیه حضرت حجه‌الاسلام آقای سیدمصطفی شریعتی بود که از علمای مشهور شهر بود. دوران ابتدایی را تا کلاس ششم در قاین به‌اتمام رساندم و سپس از جهت علاقه‌ای که به تحصیل علوم دینی داشتم، وارد مدرسه طلاب شدم و مقدمات را تا سیوطی در قاین از علماء آن زمان فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل از قاین به مشهد مقدس

رفتم. برای ادامه تحصیل، از مشهد به قصد نجف اشرف خارج شدم و مدت یک‌سال و نیم در تهران و یک‌سال در قم برای مقدمات سفر به عراق معطل شدم و سرانجام به عراق رفتم و در نجف از دروس اساتید آن دیار بهره بردم و در سال ۱۳۳۹ شمسی به ایران آمدم» (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۷، نقل از نقوی، ۱۳۸۶؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۸-۳۲۹). در یکی از منابع به این مورد اشاره شده که ایشان بعد از تحصیل دروس حوزه در قاین، عازم نجف اشرف شده و نزد اساتید آن سامان بهره برده است (فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۲۷۵). تاکنون هشت اثر از وی به چاپ رسیده است. وی در سال ۱۳۹۸ شمسی در تهران به دیار باقی شتافت و در قم، حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

۳. آیت‌الله سیدحسن سعادت مصطفوی: ایشان تا کلاس پنجم دبستان در قاین به تحصیل پرداخت و در دروس فارسی و عربی، از محضر ادیب بهره فراوان برد. زندگی‌نامه‌ی او به قلم خودشان بدین قرار است: «اینجانب سیدحسن سعادت مصطفوی فرزند حضرت آیت‌الله جامع المعقول و المنقول حاج سیدمحمد سعادت مصطفوی، در اول خردادماه ۱۳۱۵ شمسی در شهرستان قاین (خراسان جنوبی) متولد شدم. از شش سالگی به مکتب رفتم و بعضی کتاب‌های فارسی را فرا گرفتم و پس از یک‌سال و نیم، به مدرسه ابتدائی رفتم و چون معلوماتم در حدّ کلاس دوم بود، از همان ابتداء مرا به کلاس دوم بردند. تا کلاس پنجم را در قاین بودم. مرحوم والد [چون] بر اثر مبارزاتی که با خاندان علم داشتند و حوزه علمیه قاین را احیاء کردند و موقوفات آن را از تصرف خاندان علم بیرون آوردند، بر اثر مزاحمت‌های آنها، ناچار به مهاجرت به تهران شدند و ما در سال ۱۳۲۶ شمسی، به تهران منتقل شدیم. کلاس‌های ششم ابتدایی و دبیرستان را در تهران طی نمودم و در ضمن تحصیل در این دوران، نزد حضرت والد به تحصیل دروس مقدماتی حوزوی اشتغال داشتم (آیت‌الله سیدحسن مصطفوی، ۱۳۹۴). تاکنون از ایشان پنج کتاب و تعدادی مقالات در زمینه فلسفه و کلام اسلامی منتشر شده است.

۴. دکتر سیدعلیرضا مجتهدزاده: در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر قاین متولد شد و پدرش، سیدابوطالب را در کودکی از دست داد. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه جعفریه قاین شروع

کرد و بعد از مدتی راهی بیرجند شد و پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی در مدارس کلاسیک، در همین شهر به استخدام دولت درآمد. وی بعد از مدتی جهت ادامه تحصیل به مشهد عزیمت نمود و دیپلم گرفت. بعد از دیپلم در دانشگاه تهران پذیرفته شد و با کسب درجه لیسانس ادبیات فارسی، در دبیرستان فردوسی مشهد به تدریس پرداخت. سپس مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد. موضوع رساله دوره دکترای وی، [گردآوری] دیوان حکیم نزاری قهستانی بود. وی پس از ۳۴ سال خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد، در سال ۱۳۵۸ شمسی بازنشسته شد و سرانجام در سال ۱۳۷۲ شمسی به دیار باقی شتافت (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۸؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۳۱) و در حرم رضوی مدفون گشت.

۵. دکتر رضا زمردیان: ایشان در سال ۱۳۱۲ شمسی در شهر قاین دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در قاین گذراند. مدرک پنجم ادبی را در مشهد و مدرک ششم ادبی را در زمان سربازی در شیراز گرفت. در سال ۱۳۳۶ شمسی وارد دانشکده ادبیات مشهد شد و در سال ۱۳۳۹ با رتبه اول در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل گردید. در سال ۱۳۴۰ با استفاده از بورس تحصیلی عازم فرانسه شد و از دانشگاه سوربن پاریس دکترای زبان‌شناسی گرفت. ایشان در سال ۱۳۴۴ شمسی در دانشگاه مشهد در رشته زبان‌شناسی به‌عنوان استادیار پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۲ شمسی به مرتبه دانشیاری ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۸۲ شمسی با مرتبه استادی به افتخار بازنشستگی نایل آمد. تاکنون از وی ده‌ها کتاب و مقاله چاپ و منتشر شده است (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۶۹؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۳۲).

۶. دکتر سیدکاظم للهی: سیدکاظم للهی در سال ۱۳۲۰ شمسی در شهر قاین دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در قاین گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به دانشسرای مقدماتی بیرجند رفت و در کنکور ورودی این دانشسرا و در امتحان پایانی آن، موفق به احراز مقام اول شد. پس از کسب دیپلم متوسطه ریاضی در مشهد به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در نهایت، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه پاریس موفق به اخذ دکترای ریاضی محض گردید. دکتر للهی طی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی از پایه‌گذاران انجمن ریاضی ایران و دبیر انجمن ریاضی ایران بود. بعد از انقلاب اسلامی،

عضو هیأت برنامه‌ریزی و تدوین کتاب‌های درسی گردید (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۶؛ دکتر سیدکاظم للهی، ۱۳۹۶؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۰-۳۲۱). وی علاوه بر انتشار حدود ده کتاب به زبان فارسی، تاکنون بیش از صد مقاله و گزارش پژوهشی به زبان‌های انگلیسی و فرانسه در ریاضی و کامپیوتر منتشر نموده است.

شیوه پرداخت حقوق

پرداخت حقوق معلمان، خصوصاً در زمان پهلوی اول به این دلیل که برخی از آنان، حقوق خود را از عواید اوقافی و برخی دیگر از بودجه دولت دریافت می‌کردند، با تنگناها و محدودیت‌های خاصی مواجه بود. این تنگناها به مرور زمان در زمان پهلوی دوم کاهش یافت. گفتنی است میزان حقوق دریافتی معلمان نسبت به مخارج معیشتی مردم آن روزگار، در حدّ بسیار مطلوبی بوده است. رئیس [اداره] فرهنگ در پایان هر ماه، حقوق هر یک از معلمان مدرسه معرفت را که از عایدات اوقافی و به‌صورت نقدی بود، در دستمالی می‌پیچید و با خود به مدرسه می‌برد و همان‌جا نقداً پرداخت می‌کرد. علاوه بر حقوق، به هر یک از کارکنان مدرسه، سالی سه خروار گندم هم داده می‌شد (رجبی، ۱۳۹۵). «میزان حقوق دریافتی شیخ محمد ادیب، زمانی که در مدرسه معرفت بود، در فروردین سال ۱۳۰۷ شمسی، ۲۰۰ قران بوده است» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۳؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۲؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

یکی از معلمان هم‌عصر ادیب به‌نام علی‌اصغر فاضلی در خاطرات خود، به ساختمان در دست احداث اداره فرهنگ قاین و هم‌چنین وضعیت حقوق معلمان این منطقه در سال ۱۳۱۶ شمسی اشاره کرده، می‌گوید: «شب منزل نماینده فرهنگ قاین [ادیب] که بودیم، آقای رئیس فرمودند از آقای فاضلی خواهش کرده‌ام با اختیار تمام، مدت کمی به قاین بیایند و به کارهای شما [ادیب] سروصورتی بدهند و شما هم به کار ساختمان برسید. صبح آقای رئیس [فرهنگ و اوقاف] حرکت کردند و آقای ادیب نماینده معارف و مدیر دبستان پهلوی که سرپرستی ساختمان را عهده‌دار بودند به محل کار خود و بنده هم به مدرسه دولتی رفتم. مدرسه قاین وضع مخصوصی داشت، معلمین از اوقاف مدرسه حقوق می‌گرفتند و فقط آقای ادیب بود که از بودجه دولت شهریه دریافت می‌داشت.

از اول فروردین هم کسی به آنها [معلمان] حقوقی نداده بود. از آن طرف، اداره فرهنگ استان به‌جای این‌که حقوق معلمین را حواله کند، دبیر ورزش سیّار و دبیر سرود را مأمور قاین کرد و آقای مهران رئیس دبیرستان را که رهبر پیشاهنگی استان بودند، مأموریت دادند که به قاین بیایند. این سه نفر به مدرسه آمدند. وقتی از مأموریت آقایان مستحضر شدم، با هم رفتیم سر ساختمان، تا هم آقایان ساختمان مدرسه را ببینند و هم جریان نیامدن معلمین را به آقای ادیب بگویم. آقای ادیب فرمودند قدم آقایان به روی چشم، ولی مدرسه‌ای که شش ماه معلمین آن حقوق نگرفته‌اند، این تشریفات لازم را ندارد. گفتم تقصیر از شماست که نماینده فرهنگ [قاین] بوده و تا به‌حال اقدام نکردید. ایشان گفتند مستأجر اوقاف، مال‌الاجاره را نداده است. ناچار خودم به مستأجر مراجعه کردم، چون جواب‌های خوبی نمی‌داد، به‌وسیله مأمورین مربوط در ظرف ۲۴ ساعت بعضی از مال‌الاجاره‌ها را وصول کردم و حقوق معلمین را پرداخت نمودم» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۵).

بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین

ادیب که به عنوان بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین از وی یاد می‌شود، با تعهد کاری و توانایی تدریس خود توانست از عهده‌ی بار سنگین معلمی، برآید. وی در سال ۱۳۱۵ [شمسی] عهده‌دار نمایندگی اداره فرهنگ قاین که ضمیمه مدرسه معرفت بود، گردید و بدین ترتیب اولین رئیس و در واقع بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین شد. وی با سعی و تلاش، در سال ۱۳۱۷ [شمسی] نمایندگی اداره فرهنگ قاین را از مدرسه معرفت جدا کرد (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۵؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۶۲). از این‌رو، اداره آموزش و پرورش قاین به پاس قدردانی از خدمات محمد ادیب در ترویج علم و فرهنگ این منطقه، در سال ۱۳۴۷ شمسی دبستان دخترانه‌ای به‌نام «دبستان ادیب[1]» تأسیس کرد. شهرداری قاین نیز در سال ۱۳۸۶ شمسی خیابانی را در غرب شهر قاین به‌نام ادیب نام‌گذاری کرد. این قدردانی‌ها هر چند دیرهنگام و پس از مرگ ادیب، صورت پذیرفت، اما در جای خود، قابل تقدیر و ستایش است.

۱. این دبستان هم اکنون در کوچه‌ای در ابتدای میدان مبارزان قاین قرار دارد.

دریافت نشان علمی

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در زمان پهلوی اول به اندیشمندانی که خدمات ارزنده‌ای در راه ترویج علم و دانش، انجام می‌دادند، «نشان دانش» درجه یک، دو یا سه اعطاء می‌کرد. «ادیب در سال ۱۳۱۶ شمسی، از طرف وزارت اوقاف و صنایع مستظرفه آن زمان، به دریافت مدال درجه دو علمی نایل گردید (تصویر ۵). با وجود درخواست مکرر مقامات بالا، خدمت به زادگاهش را بر مقام بالاتر و هر جای دیگر ترجیح داد. روزی استاد فرزان رئیس فرهنگ مکران، به‌اتفاق بازرس وزارت فرهنگ از مدرسه قاین بازدید نمودند. آقای فرزان از شاگردی خواست تا درباره آن توضیح دهد. پس از توضیحات شاگرد و اظهارات آقای ادیب، بازرس وزارتخانه می‌گوید: شما باید در شهرهای بزرگ و در دانشکده ادبیات و الهیات تدریس می‌کردید. [به‌دنبالش] آقای فرزان می‌فرماید: آقای ادیب از قاین بیرون نمی‌روند و الا شهره آفاق می‌شدند» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۵؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۳۶).

شایان ذکر است که بنا بر استقصای نگارنده، در دوره پهلوی اول و دوم کسی به غیر از ادیب در اداره فرهنگ این منطقه (مکران و بیرجند) به کسب نشان علمی مفتخر نشده است که این خود گواهی بر دانایی و کمالات ادیب است.

بازنشستگی و وفات

ادیب در سال ۱۳۳۶ شمسی بازنشسته شد (تصویر ۶) و در سال ۱۳۳۹ شمسی جهت معالجه به مشهد عزیمت نمود و در مسافرخانه دربندعلی‌خان سکنی گزید، ولی متأسفانه معالجات پزشکان در روند بهبودی ایشان مؤثر واقع نگردید و سرانجام در ساعت یکم‌ونیم بامداد روز ۱۹ شهریورماه همان سال، دار فانی را بدرود گفت. سپس به سفارش اسدالله علم، از رجال سیاسی آن زمان، در صحن عتیق (انقلاب) حرم مطهر، در سمت شرقی قبر شیخ‌حسنعلی نخودکی اصفهانی مدفون گردید.[۱]

۱. مصاحبه با محمدرضا ادیب، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۷

یک از شاگردان ادیب به‌نام سیدجواد مصطفوی در زمان فوت استادش اشعاری در رثاء ایشان سروده است:

برون از زادگاه خود، یکی استاد دوران شد — که وقت رفتنش، چشمان هر بیننده گریان شد
ادیب مُلک قاین، پایه بگذار معارف را — انیس و مونس شب‌ها، شهنشاه خراسان شد
به‌سال شصت‌وهفت[1] از عمر، در ماه ربیع‌اول — وطن بگزید و از بودن، در این قاین پشیمان شد
دُر دریای قاین، دل به دلداری سپرد اکنون — که قدر دُر همی داند، بهایش هم نمایان شد
جوادا مرگ استادت، تو را شد رخنه‌ای در دل — سزد کز دیده خون باری، که قاین بیت‌احزان شد

نتیجه‌گیری

این نوشتار مروری بر زندگی علمی فردی است که برای کسب علم و دانش، پا را فراتر از موطن خود نگذاشت تا به آموزش فرزندان این منطقه بپردازد. محمد ادیب در تنها مرکز علمی آن زمان قاین، یعنی مدرسه علمیه جعفریه به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و مهم‌ترین دغدغه او تعلیم و تربیت نسل آینده‌ساز شهر قاین بود. وی تنها معلمی بود که هم در مدرسه طلاب و هم مدارس نوین قاین، به تدریس اشتغال داشت. ادیب سال‌ها برای تأسیس اداره فرهنگ قاین سعی و تلاش وافر نمود و سرانجام در سال ۱۳۱۵ شمسی نتیجه این کوشش‌ها به منصه ظهور رسید. از این‌روست که از وی به‌عنوان بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین یاد می‌شود. هر جا که سخن از تعلیم و تربیت به سبک نوین می‌شود، از ادیب که چهار دوره متناوب مسئولیت اداره فرهنگ قاین را برعهده داشته است، به نیکی یاد می‌شود. وی علاوه بر علوم فارسی، بر زبان عربی نیز تسلط داشت و از خط خوشی نیز برخوردار بود و در سال ۱۳۱۶ شمسی به دریافت نشان درجه دو علمی از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نایل شد و بنا بر استقصای نگارنده، در دوره پهلوی اول و دوم کسی به غیر از ادیب در اداره فرهنگ این منطقه (مکران و بیرجند) به کسب نشان علمی مفتخر نشده است که این خود گواهی بر دانایی و کمالات ادیب است.

۱. سن ادیب در زمان فوت به قمری (۱۳۱۳-۱۳۸۰ق.)، ۶۷ سال بوده است.

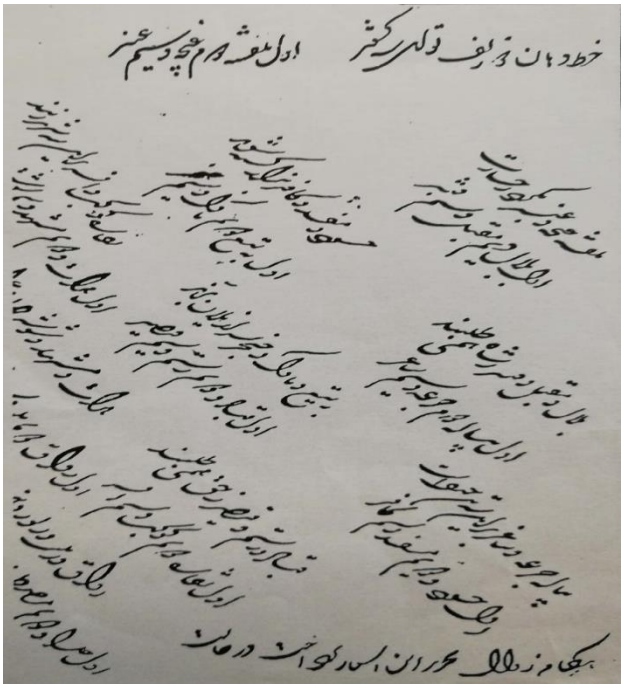
منابع

- آیت‌الله سیدحسن مصطفوی (۱۳۹۴). [پیوسته] قابل دسترس در: http://erfanvahekmat.com [۱۳۹۸/۲/۹]
- استاد محمد ادیب؛ معروف به شیخ‌محمد مدیر (۱۳۸۲). آموزش و پرورش قاینات از آغاز تاکنون (ویژه‌نامه گرامی‌داشت روز معلم).
- تاریخچه آموزش و پرورش نوین قاین، داستان اولین دبستان قاین (۱۳۹۳). [پیوسته] قابل دسترس در: http://www.tanineqayenat.ir/post/911 [۱۳۹۸/۲/۲۹]
- دکتر سیدکاظم للهی (۱۳۹۶). [پیوسته] قابل دسترس در: http://www.tanineqayenat.ir/post/12422 [۱۳۹۸/۲/۲۹]
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۲). *جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. بیرجند: مدیریت میراث فرهنگی بیرجند؛ رزقی.
- ـــــــــ (۱۳۸۸). *از شوکتی تا دولتی: جستارهای فرهنگی درباره‌ی شرق ایران*. تهران: هیرمند.
- رجبی، نجیبا... (۱۳۸۴). *تاریخ و جغرافیای شهرستان قاینات (توانمندی‌ها و استراتژی‌های توسعه)*. تهران: شهرآشوب.
- ـــــــــ (۱۳۹۵). "آموزش و پرورش قاینات صدساله شد". [پیوسته] قابل دسترس در: http://www.tanineqayenat.ir/post/7448[۱۳۹۸/۲/۱۷]
- ـــــــــ (۱۳۹۸). *هویت‌های شهر قاین*. به اهتمام شهرداری و شورای اسلامی شهر قاین (دوره پنجم). قاین: اکبرزاده.
- رجبی، نجیبا...؛ رجبی، میثم (۱۳۹۰). *تاریخ و مشاهیر قاینات*. تهران: شهرآشوب.
- فاضل قاینی نجفی، علی (۱۳۸۶). *ستارگان فروزان در شناخت علمای قاینات و قهستان*. قم: آل فاضل.
- گفت‌وگو با خانم فاطمه‌رباب مؤمنی، معلم سال‌های دور قاین (۱۳۹۴). گردآورنده شهاب قوی. [پیوسته] قابل دسترس در: http://tolueqaenat.ir/fa/1390-06-09-15-33-37/284 [۱۳۹۸/۲/۲۹]

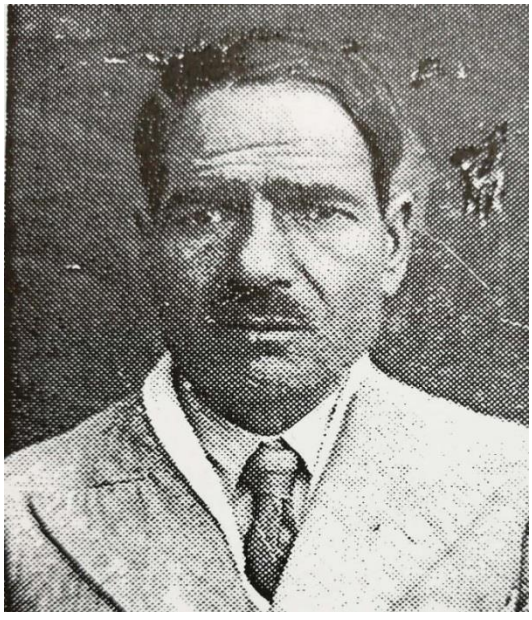
- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۴). *تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی*. مشهد: مرندیز.
- ناصح، محمدامین (۱۳۹۵). دولت یاد: *تاریخ محلی بیرجند در آغاز سده معاصر (به روایت میرزا ذبیح‌الله ناصح)*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ناصح، محمدامین؛ میری، محمدرضا (۱۳۹۲). *از شوکتیه تا دانشگاه بیرجند (۱۳۵۶-۱۲۸۶ش.): با رویکردی به زمینه‌های استقرار آموزش نوین در ایران*. تهران: فکر بکر.
- نقوی، سیدمحمدتقی (۱۳۸۶). "*زندگی سیدمحمدتقی نقوی به قلم خودش*". [پیوسته] قابل دسترس در:

http://toluqaenat.blogfa.com/post/525 [۱۳۹۸/۲/۱۷]

- **مصاحبه‌ها**
- ادیب، محمدرضا، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۷
- مصطفوی، سیدجواد، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۱۸
- مظلوم‌زاده، بی‌بی عصمت، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۳/۲۳



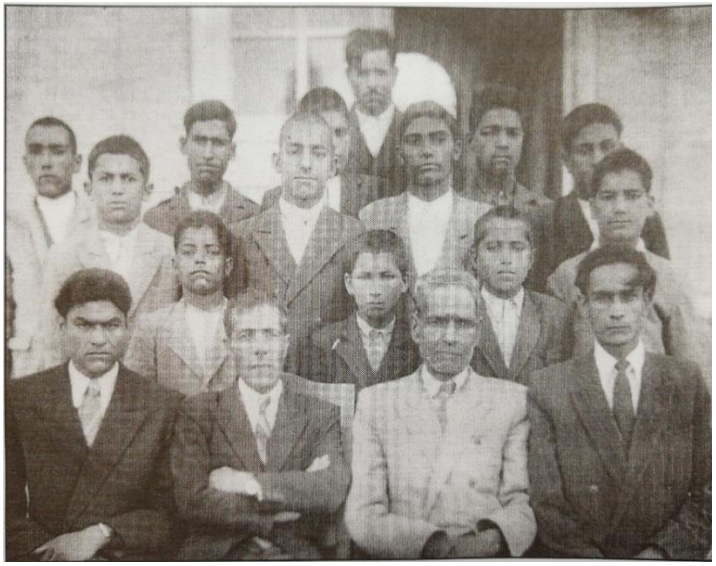
تصویر۱) نمونه‌ای از دست‌خط محمد ادیب (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲)



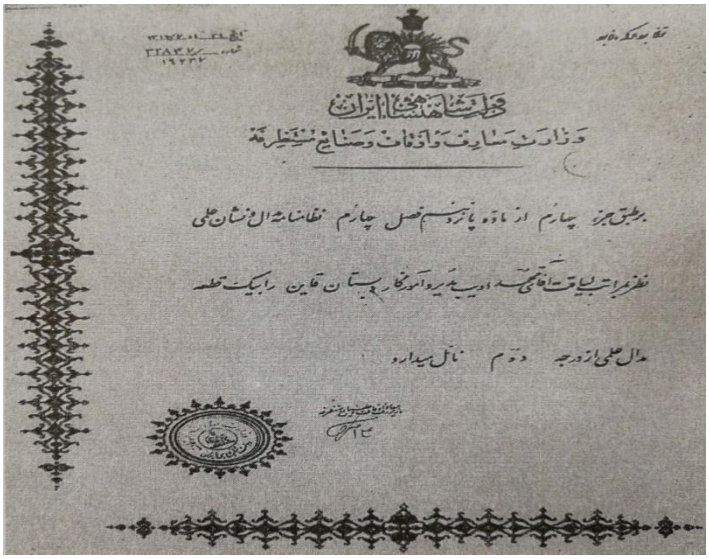
تصویر۲) محمد ادیب حدود سال ۱۳۱۵ شمسی (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲)



تصویر۳) اولین نفر نشسته از چپ محمد ادیب و جمعی از معلمان دبستان پهلوی قاین (تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳)



تصویر۴) دبیرستان پهلوی قاین سال ۱۳۲۶ شمسی، نشسته از راست: علی‌اکبر فخر، محمد ادیب، علی شفیعی و محمدحسن پناهنده (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۹۶)



تصویر۵) مدال علمی درجه دوم محمد ادیب (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۵)



تصویر۶) محمد ادیب حدود سال ۱۳۳۶ شمسی

Muhammad Adib
The Founder of Qayen's Culture Administration

Sayyed Noorollah Nasrollahi[1]

Abstract

Education plays several key roles in any society; on the one hand it keeps the cultural heritage alive and transmits it on the other hand it can be an act of transformation. Education can be grounded in the selection and orientation of talents for the future. Given the pivotal role of education, those active in the field of education and in the realization of the functions of the educational system have a special place in the transmission and preservation of cultural heritage and social change. The next article is devoted to examining the role of one of the activists in the field of education, Mohammad Adib. As a teenager, he studied the usual Persian and Arabic literary sciences at Ja'fariyyah Seminary School, and with a keen sense of humor, put a cluster of knowledgeable scholars in the area at the forefront of his work. With her talent and talent, she began working with other teachers to lead the region's young generation at a time when knowledge and knowledge had not been universal. Adib, known as the founder of the Department of Culture in Qain, faced a major challenge during his tenure as demolitionist. He was one of the few to receive a second-class scientific award from the Ministry of Education, Endowments and the Industries. The fruit of years of literary education were educated intellectuals, each of whom had a name for himself. This study seeks to analyze Mohammad Adib's position in the Qain education system.

Keywords: Qain Education, Qain Culture Department, Mohammad Adib

[1]. Faculty Member, University of Birjand; Email: nnasrollahi@birjand.ac.ir

The relationship between talent management and Human Resource Productivity, with regard to mediation Organizational agility of education staff

Somayeh Mezginezhad[1], Hadi pourshafei[2], Zahra Boshadi[3]

Abstract

One of the requirements of modern organizations is human resource productivity, which can be expanded in the light of talent management and organizational agility. Understanding this issue, the present study aimed to investigate the relationship between talent management and human resource productivity, with regard to mediation Organizational agility of South Khorasan education staff. The present research is a correlation type that is conducted by a survey method and is applied in terms of purpose. The statistical population of all employees of the General Office of Education in South Khorasan was 260 people. Based on Morgan's table, 150 people were selected by random sampling. The research tool was the Human Resources Productivity Questionnaire of Hersey and Goldsmith, Organizational agility Sharifi and Zhang and talent management Ahmadi and et al. The validity of this questionnaire was confirmed by the professors and its reliability was calculated to be 0.96, 0.96 and 0.97, using Cronbach's alpha coefficient for each questionnaire. Data were analyzed using the statistical software $SPSS_{24}$ and $Lisrel_{8.8}$ and the statistical tests of multivariate synchronous regression and Structural Equation Modeling.The results showed that talent management variable was both direct and indirect and through organizational agility variable predicting human resource productivity. The z-test of Sobel, i.e., the relative indirect test of the indirect route versus the direct talent management model and the manpower productivity, were significant at z= 2.05 and p= 0.04 indicating the agility of organizational agility.

Keywords: Organizational Agility, Talent Management, Human Resource Productivity

1. PhD Student, Educational Administration, Shiraz University, Email: s.mezginejad@gmail.com
2. Associate Prof, Educational Administration, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Birjand University; Email: hpourshafei@birjand.ac.ir
3. MA, Public Administration of Design in Governmental Organizations, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Birjand Branch; email: boshadi.z@gmail.com

A Comparative Study of the Relationship between Saffron Production and Co-operation and Assistance in South Khorasan Villages

Gholam Ali Moradi[1], Asghar Mohammadi[2], Esmael Jahanbakhsh[3]

Abstract

Co-operation is helping each other which is closely related to traditional activities such as agriculture, crop cultivation and more specifically to saffron production. Saffron production has played an important role in preserving traditional cooperatives in the villages of South Khorasan for its unique characteristics such as the need for teamwork, co-operation and assistance. The purpose of this study was to investigate the relationship between saffron production and the existence of traditional cooperatives in South Khorasan villages. This is a comparative and applied research which is conducted by the survey method. The statistical population is 82000 beneficiary farmers in South Khorasan in 1398. Some villages in cities of GHayen, Zirkooh, Sarayan, Ferdos and Boshrooyeh have been studied. Using Cochran formula, 550 beneficiary farmers (saffron and non-saffron farmers) were selected as the sample of the study. The sampling method is multi-stage cluster sampling. The data collection tool was a researcher-made questionnaire whose validity was measured by a supervisor, a consulting professor, a number of university faculty members and co-operative experts. The reliability of the data collection tool was measured by Cronbach's alpha. The calculated alpha value was 0.82. After collecting the questionnaires, the data were analyzed using SPSS / 23 software under windows. Findings of this study using independent t-test showed that the relationship between cooperatives and saffron production with t value was 17.32 to (0.000) significant. In other words, saffron production plays an important role in preservation and continuity of traditional cooperatives in saffron producing villages. In the other five dimensions of co-operation such as cooperation in non-agricultural affairs, co-operation in crop production, co-operation in cultivation and co-operation in harvesting and co-operation in establishing cooperatives, the difference between saffron producer and non-saffron producer villages was also significant (to the level of 0.000). In other words, saffron producer villages had a higher level of co-operation and assistance. Based on the results, it is suggested that crop production organizations and agencies put the increasing of the production of saffron on the list of their priorities.

Key words: Saffron production, traditional cooperatives, co-operation, Assistance

1 Ph.D. Student, Economic Sociology and Development, Azad University of Dehaghan; Email: moradi.gholamali@yahoo.com

2 Assistant Prof, Sociology, Azad University of Dehaghan; Email**:** asghar.mo.de@gmail.com

3 Assistant Prof, Sociology, Azad University of Dehaghan; Email**:** esjahan@yahoo.com

Investigating the Function of Scientific Dedication and Social Welfare in Khorasan (Shadmehrs'Dar-al-aytam)

Fatemeh Rezaei Maki[1]

Abstract

Dedication as a way of preserving the principle of personal property and allocating its income to the interests of the well-known interest in Iranian history has been of great importance, and has been considered at various times. Dedication to Dar-al-aytam and determining the conditions for studying the new sciences for those under his supervision are modern phenomena. As the only example of its kind in Khorasan at that time and its emphasis on the acquisition of educational and occupational skills by the children under cover, the Shadmehr**s'** Dar-al-aytam is a special case study and has identified with a scientific approach the conditions of endowment. This study seeks to answer the question of how Shadmehrs Daralayatam was formed and what he did for progress of orphans, and intends to rely on family documents and the personal archive of Rezaqoli Mirza Ghahraman, and interview those who were somehow with the Institute. The descriptive-analytic approach to this question is answered, and in concurrent compares Daralaytam with some similar cases.

Key words: Dar-al-aytam, Dedication, Shadmehr, Orphans, Shoja al-soltan.

1 Ph.D., History of Islamic Iran, Kharazmi University; Email: f.rezaeim@ yahoo.com

The Factors Affecting Rule breaking in the Suburbs of Mashhad City

Milad Poor Rajabi[1], Ali Akbar Majdi[2]

Abstract

The marginalization is one of the factors contributing to lawbreaking and interconnectivity of metropolitan security, which is the birth of inappropriate economic and social planning. The purpose of this article is to evaluate the rate of legalization and explain some of the factors affecting it in marginal and suburban areas of Mashhad. The research method is descriptive-analytical and its statistical population is all people in the suburbs of Mashhad. Of these, 5 regions and 383 marginalized individuals were selected as samples. Data were analyzed and analyzed by SPSS software. The results indicate a significant degree of legalization with an average of 2.9. Also, the correlation between religious factors (other than adherence to religious rituals), the feeling of equality (except for respecting the rights of ethnicities, the superiority of the law on relationship and meritocracy), the sense of efficiency and the sense of alienation (with the exception of sensational sensation) are statistically significant. The results indicate a significant weakness in the foundations of knowledge and knowledge, economic and productive foundations, as well as institutional mechanisms in allocating and distributing capital and facilities, all of which lie within the framework of an unconventional military system based on the experience and everyday life events and personal interest-oriented tendencies, Has led to erosion laws in the area.

Key words: Legitimating, alienation, efficiency, marginalization, deviant behavior

1 Ph.D. Student, Economic Sociology and Development, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad; Email: **milad.porrajabi@gmail.com**

2 Faculty Member, Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad; Email: **majdi@um.ac.ir**

Investigating the Relationship between Social Capital and Marital Satisfaction in Birjand

Mohammad Bagher Akhondi[1], Fatemeh Lak[2]

Abstract

Marital satisfaction is a very important and fundamental factor for family stability. In recent years the unprecedented increase in divorce rate in Birjand indicates high weaknesses of families and changes in marital life style. The purpose of this survey is to explain the marital satisfaction in of Brigands' couples in 2018.This article seeks to find a reason for reducing marital satisfaction in the city of Birjand. The theoretical framework of this research is based on the theory of social capital by James colman lane and Bradbury Fincham and phenol. The research method of this study is survey and the statistical population of this study is households in the city of Birjand. Findings indicate that marital satisfaction increases by 0/47 for each unit of change in social capital of inter-group and in exchange for each unit of change in social capital of structural inter-group marital satisfaction increases by 0/34. In general 59% of marital satisfaction changes are explained by the main variables of social capital within a structural inter-group and cognitive inter-group. The results of the research is that social capital of inter-group does not have an important effect on the satisfaction of couples but the changes that have been made within the structure of the family and between couples are more important. Model fit tests show that the model is good for this study so this model can be generalized from the sample to statistical society. Finally the value is 0/95 kmo and the appropriate amount of Bartletts test at a significant level of 0.000 indicates the fitting of the research model and the ability to generalize the factorized sample into Research population.

Keywords: social capital, marital satisfaction, marital trust, marital commitment.

1.Assistant Prof, Sociology, Birjand University; Email: akhondi@birjand.ac.ir

2. MA, Social Science; Email: fateme.lak1372@gmail.com

Table and content

Investigating the Relationship between Social Capital and Marital Satisfaction in Birjand/ Mohammad Bagher Akhondi, Fatemeh Lak **1**

The Factors Affecting Rule breaking in the Suburbs of Mashhad City/ Milad Poor Rajabi**,** Ali Akbar Majdi **35**

Investigating the Function of Scientific Dedication and Social Welfare in Khorasan (Shadmehrs'Dar-al-aytam)/ Fatemeh Rezaei Maki **61**

A Comparative Study of the Relationship between Saffron Production and Co-operation and Assistance in South Khorasan Villages/ Gholam Ali Moradi**,** Asghar Mohammadi**,** Esmael Jahanbakhsh **91**

The relationship between talent management and Human Resource Productivity, with regard to mediation Organizational agility of education staff/ Somayeh Mezginezhad**,** Hadi pourshafei**,** Zahra Boshadi **117**

Muhammad Adib, The Founder of Qayen's Culture Administration/ Seyyed Noorollah Nasrollahi **143**

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

- Dr. Mohammad Javad Asghari Ibrahim Abad/ Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad
- Dr. Atefeh Ajori Ayask, Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Samira Poor, Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Aghdas Asghari, Assistant Professor, Azad University of Gonabad
- Dr. Javad Mekaniki, Associate Professor, University of Birjand
- Dr. Hadi Poor Shafei, Associate Professor, University of Birjand
- Dr. mohammad Ali Rostami Nejad, Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Mofid Shateri, Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. MohammadAli Talebi, Assistant Professor, Payam Noor University of Birjand
- Dr. Mohammad Valipoor, Assistant Professor, Farhangian University of Birjand
- Akram Naseri, Lecturer, University of Birjand

In The Name Of God

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan Serial: 52

ISBN 1735-8256 Year 13, No. 4., Summer 2019

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser **Editor-in-chief:** Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed **Executive manager:** Zerang, Mahin

Editorial Committee

1. Mohammad Bagher Akhoundi/ Assistant Professor, University of Birjand
2. Habib Allah Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
4. Dr. Mohammad Behnamfar, Professor of Persian language and literature, Birjand University
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editor: Dr. Abbas Vaezzadeh **Editors:** Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Translator and English Editor: Toosheh, Elahe

Technical affairs: Chaharderakht puplications

Lithography & Press: Ofogh Hezareh sevom kavir institution

Circulation: 1000 **Price:** 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction. Research Society Office **Tel:** 056-32323393 **Fax:** 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir info@farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می‌بایست مبلغ ۱۰۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه و یا به آدرس info@farhangekhorasan.ir ارسال فرمایند.

(مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت.)